

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



مدیریت امور اقتصادی و اجتماعی خانواده (جلد دوم)

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

شاخه: کاردانش

زمینه: خدمات

گروه تحصیلی: سلامت و بهداشت

رشته مهارتی: مدیریت و برنامه ریزی امور خانواده

نام استاندارد مهارتی مبنا: برنامه ریز امور اقتصادی و اجتماعی خانواده

کد استاندارد متولی: ۱-۰۰۰-۰۰۱-۰۴۹-۲-۵۳۲۲





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب: مدیریت امور اقتصادی و اجتماعی خانواده (جلد دوم) - ۳۱۲۲۵۰

پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: معصومه صادق، افشار بهمنی، حسن آقا بابایی، محمد کفاشان، حمیده پازانی و احسان کفاشان (اعضای

شورای برنامه‌ریزی)

حوا دهقان، نرجس نوری، محمد کفاشان، شهین ابروانی، ربابه نوری و مریم ابن تراب (اعضای گروه تألیف)

عزت‌الله خیرالله و محمد محمودی (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی: جواد صفری (مدیر هنری) - مریم کیوان (طراح جلد) - مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا)

نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران-کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج-خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ سوم ۱۴۰۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآرد و به کار بپردازد. از متن دانشگاه‌ها تا بازارها و کارخانه‌ها و مزارع و باغستان‌ها تا آنجا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد.

امام خمینی (قَدِّسَ سِرُّهُ)

- شایستگی ۶: توسعه شناخت روابط سالم انسانی و اخلاقی در خانواده و جامعه ۱
- شایستگی ۷: به کارگیری اصول تعلیم و تربیت فرزند ۶۳
- شایستگی ۸: آموزش نحوه همکاری خانواده با مدرسه و سایر مراکز آموزشی ۱۴۳
- شایستگی ۹: بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و آگاه نمودن سایر اعضای خانواده نسبت به حقوق خود ۱۷۱
- منابع ۲۱۰

محتوای این کتاب در سال ۱۳۹۹ با توجه به مفاد استاندارد جدید سازمان متولی و پس از ارزیابی خبرگان با استفاده از محتوای کتاب‌های قبلی رشته مدیریت خانواده شاخه کاردانش تحت نظر کمیسیون تخصصی رشته متناسب‌سازی شده است.

خانواده، نخستین نهاد اجتماعی و رکن اصلی جامعه بشری است که پایه‌های تربیت و تعلیم، در آن بنیان‌گذاری می‌شود. هرگاه پایه‌های این رکن اساسی در جامعه متزلزل شود، آن جامعه در مسیر تباهی و نابودی قرار خواهد گرفت. بنابراین، هر خانواده به‌عنوان یک سازمان کوچک، نیاز به مدیریت بر امور اقتصادی و اجتماعی خود دارد. مدیریت در خانواده را می‌توان یک مدل مشارکتی دانست؛ این بدان معناست که بعضی از تصمیماتی که برای هزینه‌ها و بسیاری از مشکلات رفتاری - اجتماعی در خانواده اتخاذ می‌شود با همفکری بیشتر و سنجیده‌تر صورت می‌گیرد و تمام اعضای خانواده موظف‌اند از تدابیر و سیاست‌های خانواده در جهت پیشبرد اهداف آن تبعیت کنند. به‌همین جهت مباحث مربوط به مدیریت در خانواده از مهم‌ترین مواردی است که در کتاب حاضر به آن پرداخته شده است. کتاب حاضر برای هنرجویان پایه دوازدهم رشته مدیریت و برنامه‌ریزی امور خانواده در شاخه کاردانش در دو بخش مجزا به شرح زیر تهیه و تدوین شده است:

بخش اول: مدیریت امور اقتصادی خانواده

شایستگی اول: توسعه شناخت خانواده و نیازهای آن

این شایستگی در دو واحد یادگیری به بررسی و شناخت خانواده و نیازهای آن می‌پردازد. کسب این شایستگی، هنرجو را قادر می‌سازد، تا به فرهنگ و پاره‌فرهنگ‌ها، عرف و آداب و رسوم ایرانی احترام گزارده و در برقراری روابط سالم انسانی و اخلاقی در خانواده تلاش نماید.

شایستگی دوم: مدیریت در خانواده

شایستگی دوم، در پنج واحد یادگیری، به بررسی و شناخت اصول و مفاهیم مدیریت در خانواده شامل اصول برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری، کنترل و نظارت و فرایند تصمیم‌گیری می‌پردازد. کسب این شایستگی، هنرجو را قادر می‌سازد تا بتواند، اصول و مهارت‌های کسب شده در خانواده را به کار گیرد.

شایستگی سوم: تنظیم بودجه در خانواده و مدیریت هزینه‌های آن

این شایستگی در چهار واحد یادگیری به بررسی تنظیم بودجه در خانواده، مدیریت هزینه‌های خانواده، مدیریت پس‌انداز در خانواده و اصطلاحات حسابداری می‌پردازد. هدف از این شایستگی این است که هنرجو بتواند، توازن در دخل و خرج خانواده را رعایت کند، بودجه‌بندی و مدیریت هزینه‌ها را برعهده بگیرد و با شناخت مفاهیم پس‌انداز و جایگاه آن در اقتصاد خانواده، فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی را نیز در خانواده به کار گیرد.

شایستگی چهارم: پرورش شخصیت خلاق و کارآفرین

این شایستگی به بررسی راه‌ها و روش‌های پرورش ویژگی‌های تفکر خلاق و شخصیت خلاق و کارآفرین می‌پردازد. برای کسب این شایستگی، هنرجو باید بتواند از طریق انجام تمرینات و فعالیت‌های مختلف، شخصیت خلاق و کارآفرین را بشناسد و تلاش نماید تا خلاقیت و ویژگی‌های کارآفرین شدن را در خود پرورش داده و توسعه دهد.

شایستگی پنجم: راهبری طرح کسب و کار برای برنامه‌ریزی امور خانواده
هدف اصلی در شایستگی آخر، تهیه و ارائه یک نمونه طرح کسب و کار در زمینه امور اقتصادی و اجتماعی است. بر همین اساس، در این قسمت سعی شده است به بررسی راه‌ها و روش‌های راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک فردی و خانوادگی به‌ویژه نحوه تشکیل شرکت‌های تعاونی پرداخته شود.

بخش دوم: مدیریت امور اجتماعی خانواده

شایستگی ششم: توسعه شناخت روابط سالم انسانی و اخلاقی در خانواده و جامعه
کسب این شایستگی، هنرجو را قادر می‌سازد، تا از طریق انجام تمرینات و فعالیت‌های مختلف، اصول روابط سالم انسانی و اخلاقی در خانواده و جامعه را شناخته و آنها را در زندگی خود به کار گیرد. بر همین اساس، این شایستگی در سه واحد یادگیری و شناخت مفاهیم و اصول برقراری ارتباط، شناخت عوامل مؤثر بر روابط سالم و اخلاقی در خانواده و جامعه و شناخت مشکلات و آسیب‌های ارتباطی و درمان آنها می‌پردازد.

شایستگی هفتم: به‌کارگیری اصول تعلیم و تربیت فرزند
در شایستگی پنجم، هنرجو باید بتواند از طریق انجام تمرینات و فعالیت‌های مختلف، اصول تعلیم و تربیت فرزند در خانواده را به کار گیرد. بر همین اساس، این شایستگی در چهار واحد یادگیری به بررسی روش‌های به‌کارگیری اصول تعلیم و تربیت در فرزندپروری، شناخت مراحل رشد اخلاقی در کودکان، به‌کارگیری شیوه‌های یادگیری کودکان و شناخت جایگاه و نقش بازی، قصه‌گویی و اوقات فراغت در تعلیم و تربیت کودکان و مشکلات و راهکارهای آن می‌پردازد.

شایستگی هشتم: آموزش نحوه همکاری خانواده با مدرسه و سایر مراکز آموزشی
این شایستگی، در سه محور اصلی به بررسی برقراری ارتباط با مدیر، معلم و سایر کارکنان مدرسه، مشارکت اولیا با مدرسه و همکاری خانواده با مدرسه و مراکز آموزشی می‌پردازد. برای کسب این شایستگی، هنرجو باید بتواند از طریق انجام تمرینات و فعالیت‌های مختلف، نحوه همکاری خانواده با مدرسه و دیگر مراکز آموزشی را شناخته و تلاش نماید تا آن را در زندگی خود به کار بگیرد و توسعه دهد.

شایستگی نهم: بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و آگاه نمودن سایر اعضای خانواده نسبت به حقوق خود
این شایستگی، در سه واحد یادگیری به بررسی حقوق و انواع آن، حقوق خانواده و قوانین ارث مرتبط با قوانین خانواده و چالش‌های آن می‌پردازد. برای کسب این شایستگی، هنرجو باید بتواند از طریق انجام تمرینات و فعالیت‌های مختلف، ضمن بهره‌گیری از حقوق قانونی خود، سایر اعضای خانواده را نیز نسبت به حقوق خود، آگاه نماید.

سخنی با همکاران گرامی و هنرجویان عزیز

- استفاده مطلوب از کتابی که در دست دارید، مستلزم حضور فعال و خلاق شما در موقعیت‌های یاددهی - یادگیری آن در بیرون و درون هنرستان و بهره‌بردن از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند تمام کسانی است که با آنها تعامل دارید. انتظار می‌رود هنرجویان تلاش کنند تا با راهنمایی هنرآموز، در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند و سعی کنید خوب بشنوند، خوب بخوانند، خوب بگویند، خوب بپرسند و خوب انجام دهند.
- برای کسب شایستگی‌ها در هر واحد یادگیری فعالیت‌هایی طراحی شده و لازم است هنرجویان با نظارت هنرآموز خود به صورت فردی و در گروه‌های کلاسی آنها را انجام دهند تا بتوانند یافته‌های خود را در هر بخش تحکیم و تثبیت کنند و برداشت عمیق‌تری از موضوع یا مسئله مورد بررسی به دست آورند و بتوانند در زندگی و روابط خود به کار ببندند و توانایی‌های خود را ارتقا بخشند. تصاویر، جدول‌ها و نمودارها بخشی از محتوای درس هستند و شما هنرجویان برای رسیدن به اهداف درس، آنها را نقد و ارزیابی کنید.
- در صفحه پایانی هر واحد یادگیری سؤالات به صورت عملکردی طراحی شده است تا مطالب آموزش دیده را در موقعیت طرح شده، بررسی و چالش‌های تعیین شده را تمرین کنید و با انجام تمرینات بتوانید مهارت‌های آموزش دیده را تکمیل و توانایی‌های خود را ارتقا بخشید.
- در ارتباط با شایستگی‌های غیرفنی از جمله شرکت در اجتماعات و فعالیت‌های فردی و گروهی، یادگیری، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، اخلاق حرفه‌ای، حفاظت از محیط زیست و...؛ تمامی این موارد همراه با شایستگی‌های فنی در کتاب فعالیت‌های یادگیری طراحی و ارائه شده است. شما هنرجویان عزیز کوشش نمایید، این شایستگی‌ها را در کنار شایستگی‌های فنی آموزش ببینید، تجربه کنید و آنها را در انجام فعالیت‌های یادگیری به کار گیرید.
- رعایت نکات ایمنی، بهداشتی و حفاظتی از اصول انجام کار است. لذا توصیه‌های هنرآموز محترمتان را درخصوص رعایت مواردی که در کتاب آمده است، در انجام کارها جدی بگیرید. امیدواریم با تلاش و کوشش شما هنرجویان عزیز و هدایت هنرآموزان گرامی، در جهت سربلندی و استقلال کشور و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و تربیت شایسته جوانان برومند میهن اسلامی گام‌های مؤثری برداشته شود.

گروه مؤلفان



شایستگی ۶

توسعه شناخت روابط سالم انسانی و اخلاقی در خانواده و جامعه



امام سجّاد علیه السلام: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يَثْرِي الْمَالَ وَ يَنْمِي الرِّزْقَ وَ يُنْسِي فِي الْأَجَلِ وَ يُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ؛

گفتار نیک، ثروت را زیاد و روزی را فراوان می‌کند، مرگ را به تأخیر می‌اندازد، انسان را در خانواده محبوب می‌کند و به بهشت وارد می‌نماید.^۱

زمان: ۴۱ ساعت (نظری ۳۲ ساعت + عملی ۹ ساعت)

واحد یادگیری ۱: برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در خانواده

استاندارد عملکرد

برقراری روابط سالم انسانی و اخلاقی در خانواده و جامعه با رعایت اصول اخلاقی در خانواده براساس منابع علمی - اسلامی و استانداردهای سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در خانواده
- ۲ برقراری ارتباط مؤثر با همسر
- ۳ توسعه شناخت مشکلات و آسیب‌های ارتباط در خانواده

شایستگی‌های غیر فنی مورد انتظار

- ۱ مهارت گوش دادن
- ۲ شرکت در فعالیت و اجتماعات
- ۳ یادگیری
- ۴ مسئولیت پذیری
- ۵ صبوری و بردباری

هدف توانمندسازی ۱: هنرجو بتواند اهمیت ارتباط انسانی در خانواده را توضیح دهد.

ارتباط و اهمیت ارتباط انسانی در خانواده

در گروه‌های کلاسی دلایل ارتباط با دیگران را گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱



انسان موجودی اجتماعی است و برقراری رابطه با دیگران، لازمه زندگی اوست، هر کودکی که چشم به جهان می‌گشاید تنها از طریق ارتباط است که می‌آموزد چگونه حرف بزند، راه برود، بشنود و... ارتباط است که استعدادها را بالقوه کودک را به فعلیت در می‌آورد و او را با اصول اولیه زندگی و آداب و فرهنگ آشنا می‌کند. ارتباط، سبب پویایی فکر و اندیشه می‌شود و انسان را قادر می‌سازد، علوم بشری را از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال دهد و بسیاری از مشکلات و مسائل زندگی بشری را حل کند. همچنین تأمین نیازهای روحی و جسمی انسان از طریق ارتباط صورت می‌گیرد و ارتباط می‌تواند احساس ایمنی، امنیت، اعتماد، آسایش و... در بین آنان ایجاد کند.

اهمیت و نقش ارتباط انسانی

روابط انسانی، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تعاملاتی است که موجب تأمین نیازهای افراد می‌گردد و به عنوان یک نیاز انسانی، بین افرادی که با هم زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد، وقتی سخن از ارتباطات به میان می‌آید معمولاً صحبت کردن با یکدیگر در ذهن انسان تداعی می‌شود. اما ارتباطات چیزی بیش از صحبت کردن است. وقتی شما در کلاس درس به پرسش پاسخ می‌دهید، وقتی تشویق می‌شوید، وقتی در مورد عقاید و افکار دیگران بحث می‌کنید، با دوستان خود دست می‌دهید، در یک مصاحبه استخدامی شرکت می‌کنید، در یک جلسه گروهی شرکت می‌کنید، لباسی را انتخاب می‌کنید و یا به خرید یک خودرو اقدام می‌کنید. در واقع شما با دیگران ارتباط برقرار کرده‌اید.

شاید بتوان گفت دوستی‌های پایدار و موفق، روابط خانوادگی گرم و موفقیت‌های تحصیلی و شغلی به مهارت‌های ارتباطی شما بستگی دارد. مهارت در ایجاد رابطه مناسب با دیگران بر توانایی‌ها و اعتماد به نفس شما می‌افزاید، استعداد و دستاوردهایتان را نشان می‌دهد و احترام و قدردانی دیگران را جلب می‌کند.

درک و توانایی به کارگیری ارتباطات، از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که افراد باید بیاموزند زیرا ارتباط مناسب در موفقیت افراد در محل کار و اجتماع، بسیار مؤثر است. توان برقراری ارتباط مؤثر، غالباً میزان شایستگی و احتمال موفقیت فرد را تعیین می‌کند.

برقراری روابط انسانی، پس از تأمین نیازها، زمینه‌های پیدایش انگیزش، رشد، احساس سودمندی، رضایت، درک متقابل و اعتماد را فراهم می‌کند. این نتایج، چرخه‌ای از نشانه‌های مثبت حیات را پدید می‌آورند و هر یک در پیدایش حالات مثبت بعدی، مؤثر واقع می‌شوند.



شکل ۱- دیدار با خویشاوندان

دین اسلام نیز که تضمین‌کننده سعادت انسان است درباره اهمیت و برقراری ارتباط در زندگی توصیه‌هایی بسیار دارد و برای تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها با دیگران، آداب و مهارت‌هایی وضع نموده و پیروان خود را به رعایت این آداب سفارش فرموده است. از جمله توصیه‌های آن می‌توان به صله‌رحم، شور و مشورت، نمازهای جماعت و جمعه، عفو و بخشایش، انفاق و کمک به یکدیگر و... اشاره کرد. با توجه به اهمیت صله‌رحم در ارتباط و تأکید دین اسلام به آن در برقراری ارتباط لازم است درباره آن بیشتر بدانید.

صله رحم: صله‌رحم از دو واژه «صِلِه» و «رَحِم» تشکیل شده است. صله از ریشه «وصل» به معنای پیوستن دو چیز به هم و نیز به معنای احسان و دوستی آمده است. واژه رحم، در «صله‌رحم» استعاره برای قرابت و خویشاوندی است (شکل ۱).

بنابراین، معنای اصطلاحی صله رحم، ارتباط و دیدار با خویشاوندان و کمک به آنها است. در مباحثی چون هدیه، ازدواج و شهادت دادن (در دادگاه) و... سخن از صله‌رحم شده است. برخی از نام‌ها و صفات خداوند مانند رحمان و رحیم از نظر واژگانی و معنایی با «رَحِم»، هم‌ریشه‌اند. در یک حدیث قدسی آمده است: «من خدای رحمان هستم؛ رَحِم را خلق کردم و نام آن را از نام خود گرفتم؛ پس هر کس صله رحم کند او را به رحمت خویش متصل سازم و هر کس قطع رحم کند، او را از رحمت خویش دور نمایم»^۱. در اهمیت صله رحم همین بس که پیامبر اکرم ﷺ همه انسان‌ها را به صله‌رحم سفارش کرده است.

آثار صله رحم:

- نیازهای روانی انسان، مانند نیاز به برقراری روابط اجتماعی را تأمین می‌کند؛
- حفظ پیوندهای خانوادگی آثار معنوی و اخروی بسیاری در پی دارد؛
- معاشرت‌های خانوادگی سالم، به کاهش احساس تنهایی در افراد می‌انجامد؛
- در بسیاری از موارد، به‌ویژه هنگامی که مشکلات و پیشامدهای ناگوار بروز می‌کنند، موجب افزایش حمایت و همدلی میان نزدیکان می‌شود؛
- تأثیری مثبت بر هویت و احساس خود ارزشمندی افراد خواهد داشت.

با جست‌وجو در منابع علمی - اسلامی در مورد صله‌رحم و آثار آن بر روابط مناسب اجتماعی گزارشی در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲



۱. اَنَا الرَّحْمَنُ خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَ شَقَقْتُ لَهَا اسْمًا مِنْ اِسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتَهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا بَتَّئْتُهُ؛ بحار الانوار ج ۴۷ ص ۱۸۷

اهمیت ارتباط در پژوهش‌های علمی

علم نشان داده است افرادی که روابط اجتماعی بیشتری با دیگران دارند، از سلامت روانی و جسمانی بهتری برخوردارند و حتی در هنگام بیماری نیز سریع‌تر از افراد تنها، منزوی یا افرادی که از ارتباطات خود ناراضی‌اند، بهبود می‌یابند. در واقع پیوندها، روابط و معاشرت‌های اجتماعی همانند سپری در برابر ناملایمات زندگی از انسان دفاع می‌کنند.

داشتن ارتباط سالم برای انسان دارای آثاری است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱ افزایش سلامت روان؛
- ۲ افزایش سلامت جسمی؛
- ۳ مقابله با مشکلات؛
- ۴ افزایش توانایی حل مشکلات زندگی؛
- ۵ افزایش توانایی کاهش احساسات منفی در زندگی؛^۱
- ۶ احساس امنیت و ایمنی؛^۲
- ۷ احساس اعتماد به دیگران؛
- ۸ موفقیت بیشتر انسان در زندگی.

محققان در مطالعه‌ای در خصوص افسردگی زنان کارگر متوجه شدند، با اینکه زنان کارگر وضعیت مالی ضعیفی دارند؛ با این حال دچار افسردگی نشده‌اند. به همین دلیل، پژوهشگران به بررسی‌های بیشتری پرداختند؛ آنان دریافتند زنان کارگری که از سلامت روان بیشتری برخوردار بودند، با وجود مشکلات زیاد در زندگی خود؛ ارتباطاتی داشتند که از آن راضی و به آن دلگرم بودند و احساس می‌کردند وجودشان برای فردی دیگر مهم است و کسی در زندگی آنان وجود دارد که برای آنها احترام و ارزش قائل است، همین موضوع مانع افسردگی آنان شده بود.

محققان، عاملی را که مانع بروز افسردگی و سایر بیماری‌های روانی می‌شود، حمایت اجتماعی نامیده‌اند. منظور از حمایت اجتماعی، میزان آرامش، احترام، آسایش امنیت و کمکی است که انسان می‌تواند، از مردم یا گروه‌های مختلف دریافت کند.

انواع حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی، انواع مختلفی دارد که در نمودار ۱ روبه‌رو نشان داده شده‌اند:



۱. میزان روابط اجتماعی و گفت‌وگوی مستقیم بین افراد جامعه و خانواده نقش مؤثری در کنترل احساسات منفی دارد افرادی که دارای ارتباط بیشتری هستند، عموماً نسبت به افرادی که ترجیح می‌دهند تنها باشند و تنها زندگی کنند شادتر هستند. وقتی که انسان در جمع و در گروهی زندگی می‌کند، احساس دلگرمی بیشتری می‌کند.

۲. این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد در آن دارای آرامش جسمی و روحی است ارتباط برقرار کردن با دیگران نوعی احساس امنیت را در ما ایجاد می‌کند. وقتی ما با دیگران هستیم احساس می‌کنیم که پشتمان گرم است و دلگرم‌تر به زندگی نگاه می‌کنیم.

حمایت احترامی: میزان احترامی است که فرد از دیگران می‌گیرد، مانند احترام و کمک به هم‌نوع، احترام به بزرگ‌ترها، احترام به معلم و شاگرد و... (شکل ۲).



شکل ۲- حمایت احترامی



شکل ۳- حمایت اطلاعاتی

حمایت اطلاعاتی: اطلاعاتی است که فردی به دیگری می‌دهد، تا به نوعی از او حمایت کرده باشد مانند راهنمایی کردن خانم سرپرست خانواده توسط کمیته امداد خمینی (ره) که جهت رفع مشکلات مالی و زندگی به آنجا مراجعه کرده است. یا اطلاعاتی که از یک شغل به شخص بیکاری داده می‌شود (شکل ۳).

حمایت وسیله‌ای: کمک، ابزار و پولی است که در اختیار دیگران گذاشته می‌شود، مانند زمانی که فردی از نظر مالی مشکل پیدا می‌کند و دیگران به او وام قرض الحسنه می‌دهند. یکی از مهم‌ترین راه‌های بهبود یا افزایش حمایت اجتماعی، افزایش یا بهبود ارتباط با انسان‌های دیگر است (شکل ۴).



شکل ۴- حمایت وسیله‌ای

فعالیت ۳



در گروه‌های کلاسی:

- ۱ هر گروه یکی از حمایت‌های اجتماعی را با نمایش در کلاس نشان دهید.
- ۲ گزارشی از انواع حمایت‌های اجتماعی در زندگی شخصی خود تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۴



با جست‌وجو در زندگی اطرافیان خود، گزارشی از انواع حمایت‌های اجتماعی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

اهداف ارتباط

فعالیت ۵



در گروه‌های کلاسی با توجه به شکل روبه‌رو در مورد نوع و هدف ارتباط بین انسان‌ها گفت‌وگو کنید.



شکل ۵- ارتباط

ارتباط با دیگران یک ضرورت است؛ زیرا انسان‌ها برای رفع احتیاج‌های خود به ارتباط با دیگران نیاز دارند. ارتباط به دلایل زیر برای هر فردی مهم است:

- ۱ **شناخت خود:** این شناخت بر پایه ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد، زیرا تصویر ما از خود، بر اساس بازخوردهای اطرافیان شکل می‌گیرد.
- ۲ **معنا دادن به زندگی:** پژوهش‌ها نشان می‌دهد ارتباط با خدا و معصومین علیهم‌السلام، پدر و مادر، خواهر و برادر، همسر، فرزندان و دوستان احساس دوست داشتن و دوست داشته شدن، زندگی را برای فرد معنی‌دار می‌کند. به کمک مجموعه آگاهی‌ها و دانش‌ها می‌توان با خود، خدا، مردم و محیط زیست ارتباط مفید و مؤثری داشت و به وسیله «ارتباط» است که می‌توان در کمترین زمان به این آگاهی‌ها و دانش‌ها دست یافت، آنها را پردازش کرد و منتشر ساخت، از حال بستگان و دوستان خود با خبر شد و یا گره از کار یکدیگر باز کرد.
- ۳ **موفقیت بیشتر:** اکثر افرادی که در کارشان شکست می‌خورند، مشکل ارتباطی دارند. افرادی که مشکلات ارتباطی مثل پرخاشگری، کم‌رویی و غرور دارند، ممکن است دیگران را از خود برنجانند یا اینکه مورد توجه دیگران قرار نگیرند که در نتیجه در کار خود نیز با مشکلاتی مواجه می‌شوند.
- ۴ **شادزیستی:** داشتن روابط صمیمی با دیگران تکیه‌گاه مطمئنی برای افراد است و این تکیه‌گاه سبب کاستن بار روانی آنها و در نتیجه، عاملی برای شادمانی و رضایتمندی طرفین ارتباط می‌شود.
- ۵ **برطرف شدن نیازهای معنوی عاطفی - اجتماعی:** ارتباط یک نیاز عاطفی - اجتماعی است. انسان‌ها در کنار نیازهای زیستی مانند نیاز به آب، غذا و غیره نیازهای معنوی، روان‌شناختی و اجتماعی نیز دارند. مهم‌ترین این نیازها شامل نیاز به تکیه و توکل به یک قدرت برتر (خداوند)، نیاز به استقلال، نیاز به ارزشمندی و نیاز به ارتباط است.

- ۶ **دوست یابی:** ارتباط مؤثر با دیگران با حفظ حدود الهی منجر به دوست یابی می شود. داشتن روابط مثبت و حمایت کننده با دیگران، با سازگاری و سلامت روان فرد رابطه دارد.
- ۷ **خودشکوفایی:** ارتباط اثربخش با خودشکوفایی همراه است. ارتباط با دیگران به فرد کمک می کند که استعدادهای خود را شکوفا کند و از زندگی احساس رضایت کند.
- ۸ **بیان افکار:** ارتباط افراد با یکدیگر باعث می شود که افراد از دانش، اطلاعات و افکار یکدیگر آگاه شوند. فرد در ارتباط هایی که با دیگران دارد، می تواند افکار و اطلاعات خود را در موقعیت های مختلف بروز دهد. انسان به وسیله ارتباط می تواند حاصل ذهن خود را به تصویر بکشد و به دیگران منتقل کند و از سوی دیگر این افکار و اطلاعات می توانند زمینه پیشرفت او را فراهم سازند.
- ۹ **تأثیرگذاری بر مخاطب:** افراد با روش های مختلف ارتباطی می توانند بر مخاطب خود در هر موقعیتی اثر بگذارند و او را جذب کنند و این می تواند در بهبود یک رابطه سازنده و مفید تأثیر داشته باشد.

نکته



«همه روابط من با دیگران از رابطه من با من آغاز می شود» و رابطه من با من اصلاح نمی شود مگر آنکه رابطه ام با خلق اصلاح شود، در نتیجه برای اصلاح رابطه با مردم باید رابطه ام را با خودم و با خالق اصلاح کنم. هدف افراد در برقراری ارتباط با یکدیگر متفاوت است. اما مهم ترین هدف ارتباط، انتقال پیام است.

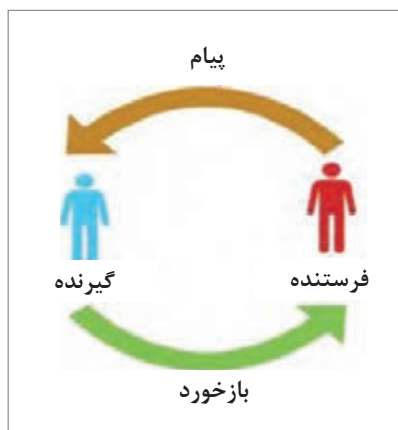
فعالیت ۶



- در گروه های کلاسی، ارتباط بین خود و افراد گروه دیگر را بررسی کنید و موارد زیر را انجام دهید:
- ۱ فهرستی از انگیزه و پیام های خود را در برقراری این ارتباط تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.
 - ۲ با نموداری، فواید این ارتباط را نشان دهید.
 - ۳ ویژگی های یک ارتباط مناسب را به صورت نمودار نمایش دهید.

اجزای اصلی ارتباط

ارتباط دارای سه جزء اصلی ارسال کننده پیام، محتوای پیام و دریافت کننده پیام است:



شکل ۶- اجزای ارتباط

- ۱ **ارسال کننده پیام یا پیام دهنده:** یکی از ارکان اصلی ارتباط است که می خواهد خواسته ها، نظرات و عقاید خود را به درستی برای مخاطب بیان کند.
- ۲ **محتوای پیام:** در پیام نباید از کلمات زشت و نامناسب استفاده شود. همچنین پیام نباید مبهم، دوپهلوی و پیچیده باشد. علاوه بر این، لحن و حالت گفتار نیز نقش تعیین کننده ای در تأثیر پیام بر گیرنده آن دارد.
- ۳ **دریافت کننده پیام یا گیرنده پیام:** چنانچه پیام به درستی شنیده نشود، ارتباط با مشکلات زیادی مواجه می شود. به همین دلیل برای دریافت کامل و درست پیام گوش دادن از اهمیت بسیاری برخوردار است (شکل ۶).

معمولاً محصول قرار گرفتن سه عنصر اصلی ارتباط در کنار هم باز خوردی موثر و سازنده خواهد بود و در این صورت هدف ارتباط محقق شده است.

نکته



فعالیت ۷



در گروه‌های کلاسی: در مورد ارتباط خود با اعضای گروه گفت‌وگو کنید و اجزای آن را مشخص کنید.

فعالیت ۸



با جست‌وجو در منابع علمی، در مورد نقش و اهداف پیام بر ارسال‌کننده و دریافت‌کننده پیام گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۲: هنرجو بتواند از انواع ارتباط مؤثر در خانواده گزارشی ارائه دهد.

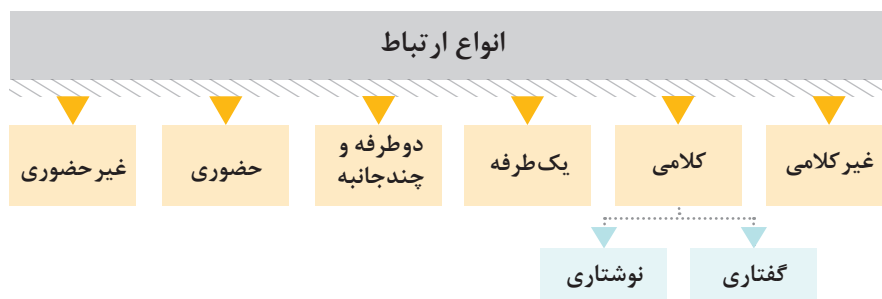
انواع ارتباط یا روش‌های برقراری ارتباط

با بررسی ارتباطات فردی خود با خانواده و اطرافیان، در مورد شکل‌های ارتباط گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۹



برقراری ارتباط از نظر هدف و روش به شکل واحدی صورت نمی‌گیرد. تفکیک هدف و روش ارتباط از هم در بیشتر مواقع بسیار مشکل است، اما می‌توان گفت که عامل مهم در تعیین روش برقراری ارتباط، هدفی است که فرستنده پیام دنبال می‌کند. امروزه با پیشرفت علوم و پیدایش فناوری جدید، هدف‌های ارتباطی نیز پیچیده‌تر شده‌اند و ناگزیر برای تحقق این هدف‌ها باید روش‌های مختلف و پیچیده‌تری مطرح شوند. در اکثر کتاب‌های تخصصی، ارتباط انواع مختلفی دارد که برخی از آنها در نمودار ۲ نشان داده شده است:



نمودار ۲

الف) ارتباط کلامی: ارتباط کلامی وابسته به زبان است و تبادل اطلاعات در آن با استفاده از کلمات صورت می‌گیرد که شامل کلمات گفتاری (شفاهی) و یا کلمات نوشتاری (غیرشفاهی) است:

■ **ارتباط گفتاری:** به فرایند تبادل پیام‌ها، اطلاعات و ایده‌ها، با استفاده از لغاتی است که از طریق زبان بیان می‌شوند، ارتباط گفتاری گفته می‌شود مانند توضیح شفاهی یک مطلب در کلاس درس.

■ **ارتباط نوشتاری:** به فرایند تبادل پیام‌ها، اطلاعات و ایده‌ها که از طریق نوشتن و یادداشت کردن ایجاد می‌شود، ارتباط نوشتاری گفته می‌شود مانند توضیح کتبی یک مطلب در کلاس درس یا پیامی که از طریق گوشی همراه برای کسی فرستاده می‌شود.

ب) ارتباط غیرکلامی (زبان بدن): در ارتباط غیرکلامی، پیام بدون ارسال حرف یا کلمه‌ای و تنها از طریق علائم و حالت بدن دریافت و منتقل می‌شود. مانند برقراری ارتباط با راننده از طریق علائم راهنمایی و رانندگی یا برقراری ارتباط از طریق آژیر آمبولانس و یا زنگ مدرسه نمونه‌هایی از ارتباط غیرکلامی است. بخش مهمی از تعامل انسان‌ها با یکدیگر شامل ارتباط غیرکلامی است از جمله می‌توان به حرکات چشم، حالت صورت، حالت



شکل ۷- ارتباط غیرکلامی

بدن، ظاهر عمومی، طرز لباس پوشیدن، صداها، سکوت و... اشاره کرد. به عبارت دیگر ارتباط غیرکلامی، شامل واکنش‌های فیزیکی از قبیل حالات چهره، دست‌ها، حرکات و تماس چشمی است که چه همراه با صحبت باشد چه نباشد، معنی آنچه را که می‌گوییم تحت تأثیر قرار می‌دهند.

علائم زبانی غیرکلامی، احساسات و نگرش‌های ما را نسبت به سایرین آشکار می‌سازند. گاهی به این روش، زبان بدن هم می‌گویند. ما در زندگی روزمره خود، مرتب و مکرر از پیام‌های غیرکلامی که می‌تواند مکمل پیام‌های کلامی باشد استفاده می‌کنیم (شکل ۷).

ج) ارتباط یک‌طرفه: ارتباطی است که انتقال پیام از فرستنده شروع و به گیرنده ختم شود و گیرنده نسبت به مفاهیم پیام واکنشی یا بازخوردی به فرستنده پیام نشان ندهد. مانند سخنرانی از طریق رادیو، در این صورت ارتباط را یک‌جانبه گویند.

د) ارتباط دوطرفه یا دوجانبه: ارتباطی است که پیوسته نقش فرستنده و گیرنده در جریان ارتباط عوض می‌شود و فعالیت‌های ارتباطی بعدی براساس واکنش گیرنده و فرستنده پیام تعیین می‌گردد، ارتباط مستقیم معلم و دانش‌آموز در کلاس درس از این نوع ارتباط است. ارتباط دوطرفه معمولاً مؤثرتر از ارتباط یک‌طرفه است.

در گروه‌های کلاسی در مورد دلایل مؤثر بودن ارتباط دوطرفه گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۰



شایستگی ۶: توسعه شناخت روابط...

ه) ارتباط حضوری: به گونه‌ای از برقراری ارتباط گفته می‌شود که کلیه عناصر در یک مکان جمع شده باشند. فرستنده، گیرنده، پیام و وسایل ارتباطی به طور هم‌زمان در یک مکان ایفای نقش می‌کنند. در این نوع ارتباط افراد بی‌واسطه با هم در ارتباط و رو در رو هستند.

و) ارتباط غیر حضوری: در این نوع ارتباط، عناصر ارتباطی در یک مکان جمع نیستند و پیام از طریق وسایل ارتباطی به گیرنده که دور از فرستنده قرار دارد انتقال پیدا می‌کند به عبارتی افراد با واسطه و با استفاده از امکاناتی چون (تلفن، نامه، ایمیل شبکه‌های اجتماعی و...) در ارتباط هستند.

فعالیت ۱۱



موقعیت زیر را مطالعه کنید و در مورد شکل‌های ارتباط با هم گفت‌وگو کنید.

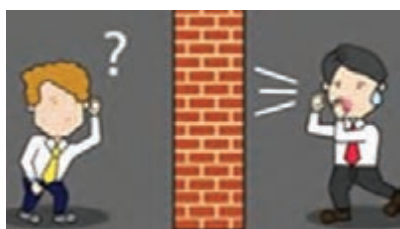
مریم در زنگ تفریح روی نیمکت تنها نشسته بود. به روبه‌رو نگاه می‌کرد. یکی از هم‌کلاسی‌هایش به نام زهره را دید که به او لبخند می‌زند. مریم هم به او لبخند زد و دستش را تکان داد. زهره هم دستش را برای او تکان داد. زنگ که خورد، زهره به طرف مریم آمد و با اشاره به کیکی که در دستش داشت، به مریم گفت: بفرمایید این کیک را مادرم پخته و خیلی خوشمزه است. دو دوست در حالی که می‌خندیدند و کیک می‌خوردند به طرف کلاس خود رفتند.

فعالیت ۱۲



با توجه به آنچه در مورد انواع ارتباط فراگرفته‌اید، شما کدام نوع ارتباط را بیشتر به کار می‌برید و با آن راحت‌تر هستید. با ذکر چند نمونه دلایل خود را در کلاس ارائه دهید.

موانع ارتباط



شکل ۸- موانع ارتباط

گاهی اوقات بنا به دلایلی، ارتباط به درستی برقرار نمی‌شود. به عواملی که به ایجاد ارتباط سالم صدمه می‌زنند «موانع ارتباطی» گفته می‌شود. در این جا به تعدادی از موانع ارتباطی اشاره می‌شود (شکل ۸).

الف) موانع مرتبط با بیان پیام

موانعی که برای بیان درست نظرات، عقاید و احساسات وجود دارند عبارت‌اند از:

۱) **انتظارات و توقعات نابجا:** گاهی اوقات افراد نظر و عقیده خود را بیان نمی‌کنند چون از طرف مقابل انتظارات و توقعات نابجا دارند؛ مانند «او خودش باید بداند، بعد از این همه سال زندگی با من باید متوجه شده باشد که من چنین خواسته‌ای دارم».

فعالیت ۱۳



در مورد تأثیر منفی انتظارات و توقعات بیجا بر ارتباط خانوادگی و شخصی خود گفت‌وگو کنید و فهرستی از این توقعات نابجا را در کلاس ارائه دهید.

۲ پشت گوش انداختن و اجتناب از بیان خواسته‌ها: بعضی وقت‌ها فرد به بهانه این‌که هنوز وقت بسیار است، عجله‌ای نیست، به فلانی می‌گویم با او صحبت کند، فعلاً خسته‌ام در فرصت دیگری موضوع را مطرح می‌کنم و مواردی از این قبیل از بیان خواسته‌ها و نظرات خود اجتناب می‌کند و در نتیجه پیامش را به‌موقع یا هرگز به‌طرف مقابل منتقل نمی‌کند و این غفلت و تأخیر انجام این کار، باعث می‌شود تا بیان عقاید و نظرات شخصی به عقب بیافتد و فرد بیان آنها را به دفعات بعد موکول می‌کند و همین موضوع مانع شکل‌گیری ارتباط مؤثر می‌شود.

با اجرای یک نمایش مانع پشت گوش انداختن و اجتناب از بیان خواسته‌ها در ارتباط خود با دیگران شوید.

فعالیت ۱۴



۳ تخلیه احساسات و عواطف منفی به جای بیان آنها: گاهی اوقات، فرد به جای بیان آنچه او را ناراحت کرده است به ابراز و تخلیه احساسات منفی خود می‌پردازد و طرف مقابل را قربانی خشم و ناراحتی خود می‌کند. بسیار مهم است که بین تخلیه احساسات و بیان سالم آنها تفاوت گذاشته شود. صحبت کردن بدون پرخاش، بیان کردن سالم احساسات است در حالی که حمله، پرخاش و توهین به طرف مقابل، نوعی تخلیه احساسات و عواطف منفی است، که نه تنها ارتباط را بهبود نمی‌بخشد بلکه به شدت به آن، صدمه می‌زند.

۴ بازداری احساسات و عواطف بعضی از انسان‌ها: به اشتباه آموخته شده است که بیان احساسات، حتی احساسات مثبت و خوشایند نیز، کاری نادرست است به مثال زیر توجه کنید:
آقای احسانی اعتقاد داشت که هیچ‌گاه نباید به فرزندان نشان بدهی که آنها را دوست داری. بچه‌ها را باید با قلبت دوست داشته باشی ولی هیچ‌گاه بر زبان نیآوری. چون آنها لوس و بی‌ادب پار می‌آیند. او هیچ‌گاه محبت خود را به کودکانش نشان نمی‌داد. این درحالی بود که فرزندان او شدیداً تشنه محبت پدرشان بودند و تصور می‌کردند که پدرشان به آنها اهمیتی نمی‌دهد.

فعالیت ۱۵



با جست‌وجو در منابع علمی و مذهبی دو فعالیت زیر را انجام دهید:
الف) گزارشی در مورد موانع ارتباط تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.
ب) احادیث یا روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در مورد کنترل و بیان صحیح احساسات را به‌صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.

ب) موانع مرتبط با محتوای پیام

نه تنها بیان درست خواسته‌ها، نظرها و عقاید افراد خانواده مهم است، این‌که پیام با چه کلماتی (کلامی) با چه لحن و تن صدایی (فراکلامی) و چه حالتی (غیرکلامی) بیان می‌شود، نیز اهمیت دارد. موانع مربوط به محتوا به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱ موانع کلامی: بیشتر قسمت‌های یک پیام به‌صورت کلامی بیان می‌شود. بنابراین، بسیار مهم است که از کلمات درست و مناسب استفاده شود، وگرنه مشکلات زیادی به وجود می‌آید. موانع کلامی مرتبط با محتوای پیام، شامل موارد زیر است:

الف) استفاده از کلمات زشت و نامناسب: دروغ، غیبت، طعنه، کنایه، تمسخر، توهین، ناسزاگویی و... نه تنها ارتباطی ایجاد نمی‌کند، یا آن را بهبود نمی‌بخشد بلکه به شدت به رابطه صدمه می‌زند.

ب) استفاده از کلمات مبهم: کلماتی مانند چیز، این، آن و مواردی از این قبیل بسیار مبهم‌اند. بهتر است در انتقال پیام از کلماتی که دقیقاً به موضوع مورد نظر اشاره می‌کنند استفاده شود. گاهی اوقات والدین برای اینکه کودک را از انجام کار اشتباهی بازدارند می‌گویند: «این کار را انجام نده»؛ در اینجا مشخص نیست چه کاری نکند.

ج) کلی‌گویی: گاهی اوقات افراد به جای بیان شفاف و روشن مطالب، کلی‌گویی می‌کنند. مثلاً به جای آنکه بگویند من از فلان رفتارت خوشم نمی‌آید. می‌گویند «من برخورد‌های تو را نمی‌پسندم»؛

د) انتقاد از فرد به جای نقد رفتار او: گاهی اوقات افراد به جای انتقاد از رفتار نادرست فرد، به شخص او حمله می‌کنند و شخصیت او را زیر سؤال می‌برند. این رفتار نه تنها گره‌ای را باز و رفتار را اصلاح نمی‌کند بلکه سبب تنفر، جدایی و مقاومت بیشتر طرف مقابل بر موضع نادرست خود می‌شود و این دقیقاً بر خلاف هدف ارتباط است.

ه) پرگویی: گاهی اوقات، افراد تصور می‌کنند برای آنکه پیامی را منتقل کنند باید درباره آن زیاد صحبت کنند. والدینی که زیاد درباره موضوعی صحبت می‌کنند، باعث دوری فرزندان‌شان از خود می‌شوند.

۲ موانع فراکلامی: موانع فراکلامی مرتبط با محتوای پیام، به حالت و لحن حرف زدن مربوط می‌شوند و شامل موارد زیر است:

الف) لحن: لحن حرف زدن شما در پیامی که ارسال می‌کنید، بسیار اثرگذار است. اگر جمله «خیلی خوب فعالیت درسی‌ات را انجام دادی» با لحن مناسب بیان کنید، تأثیری مناسب بر شنونده دارد. اگر همین جمله



شکل ۹- تن صدا

را با لحن مسخره‌آمیز بیان کنید، طرف مقابلتان ممکن است به شما پرخاش کند و عصبانی شود.

ب) تن صدا: بلندی و کوتاهی صدا تأثیر مهمی بر دیگران دارد. اگر بهترین و زیباترین جملات را با صدای بلند و با حالت دادزدن بیان کنید، شنونده، پیام شما را متوجه نمی‌شود. زیرا آنچه در درجه اول او را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلندی بیش از حد صدای شماست. همین مطلب درباره صدای بیش از حد کوتاه نیز صدق می‌کند (شکل ۹).

ج) تناسب مطلب با حالات عاطفی: منظور آن است که صحبت شما با احساس مناسبی بیان شود؛ مثلاً مادری به فرزندش می‌گوید «دوستت دارم». این جمله باید با حالتی عاطفی و با احساسی مناسب بیان شود. چنانچه همین جمله با حالت خشک و غیرعاطفی بیان شود، کودک تصور خواهد کرد که مادر احساس واقعی خود را بیان نمی‌کند.

با در نظر گرفتن ارتباط خود با یکی از دوستانتان، در مورد موانع کلامی و فراکلامی محتوای پیام، از منابع علمی جست‌وجو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.



۳ موانع غیر کلامی: همان طوری که گفته شد، حالت بدن انسان خود زبان خاصی است که بسیاری از خصوصیات پیام را منتقل می کند (زبان بدن). حالت صورت مادری که به فرزندش اظهار علاقه می کند و یا مادری که برای فرزندش نگران است و حالت صورت فردی که بسیار خوشحال است بدون آنکه بیان کند، بیانگر پیام های غیر کلامی آنهاست.

فعالیت ۱۷



در گروه های کلاسی:

الف) با ایفای نقش، موانع غیر کلامی را در کلاس نمایش دهید.

ب) با جست و جو در منابع علمی، در مورد استفاده از زبان بدن در ارتباط مؤثر با معلم و هم کلاسی های خود گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

مهارت گوش دادن

گوش دادن فعال^۱ یا گوش دادن مؤثر^۲ از مهم ترین مهارت های معمول در ارتباطات اجتماعی خصوصاً ارتباطات خانوادگی به حساب می آید. بسیاری از ما تصور می کنیم گوش دادن امری ساده است که در آن توانمند هستیم. ولی واقعیت این است که شنیدن، یک بحث کاملاً جسمی است و صرفاً به معنای فعال شدن گیرنده های شنوایی ما در اثر امواج صوتی است. درحالی که گوش دادن یک مهارت شناختی است و عملاً یک فعالیت ذهنی و تحلیلی محسوب می شود. اگر به این مهارت مسلط نباشید، به آسانی ممکن است پیام های ارسالی از سوی طرف مقابلتان را اشتباه برداشت کنید. در چنین شرایطی، فرایند ارتباط بی اثر می شود و حتی ممکن است سوء تفاهم زیادی بین طرفین ارتباط رخ دهد. گوش دادن مؤثر باعث می شود به طرف مقابل زمان داده شود تا بتواند افکار و احساسات خود را بیان کند و به این ترتیب باعث افزایش احساس اعتماد به نفس فرد مقابل می شود. برای گوش دادن نه تنها باید به محتوای پیام و ماجرای که تعریف می شود توجه کنید، بلکه لازم است به طرز بیان، شیوه استفاده از زبان، لحن و حرکات بدن گوینده نیز دقت داشته باشید. به عبارت دیگر، گوش دادن یعنی درک هم زمان پیام های کلامی و غیر کلامی. پس فقط شنیدن کلمات گفته شده کفایت نمی کند. البته گوش کردن گاهی برای آموختن و درک و تحلیل چیزی است و گاهی فقط برای همدلی کردن و شنیدن درد دل های همسر یا فرزند است که هر دو حالت آن لازم و ضروری است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰- مهارت گوش دادن

۱. Active Listening

۲. Effective Listening



در گفت‌وگو با تعدادی از هنرجویان و هنرآموزان، در مورد نقش گوش دادن فعال در تدریس موفق هنرآموز و فراگیری مطلوب هنرجو، گزارشی تهیه کنید.

علل خوب گوش نکردن

برخی از عواملی که موجب می‌شود شما به سخن دیگران خوب گوش ندهید عبارت‌اند از:

- ۱ **تمرکز نداشتن:** ناتوانایی در ایجاد تمرکز به علت‌های درونی (مانند مشغول بودن ذهن به امری مهم‌تر) یا بیرونی (مانند سر و صدا یا داشتن یک قرار با کسی دیگر) است؛
- ۲ **مشغله ذهنی:** داشتن مشغله ذهنی، یکی از عوامل گوش ندادن به سخن شخص مقابل است. گاهی اوقات شنونده به جای اینکه به حرف‌های طرف مقابل گوش کند در عالم فکر و خیال خود فرو می‌رود؛
- ۳ **بی‌رغبتی:** بی‌رغبتی عوامل متفاوتی دارد از جمله دوست نداشتن ظاهر و قیافه شخص گوینده، علاقه نداشتن به صدای فرد گوینده، دائمی بودن محرک (مانند همسرانی که مرتب گلایه می‌کنند، یا والدینی که مدام خرده می‌گیرند)، یکنواختی صدای سخنران، بی‌علاقگی به موضوع بحث یا گوینده آن. این عوامل موجب می‌شود فرایند گوش دادن به پایین‌ترین حد خود برسد؛
- ۴ **پیش‌داوری‌های غلط و برچسب زدن:** بعضی مواقع ما نسبت به اشخاص پیش‌داوری‌هایی داریم. این پیش‌داوری‌ها، گاهی سبب توجه نکردن به سخنان آنها می‌شود. مثلاً آقای محمدی ممکن است به حرف همسرش گوش نکند، چون معتقد است که همسرش حساس است، زدن چنین برچسبی مانع از جدی گرفتن صحبت‌های طرف مقابل می‌شود؛
- ۵ **فکرخوانی:** زمانی که فرد مشغول صحبت کردن است امکان دارد شما به جای گوش دادن به صحبت‌های او، سعی کنید به اشتباه فکر او را بخوانید. مثلاً خانم سعیدی هنگامی که شوهرش از مشکلات کاری و کم‌بودن درآمد خود صحبت می‌کند به جای گوش دادن به صحبت‌های او با خود می‌گوید من که می‌دانم همه این حرف‌ها بهانه‌ای است برای اینکه ما را قانع کند، تا این ماه وسیله‌ای تازه برای خانه نخریم.
- ۶ **ارزیابی و قضاوت کردن در حین گوش دادن:** گاهی اتفاق می‌افتد پیش از آنکه طرف مقابل حرف‌هایش را تمام کند، هم‌زمان به قضاوت نهایی سخنان گوینده می‌پردازیم و یا پاسخ‌هایمان را آماده و طرح‌هایمان را مرور می‌کنیم و سپس تصمیم می‌گیریم. این عمل، باعث وارد آمدن خلل در فهم مطلب و فرایند گوش‌دهی می‌شود.



نمایشی با هم گروه‌های خود تنظیم کنید و در آن علل گوش نکردن را نمایش دهید.

گوش دادن مؤثر

برای اینکه بتوانید به‌درستی به حرف‌های دیگران گوش کنید لازم است نکات زیر را توجه کنید:

- الف) صبور باشید و سعی کنید هنگام گوش دادن، کاری انجام ندهید؛
- ب) به زبان بدن (اشارات و حرکات بدن، حالات چهره و حرکات چشم‌ها) و لحن گوینده توجه کنید تا به اطلاعات بیشتری دست یابید؛

ج) ارتباط چشمی با مخاطب به صورت متعادل بسیار مهم است؛

د) گوینده را به ادامه صحبت‌هایش تشویق کنید، برای این کار بهتر است از روش‌های زیر استفاده کنید:

- گاهی سؤال کنید یا حرفی بزنید. سؤال پرسیدن، هم درباره موضوع مورد بحث به طرف مقابل اطمینان می‌دهد که به حرف‌هایش گوش می‌دهید و هم باعث می‌شود خودتان دقت و تمرکز بیشتری داشته باشید؛
- با حالات غیر کلامی، به گوینده نشان دهید که به صحبت‌هایش گوش می‌کنید. مثل تکان دادن سر یا تأیید کلمات او یا لبخند زدن و ابراز احساسات به تناسب حرف‌های او.

فعالیت ۲۰



این فعالیت را با دوست خود انجام دهید. دوست شما شروع به صحبت می‌کند و شما عکس‌العمل‌های زیر را داشته باشید:

الف) دست به کاری بزنید؛ مثلاً چیزی را از کیف خود درآوردید، نقاشی کنید و...

ب) بدون هیچ حرکتی برای ۵ دقیقه به صحبت‌های او گوش دهید.

ج) بعد جای خود را با دوستتان عوض کنید و حالا همین کار را او با شما انجام دهد.

د) پس از پایان تمرین، هر کدام دریافت خود را از موارد بالا با یکدیگر در میان بگذارید و در مورد نتایج به دست آمده، با هم گفت‌وگو کنید و نتایج تأیید شده را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۱



شما در برقراری ارتباط با دیگران، با کدام روش ارتباطی او را مطمئن می‌کنید که به حرف‌هایش گوش می‌دهید؟ نظرات خود را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت‌های پایانی

۱ زهرا با دوستش در حال گفت‌وگوست. دوست زهرا هم‌زمان، با گوشی به پیام‌های رسیده پاسخ می‌دهد، اما به زهرا می‌گوید به حرف‌هایش گوش می‌دهم.

الف) به نظر شما دوست زهرا کدام مانع ارتباطی را در نظر نگرفته است؟

ب) آیا دوست زهرا به حرف‌هایش گوش می‌دهد؟

۲ وقتی مادر زهرا بیمار می‌شود، او نگران سلامتی و بیماری مادرش است و نمی‌تواند تمرکز کند و در نتیجه درس ریاضی را یاد نمی‌گیرد. دوستش به او اطمینان می‌دهد در یک فرصت مناسب تمام نکات مهم درس را برایش توضیح می‌دهد.

الف) زهرا از چه نوع حمایت اجتماعی برخوردار شده است؟

ب) به نظر شما چه عاملی موجب می‌شود دوست زهرا به او در زمینه درس کمک کند؟

۳ هنگام پخش برنامه مورد علاقه مادر، صدای تلویزیون بلند است و پدر در حال گفت‌وگو با پسرش است:

الف) موانع ارتباطی در این مکالمه را ذکر کنید.

ب) آیا مکالمه پدر و پسر به درستی انجام می‌شود؟

ج) آیا این ارتباط، می‌تواند یک ارتباط مؤثر باشد؟

واحد یادگیری ۲: برقراری ارتباط مؤثر با همسر

استاندارد عملکرد

توسعه شناخت عوامل مؤثر در تحکیم خانواده، مسئولیت پذیری و مشارکت در خانواده و شناخت مشکلات ارتباطی خانواده از طریق منابع علمی - اسلامی با رعایت اصول اخلاقی در خانواده و براساس استانداردهای سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در خانواده
- ۲ مسئولیت پذیری در خانواده
- ۳ توسعه شناخت مشکلات و آسیب‌های ارتباطی در خانواده

شایستگی‌های غیر فنی مورد انتظار

- ۱ مهارت گوش دادن
- ۲ شرکت در فعالیت و اجتماعات
- ۳ یادگیری
- ۴ مسئولیت پذیری

هدف توانمندسازی ۳: هنرجو بتواند ارتباط مؤثر و سازنده با همسر را توضیح دهد.

ازدواج

فعالیت ۲۲



در گروه‌های کلاسی در مورد ضرورت و اهمیت ازدواج گفت‌وگو کنید.

ازدواج‌های موفق بدون شک به رشد فرد و در نتیجه به سلامت خانواده و جامعه کمک می‌کنند. و از سوی دیگر، ازدواج‌های ناموفق یا کاهش ازدواج باعث تضعیف پایه‌های جامعه می‌شود. می‌توان گفت کسانی که بدون دلایل عقلانی و موجه، از انجام این امر مهم سر باز می‌زنند، بخشی از وظایف خود را در قبال جامعه انجام نداده و نسبت به آینده و رشد و سلامت جامعه بی‌تفاوت بوده‌اند. ازدواج باعث تغییر در وضعیت معمول زندگی زوجین می‌شود. هنگامی که پسر و دختری ازدواج می‌کنند، نقش‌های جدیدی به آنها داده می‌شود: نقش همسر به‌عنوان مدیرخانه



شکل ۱۱- ازدواج

و عروس به زن و نقش شوهر به‌عنوان نان‌آور و داماد به مرد داده می‌شود^۱. به‌همین دلیل ازدواج ممکن است یک فشار روانی ایجاد کند. منظور از فشار روانی، نیاز به دوباره سازگار شدن با وضعیت جدید زندگی است. وجود برداشت‌ها و نگرش‌های غلط درباره ازدواج، فشار و استرس ازدواج را سنگین‌تر می‌کند. باورهای غلط درباره ازدواج می‌تواند ضربه شدیدی به زندگی مشترک وارد کند (شکل ۱۱).

ملاک‌های گزینش همسر

فعالیت ۲۳



شما در آستانه ازدواج هستید و برای خود در حال طراحی ملاک‌هایی برای ازدواج هستید:

- ۱ در مورد مهم‌ترین ملاک برای ازدواج با هم‌گروه‌های خود گفت‌وگو کنید.
- ۲ در مورد مهم‌ترین عواملی که ممکن است روابط شما با همسران را با مشکل مواجه کند، گفت‌وگو کنید.
- ۳ نتیجه را به‌صورت گزارش در کلاس ارائه دهید.

لازمه ازدواج موفق این است که طرفین هم‌کفو^۲ هم باشند؛ یعنی با یکدیگر تناسب داشته باشند. یکی از عواملی که این تناسب را تضمین می‌کند، تعیین ملاک‌های درست پیش از انتخاب همسر است. ملاک، ضابطه یا معیاری است که قضاوت یا ارزیابی براساس آن انجام می‌شود. منظور از ملاک ازدواج، معیارهایی است که شرایط فرد مطلوب، از نظر مناسب بودن یا مناسب نبودن آن شخص برای شما را روشن

۱. امروزه با تغییر شکل زندگی و حضور زنان در جامعه، این نقش‌ها در حال تغییر است.

۲. هم‌رتبه، هم‌شأن

می‌کند و بر آن اساس می‌توانید درباره ازدواج قضاوت کنید. پیداست که هرچه ملاک‌ها واقعی‌تر، واضح‌تر و مصداقی‌تر باشند، انتخاب بهتری می‌تواند صورت بگیرد؛ برای مثال، مفاهیمی مثل «عفیف بودن» یا «خوش اخلاقی» مفاهیمی کلی‌اند که هر کسی تعریفی از آن دارد؛ لذا فرد باید تصویری واضح و مصداقی از این مفاهیم و ملاک‌ها در نظر داشته باشد، چرا که ممکن است این ملاک حتی منجر به اشتباه بیشتر او در فرایند انتخاب همسر شود. در نتیجه لازم است برای واضح و عینی شدن مواردی که به عنوان ملاک تعیین می‌کند، شاخص‌هایی را تعیین کند. مجموع این شاخص‌ها، تصویر فرد مطلوبش را برای ازدواج نشان می‌دهد. نکته مهم در مورد ملاک‌ها این است که همه آنها در یک سطح و مساوی نیستند و برخی از آنها اولویت بیشتری دارند. لازمه تصمیم‌گیری عاقلانه در ازدواج آن است که ما ابتدا به اولویت‌های واقعی و اول خودمان در ملاک‌ها توجه کنیم. در زیر به بعضی از ملاک‌ها

اشاره می‌شود:



شکل ۱۲- اختلاف سنی

۱ سن: اگر چه اختلاف سنی بین زوجین تابع اوضاع اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است، اما مهم آن است که زوجین هر دو در مرحله مشابهی از رشد عاطفی - روانی قرار داشته باشند. چنانچه اختلاف سنی زوجین در حدی باشد که یکی از آنها در یک مرحله از رشد و دیگری در مرحله دیگری از رشد باشد، نه در همه ولی در برخی افراد موجب اختلاف نقش‌ها و روحیات می‌شود (شکل ۱۲).

۲ تناسب نسبی تحصیلی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی: توصیه بر آن است که زوجین از نظر وضعیت تحصیلی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی شباهت‌های نسبی با یکدیگر داشته باشند. اختلاف‌ها و تفاوت‌های شدید زوجین، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز مشکلات بعدی است. به همین دلیل، توصیه می‌شود، فردی که مذهبی است و به اصول اخلاقی پایبند است، با فردی ازدواج کند که در این زمینه به او شباهت بیشتری دارد. ازدواج چنین فردی با شخصی که توجهی به مسائل مذهبی و اخلاقی ندارد، می‌تواند مشکلات بسیاری را در ازدواج آنان پیش آورد. همین موضوع در سایر زمینه‌ها نیز صدق می‌کند. چنانچه فردی که معاشرتی است با شخصی ازدواج کند که منزوی و گوشه‌گیر است و به ارتباط اجتماعی علاقه‌ای ندارد، با مشکلات بسیار در زندگی مشترک خود روبه‌رو خواهد شد.

۳ استقلال نسبی زوجین از خانواده پدری: یکی از نکات بسیار مهم و اساسی ازدواج، استقلال زوجین از خانواده پدری است. هنگام ازدواج، زوجین برای خود خانواده‌ای تشکیل می‌دهند که جدا از خانواده قبلی آنهاست. این خانواده جدید باید مستقل و دارای مرز مشخصی باشد. گاهی اوقات، مرز این خانواده جدید بسیار ضعیف و نامشخص است و گاهی مرزی ندارد که به دخالت دیگران می‌انجامد. مهم است زوجین بتوانند مخارج زندگی خود را تأمین کنند و از این نظر، وابستگی نداشته باشند. در غیر این صورت در ازای تأمین مالی زندگانی، استقلال خود را از دست می‌دهند.

۴ اولویت ندادن به ویژگی‌های ظاهری: زیبایی یک خصوصیت نسبی است و لازم نیست در حد عالی باشد. برخی از افراد به زیبایی و جذابیت همسر آینده خود بیش از حد اهمیت می‌دهند. در مجموع، زیبایی و

جذابیت جسمی ارزش پایداری در ازدواج ندارد، هر چند لازم است زوجین برای هم زیبا و دلنشین باشند ولی تکیه صرف بر آن صحیح نیست؛ زیرا زیبایی ظاهری، به دلایل مختلف از بین می رود. بهتر است اساس ازدواج بر موضوعات پایداری مانند خصوصیات شخصیتی و ویژگی‌های اخلاقی (پرهیزگاری، صداقت، راستی و...) استوار باشد.

فعالیت ۲۴



از مادر و یا خواهر بزرگ‌تر خود و یا بستگان خود ملاک‌های ازدواجشان را بپرسد و دلایلشان را با هم مقایسه کنید. به نظر شما کدام ملاک و دلایل ازدواج می‌تواند به یک زندگی مشترک توأم با عشق و احترام ختم شود. در این باره گفت‌وگو کنید. گزارش آنها را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۵



دوست شما در آستانه ازدواج است. به عنوان یک دوست اگر درخواست کند به او کمک فکری دهید، چه پیشنهادهایی در زمینه انتخاب همسر و ملاک‌های ازدواج به او ارائه می‌دهید.

- ۱ برخورداری از مهارت تصمیم‌گیری:** یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که لازم است هر فرد در زندگی بیاموزد، مهارت تصمیم‌گیری است. زیربنای این مهارت بیشتر استدلال، منطق و تعقل است. ازدواج نیز تصمیم‌گیری مهمی است. از این رو ضرورت دارد با ویژگی‌های تصمیم‌گیری عقلانی بیشتر آشنا شوید. مراحل تصمیم‌گیری عقلانی یا منطقی عبارت‌اند از:
 - ۱ روبه‌رو شدن با موقعیت تصمیم‌گیری:** یعنی آگاه شدن فرد از اینکه ضرورت دارد درباره موضوعی تصمیم بگیرد. این آگاهی در برخی موقعیت‌ها مانند زمانی که فرد احساس می‌کند بر سر دوراهی قرار گرفته است یا مشکل مزمنی به طور مداوم در زندگی او حضور دارد یا به بن‌بست رسیده است، اهمیت بیشتری می‌یابد.
 - ۲ تعیین گزینه‌های ممکن و جمع‌آوری اطلاعات درباره آنها:** در این مرحله فرد باید بررسی کند که چه گزینه‌هایی برای تصمیم‌گیری وجود دارد و سپس درباره آنها اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.
 - ۳ ارزیابی پیامدهای پیش‌بینی شده هر یک از گزینه‌ها:** در این مرحله، فرد پیامدهای هر یک از گزینه‌های ممکن را بررسی و نتیجه هر یک را مشخص می‌کند.
 - ۴ متعهد کردن خود به گرفتن یک تصمیم:** در این مرحله، فرد سعی می‌کند با انتخاب یکی از گزینه‌های ممکن، خود را به انجام آن پایبند و متعهد سازد. یکی از مشکلات مهم تصمیم‌گیری آن است که افراد، پس از انتخاب یکی از گزینه‌ها به گزینه‌های دیگر فکر می‌کنند؛ مثلاً اگر این تصمیم را نمی‌گرفتیم آن وقت موفق بودم و... .
 - ۵ برنامه‌ریزی برای اجرای تصمیم:** در این مرحله، فرد گام‌های اجرایی را برای انجام تصمیم خود تعیین می‌کند.
 - ۶ اجرای تصمیم:** در این مرحله، فرد تصمیم می‌گیرد برنامه‌هایی را که در مرحله قبل تعیین کرده بود، به اجرا درآورد.
 - ۷ ارزیابی پیامدهای واقعی تصمیم:** در این مرحله، فرد مشخص می‌کند تصمیم گرفته شده تا چه اندازه مؤثر و مفید بوده است. پس از اجرای گام‌ها، او پیامدهای واقعی تصمیم خود را بررسی می‌کند.



یکی از تصمیم‌گیری‌های قبلی خود را با اصول تصمیم‌گیری عقلانی مطابقت دهید و مشخص کنید تا چه اندازه از چنین اصولی استفاده کرده‌اید. تصمیم‌گیری شما تا چه حد منطقی و اصولی بوده است. اگر اشکالی در مراحل صفحه قبل داشتید، مشخص کنید در کدام مرحله بوده است؟



در هر تصمیم‌گیری، فرد چیزی را از دست می‌دهد و در مقابل چیز دیگری را به دست می‌آورد. هر تصمیمی دارای پیامدهای مثبت و منفی است. مهم آن است که تصمیم گرفته شده، پیامدهای مثبت بیشتر و پیامدهای منفی کمتری داشته باشد.



نمودار ۳

ملاک‌های انتخاب همسر از نظر اسلام

اسلام به‌عنوان دینی کامل در همه زمینه‌های موردنیاز بشر توصیه‌ها و اصولی را ارائه داده است. اسلام به ازدواج به‌عنوان رکن مهم خانواده و یک موضوع مهم اجتماعی، توجه خاصی کرده است. دین اسلام برای انتخاب همسر ملاک‌هایی را مطرح کرده که برخی از آنها عبارت‌اند از (نمودار ۳):

۱ ایمان و تقوا: تقوا نوعی پرهیز در برابر آلودگی‌ها و زمینه‌ساز امنیت روانی است. تقوا در برگیرنده نگرهداری چشم، گوش، زبان، لمس و... است. فرد مؤمن و دین‌دار در همه حالات، رفتارها و مواضع

خود، خدا را در نظر دارد و در زندگی فردی و اجتماعی‌اش مراقب است که دست از پا خطا نکند و در روابط خود با همسر یا دیگران ضوابط الهی را رعایت کند و به نظارت و حسابرسی خداوند یقین داشته باشد. انسان مؤمن براساس عقیده دینی، همسر را امانت خدا در نزد خود تلقی می‌کند و در حفظ و رعایت این امانت کوشاست. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: «شخص با تقوا در راه رستگاری قدم برمی‌دارد و از فساد دوری می‌کند.»^۱

۲ اخلاق: رکن دوم که اسلام برای ازدواج و تشکیل خانواده در نظر گرفته اخلاق است. مقصود مجموعه‌ای ضوابط حاکم بر روابط ما انسان‌هاست که در بینش ما ریشه در مذهب و تعالیم مذهبی دارد.

در اسلام، منش نیک و پایبندی به ضوابط اخلاقی عامل توافق و پرهیز از دوگویی و دورویی و اختلاف است. ممکن است زن و مردی از نظر قد و رنگ و زیبایی‌ها و ثروت‌ها و حتی از نظر پایگاه اجتماعی متفاوت باشند، ولی دارای رفتار، اخلاق خوش و فداکاری باشند و این می‌تواند سبب انس و الفت گردد و اخلاق می‌تواند دو فرد متفاوت از نظر مرتبه و درجه علمی، مالی، فرهنگی و مقامی را در کنار هم قرار دهد. دیگر صفات پسندیده اخلاقی مثل صداقت، بردباری، جرئت، دارای روحیه بالا، امین بودن، و... هم نیز از مواردی است که دختران و پسران در انتخاب همسر باید آنها را مدنظر داشته باشند.

۱. لِلْمُتَّقِي هُدًى فِي رِشَادٍ، وَ تَجَرُّعٌ عَنِ فِسَادٍ، (غررالحکم، ۷۳۵۷)



شکل ۱۳- عفت و پاکدامنی

۳ عفت و پاکی: این ویژگی جلوه‌ای از تقواست و مبنای آن پرهیز از آلودگی اخلاقی و خودداری از روابط بی‌بندوبار و دوری از لالابالی‌گری در رفتار غریزی است. در سخنی از امام صادق علیه السلام آمده است: «کفو و همتای انسان مسلمان در ازدواج کسی است که عقیف است»^۱ (شکل ۱۳).

۴ شرم و حیا: این ملاک زیربنای هر شایستگی است و در آن این مسئله مطرح است که آدمی از گستاخی و وقاحت به دور باشد و

در حالات و رفتار و مواضع خود مرزهایی را مراعات کند. از دروغ و شرارت و آتش‌افروزی بپرهیزد، از نیرنگ و فریب اجتناب کند و در برابر احسان و محبت همسر خود قدردان و سپاس‌گزار باشد.

۵ ویژگی ظاهری: زیبایی و تناسب ظاهری در حفظ و تقویت عفت و وفاداری زوجین تأثیر بالایی دارد. اگر زیبایی همسر آن‌گونه که شریک زندگی او می‌پسندد، از حدّ نصاب کافی برخوردار باشد، چشم و فکرش متوجه دیگران نخواهد شد و دچار خیانت به همسر نمی‌شود، ولی اگر ظاهر او برایش خوشایند نباشد به‌طور ناخواسته ممکن است به او ظلم و بی‌توجهی کند و از او بهانه و ایراد بگیرد. در اسلام نیز بر همین مطلب توجه شده و توصیه شده است که به ویژگی‌های ظاهری همسر آینده توجه کنند^۲ و آن را سبب مستحکم‌تر شدن خانواده می‌داند.^۳ همچنین در طول دوران زندگی هم بر لزوم آراستگی و جذابیت مردان و زنان برای همسرشان تأکید فراوانی شده است.

۶ هم‌سطح و هم‌تراز بودن (کفویت): در آموزه‌های اسلامی علاوه بر ملاک‌های رایج انتخاب همسر که به بعضی از آنها اشاره شد، هم‌سطح و هم‌تراز بودن زن و شوهر در امور شرعی، عرفی و اجتماعی هم تأکید شده است. براین اساس لازم است زن و شوهر از حیث مراتب ایمانی و جایگاه اجتماعی با یکدیگر تفاوت معناداری نداشته باشند. به‌عنوان مثال، اگر یک نفر از زوجین از درجه‌ای ایمانی بسیار بالایی برخوردار باشد و نفر دیگر از درجه‌ای ایمانی بسیار پایینی برخوردار باشد، چه‌بسا آنها در مسیر زندگی دچار ناملایمات و مشکلاتی شوند و همچنین از حیث شئون و جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز باید در یک سطح متعادل باشند.

هرچند زیبایی یک امتیاز است و در سعادت زندگی زناشویی تأثیر بسزایی دارد. ولی در روایات از زیاده‌روی این مؤلفه و تبدیل آن به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین ملاک به شدت نهی شده است. ملاک‌های ازدواج نسبی‌اند و مهم است جوانان برای داشتن ازدواج بهتر و موفق‌تر، علاوه بر آشنایی با آنها، با مهارت‌های مختلف زندگی مانند مهارت تصمیم‌گیری، کنترل خشم، حل اختلاف و حل مسئله و... نیز آشنا شده و آنها را در زندگی خود به کار برند.

نکته



در مورد ملاک‌های انتخاب همسر در منابع علمی - اسلامی جست‌وجو کنید و بروشوری با همین موضوع در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۷



۱. الْكَفُوَانُ يُكُونُ عَفِيفًا

۲. أَنَّهُ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ امْرَأَةٍ يُرِيدُ تَزْوِيجَهَا (وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۳۶)

۳. أَنَّهُ قَالَ لِلْمُعِيرَةِ بِنِ سَعْبَةَ وَ قَدْ حَظَبَ امْرَأَةً لَوْ نَظَرْتُ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ أُخْرَى أَنْ يُودَمَ بَيْنَكُمَا. (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۰)

شناخت عوامل مؤثر در تحکیم و انسجام خانواده

امروزه، یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی، توجه به دوام یا فروپاشی خانواده است. با وجود دگرگونی‌های فراوان در عصر صنعتی شدن و رواج یافتن فردگرایی و لذت‌گرایی^۱، نخستین و مهم‌ترین نهادی که تحت تأثیر قرار گرفته، خانواده است که در روند توسعه و جهانی‌شدن دچار تحولات جدی گردیده است. بی‌شک، نگه‌داشتن بنایی با سستی و ناپایداری، آن هم به هر قیمت ممکن نیست. تحکیم خانواده هرگز به معنای قرار گرفتن اعضای خانواده زیر یک سقف به قیمت ظلم به یکی از آنها یا نادیده گرفتن حقوق آنها نیست یا توصیه و سفارش



شکل ۱۴- تحکیم خانواده

به گذشت و چشم‌پوشی بی‌مورد از خطاهای دیگری و پذیرش ظلم و بی‌عدالتی به منظور جلوگیری از طلاق و جدایی هرگز به معنای ثبات و استواری کانون خانواده نیست، زیرا به یقین، پابرجا ماندن خانواده با ظلم یک فرد و تحمل دیگری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی خانواده، استحکامی در پی نخواهد داشت، اگر هم در ظاهر پایدار باقی بماند، از درون پوسیده و بی‌ثبات است و بی‌شک، نمی‌تواند ویژگی‌های خانواده سالم و بانشاط را داشته باشد (شکل ۱۴).

ارتباط در زندگی خانوادگی بیش از هر جای دیگر اهمیت دارد. در این میان، ارتباط زن و شوهر، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا رابطه زن و شوهر یک ارتباط غیرخونی است که منحصراً در خانواده وجود دارد. به عبارت دیگر، زن و شوهر تصمیم گرفته‌اند که با یکدیگر زندگی کنند. در حالی که در سایر روابط خانوادگی، نوعی رابطه خونی بین اعضای خانواده وجود دارد. به همین دلیل، شناخت و آگاهی از ویژگی‌های روابط نزدیک خانوادگی، به خصوص ارتباط زن و شوهر، بسیار کمک می‌کند تا کیفیت زندگی خانوادگی ارتقا یابد.

در هر ارتباط نزدیک، ابعاد و موضوعاتی مطرح می‌شود و ضعف و اشکال در هر کدام می‌تواند روابط خانواده را مختل کند. بنابراین ضرورت دارد اعضای خانواده مهارت‌هایی را نیز برای بهبود این نوع روابط داشته باشند. در هر ارتباط نزدیک ابعاد و موضوعاتی مطرح می‌شود و ضعف و اشکال در هر کدام می‌تواند روابط خانواده را مختل کند. برخی از این موضوعات عبارت‌اند از:

الف) دلبستگی: دلبستگی نوعی ارتباط عمیق عاطفی بین فرد و خانواده است و احساس امنیت را بین آنها ایجاد می‌کند. دلبستگی در جریان رشد کودک هنگام گفت‌وگوی مادر و کودک به وجود می‌آید. کودکان از طریق نگاه کردن، صحبت کردن و... به برقراری ارتباط تشویق می‌شوند و هرچه بزرگ‌تر می‌شوند، این ارتباط را بیشتر برقرار می‌کنند و هرچه تماس‌های کودک گسترده‌تر می‌شود، دلبستگی‌ها نیز افزایش می‌یابد. همچنین دلبستگی، بر سایر روابط نزدیک انسان تأثیر می‌گذارد. افرادی که در دوران آغاز زندگی خود دلبستگی سالمی داشته‌اند در ارتباطات نزدیک زندگی خود نیز بهتر عمل می‌کنند. مثلاً رفتار مادران رضایت‌خاطر فرزندان را فراهم می‌آورد و متقابلاً رفتارهای فرزندان، موجب خرسندی و رضایت‌خاطر مادران می‌شود. دلبستگی سالم با مادر در اثر تجارب مکرر ارتباطی، توانایی در همدلی، مراقبت و ممانعت از پرخاشگری با کودک حاصل می‌شود که در برقراری روابط سالم کودکان در آینده کاملاً حیاتی است؛ هرگونه تعارض در برقراری دلبستگی

۱. اولویت نیازها و لذت‌های فردی به جای اولویت به نیازهای جمعی



شکل ۱۵- دلبستگی

سالم و امن منجر به کارکردی شکننده در روابط میان کودکان با بزرگسالان خود می‌شود.

وقتی بین مادر و فرزند دلبستگی سالمی برقرار نشود و بی‌اعتنایی هیجانی رخ دهد، کودک تحت تأثیر فقر دلبستگی با مادر یا مراقبان اولیه ممکن است در آینده مشکلات رفتاری - عاطفی بسیاری از خود بروز دهد. خوشبختانه در کشور ما به دلیل فرهنگ والا و غنی ایرانی- اسلامی و استحکام بنیان خانواده و نیز داشتن الگوهای متعالی، تجارب دلبستگی مثبتی وجود دارد (شکل ۱۵).

در گروه‌های کلاسی در مورد تأثیرات مثبت و منفی دلبستگی به دیگران گفت‌وگو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۸



با جست‌وجو در منابع علمی در مورد دلبستگی و نظریات مهم آن و نقش آن در سلامت روان بزرگسالی فرد، بروشوری را تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۹



ب) سلسله‌مراتب قدرت: در خانواده نیز همانند هر واحد اجتماعی دیگر، سلسله‌مراتبی از قدرت وجود دارد. قدرت اول خانواده پدر و مادر هستند. مهم آن است که والدین در فضای خانواده، با یکدیگر جنگ قدرت نداشته باشند و در اداره خانواده با یکدیگر اتفاق نظر بیشتری داشته باشند. هرگونه اختلاف بین والدین، وضعیت سلسله‌مراتب را در خانواده به شدت در هم می‌ریزد که خود موجب مشکلات بیشتری در زندگی خانوادگی می‌شود. در کشور ما این سلسله‌مراتب در بسیاری از خانواده‌ها وجود دارد. در گذشته اکثر خانواده‌ها با پدربزرگ و مادربزرگ زیر یک سقف زندگی می‌کردند و نظم و انضباط و احترام کوچک‌تر به بزرگ‌تر را به فرزندان خود می‌آموختند و شاید بتوان گفت چنین خانواده‌هایی دارای فرزندان صالح‌تر و موفق‌تر بوده‌اند.

در روابط خانوادگی خود، از اجرای سلسله‌مراتب قدرت در خانواده گزارشی تهیه و در کلاس ارائه دهید و در مورد نقاط قوت آن گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۳۰



ج) حریم: منظور از حریم بخش‌هایی از وجود، متعلقات و آن قسمت از محیط است که کاملاً به فرد اختصاص دارد. به عبارت دیگر، حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که برابر قانون یا عرف از دسترسی دیگران مصون است، مانند اتاق کار، اموال، مسئولیت‌های شخصی، استقلال، محل سکونت و... مهم آن است که به چنین حریم‌های شخصی در خانواده احترام گذاشته شود. از آیات قرآن و روایات مختلف معصومین علیهم‌السلام، حریم خصوصی قابل استنباط است. در این روایات اموری که به گونه‌ای موجب نقض حریم خصوصی می‌گردند، نهی شده است. «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثمٌ و لا تجسسوا؛ ای کسانی که ایمان



شکل ۱۶- حریم خصوصی

آورده‌اید، از گمان‌ها جداً بپرهیزید، زیرا که (پیروی) برخی از گمان‌ها (گمان بدی که مخالف واقع باشد) گناه است و تجسس و کاوش نکنید (شکل ۱۶).

از طریق گفت‌وگو با هنرجویان هنرستان خود، نظرات آنها در مورد حریم خصوصی را جمع‌آوری کنید و در مورد تأثیرات رعایت کردن یا نکردن حریم خصوصی آنها توسط خانواده گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۱



با جست‌وجو در منابع علمی، در مورد مشکلات ناشی از رعایت نکردن حریم شخصی افراد گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۲



د) جنسیت: جامعه و فرهنگ از زنان و مردان انتظارات متفاوتی دارد. معمولاً انتظار می‌رود زنان به پرورش فرزندان و مردان به تأمین و سرپرستی خانواده بپردازند. چنانچه زوجین مایل به نقش‌آفرینی در زمینه‌های دیگر مانند اشتغال زنان در بیرون از خانه هستند، ضروری است با نظر و عقیده یکدیگر آشنا شوند و به هنگام بروز اختلاف عقیده از مهارت‌های زندگی برای رفع مشکل استفاده کنند.

در گروه‌های کلاسی در مورد تفاوت جنسیتی زن و مرد و توانایی‌های آنها با جست‌وجو در منابع علمی بروشوری تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۳



ه) مرز: هر رابطه نزدیکی دارای مرز تعیین شده‌ای است. برای عملکرد مناسب اعضای خانواده، باید مرزها واضح و مشخص باشد. منظور از مرز که زوجین باید رعایت کنند، میزان قابل قبول درگیر شدن همسران با محیط بیرون منزل مانند کار، تحصیل و... است. زمانی که یکی از زوجین بیش از حد به کار، فعالیت، تحصیل، یا تفریح با دوستان می‌پردازد، در واقع از حد و مرز خود فراتر رفته است، در نتیجه، ارتباط او با خانواده دچار مشکل می‌شود. همچنین پدر و مادر باید حد و مرزهایی برای



شکل ۱۷- مرز بین همسران

فرزندانشان تعیین کنند و در ایجاد مرزها غفلت نکنند. لازم است والدین برای آموختن مرزها به فرزندانشان هماهنگ باشند تا روابط خانواده با مشکل مواجه نشود. پس، افراد باید مرزهای یکدیگر را رعایت کنند تا انسجام و کارایی اعضای خانواده و روابط آنها بهتر شده و خانواده، زمینه رشد و تعالی آنها را فراهم آورد (شکل ۱۷).

البته مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. سلامت روانی اعضای خانواده، کارآمدی بیشتر نظام خانواده و جلوگیری از آسیب‌ها و رفتارهای نابهنجار در خانواده، از نقش‌های مهم رعایت مرزها است و خانواده‌هایی که به این مرزها پایبند هستند، از مواهب مختلف زندگی استفاده می‌کنند و رضایت‌مندی بیشتری از زندگی دارند. یکی از اهداف مهم ازدواج در اسلام، حفظ عفت و سلامت اخلاقی افراد است و رضایت‌مندی برخی مرزها در خانواده به منظور تأمین این هدف است.

فعالیت ۳۴



با مشاهده روابط اطرافیان، گزارشی در مورد مشکلات رعایت نکردن مرزها در روابط زوجین تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

ز) تفسیر از جهان: هر انسانی دارای ارزش‌ها، اهداف، اعتقادات و تفسیر خاصی از جهان است. تفاوت در دیدگاه افراد خانواده گاه به اختلافات جدی منجر می‌شود. بنابراین ضروری است که به آنها رسیدگی شود تفسیر از جهان، شامل تفسیرهای خود و همسر نیز می‌شود که می‌تواند در روابط نزدیک و صمیمانه اختلاف جدی ایجاد کند. نمونه‌ای از این اختلافات در تفسیر رفتارهای خود و دیگران آن است که رفتارهای خود را معمولاً اتفاقی و موردی ارزیابی می‌کنند، اما رفتارهای طرف مقابل را خصوصیت او تلقی می‌کنند. مثلاً اگر فرد دروغی گفته باشد آن را دروغ مصلحت‌آمیز تفسیر می‌کند، اما اگر از فرد دیگری دروغ بشنود آن فرد را دروغگو ارزیابی می‌کند.

هدف توانمندسازی ۴: هنرجو بتواند مهارت‌های اساسی برای برقراری ارتباط مؤثر در خانواده را به کار بندد.

به کارگیری مهارت‌های اساسی برای بهبود زندگی خانوادگی

فعالیت ۳۵



در گروه‌های کلاسی در مورد مهارت‌هایی که باعث بهبود ارتباط مؤثر بین اعضای خانواده می‌شود، گفت‌وگو کنید و نظرات خود را در کلاس ارائه دهید.

برای برقراری ارتباط سازنده و مؤثر اعضای خانواده با هم، آنها باید مهارت‌هایی را در خود پرورش دهند. هرچه این مهارت بیشتر و عمیق‌تر باشند، روابط بین اعضای خانواده به‌ویژه زوجین نیز صمیمی‌تر و پایدارتر خواهد بود. برخی از این مهارت‌ها عبارت‌اند از:

۱ خودآگاهی، خودشناسی

شناخت اهداف، ارزش‌ها، مسئولیت‌ها، وظایف، نقش‌های خانوادگی، انتظارات و علایق خود، می‌تواند مشکلات ارتباطی را کاهش دهد. این شناخت، به خصوص برای ازدواج ضروری است تا زوجها بر اساس آن برای زندگی



شکل ۱۸- خودآگاهی و خودشناسی

مشترک اقدام کنند. برای مثال، فردی که اهداف و ارزش‌های خاص خود را در زندگی می‌شناسد، همسری برای خود برمی‌گزیند که با اهداف و ارزش‌های او همسویی دارد. مسلم است که ازدواج چنین فردی موفق‌تر و بادوام‌تر از کسی خواهد بود که بدون چنین شناختی از خود، همسری انتخاب می‌کند که با او تضادهای ارزشی فراوانی داشته است (شکل ۱۸).

فعالیت ۳۶



برای شناخت بیشتر خود تمرین‌های زیر را انجام دهید:
الف) خود را آن‌گونه که هستید، توصیف کنید و فهرستی به این منظور از خصوصیات خود را تهیه کنید.
ب) با افرادی که شما را می‌شناسند مانند پدر، مادر، خواهر، برادر، دوست و... گفت‌وگو کنید و از آنها بخواهید، مهم‌ترین خصوصیات مثبت و منفی شما را بیان کنند.
ج) گزارش خود، خانواده و دوستان از خصوصیاتتان را با هم مقایسه کنید.
د) گزارشی از خصوصیات مثبت و منفی خود را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۷



با جست‌وجو در منابع اسلامی، در مورد آثار خودشناسی بر بهبود روابط افراد خانواده تحقیق کنید و نتیجه را به صورت پوستر در کلاس ارائه دهید.

۲ شناخت احساسات^۱

یکی از موارد مهم خودآگاهی، آگاهی و شناخت فرد از احساسات خود است. شناخت احساس، یکی از مهارت‌های مهم زندگی خانوادگی است. زیرا در بسیاری از مواقع احساس فرد بر نحوه بیان او اثر می‌گذارد، در نتیجه در لحن کلام و انتخاب کلمات او تغییر ایجاد می‌شود. خشم و عشق دو مورد از احساسات هستند که تأثیر زیادی در روابط عاطفی بین افراد دارند:

الف) خشم: خشم واکنش به ترس، فشار روانی و یا نگرانی است. هنگامی که شخص آگاهانه تصمیم به اقدام می‌گیرد تا بلافاصله رفتار تهدیدکننده بیرونی را متوقف کند، خشم (رفتاری، ذهنی و فیزیولوژیک) ظاهر می‌شود. خشم را یکی از حالات طبیعی انسان‌ها می‌دانند که در واقع راهی است برای نجات دادن یا حفظ کردن فرد از یک نگرانی یا خطری که در حال وقوع است. خشم اگر به درستی مهار و کنترل نشود، به‌خشونت می‌انجامد. مانند خشونت نسبت به همسر یا به فرزندان که هردو صدمات جبران‌ناپذیری بر خانواده وارد می‌کنند (شکل ۱۹).

۱. هیجان یا احساس، شامل پاسخ‌هایی است که در درونی‌ترین و قدیمی‌ترین بخش مغز و بدن ما کدگذاری شده و خود را در قالب تأثیرات فیزیولوژیک مستقیم نشان می‌دهد.



شکل ۱۹- خشم در خانواده

کنترل خشم و عصبانیت: برای مقابله با خشم، می‌توانید از روش‌های زیر استفاده کنید:

- توقف کنید و کاری انجام ندهید؛
- یک لیوان آب بنوشید؛
- خود را آرام کنید و نفس عمیق بکشید؛
- ورزش کنید؛
- حواس خود را به موضوعات دیگر مشغول کنید؛
- افکار خود را تغییر دهید؛
- به خودتان یادآوری کنید که عصبانیت فقط اوضاع را وخیم‌تر می‌کند؛
- روی حل مسئله تمرکز کنید و به دنبال راه‌حل باشید؛
- شوخ‌طبع باشید؛
- جمله‌های مثبت را با خود تکرار کنید، مانند اینها، «عصبانی شدن کمکی به من نمی‌کند»، «داد نکش، حرف بزن»، «ارزش عصبانی شدن ندارد» و...؛
- در خصوص آنچه از آن عصبانی شده‌اید با فرد مقابل حرف بزنید؛
- سعی کنید بدون اینکه به کسی آسیبی برسانید، احساساتتان را بیان و ناراحتی خود را مطرح کنید (شکل ۲۰).



شکل ۲۰- راه‌های کنترل خشم

فهرستی از هیجانات مثبت و منفی تهیه کنید و موارد زیر را انجام دهید:
 الف) نظر خود را در مورد میزان هیجانات خود، در سطح زیاد، متوسط و کم درجه‌بندی کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.
 ب) در مورد نتایج به‌دست آمده در کلاس گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۳۸



فعالیت ۳۹



در گروه‌های کلاسی، در مورد خشم و روش‌های کنترل آن موارد زیر را در کلاس انجام دهید:
الف) تهیه ماسک‌های مقوایی با انواع هیجانات
ب) اجرای نمایش با ماسک

فعالیت ۴۰



در گروه‌های کلاسی، هر گروه یکی از احساسات مثبت یا منفی (مثلاً محبت، ترس) را انتخاب کنید و نحوه بیان درست آن را در کلاس نمایش دهید.



شکل ۲۱- عشق در خانواده

ب) عشق و محبت: عشق افراد خانواده به یکدیگر اساس زندگی خانوادگی است. با وجود اینکه کلمه عشق زیاد استفاده می‌شود، با این حال، در بسیاری از اوقات مردم با معنای واقعی^۱ این کلمه آشنا نیستند. مهم‌ترین اجزای عشق شامل احترام، مسئولیت، اعتماد، درک و فهم است. عشق می‌تواند شامل عشق مادر به فرزند، عشق به فردی از جنس مخالف، عشق برادرانه نسبت به انسان‌های دیگر و عشق به خداوند باشد. در عشقی که هنگام ازدواج بین دو جنس مطرح می‌شود، صمیمیت، تعهد، شور و اشتیاق در کنار هم وجود دارند (شکل ۲۱).

فعالیت ۴۱



بر روی یک مقوا شکل‌های مختلف عشق و محبت را نمایش دهید.

فعالیت ۴۲



هر گروه کلاسی، مفهوم عشق و محبت را در آثار یکی از شاعران ایرانی بررسی کند و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.



شکل ۲۲- همدلی

ج) مهارت همدلی: همدلی درک احساسات طرف مقابل است. یعنی از زاویه دید طرف مقابل به موضوع نگاه شود. همدلی، علاوه بر آنکه ارتباط بین انسان‌ها را تحکیم و تقویت می‌کند، آن را بهبود نیز می‌بخشد زمانی که کسی می‌گوید: «احساس مرا درک نمی‌کنی! یا متوجه نمی‌شوی چه احساسی دارم!»، همان موقع است که به همدلی نیاز دارد و طرف مقابل نتوانسته است احساس او را درک کند. شنیدن چنین عبارت‌هایی در خانواده‌ها کم نیست. البته این نکته مهم است که همدلی کردن دارای حد و اندازه است، افراط در آن امکان سوءاستفاده را فراهم می‌کند (شکل ۲۲).

۱. عشق به‌عنوان یک احساس مثبت و شکل بسیار قوی دوست داشتن معنی شده است.

برای افزایش توان همدلی اصول زیر را در ارتباطات خود به کار برید:

- ۱ به صحبت‌های فرد مقابل خوب گوش دهید.
- ۲ به احساسات و هیجانات فرد مقابل توجه کنید. هنگامی که کسی صحبت می‌کند، دقت کنید که آن را با چه احساس و هیجانی بیان می‌کند.
- ۳ خود را جای فرد مقابل قرار دهید. سعی کنید از چشم او به موضوع نگاه کنید.
- ۴ احساس فرد مقابل را به خود او منعکس کنید.
- ۵ با احساس و عاطفه طرف مقابل همراه و هماهنگ شوید.

د) **مهارت حل اختلاف:** اختلافات در هر رابطه‌ای خصوصاً در روابط همسران با یکدیگر، طبیعی است به



شکل ۲۳- حل اختلاف

تعبیری شاید بتوان گفت هر نوع رابطه‌ای با تعارض همراه است. هر چه رابطه با کسی نزدیک‌تر باشد، مقدار تعارضات با او نیز بیشتر می‌شود. مهم آن است که طرفین بتوانند اختلافات خود را به نحو احسن مدیریت و حل بکنند مدیریت اختلاف، علاوه بر رفع اختلافات، برای رفع رنجش‌ها، آزرده‌گی‌ها و بیان گله‌ها نیز بسیار مناسب است (شکل ۲۳).

اصول مهارت حل اختلاف

- ۱ هر جا با اختلافی روبه‌رو شدید، سریعاً از مهارت حل اختلاف استفاده کنید و نگذارید اختلاف ریشه‌دار شود.
- اجتناب، فرار، کتمان یا فراموش کردن اختلافی که شما را رنج می‌دهد، به تشدید مشکلات می‌انجامد؛
- ۲ چنانچه عصبانی هستید یا احساس سنگینی شما را رنج می‌دهد ابتدا خود را آرام سازید؛
- ۳ با همفکری طرف مقابل، زمان مناسبی را برای حل اختلاف در نظر بگیرید؛
- ۴ رنجش، اختلاف یا گله خود را بیان کنید؛
- ۵ هنگام بیان اختلاف یا رنجش از جملاتی استفاده کنید که با من شروع می‌شود، جملاتی که با تو شروع می‌شود حالت حمله به طرف مقابل را دارد و حالت طرف مقابل را تدافعی می‌کند. مثلاً من گمان می‌کنم... احساس من این است که... به باور من... و مواردی از این قبیل؛
- ۶ بدون پرخاش، کنایه، طعنه، تحقیر، تمسخر و تندی صحبت کنید؛
- ۷ از به کارگیری کلمات زشت یا دارای بار منفی خودداری کنید؛
- ۸ هر بار در مورد یک موضوع صحبت کنید. صحبت راجع به موضوعات متعدد مانع حل اختلافات می‌شود؛
- ۹ در طرف مقابل، احساسات منفی ایجاد نکنید. مثلاً او را تحقیر نکنید، سرزنش نکنید و... حرف خود را بزنید؛
- ۱۰ نظر و دیدگاهتان را نسبت به اختلاف و ناراحتی بیان کنید؛
- ۱۱ اجازه دهید طرف مقابل هم نظر و دیدگاه خود را بیان کند؛
- ۱۲ به استنباط‌ها و احساسات طرف مقابلتان احترام گذاشته و با دقت گوش کنید؛
- ۱۳ صحبت‌های طرف مقابل را ارزیابی کنید؛
- ۱۴ اگر خطا کرده‌اید معذرت بخواهید. معذرت‌خواهی برای خطا کردن یک توانایی است و نشانه ضعف نیست؛
- ۱۵ اگر خطا نکرده‌اید و اختلاف وجود دارد، سعی کنید آن را حل کنید. راهی برای پایان دادن یا کاهش اختلاف خود بیابید؛



شکل ۲۴- اختلاف زوجین

۱۶ هرگز اختلافات خود را پیش دیگران فاش نسازید و رازداری کنید. چون گاهی خود این مسئله سبب پیچیده شدن مشکلات و اختلافات و دخالت نابجای دیگران می‌شود؛
۱۷ راه‌حلی را برگزینید که هر دو نفر موافق باشند به‌چنین راه‌حلی، بُرد-بُرد گفته می‌شود (شکل ۲۴).

فعالیت ۴۳



در گروه‌های کلاسی:
الف) با مطالعه و پرسش از اطرافیان‌تان که در گذشته اختلافاتی با هم داشتند، ولی آن را حل کرده‌اند، روش‌های آنها را بررسی کنید.
ب) چه شیوه و روش‌هایی را برای مقابله با مشکلات زندگی آنها می‌توانید ارائه دهید؟
ج) گزارش‌ها را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۴۴



با توجه به اصول مهارت حل اختلاف، پیشنهادهای خود را به زوجینی که با هم اختلاف نظر پیدا کرده‌اند، ارائه دهید.

روش‌های مختلف برای دست‌یافتن به راه‌حل بُرد - بُرد وجود دارد که می‌تواند در استحکام روابط مفید واقع شود، برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از:
الف) نوبت گذاشتن
ب) قرعه‌کشی کردن
ج) مصالحه کردن^۱
د) گذشت کردن
هـ) انجام هر دو راه‌حل
و) کمک گرفتن از یک داور بی‌طرف

نکته



برای ایجاد خانواده‌ای سالم نه تنها ضروری است که ابعاد روابط نزدیک شناخته شود، بلکه تسلط بر مهارت‌های متعدد نیز ضروری است تا بتوانیم با روابط سالم به انسجام خانواده کمک کنیم و خانواده و جامعه را از آسیب‌های اجتماعی در امان نگه داریم.

فعالیت ۴۵



در گروه‌های کلاسی، اصول مهارت حل اختلاف را با روش ایفای نقش و با مشارکت افراد گروه کلاسی خود نمایش دهید.

۱. نه راه‌حل نفر اول و نه راه‌حل نفر دوم، بلکه راه‌حل دیگری پیشنهاد می‌شود. مثلاً نفر اول می‌خواهد برای گردش به پارک برود، نفر دوم می‌خواهد به سینما برود و هر دو بر نظر خود اصرار دارند. در این روش، راه‌حل سومی را انتخاب می‌کنند که هر دو با آن توافق دارند و آن رفتن به موزه است.

هدف توانمندسازی ۵: هنر جو بتواند مسئولیت پذیری در خانواده را توضیح دهد.

داشتن ارتباط مفید و صمیمانه با همسر بخش مهمی از زندگی بزرگسال است که تأثیر روانی شدیدی بر زندگی او دارد. چنانچه ارتباط با همسر راضی کننده و موفقیت آمیز باشد، فرد از سلامت روانی بیشتری برخوردار می شود. در صورتی که زندگی زناشویی با مشکلات و نارضایتی ها همراه باشد بر سلامت روانی زوجین شدیداً تأثیر منفی می گذارد.

عوامل مؤثر در برقراری ارتباط درست با همسر

۱ کیفیت ارتباط زوجین

آنچه یک رابطه را بین زوجین پایدار می سازد، چیزی فراتر از عشق و محبت است. اگر چه صداقت و احترام دو عامل مهم در روابط عاطفی بین زوجین است اما عوامل دیگری نیز در شادی زوج ها دخیل است که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

- هر یک از زوجین به سهم خود در انجام کارهای مختلف زندگی و تصمیم گیری ها مشارکت داشته باشند و هرگز به دیگری وابستگی افراطی نداشته باشند.
- وابستگی زن تا حدودی به همسرش لازم است تا اقتدار مرد حفظ شود ولی زمانی که این وابستگی جنبه افراطی داشته باشد، باعث کم رنگ شدن روابط میان آنها خواهد شد.
- شخص وابسته همیشه ترس از دست دادن شریک زندگی خود را دارد و از تنها ماندن، تصمیم گیری و حتی تنها فکر کردن می ترسد. لازم است این فرد در ابتدا احساسات خود را تقویت کند، یعنی ترس از دست دادن، تنها ماندن، نداشتن اعتماد به نفس، نداشتن قدرت تصمیم گیری های مهم و ضروری را از خود دور کند تا در برقراری روابط عاطفی با همسر خود موفق باشد (شکل ۲۵).



شکل ۲۵- وابستگی زوجین

با جست و جو در منابع علمی - اسلامی در مورد روابط حسنه زوجین تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

فعالیت ۴۶



۲ شناخت تفاوت‌های میان زن و مرد

یکی از نکته‌های مهم در مبحث ارتباط زوجین آن است که آنان باید، علاوه بر شناخت خود، از تفاوت‌هایی که میان زن و مرد وجود دارد نیز آگاه باشند. اگر چه زنان و مردان در موارد بسیار به یکدیگر شباهت دارند ولی تفاوت‌های ظریفی نیز میان آنان وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) تفاوت جسمی یا بیولوژیک: بدن زنان و مردان با یکدیگر در ظاهر تفاوت دارد. از طرفی در هر دو جنس هورمون‌های (تستوسترون - استروژن و پروژسترون) طرف مقابل هم وجود دارد ولی در مردان، هورمون تستوسترون غالب است که مسئول رفتار مردانه است و در زنان هورمون استروژن و پروژسترون غالب است که مسئول رفتار زنانه است. با توجه به اینکه هورمون‌ها بر رفتار انسان تأثیر اساسی و مهمی دارند، طبیعی است که رفتار زنان و مردان نیز تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشد؛ مثلاً در مردان^۱ به سبب غالب بودن هورمون تستوسترون خشونت بیشتر از زنان است.

ب) تفاوت‌های روان‌شناختی یا رفتاری: زنان و مردان از نظر خصوصیات روان‌شناختی نیز در بعضی از موارد، با یکدیگر تفاوت دارند. در اینجا به تعدادی از تفاوت‌های روان‌شناختی اشاره می‌شود:

■ زنان و مردان در برقراری ارتباط با یکدیگر تفاوت دارند. برقراری ارتباط اجتماعی برای زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری دارد. اغلب زنان هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شوند، در وهله نخست به دنبال همراه و همفکر، سپس به دنبال راه حل آن هستند. آنان مایل‌اند در درجه اول، همسرشان به صحبت‌های آنان گوش دهد، با آنان همدلی کند و آنان را درک کند و سپس به حل مشکل خود اقدام می‌کنند. مردان نیز نیاز به همدلی دارند اما کمتر از زنان به این موضوع اهمیت می‌دهند.

■ زنان و مردان از نظر ابراز هیجان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. زنان هیجانات و احساسات خود را به خوبی نشان می‌دهند ولی مردان آنها را بروز نمی‌دهند. آنان هنگام ناراحتی بیشتر به درون خود فرو می‌روند.

■ جذابیت جسمی و آراستگی زنان برای مردان از اهمیت بسیار برخوردار است. مردان بیشتر از زنان تحت تأثیر جذابیت و آراستگی قرار می‌گیرند.

■ مردان کلی‌تر از زنان به مسائل نگاه می‌کنند. به عبارتی مردان کلی‌نگر و زنان جزئی‌نگرترند. این موضوع در زمینه‌های اجتماعی بیشتر خود را نشان می‌دهد. مثلاً هنگامی که زن و شوهری به یک مهمانی می‌روند، زن به بسیاری از موارد ریز و ظریف در زمینه‌های متعدد به ویژه رفتارها و برخوردها توجه دارد. در حالی که مرد توجهی به موارد ریز و جزئی ندارد و به کل مهمانی توجه دارد که از آن لذت برده است.

■ زنان روابط را پیچیده‌تر از مردان می‌بینند. با توجه به اینکه زنان بیشتر به مسائل اجتماعی و ظریف توجه دارند، طبیعی است که ارتباطات را نیز پیچیده‌تر از مردان ادراک کنند.

■ اغلب مردان به موفقیت و پیشرفت در شغل و کسب و کار اهمیت می‌دهند، ولی زنان هم به موفقیت در اداره امور منزل و هم به پیشرفت در شغل اهمیت می‌دهند.

۱. مربوط به زیست‌شناسی. دانشی که درباره موجودات زنده بحث کند.

۲. هورمون تستوسترون یک هورمون مردانه است. ارتباط این هورمون با پرخاشگری، امروزه به‌طور دقیق شناخته شده است. این هورمون ماده‌ای است که از طریق غدد جنسی در مردان ترشح می‌شود. البته به مقدار خیلی کمی هم در زنان وجود دارد. این ماده باعث افزایش حالت‌های تهاجمی و جنگیدن می‌شود. به طوری که در تمام موجودات زنده معمولاً، وظیفه حمله و شکار برعهده موجود نر است.



شکل ۲۶- تفاوت‌های روان‌شناختی یا رفتاری بین زنان و مردان

■ اغلب مردان به استقلال اهمیت می‌دهند، ولی زنان به حمایت شدن. مردان بیشتر مایل‌اند درخصوص تصمیم‌گیری‌های شخصی خود مستقل عمل کنند. در حالی که زنان بیشتر حمایت همسران خود را می‌خواهند و از آنها توقع محبت، توجه و راهنمایی دارند (شکل ۲۶).

فعالیت ۴۷



در مورد تفاوت‌های زن و مرد در منابع علمی تحقیق کنید:

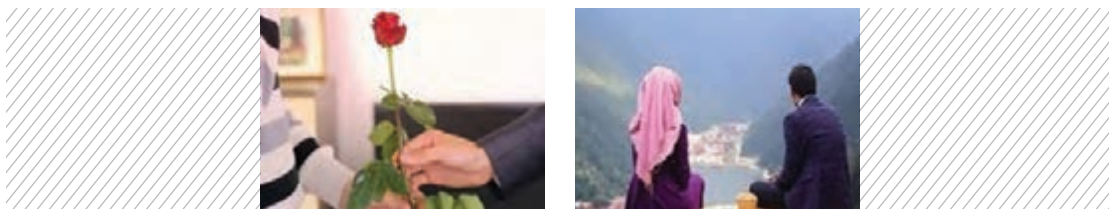
- ۱ نتیجه را به صورت فهرست وارسی^۱ طراحی کنید.
- ۲ فهرست وارسی را برای والدین خود تکمیل کنید.
- ۳ از والدین خود موارد دیگری را به فهرست وارسی اضافه کنید.
- ۴ گزارش خود را در این زمینه در کلاس ارائه دهید.

۳ داشتن اوقات مشترک

یکی از اجزای زندگی و روابط موفق زناشویی آن است که زوجین اوقات مشترکی را با یکدیگر داشته باشند تا بتوانند در زمینه‌های مختلف با همدیگر گفت‌وگو کنند. چنین اوقات مشترکی بهتر است صرف فعالیت‌های زیر شود:

الف) بیان محبت، علاقه و توجه: محبت و مهربانی به همسر یکی از راهکارهای اساسی در دوام زندگی زناشویی و نیز از آموزه‌های اخلاقی اسلام است. بیان محبت و توجه گرچه دوجانبه است و زن و مرد - هر دو - موظف هستند به آن متعهد باشند، اما چون زن عاطفی‌تر و احساسی‌تر از مرد بوده و وجودش لطیف‌تر از مرد است، نیازش به محبت و مهربانی، بیش از مرد است. انسان ذاتاً تشنهٔ دوستی و محبت است و یکی از نیازهای روانی انسان، محبت است و همان‌گونه که از محبت خویش به دیگران لذت می‌برد، پیوسته در تلاش است که محبت دیگران را نیز نسبت به خود جلب کند. این نیاز و ابراز محبت در ازدواج به اوج می‌رسد و به صورت‌های مختلف می‌توان آن را نشان داد:

- **کلامی:** بیان جملات و کلماتی که حاکی از محبت است؛
- **نوشتاری:** نوشتن نامه‌های پر محبت، شعر، پیام کوتاه، ارسال تصویر و...؛
- **غیرکلامی:** ابراز محبت بدون استفاده از کلمات، مانند خرید یک شاخه گل (شکل ۲۷).



شکل ۲۷ - داشتن اوقات مشترک

۱. چک‌لیست، سیاههٔ رفتار، فهرست بررسی

ب) بیان احساسات منفی: نه تنها مهم است زوجین احساسات مثبت خود را به یکدیگر بیان کنند، بلکه مهم است احساسات منفی خود را نیز با یکدیگر در میان بگذارند، از جمله ترس‌ها، نگرانی‌ها و مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستند.

ج) بیان روشن و واضح انتظار و توقع از یکدیگر: مهم است که زوجین انتظارات خود را از شریک زندگی خود بدانند و دریابند که این انتظارات تا چه حد بجاست. بهتر است هر یک از زوجین انتظارات منطقی خود را صادقانه به همسر خود بیان کند.

د) پرهیز از آزار همسر: رعایت حدود و حقوق همسر و آزار نرساندن به او (چه آزار جسمی و چه زبانی)، از وظایف اخلاقی دو طرفه است که همسران باید آن را رعایت کنند و بدان متعهد باشند. باید زبان خود را کنترل کنند و از سرزنش، طعنه، کنایه زدن و هر عملی که به نوعی تخریب‌کننده عواطف و شخصیت همسر است، اجتناب ورزند. مرد حق ندارد همسر خود را تنبیه بدنی کند؛ زیرا تنبیه بدنی همسر، عواطف موجود در میان همسران را ضایع می‌کند و نفرت و بدبینی می‌آفریند. همچنین دل بستگی زن به زندگی را کم رنگ می‌کند و او را دچار عقده روانی می‌سازد، به گونه‌ای که به مرور زمان از چنین مردی فاصله می‌گیرد و نفرت پیدا می‌کند.

توقعات و انتظارات غیرمنطقی از همسر: زن و شوهر گاهی با داشتن توقعات و انتظارات غیرمنطقی از یکدیگر ممکن است باعث اختلاف بیشتری در خانواده شوند. از جمله این انتظارات غیرمنطقی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- همواره باید مرا شاد کند؛
- بدون اینکه بگویم، باید بفهمد چه می‌خواهم یا چه احساسی دارم؛
- باید تمام محبت‌ها و فداکاری‌هایم را جبران کند؛
- باید تمام اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، درد و رنج‌ها را از من دور کند؛
- باید برای من ارزش و احترام قائل شود؛
- باید از همه کارهایم سپاسگزار و متشکر باشد؛
- نباید از من انتقاد کند، نباید از دستم عصبانی شود یا نشان دهد کارم را قبول ندارد؛
- باید آن قدر به من مهر و محبت نشان دهد که از چیزی احساس ناراحتی نکنم؛
- باید با تمام وجودش دوستم داشته باشد حتی اگر خودم دوست نداشته باشم؛
- باید خوشبختم کند؛
- باید همه چیز را سر و سامان دهد.

در گروه‌های کلاسی درمورد تأثیر توقعات و انتظارات غیرمنطقی زوجین بر ارتباط آنها با یکدیگر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۴۸



با والدین یا زوجینی که می‌شناسید در موارد زیر گفت‌وگو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید:

فعالیت ۴۹



۱ عوامل مؤثر بر کیفیت رابطه مطلوب

۲ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه نامناسب

۳ توقعات نامناسب زوجین از یکدیگر

ه) لازم است زوجین قسمتی از ساعات را به برنامه‌های مشترک خود اختصاص دهند: تفریح، سرگرمی، گردش، پیاده‌روی انجام کار مشترک مانند تهیه غذا، تکمیل نوعی جورچین، گفت‌وگو در مورد اتفاقات روزی که گذشت، مرور خاطره‌های قبلی، پیشرفت‌ها و... .

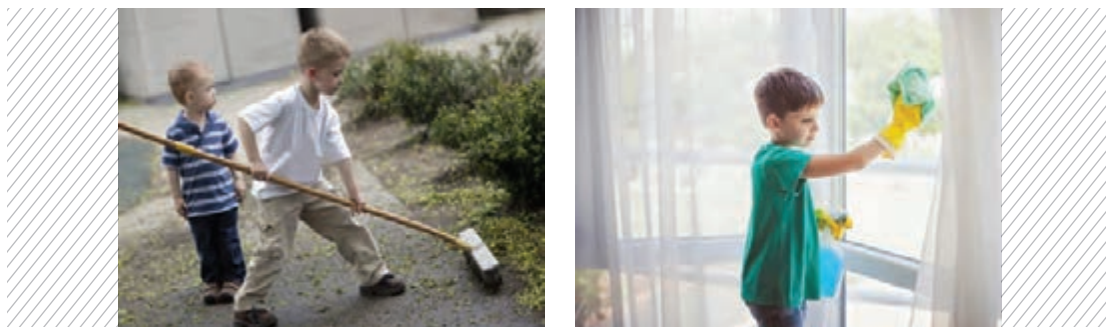
ز) برنامه‌ریزی و تصمیمات مشترک: تصمیم‌گیری در خصوص برنامه‌های آینده، هدف‌های مشترک، آرزوها و... یکی از موضوعاتی است که بهتر است در اوقات مشترک زوجین مطرح شود.

۴ احترام به حریم‌های شخصی یکدیگر

هر یک از زوجین با وجود رابطه تنگاتنگی که با هم دارند، برای خود شخصاً حریمی دارند که ممکن است مایل نباشند دیگری به آن وارد شود؛ مانند دست‌زدن به کیف یا تلفن همراه، خواندن نامه‌های قدیمی، شنیدن مکالمه با یکی از نزدیکان و مواردی از این قبیل. علاوه بر این مهم است که هر یک از زوجین اوقاتی را برای برنامه‌های مشترک و خانوادگی خود و زمانی را هم برای برنامه‌های شخصی و خصوصی خود اختصاص دهند.

۵ مشارکت در انجام مسئولیت‌های خانوادگی

مهم است زن و شوهر در انجام مسئولیت‌های خانوادگی مشارکت داشته باشند. به طوری که هر یک از آنان، در انجام مسئولیت‌های خانوادگی، سهم مساوی داشته باشند. زن یا شوهری که احساس کند وظایف خانوادگی منصفانه تقسیم نشده است، دچار خشم می‌شود و همین می‌تواند رابطه آنان را مخدوش کند (شکل ۲۸).



شکل ۲۸- مشارکت در انجام مسئولیت‌های خانوادگی

در مورد عوامل مؤثر بر برقراری ارتباط با همسر برای زوجینی که تازه ازدواج کرده‌اند، گزارشی در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۵۰



نقش‌های خانوادگی

در گروه‌های کلاسی هر کدام از هنرجویان، نقش یک عضو در خانواده را ایفا کند و در مورد مسئولیت‌های خود توضیحاتی ارائه دهند.

فعالیت ۵۱



خانواده، مانند یک جامعه کوچک مجموعه‌ای از افراد است که در قبال یکدیگر و متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، اقتصادی و دینی متفاوتی دارند. در نظام خانواده نیز هر فرد جایگاه خاصی دارد که متناسب با آن از حقوق و البته وظایف ویژه‌ای برخوردار است. نقش‌ها، وظایفی هستند که برعهده هر یک از اعضای خانواده نهاده می‌شود و با انجام آنها، خانواده مسیر رشد سالم را طی می‌کند. در هر خانواده، سه وظیفه اساسی وجود دارد:^۱

الف) تأمین منابع مادی: تهیه خوراک، پوشاک، مسکن، پیگیری مسائل بهداشتی و سایر مسائل مادی یکی از وظایفی است که در یک خانواده باید مورد توجه قرار گیرد.

ب) پرورش و حمایت: تربیت دینی و علمی اعضای خانواده، تأمین آسایش، محبت، اطمینان خاطر و حمایت از اعضای خانواده نمونه‌هایی از مصادیق این نوع وظیفه است.

ج) مدیریت خانواده: این حوزه شامل کارکردهای مدیریتی لازم برای حفظ سلامت روانی اعضای خانواده است. وظایفی از قبیل رهبری و تصمیم‌گیری‌های مهم و نهایی، نظارت بر اجرای درست راهکارهای پرورشی و حمایتی، مدیریت مالی خانواده و کنترل مسائل مربوط به بهداشت افراد خانواده، از مهم‌ترین حوزه‌های مدیریت خانواده است.

۶ انعطاف در ایفای نقش‌های خانوادگی

به‌طور سنتی مردان نان‌آور و سرپرست خانواده و زنان نقش کدبانو، مادر و همسر را برعهده دارند. با ورود زنان به حوزه اشتغال، نقش‌های زنان متعدد شده و بر مشکلات آنان افزوده است. چنین وضعیتی بعضی از خانواده‌ها را دچار بحران کرده است. مثلاً زن و شوهری که هر دو شاغل‌اند وقتی به خانه برمی‌گردند، مرد احساس می‌کند که باید استراحت کند ولی زن بلافاصله باید کارهای خانه را انجام دهد، به فرزندان رسیدگی کند و...؛ همکاری زوجین نقش مهمی در حل این مسئله دارد.

۷ ایجاد تعادل در نقش‌های خانوادگی

از آنجا که زوجین هر یک نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند، ضروری است بین نقش‌های مختلف زندگی تعادل برقرار کنند؛ به‌طوری‌که یکی از نقش‌ها قربانی نقش‌های دیگر نشود. مثلاً اگر پدر، مدیر داخلی یک اداره است، نقش مدیر داخلی بودن آنقدر سنگین نشود که نتواند اوقاتی را به فرزندان خود اختصاص دهد.

در گروه‌های کلاسی در مورد نقش اعضا خانواده در یک خانواده ایرانی مدرن و سنتی گزارشی تهیه کنید.

فعالیت ۵۲



۱. در ارتباط با مسئولیت‌های اعضای خانواده در همین واحد یادگیری مطالبی ارائه خواهد شد.

عوامل مؤثر در برقراری ارتباط مؤثر با فرزندان

برقراری ارتباط با کودک به محیطی امن و فضایی مناسب برای گفت‌وگو نیاز دارد. در بسیاری از مواقع انتقال پیام بین والدین و فرزندان به خوبی انجام نمی‌شود و یا اینکه یک ارتباط یک‌سویه برقرار است. والدین برای برقراری ارتباط مناسب با فرزندان خود به نکته‌های زیر توجه کنند:

۱ گذراندن بخشی از اوقات خود با فرزندان

به والدین توصیه می‌شود اوقاتی را به بازی، کتاب خواندن، صحبت کردن، کنار هم نشستن، انجام برنامه‌های مشترک باهم مانند تعمیر لوازم خانه، مرتب کردن منزل، کمک در کارهای خانه، باغبانی، بحث درباره‌ی موضوعی خاص و... با فرزندان خود بپردازند (شکل ۲۹).



شکل ۲۹- گذراندن اوقات والدین با فرزندان

۲ تناسب داشتن نوع ارتباط با سن کودکان

نحوه برقراری ارتباط با کودک پنج‌ساله برای نوجوان سیزده‌ساله مناسب نیست. اما به‌طور کلی والدین باید با فرزندان خود از طریق تماس بدنی (در آغوش گرفتن، نوازش کردن و بوسیدن)، قصه‌گویی، بازی و... ارتباط داشته باشند. ارتباط منظم و قوی با فرزندان باعث می‌شود که در آنان احساس امنیت و نزدیکی به‌وجود آید.

با سه نفر از والدین اطرافیان خود (هم پدر و هم مادر) در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید:

- ۱ به‌طور متوسط چند ساعت از وقت خود را با فرزندان می‌گذرانند؟
- ۲ در زمانی که به فرزندان اختصاص دارد، چه فعالیت‌هایی دارند؟
- ۳ چگونه محبت خود را به فرزندان ابراز کنند؟

۳ پذیرش بی‌قید و شرط فرزندان

والدین باید فرزندان خود را بی‌قید و شرط دوست داشته باشند. منظور آن است که دوست داشتن فرزندان نباید مشروط به رفتار یا موضوع خاص یا داشتن یا نداشتن خصوصیتی در فرزند باشد؛ بنابراین لازم است والدین:
اولاً: وجود کودک را هر طور که هست قبول داشته باشند.
ثانیاً: ارزش وجود کودک را انکار نکنند.

فعالیت ۵۳



وقتی خانواده، کودک را در هر وضعیت بپذیرد، در آغوش بگیرد و تأیید و حمایت کند به او نشان داده است که او را قبول دارد. این رفتار منجر به ایجاد احساس امنیت و اعتماد به نفس در کودک می‌شود. چنانچه والدین یا اعضای خانواده در مقابل رفتارهای ناخوشایند کودک مانند بهانه‌گیری و گریه کردن او را ضعیف بخوانند، یا به شوخی او را به حیوانی تشبیه کنند، یا با لقب زشتی صدایش بزنند، یا با انجام دادن کاری که خوشایند دیگران نیست، متوجه شود، که دوستش ندارند، در واقع خانواده هرچند نادانسته دائماً به او اعلام می‌کنند، تو را قبول نداریم و وجودت برای ما ارزش ندارد. فقط زمانی تو را تأیید می‌کنیم، که کارهایی انجام دهی که ما قبول داشته باشیم. چنین رفتارهایی باعث ایجاد احساس ناامنی و حقارت در کودک می‌شود.

۴ ارزیابی مثبت از رفتار کودک

بسیار مهم است که والدین همواره درباره رفتارهای کودک، با خوش بینی و نگاه مثبت اظهار نظر کنند و حتی اگر از کودک رفتار نادرستی سر زد، سعی نکنند کودک را سرزنش و محکوم کنند، بلکه به کودک فرصت و آگاهی دهند تا به اشتباه خود پی ببرد، به خصوص اگر کودک آن رفتار را انکار کرد نباید خلاف آن را ثابت کنید.

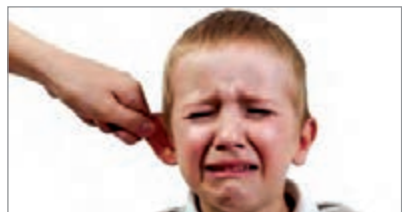
۵ گفت‌وگو با کودک



شکل ۳۰- گفت‌وگو با کودک

آنچه کمتر در خانواده‌های ما رایج است گفت‌وگو با یکدیگر است. زمانی که افراد نتوانند، احساسات و افکارشان را با یکدیگر در میان بگذارند به ناچار روش‌های غیرمستقیم مانند پرخاش، قهر، سکوت، رنجش و گریه را انتخاب می‌کنند. گفت‌وگو بهترین راه برقراری ارتباط و تأثیرگذاری است، زیرا باعث می‌شود انسان منطقی برخورد کند، دلیل رفتار خود را جست‌وجو کند و یاد بگیرد درباره رفتار و گفتارش توضیح دهد (شکل ۳۰).

۶ اجتناب از رفتارهای منفی



شکل ۳۱- رفتارهای منفی با کودک

بعضی از والدین رفتارهای منفی مانند تنبیه بدنی (کتک‌زدن و...)، پرخاش (دادزدن، پرتاب وسیله و...)، تحقیر و توهین و مسخره کردن (لحن توهین‌آمیز، مقایسه کردن و...) را رفتارهای اصلاح‌گرانه تلقی می‌کنند و فکر می‌کنند با این نوع رفتارها کودک متوجه اشتباهش می‌شود و رفتارش را اصلاح می‌کند (شکل ۳۱).

انتخاب چنین روشی ناشی از آشنا نبودن والدین با طبیعت کودکان است. کودکان جسم و روان بسیار حساس و لطیفی دارند، رفتارهای مثبت و صحیح با کودک می‌تواند وجود او را تکامل بخشد و در مقابل رفتار نادرست و منفی، این وجود شفاف را کدر می‌کند و باعث تخریب شخصیت او می‌شود.

در گروه‌های کلاسی، فعالیت‌های زیر را انجام دهید:

- ۱ آیا روش برخورد و ارتباط والدین با خود را روش مناسب می‌دانید؟ دلایل خود را ارائه دهید.
- ۲ شما چه روشی را در برقراری ارتباط والدین با خودتان پیشنهاد می‌کنید؟



۷ رعایت عدالت بین فرزندان

عدالت به معنی به‌جا آوردن حق هر فرد به اندازه واقعی است، اما این که حق واقعی هر فرد چقدر است، بعضی وقت‌ها روشن و بعضی مواقع مبهم است و همین امر باعث می‌شود که حق افراد در بعضی موارد در هاله‌ای از ابهام واقع شود. در چنین مواردی می‌بایست از دستورات دینی کمک گرفته شود.

کودکان به شدت به پدر و مادر و خانواده خود وابسته هستند و از آنها توجه و رسیدگی می‌خواهند. هر کودکی دوست دارد بیشترین توجه به او شود و این احساس او را دلگرم می‌کند. وقتی از والدین بپرسید کدام فرزندشان را بیشتر دوست دارند، معمولاً آنها را به انگشتان دست تشبیه می‌کنند و می‌گویند هر یک از انگشتان اگر آسیبی ببیند رنج‌آور است یعنی همه آنها را دوست دارند. اما اگر از فرزندان همین سؤال را بپرسید، معمولاً



شکل ۳۲- عدالت بین فرزندان

اعتقاد دارند والدین به خواهر یا برادرشان بیشتر از آنها توجه می‌کنند. آنها گاهی احساس تبعیض می‌کنند و این موجب رنجش آنها از والدین می‌شود. پدر و مادر باید بدانند که همه فرزندان در یک سطح نیستند و هر کدام در زمینه‌ای استعداد دارند و این نباید سبب تبعیض بین فرزندان شود. تبعیض و بی‌عدالتی در برخورد با فرزندان از هر جهتی (عاطفی، روحی و روانی و...) روی آنها تأثیر می‌گذارد و موجب حسادت، کینه، مقایسه‌های ناروا و بروز برخی مشکلات بین فرزندان می‌شود (شکل ۳۲).

تبعیض در خانواده دو شکل کلی دارد:

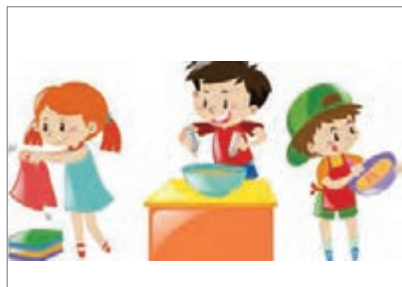
۱ **تبعیض میان فرزندان:** گاهی والدین ناآگاهانه به دلایل و شرایط موجود در فرزند از جمله بیماری، معلولیت، شباهت به فرد محبوب از دنیا رفته و... بین فرزندان تبعیض قائل می‌شوند که معمولاً عمدی نیست ولی می‌تواند به چنین احساسی در فرزندان دیگر منجر شود و روابط بین آنان را دچار مشکل کند.

۲ **اولویت دادن به پسران خانواده در مقابل دختران خانواده:** در ارتباط صحیح با فرزندان رعایت عدالت از مهم‌ترین اصول است. که باید مورد توجه والدین قرار گیرد.

والدین لازم است برای رعایت عدالت جنسیتی بین فرزندان به نکات زیر توجه کنند:

۱ والدین درباره تفکرات و باورهای قدیمی که هنوز آثار آن در جوامع وجود دارد، مانند اولویت دادن به فرزندان پسر، آگاهانه عمل کنند.

۲ والدین قبل از آنکه فرزندان خود را دختر یا پسر ببینند، آنها را انسان بدانند. جنسیت هیچ ارزش ویژه‌ای را



شکل ۳۳- تقسیم وظایف میان فرزندان

برای هیچ یک از دو جنس ایجاد نمی‌کند. نظارت کنترل‌شده و غیرمستقیم خانواده، برای هر دو جنس بسیار ضروری است و هر دو (دختر- پسر) مکلف‌اند ضوابط و مقررات خانواده را رعایت کنند.

۳ در تقسیم‌بندی وظایف میان فرزندان، دختران را بیشتر از پسران مکلف نکنند. دختر و پسر هر دو در امور شخصی باید نظم را رعایت کنند، کارهای شخصی خود را انجام دهند و در انجام کارهای منزل با والدین مشارکت کنند (شکل ۳۳).

شایستگی ۶: توسعه شناخت روابط...

متأسفانه این باور که دختر باید برای ازدواج آماده شود، پس باید همه چیز را درباره امور خانه‌داری و خانواده بداند اما پسر نیازی به اطلاعات و مهارتی ندارد، باعث شده است تا خانواده زمانی که به کمک و همکاری پسران (چه در زمان مجرد و در خانه پدری و چه بعد از ازدواج، در خانواده‌ای که خود تشکیل داده است) نیاز دارد، از این کمک‌ها محروم بماند.

کودکی خود را در نظر بگیرید و در مورد رفتار والدین با خود موارد زیر را انجام دهید:
(الف) روش‌های ارتباط والدین با خود را فهرست کنید.
(ب) تفاوت‌های برخورد والدین با شما و سایر اعضای خانواده را بیان کنید.

فعالیت ۵۵



در مورد عدالت جنسیتی در جامعه خود در منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را به صورت پوستر در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۵۶



هدف توانمندسازی ۶: هنرجو بتواند روش‌های مسئولیت‌پذیری در خانواده را به کار بندد.

در گروه‌های کلاسی در مورد این نقش‌ها (مسئولیت‌ها) گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۵۷



مسئولیت‌های اعضای خانواده

منظور از مسئولیت در نظام خانواده، موقعیت، توقعات و کارهایی است که از آنان انتظار می‌رود. به عبارت دیگر، یعنی موقعیتی که افراد در خانواده دارند و به تناسب این موقعیت، توقعات و کارهایی به عهده آنها گذاشته



شکل ۳۴- مسئولیت‌پذیری در خانواده

می‌شود که از آنان انتظار می‌رود، که مسئولیت آن را بپذیرند. همه امور و اقدامات آدمی از جمله ازدواج مسئولیتی بر دوش انسان می‌گذارد. این مسئولیت در قبال خود، همسر، فرزندان و در نهایت در رابطه با خداوند است. مرد و زن با ازدواج و تشکیل خانواده به نظام و دنیایی تازه، با راه و روشی جدید، وارد می‌شوند. در نتیجه باید شیوه و رفتار دوران مجرد را به فراموشی بسپارند و به بنیان جدیدی که پی نهاده‌اند بیندیشند در کانون و فضای جدیدی که زن و شوهر برای خود ساخته‌اند، وظایف نوینی برای چرخش امور آن مطرح است که باید براساس تقسیم کار و مسئولیت انجام پذیرد (شکل ۳۴).

الف) مسئولیت مردان

مردان، مسئول و سرپرست خانواده محسوب می‌شوند و تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی بر عهده آنهاست. برخی از وظایفی که مردان نسبت به خانواده دارند، عبارت‌اند از:

- ۱ مسئولیت اقتصادی:** کار و تلاش به منظور کسب درآمد و تأمین هزینه زندگی از مسئولیت‌های مردان است، زیرا آنها کفیل همسر و اعضای خانواده‌اند و باید خانواده خود را از نظر غذا، لباس، مسکن و تهیه دیگر ضروریات زندگی و همه آنچه برای گذران عادی زندگی از ابزار و اثاثیه لازم است، تأمین نمایند.
- ۲ مسئولیت ارشادی:** والدین هر دو وظیفه هدایت و تربیت فرزندان را بر عهده دارند، اما مسئولیت این امر مهم با پدر است و او در ذهن فرزندان یک فرد آگاه به تمام امور است و به همین خاطر در حل مشکلات و یا پاسخ به سؤالات از او راهنمایی می‌گیرند. در بینش اسلامی نیز والدین متعهد، وظیفه راهنمایی و هدایت فرزندان را بر عهده دارند. آنها وظیفه دارند که مسایل دینی را به فرزندان بیاموزند.
- ۳ مسئولیت اجرای ضوابط:** در محیط خانواده والدین باید مظهر عدل و انضباط و مجری قوانین و ضوابط باشند. پدر با اجرای آن، اعضای خانواده را با قوانین و مقررات آشنا می‌کند و پایبندی و رعایت آنها را خواستار می‌شود.
- ۴ مسئولیت حقوقی:** مرد در خانواده دارای مسئولیت حقوقی است و پاسخگوی اعضا و جریانات خانواده در برابر دستگاه‌های مسئول است. حتی اگر جان کودکی از خانواده به خطر بیفتد، در صورتی که پدر کوتاهی کرده باشد، باید پاسخگوی دولت و دستگاه زمامدار باشد و به همین گونه است در مورد دیگر جریانات و امور خانواده، او وظیفه دارد امنیت را برای اعضای خانواده فراهم کند.

با جست‌وجو در منابع علمی:

الف) در مورد مسئولیت ارشادی مرد در خانواده گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.
ب) در مورد مسئولیت‌های زن و مرد در جوامع اسلامی و جوامع دیگر بروشوری تهیه کنید.

فعالیت ۵۸



ب) مسئولیت زنان

زن نیز در اداره کانون خانه و تحقق اهداف زندگی خانوادگی، نقش و مسئولیت‌های مهمی دارد که نه تنها از نقش و مسئولیت مردان کمتر نیست، بلکه از جهاتی شاید سنگین‌تر و سرنوشت‌سازتر باشد. بسیاری از نابسامانی‌های زندگی خانوادگی که شعاع و نفوذ ترکش آن به جامعه نیز می‌رسد، ناشی از ناآگاهی مادران نسبت به مسئولیت خود و یا سهل‌انگاری در پذیرش آن است. وظایف و مسئولیت‌های او ظریف و با شرایط جسمی و لطافت روحی او متناسب است.

- ۱ مسئولیت همسرمداری:** زن با شوهرش پیمان زندگی مشترک بسته و تعهدات و مسئولیت‌هایی را در قالب وظیفه، حقوق و اخلاق پذیرفته است. زن مایه آرامش و سکون خانواده است و با نرمی و ملایمت زمینه‌های رشد و موجبات کمال همسر و فرزندان را فراهم می‌کند.
- ۲ مسئولیت مادری:** منظور از مسئولیت مادری، ارتباط خاص مادر با فرزندان از زمان انعقاد نطفه تا تولد و از آن زمان تا بزرگسالی است. مادر با مراقبت‌های مختلفی که از کودک به عمل می‌آورد، زمینه لازم را برای

سلامتی جسمی و روانی کودک، فراهم می‌سازد. مادر، سرچشمه مهر و مهم‌ترین عامل سعادت خانواده است. او احساس امنیت، آرامش، قدرت و استقلال را در کودک به وجود می‌آورد. از دیدگاه اسلام، زن در مقام مادری به اوج والایی و شکوه می‌رسد (بهشت زیر پای مادران است). مسئولیت مادر، بسیار مهم و حساس است. ویژگی‌ها، اندیشه‌ها و خلق و خوی وی در کودک اثر می‌گذارد. از این رو، مادر باید برای اصلاح رفتار و تعالی بخشیدن به روح و اندیشه خود بکوشد. بنابراین، مسئولیت زن به ویژه در سال‌های اول تولد کودک، به مراتب بیشتر از مرد است (شکل ۳۵).



شکل ۳۵- مسئولیت مادری

۳ **مسئولیت کانون زندگی (مدیریت منزل):** اداره خوب یک خانواده می‌تواند در جهت بهبود اوضاع داخلی خانواده‌ها، ارتقای روابط بین آنها، مستحکم شدن پایه‌های اجتماع و ایجاد صرفه‌جویی‌های اقتصادی قرار گیرد. مدیریت خلاقانه و هنرمندانه زن در خانواده، آنها را قادر می‌سازد تا در راستای رفاه و آرامش روانی و رسیدگی به امور منزل از جمله نظافت، آراستگی، پخت‌وپز و مسائلی از این قبیل موفق‌تر باشند. در خصوص مسئولیت‌ها و وظایف زن و مرد در خانواده ضروری است به نکته‌های زیر توجه شود:

- تقسیم مسئولیت‌ها و نقش‌های مختلف به معنی برتری یکی بر دیگری نیست.
- مسئولیت‌ها و وظایف زن و مرد در خانواده مطلق نیست. به این معنی که فقط مردان مسئول تصمیم‌گیری‌ها و تعیین خط‌مشی‌های خانواده نیستند، بلکه در بسیاری از مواقع این مسئولیت به صورت مشترک اعمال می‌شود؛ به طوری که بسیاری از مردان در رسیدگی و مراقبت از فرزندان و بسیاری از زنان در تأمین مخارج اقتصادی خانواده مشارکت دارند.

زن و شوهر باید در انجام مسئولیت‌ها و وظایف، با یکدیگر تفاهم و توافق داشته باشند و چنانچه در این زمینه اختلافی با یکدیگر دارند از مهارت‌های زندگی مانند مهارت حل اختلاف، گفت‌وگو و... استفاده کنند تا شدت اختلاف کاهش یابد.

نکته



فعالیت ۵۹



با جست‌وجو در منابع علمی:

- الف) در مورد مسئولیت زن در مدیریت منزل گزارشی تهیه و در کلاس ارائه دهید.
- ب) در مورد مسئولیت‌های زن در جوامع اسلامی و جوامع دیگر بروشوری تهیه کنید.

ج) مسئولیت فرزندان

اگر از کودکی بپرسید مسئولیت پذیری چیست به شما خواهد گفت: «انجام یک کار درست» یا «انجام هر کاری که مامان و بابا بگویند.» یا «انجام تکالیفم» در واقع مسئولیت فراتر از وظایف و انجام کارهای واجب و اجباری است. معنای حقیقی مسئولیت، تعهد انجام یک یا چند کار است. فرد مسئولیت پذیر کسی است که آگاهانه تصمیم می گیرد، رفتار صحیحی دارد و می خواهد به خود یا دیگران کمک کند. علاوه بر این، فرد مسئولیت پذیر عواقب کار یا تصمیم خود را می پذیرد.

در خانواده، مسئله فرزندان و مسئولیت آنها در برابر والدین و کانون خانواده هم مطرح است که در ادامه چند مورد از این مسئولیت ها با رعایت اختصار بیان می شود. پیش تر متذکر می شویم که این مسئولیت ها برای دورانی است که فرزندان خانواده به سن تشخیص رسیده یا در سنین تکلیف شرعی هستند و مکلف به رعایت تعالیم و دستورها هستند.

با جست و جو در منابع اسلامی آیات و روایاتی در ارتباط با مسئولیت های فرزندان در قبال والدین گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۶۰



مسئولیت فرزندان در قبال پدر و مادر

فرزندان در قبال وظایف و مسئولیت هایی که والدین برای آنها انجام می دهند مسئولیت هایی دارند:

۱ احسان و اطاعت از والدین: یکی از مهم ترین وظایف فرزندان آن است که در رفتار و گفتار خود احترام والدین را رعایت کنند. بی احترامی به والدین و بی توجهی به شأن و حرمت آنان از موارد مهمی است که رشد فرزند و سایر خانواده را با مشکل بزرگی روبه رو می کند. خداوند در قرآن کریم در خصوص ضرورت احترام و نیکویی کردن به والدین تأکید زیادی کرده است؛ از جمله در آیه زیر:

«جز او هیچ کس را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. چنان که یک یا هر دو پیر شدند کلمه ای را که رنجیده خاطر شوند نگویند و کمترین آزار را به آنها نرسانید و با کلام نیکو سخن بگویند»^۱. علاوه بر این، هر خانواده دارای اصول، قوانین و مقررات خاصی است که ضروری است فرزندان، آنها را رعایت کنند (شکل ۳۶).

۲ انجام مسئولیت ها و فعالیت های شخصی: فرزندان به موازات رشد و افزایش توانایی ها، مسئولیت های بیشتری نیز می یابند. مثلاً کودک دوساله قادر نیست در بیرون از منزل از خود مراقبت کند و مسئولیت مراقبت از وی بر عهده خانواده گذاشته می شود،



شکل ۳۶- احترام و نیکی به والدین

۱. سوره اسراء، آیه ۲۳



شکل ۳۷- انجام مسئولیت‌ها و فعالیت‌های شخصی



شکل ۳۸- همکاری در فعالیت‌های منزل

ولی زمانی که شانزده ساله می‌شود توانایی مراقبت از خود را در محیط بیرون کسب می‌کند و در این زمینه در قبال خود مسئول است. به همین دلیل ضروری است به موازات رشد، مسئولیت‌ها و وظایف خود را بشناسد و آنها را به اجرا درآورد (شکل ۳۷).

۳ همکاری در فعالیت‌های منزل: نه تنها فرزندان در قبال خود مسئولیت‌ها و وظایفی برعهده دارند، بلکه در مقابل خانواده نیز مسئول هستند و باید در انجام فعالیت‌هایی مانند نظافت، خرید، پخت‌وپز و سایر امور خانوادگی مشارکت داشته باشند (شکل ۳۸).

۴ فروتنی و تواضع در برابر پدر و مادر؛

۵ به زبان نیاوردن الفاظ نامناسب در برابر پدر و مادر؛

۶ پرهیز از طرد و راندن پدر و مادر؛

۷ دعا و رحمت‌خواهی برای پدر و مادر، همان‌گونه که در کودکی بر ما رحمت آوردند؛

۸ مقدم داشتن رضای آنها بر رضای خود جز در موارد حرام؛

۹ آرزوش‌خواهی برای والدین در دوران پس از مرگ آنها.

فعالیت ۶۱



در گروه‌های کلاسی، فعالیت زیر را انجام دهید:
برای انجام امور خانه، شما چگونه با اعضای خانواده مشارکت می‌کنید؟ در کلاس گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۶۲



برای برگزاری جشنی در هنرستان قرار است کلاس شما برنامه مناسبی تهیه کند. شما به‌عنوان یکی از اعضای کلاس، چگونه می‌توانید در برگزاری این جشن مشارکت داشته باشید؟

نحوه جلب مشارکت اعضای خانواده در امور منزل



شکل ۳۹- مشارکت اعضای خانواده در امور منزل

مشارکت در لغت به معنی شرکت کردن است. در جامعه‌شناسی مشارکت به معنی حالت یا وضعی است که در آن فرد به گروه خاصی تعلق داشته و در پیشبرد امور آن سهیم باشد، اما گاهی به معنی شرکت فعالانه در گروه جهت به ثمر رساندن یک فعالیت اجتماعی است. مشارکت‌پذیری اعضای خانواده به‌عنوان نیاز اجتناب‌ناپذیر عصر ما، همه ابعاد انسانی را در سطوح مختلف فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می‌دهد و در به ثمر رساندن اهداف خانواده حائز اهمیت است (شکل ۳۹).

ضرورت و فواید مشارکت اعضای خانواده

مشارکت در تأمین نیازهای مادی و معنوی خانواده از وظایف هر یک از افراد (پدر، مادر و فرزندان) است در زیر به برخی از دلایل و فواید این کار اشاره می‌شود:

۱ مشارکت سبب تخفیف بار سنگین مسئولیت‌ها از دوش یک فرد می‌شود و فشارهای روانی ناشی از تنهایی را به امنیت روانی و عاطفی حاصل از مشارکت پذیری تبدیل می‌کند.

۲ مشارکت به درک متقابل و همدلی بیشتر اعضای خانواده کمک می‌کند. فرض فقدان هر نوع مشارکت پویا، نشان از بی‌اعتمادی اعضای خانواده به یکدیگر دارد. خانواده‌ای که نمی‌تواند اعضایش را به مشارکت فراخواند، از استعدادهای آنان بی‌خبر است یا به آنها اعتمادی ندارد، در نتیجه اعضای آن نمی‌توانند همدیگر را تکمیل کنند. چنین خانواده‌ای از ناتوانی و انزوای اعضای خود در رنج است.

۳ مشارکت پذیری، کارآمدی خانواده را در دستیابی به اهداف افزایش می‌دهد. هر قدر قلمرو فعالیت فکری، عاطفی و رفتاری اعضای خانواده انفرادی تر باشد، به همان میزان پیامدهای آن در مقایسه با حالت مشارکت پذیری، محدودتر و ناقص‌تر خواهد بود.

۴ مشارکت پذیری اعضای خانواده، با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عصر ما، یک ضرورت اجتماعی است. در گذشته، اعضای خانواده به صورت طبیعی و در شبکه‌ای گسترده (مانند ارتباطات فامیلی، صله‌رحم و...) روابط خود را شکل می‌دادند. شدت روابط در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تربیتی، آموزشی، دینی و... مشارکت پذیری را به صورت طبیعی ایجاب می‌کرد؛ اما در عصر کنونی با پیشرفت جامعه، تقسیم کار شدید در بیرون از خانه و افزایش روابط غیررسمی (مانند فضای مجازی)، ارتباط مستمر اعضای خانواده را به طور چشمگیر کاهش داده است. ایجاد زمینه‌های مساعد و مناسب برای مشارکت پذیری افراد خانواده، امروز یک نیاز و ضرورت اجتماعی است.

نکته



به‌طور کلی در راستای مشارکت‌پذیری اعضای خانواده، به‌خصوص زن و شوهر باید به دو نکته توجه کرد: **نکته اول:** هر یک از وظایف یا نقش‌های الزامی و غیرالزامی مربوط به اعضای خانواده قابلیت مشارکت دیگر افرادش را دارد و اساساً نباید گمان کرد که تقسیم و تفکیک نقش‌ها و مسئولیت‌ها مانع مشارکت آنهاست.

نکته دوم: تفکیک و تقسیم نقش‌ها در راستای انسجام خانواده است و نوعی مشارکت در تحقق اهداف و برنامه‌ها و مسئولیت‌های خانواده محسوب می‌شود.

فعالیت ۶۳



به فعالیت‌ها و رفتارهای اعضای خانواده در یک هفته توجه کنید و با یادداشت‌برداری از میزان مشارکت اعضای خانواده در زندگی گزارشی تهیه و در کلاس ارائه دهید.

شناخت دستورهای اخلاقی در اسلام برای تأمین سلامت روابط خانوادگی

اخلاق بر همه مجموعه روابط انسانی حاکم است ولی لزوم و ضرورت آن در روابط خانوادگی بیشتر احساس می‌شود. این امر از آن بابت که خانواده سر منشأ همه روابط و نهادهای اجتماعی است اهمیت بیشتری دارد. رشد و انحطاط جوامع و نهادها در سایه صعود و سقوط خانواده‌ها رقم می‌خورد. در خانواده‌ای که اخلاق الهی حاکم باشد، روابط اعضا، رنگ و هوای الهی دارد و در جامعه انسانی، نقشی ایفا می‌کنند که مورد رضایت پروردگار باشد؛ برعکس اگر در خانواده اخلاق حکومت نکند، فرزندان رشدیافته در آن، افرادی سست و فرومایه، نابهنجار و نابسامان و در مواردی هم مجرم خواهند بود.

از نظر اسلام، رعایت نکات اخلاقی زیر می‌تواند به استحکام خانواده‌ها بسیار کمک کند:

۱ محبت و صمیمیت: محبت به همسر و فرزندان یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده است و رسیدگی به همسر از جمله اوصاف و اخلاق پیامبر الهی است. در این زمینه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «سخن مرد



شکل ۴۰- محبت و صمیمیت

به همسرش که می‌گوید دوستت دارم، در قلب او جا می‌گیرد و هیچگاه خارج نمی‌شود.^۱» (شکل ۴۰).

اساس روابط خانواده باید مبتنی بر مهرورزی و اتحاد باشد و در این زمینه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که به نیکی بین خود و زوجه‌اش رفتار می‌کند.^۲». همچنین قرآن دستور می‌دهد که با آنان (زنان) معاشرتی نیکو و پسندیده داشته باشید، این محبت و صمیمیت باید براساس ایمان و اخلاق باشد و اظهار شود. مردان و زنان باید محبت خود را نسبت به یکدیگر بر زبان آورند. نادیده گرفتن عشق و محبت‌ها، اظهار نکردن آن به یکدیگر و پنهان داشتن آن در درون، عامل بدبختی‌ها، بدبینی‌ها، سوءظن‌ها و در نهایت سرد شدن روابط و سستی پایه‌های تداوم زندگی است.



شکل ۴۱- احترام گذاشتن به یکدیگر

۲ احترام گذاشتن به یکدیگر: اساس استحکام خانواده در اسلام بر پایه احترام و محبت متقابل افراد خانواده به خصوص زن و شوهر به یکدیگر است (شکل ۴۱).

خداوند در قرآن کریم آفریدن همسر را یکی از آیات خود دانسته و بر ضرورت خوش رفتاری و احترام با همسر تأکید کرده است که از جمله می‌توان به آیه‌های زیر اشاره کرد:

«و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد.^۳» و «یا به وجهی نیکو نگاهشان دارید یا به وجهی نیکو از آنها جدا شوید.^۴»

۱. قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا، الكافي، ج ۵، ص ۵۶۹

۲. رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ، کتاب من لایحضره الفقیه، ترجمه بلاغی و غفاری، ج ۵، ص ۹۲

۳. سوره روم، آیه ۲۱

۴. سوره طلاق، آیه ۲

۳ **گذشت و خطاپوشی:** یکی از صفات مهم مرد و زن در کانون خانواده آن است که نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشند. شکی نیست که انسان، خطاپذیر است؛ در زندگی فردی و اجتماعی و نیز زندگی خانوادگی گاهی ممکن است از اعضای خانواده خطایی سرزند. اگر بنا شود برای همه خطاها حسابرسی به عمل



شکل ۴۲- گذشت و خطاپوشی

آید و برای اشتباهات طرف مقابل کیفر و مجازاتی معین گردد، زندگی خانوادگی دچار تنگنا می‌شود و تداوم آن امکان‌پذیر نخواهد بود. به سفارش دین اسلام خطاهای یکدیگر را باید نادیده گرفت و در این راه جوانمردی و انسانیت را باید مدنظر قرار داد (شکل ۴۲).

امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرمایند:

«دو چیز است که (عظمت) ثواب آنها قابل ارزیابی نیست: یکی عفو و اغماض و دیگری عدل و انصاف.»^۱

با جست‌وجو در منابع علمی-اسلامی بروشوری با عنوان اخلاق در خانواده از دیدگاه اسلام تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۶۴



شکل ۴۳- همکاری و تقسیم کار

۴ **همکاری و تقسیم کار:** همکاری بین اعضای خانواده سبب پیشبرد امور و دستیابی به اهداف خانواده، تحکیم روابط خانوادگی، توسعه مهر و محبت و کاهش اختلاف و نگرانی‌ها می‌شود و در نتیجه، نقش مهمی در حفظ آرامش اعضای خانواده دارد. به همین دلیل در تعالیم اسلامی به این همکاری و تعاون تأکید شده است (شکل ۴۳).

۵ **تفاهم و انس:** بسیاری از نابسامانی‌ها در عرصه حیات خانوادگی زائیده نداشتن تفاهم و درک متقابل زوجین از یکدیگر است و بسیاری از نفرت‌ها، ناهمدلی‌ها و هم‌رأی نبودن‌ها به این جهت است که زن و شوهر به گفتار و افکار هم آشنا نیستند. مرد

سخنی را با زن در میان می‌گذارد و زن به دلیل ناآشنایی با منطق مرد و روحیه و حالات او از آن برداشت دیگری دارد، یا زن از روی صفا و صمیمیت مسئله‌ای را به مرد می‌گوید و مرد در دنیای اندیشه و ذهن خود از آن تعبیر دیگری دارد. این امر در نهایت سبب می‌شود که آن دو نتوانند با هم کنار بیایند و بسیاری از مطالب خود را با یکدیگر در میان بگذارند.

با جست‌وجو در منابع علمی، در مورد تفاهم و انس همسران که مانع مشکلات اخلاقی زوجین می‌شود، گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۶۵



۱. شیخان لا یوزنن ثوابهما: العفو و العدل، فهرست غرر، ص ۲۵۲

فعالیت‌های پایانی

- ۱ مینا ۶ سال دارد. مادرش همیشه در حال مقایسه او با دختر عمویش است و غذا خوردن، لباس پوشیدن و حرف زدن او را با مینا مقایسه می‌کند و می‌گوید چرا مثل او نیست:
(الف) آیا رفتار مادر درست است؟
(ب) به نظر شما رفتار نادرست مادر کدام است؟
(ج) آیا مینا در بزرگسالی می‌تواند اعتماد به نفس کافی داشته باشد؟
در مورد موارد بالا گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.
- ۲ علی و مینا خواهر و برادر هستند. تمام توجهات مادر به علی است، چون هم کوچک‌تر است هم پسر خانواده.
(الف) آیا تبعیض به خاطر اینکه علی پسر است کار صحیحی است؟
(ب) آیا توجه مادر به علی به خاطر کوچک‌تر بودن از مینا کار درستی است؟
- ۳ آقا و خانم احمدی هر دو شاغل هستند. وقتی به منزل می‌رسند بعد از انجام کارهای شخصی، آقای احمدی تلفن همراه خود را در دست می‌گیرد و منتظر آماده شدن ناهار می‌ماند.
(الف) آیا رفتار آقای احمدی چون مرد خانواده است و مسئولیت اقتصادی را به عهده دارد، درست است؟
(ب) آیا همسر آقای احمدی چون زن و مادر خانواده است، باید مسئولیت مادری و مدیریت امور منزل را به تنهایی به دوش بکشد؟
(ج) فرزندان خانواده پس از بازگشت از مدرسه لباس‌های خود را در می‌آورند و به گوشه‌ای پرت می‌کنند و منتظر آماده شدن غذا می‌مانند. به نظر شما فرزندان چه مسئولیت‌هایی را باید در امور منزل به عهده بگیرند؟
- ۴ مسعود و مینا قصد ازدواج دارند هدف مینا از این ازدواج فرار از والدین است.
(الف) به نظر شما آیا دلیل مینا برای ازدواج درست است؟
(ب) مینا در آینده با چه مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد؟
- ۵ هروقت احمد از مدرسه برمی‌گردد، وسایل مدرسه‌اش را در گوشه‌ای می‌گذارد و مشغول بازی‌های رایانه‌ای می‌شود و وقتی والدین از او کمکی می‌خواهند، بهانه تکلیف و درس را می‌آورد.
به نظر شما والدین چگونه می‌توانند احمد را در انجام بعضی امور تشویق کنند که در قبول مسئولیت‌ها همکاری کند؟
- ۶ احمد و معصومه قصد دارند باهم ازدواج کنند. احمد ۲۰ سال از معصومه بزرگ‌تر است اما او اصرار دارد که می‌تواند با احمد خوشبخت شود چون او را دوست دارد:
(الف) آیا اختلاف سنی زیاد می‌تواند در آینده یکی از مشکلات زندگی مشترک باشد؟
(ب) آیا دوست داشتن می‌تواند دلیل محکمی برای دوام یک زندگی مشترک باشد؟
- ۷ مصطفی از نظر اقتصادی در شرایط ایده‌آلی قرار دارد، اما از نظر ظاهر با شخص مورد نظر مینا برای ازدواج تفاوت دارد:
(الف) به نظر شما می‌توان به دلیل شرایط اقتصادی عالی ملاک ویژگی ظاهری را نادیده گرفت؟
(ب) اگر مصطفی از نظر اخلاقی انسان شریفی باشد، باز هم ظاهر او می‌تواند دلیل محکمی برای رد درخواست او برای ازدواج باشد؟
(ج) آیا ظاهر مصطفی می‌تواند یکی از دلایل اختلاف زناشویی در آینده باشد؟

۸ منیره از وقتی زندگی مشترک خود را با حسین شروع کرده است تقریباً با دوست‌های خود ارتباطی ندارد و او تمام روز را منتظر حسین می‌ماند و این زمان انتظار بسیار به او سخت می‌گذرد، چون احساس می‌کند بدون او هرگز نمی‌تواند زندگی کند:

الف) آیا قطع ارتباط با اطرافیان و دوستان مناسب بعد از ازدواج صحیح است؟

ب) منیره چگونه وابستگی خود را به حسین کمتر کند؟

ج) آیا این وابستگی غیرمنطقی منیره می‌تواند به زندگی مشترکشان لطمه وارد کند؟

۹ مسعود و مینا قصد ازدواج دارند. مینا یکی از شرایط ازدواج خود را داشتن خانه و ماشین عنوان کرده است:

الف) آیا شرط مینا برای ازدواج منطقی است؟

ب) به نظر شما اگر مسعود در شروع زندگی خانه و ماشین نداشته باشد، مینا باید از ازدواج با او منصرف شود؟

۱۰ منیره گاهی که همسرش حسین از سرکار برمی‌گردد، در زمان مناسب تلفن همراه همسرش را برمی‌دارد

و پیام‌ها و تماس‌های حسین را کنترل می‌کند:

الف) از نظر شما آیا کار او صحیح است؟

ب) منیره کدام اصل از روابط در زندگی مشترک را نادیده گرفته است؟

ج) به نظر شما آیا برداشتن تلفن همراه و بررسی پیام‌ها و تماس‌ها برای همسران به دلیل حفظ زندگی

مشترک ضروری است؟

۱۱ طاهره هرگاه در مدرسه از کسی یا چیزی عصبانی می‌شود فریاد می‌کشد و به در یا دیوار مشت می‌زند.

شما چگونه می‌توانید به طاهره در کنترل خشمش کمک کنید و چه راهکارهایی به او پیشنهاد می‌کنید؟

۱۲ هرگاه حمید و سمانه قصد برنامه‌ریزی برای آخر هفته دارند، کارشان به مشاجره می‌کشد و برنامه لغو می‌شود

و آخر هفته را با ناراحتی در منزل سپری می‌کنند. چه راهکارهایی برای تفاهم بین آنها در گذراندن آخر

هفته‌ای شادتر پیشنهاد می‌کنید؟

واحد یادگیری ۳: توسعه شناخت مشکلات و آسیب‌های ارتباطی در خانواده

استاندارد عملکرد

توسعه شناخت مشکلات و آسیب‌های ارتباطی در خانواده براساس منابع علمی، الگوها و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام و استانداردهای سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

۱ به‌کارگیری روش‌های حل مشکلات و آسیب‌های ارتباطی در خانواده

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

۱ یادگیری

۲ شرکت در فعالیت‌ها و اجتماعات

۳ مسئولیت‌پذیری

هدف توانمند سازی ۷: مشکلات و آسیب‌های ارتباط در خانواده را توضیح دهد.

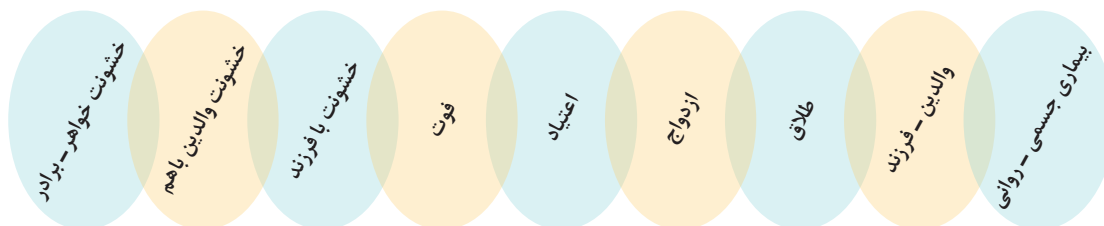
مشکلات ارتباطی در خانواده

در مورد تجربه خود از مشکلات ارتباطی با دوست یا یکی از نزدیکان خود گفت‌وگو کنید و فهرستی از این مشکلات را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۶۶



خانواده همانند هر واحد پویای اجتماعی با مشکلات و آسیب‌هایی همراه است. برخی از مشکلات و آسیب‌های خانواده ناشی از ماهیت ارتباطها و روابط درون خانواده است. آنچه در یک یا چند نفر از افراد خانواده مشکل ایجاد کند یا کل خانواده را دچار مشکل جدی سازد، مشکل ارتباطی نامیده می‌شود. معمولاً مشکلات ارتباطی ناشی از یکی از عوامل زیر است (نمودار ۴):



نمودار ۴- مشکلات ارتباطی در خانواده

مشکلات ارتباطی ناشی از بیماری‌های جسمی یا روانی: بیماری هر یک از اعضای خانواده می‌تواند به مشکلات ارتباطی مهمی در خانواده منجر شود. هنگامی که یکی از افراد خانواده، به‌ویژه والدین، به یک بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشند، به‌علت ناتوانی‌ها و مشکلات ناشی از بیماری به انجام نقش‌ها و وظایف خود قادر نخواهند بود. از این‌رو همسر (مرد یا زن) مجبور می‌شود علاوه بر انجام وظایف خود نقش‌های دیگری را نیز ایفا کند، در نتیجه زیر فشاری شدید قرار می‌گیرد. چنین فشاری باعث می‌شود همسر (مرد یا زن) سالم نیز نتواند به درستی با اعضای خانواده خود ارتباط برقرار کند. از سوی دیگر، بیمار نیز ممکن است شدیداً با احساسات منفی اعضای خانواده روبه‌رو شود؛ احساس زیادی بودن، طرد شدن، سربار بودن و... گاهی، ممکن است افراد خانواده که زیر فشار قرار دارند احساسات منفی خود را به بیمار منتقل کنند یا نشان دهند و با این طرز رفتار، بیماری و مشکلات بیمار را شدیدتر کنند.

گزارشی از یک مشکل ناشی از بیماری‌های جسمی یا روانی و پیامدهای ارتباطی آن که در اطرافیان خود می‌بینید، در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۶۷





شکل ۴۴- مشکلات ارتباطی والدین - فرزند

مشکلات ارتباطی والدین - فرزند: این مشکلات معمولاً عبارت‌اند از: محافظت بیش از حد از کودک، بی‌توجهی و غفلت، تربیت و انضباط ضعیف فرزندان و بدرفتاری یا آزار کودکان و نوجوانان. مشکلات زناشویی و روابط ضعیف و معیوب والدین نیز به مشکلات فراوانی در فرزندان آنان منجر می‌شود که معمولاً یا آنها را بیرون می‌ریزند (مانند پرخاشگری، بدرفتاری با دیگران و سرقت) یا به درون خود می‌ریزند (مانند افسردگی، اضطراب و اُفت تحصیلی) (شکل ۴۴).

همچنین، مراحل رشد فرزندان نیز ممکن است کشمکش‌هایی را در ارتباط آنان با والدین ایجاد کند. در این میان، مهم‌ترین دوره، مرحله نوجوانی فرزندان است. نوجوانان از یک سو برای استقلال خود می‌جنگند، از سوی دیگر حمایت و کنترل والدین خود را خواستارند.

برخی از والدین نیز که با یکدیگر مشکل دارند، برای جلب همدردی و حمایت، به سوی فرزندان خود می‌روند و یارگیری می‌کنند. به عبارت دیگر، پدر یا مادر با همدستی فرزند یا فرزندان با والد دیگر یا بقیه افراد خانواده در می‌افتد و بر ضد هم لشکرکشی می‌کنند.

با بررسی تجربه‌های خود، گزارشی از مشکلات ارتباطی والدین - فرزند را ارائه دهید.

فعالیت ۶۸



طلاق: طلاق یکی از مهم‌ترین فشارهای روانی است که افراد خانواده تحمل می‌کنند. فشار روانی ناشی از طلاق زوجین، ارتباط آنان را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. اگر چه با طلاق رابطه بین پدر و مادر قطع می‌شود ولی رابطه والدین و فرزند همچنان ادامه می‌یابد. بسیاری از فرزندان، هنگامی که والدین آنان از یکدیگر جدا می‌شوند، برای زندگی با یکی از والدین دچار مشکل می‌شوند. در چنین شرایطی، موضوع وفاداری یا خیانت مطرح می‌شود. زندگی با یک والد و جدا شدن از والد دیگر، برای عده‌ای به منزله خیانت به یکی و وفاداری به دیگری است. این مشکل زمانی تشدید می‌شود که والدین نیز چنین احساسی را تقویت کنند. به این ترتیب که بعضی از والدین، ارتباط خوب بین فرزند با پدر یا مادر جدا شده را نوعی خیانت تلقی می‌کنند.



ازدواج مجدد: مشکلاتی که درباره طلاق مطرح شد، زمانی به اوج می‌رسد که پدر یا مادری که از هم جدا شده‌اند، یکی یا هر دوی آنان تصمیم به ازدواج مجدد می‌گیرند. پذیرش فردی جدید به عنوان همسر پدر یا مادر، مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند؛ از جمله بدرفتاری، طرد و مخالفت کردن فرزند با فرد جدید، حسادت و... چنین برخوردهایی برای مادر یا پدری که به ازدواج مجدد تمایل دارد نیز، مشکلات ارتباطی ایجاد می‌کند.



شکل ۴۵- ازدواج مجدد

از سوی دیگر، برخورد مناسب و پذیرش این فرد جدید و برقراری رابطه مناسب فرزند با نامادری یا ناپدری، نیز نوعی خیانت تلقی می‌شود. چنین کشمکش‌هایی، نه تنها مشکلات زیادی در برقراری ارتباط مناسب ایجاد می‌کند، بلکه حتی در سلامت روانی و جسمی اعضای خانواده نیز خلل به وجود می‌آورد (شکل ۴۵).

اعتیاد: یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌رسان به خانواده اعتیاد است، زیرا فرد معتاد به دلیل وابستگی روانی و جسمانی به مواد مخدر نمی‌تواند کارکرد مناسبی داشته باشد. فرد معتاد در بسیاری از موارد نمی‌تواند به اشتغال خود ادامه دهد، بنابراین با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه‌رو می‌شود و در نهایت به فقر خانواده منجر می‌شود. از طرف دیگر مواد مخدر آثار روانی مختلفی دارد. وقتی فرد معتاد نتواند نیاز به مواد خود را رفع کند مشکلات روانی متعددی مانند بد اخلاقی پرخاشگری و نیز مشکلات جسمی مانند ضعف عضلانی، خستگی، درد و... برای او به وجود می‌آید که در نهایت باعث اختلافات و درگیری‌های مختلف در خانواده می‌شود.

فعالیت ۶۹



در گروه‌های کلاسی در مورد تأثیرات منفی طلاق در مقایسه با ازدواج مجدد گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۷۰



با جست‌وجو در منابع علمی در مورد طلاق، ازدواج مجدد و تأثیرات اعتیاد بر فرزندان و ارتباط آنها با والدین تحقیق کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فوت یکی از افراد خانواده: نه تنها فوت یکی از والدین بلکه فوت یکی از اعضای خانواده از جمله خواهر یا برادر می‌تواند به شدت بر روی اعضای خانواده تأثیر منفی بگذارد و در نتیجه خانواده قدرت خود را در رشد و پرورش اعضا از دست می‌دهد. در پی فوت یکی از اعضای خانواده عوارض روانی، مختلفی برای اطرافیان ایجاد می‌شود که با احساس گناه، ترس، خشم و نگرانی و... همراه است و می‌تواند تأثیرات متفاوت و مخربی بر روابط خانواده به‌وجود آورد.

فعالیت ۷۱



در گروه‌های کلاسی در مورد تأثیرات متفاوت طلاق و فوت یکی از زوجین بر فرزندان گفت‌وگو کنید. دلایل خود را در کلاس ارائه دهید.

خشونت با فرزند: بدرفتاری، کودک‌آزاری یا سوءرفتار با کودکان و نوجوانان، صدمه عمده‌ای به کودک و نوجوان زیر هجده سال وارد می‌کند. بدرفتاری یا آزار کودکان به صورت‌های مختلف بروز می‌کند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

آزار جسمی: کتک زدن، داغ کردن، پرت کردن، نیشگون گرفتن و مواردی از این قبیل؛ نمونه‌هایی از آزار جسمی هستند (شکل ۴۶).



شکل ۴۶- بدرفتاری با کودک

آزار روانی: تحقیر، توهین، مقایسه کردن، سرزنش، طرد کردن و مواردی از این قبیل نمونه‌هایی از آزار روانی به حساب می‌آیند.

غفلت و بی‌توجهی: رسیدگی نکردن به نیازهای فرزندان از نظر آموزش، تغذیه، پوشاک، مصادیقی از این مشکل ارتباطی هستند.

مشکلات ارتباطی بین والدین: این قبیل مشکلات ارتباطی به صورت توهین، تحقیر، خشونت و انتظارات غیرواقعی از همسر بروز می‌کند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

قهر و جدایی عاطفی والدین: والدینی که در ارتباط با یکدیگر مشکل دارند، سعی می‌کنند ارتباط خود را به حداقل ممکن برسانند. به همین دلیل قهر و جدایی عاطفی بین والدین ایجاد می‌شود. یعنی آنان در حالی که ظاهراً از هم جدا نیستند، ولی سعی می‌کنند باهم ارتباطی نداشته باشند. در چنین شرایطی، والدین برای ایجاد ارتباط سعی می‌کنند از فرزندان استفاده کنند و آنان را واسطه میان خود قرار دهند. چنین ارتباط خانوادگی به شدت به فرزندان صدمه می‌زند. این والدین معمولاً در تصمیم‌گیری و حل مشکل بسیار ضعیف‌اند و سعی می‌کنند برای مسائل خود آسان‌ترین راه را انتخاب کنند.

شک و بددلی: یکی از مشکلات ارتباطی بین زوجین آن است که یکی از آنها به طور مکرر از دیگری می‌خواهد که وفاداری خود را ثابت کند. چنین بددلی و شک به همسر ارتباط بین آنان را روز به روز بدتر می‌کند و زمینه مناسبی برای طلاق و جدایی ایجاد می‌کند.



خشونت (همسر آزاری): خشونت با همسر یا همسر آزاری به صورت‌های مختلفی خود را در خانواده نشان می‌دهد (شکل ۴۷).

۱ **کلامی:** مانند به کار بردن کلمات نامناسب، تحقیر، توهین، سرزنش و مواردی از این قبیل.

۲ **آزار جسمی:** مانند سیلی زدن، لگد زدن و کتک زدن.

۳ **کنترل کردن:** مانند جدا کردن یک فرد از روابط خانوادگی و دوستانه، کنترل کردن حرکات و رفتارها یا محدود کردن او از دسترسی به اطلاعات یا حمایت و کمک.



شکل ۴۷- خشونت با همسر

در گروه‌های کلاسی در مورد تأثیرات خشونت با همسر گفت‌وگو کنید و با دلیل مشخص کنید کدام خشونت تأثیرات شدیدتری از نظر عاطفی بر همسر دارد.

فعالیت ۷۲



با والدین خود گفت‌وگو کنید. فهرستی از عواملی که به نظر آنها باعث ایجاد مشکلاتی در روابط بین زوجین می‌شود را تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۷۳





با مشاهده رفتار اطرافیان خود، گزارشی از مشکلات ارتباطی والدین تهیه کنید و شایع‌ترین مشکلات ارتباطی آنان را مشخص کنید.

مشکلات ارتباطی بین خواهران و برادران: گاهی فرزندان خانواده برای به دست آوردن محبت والدین با یکدیگر رقابت‌های شدیدی دارند و گاهی نیز بین آنان همکاری شدیدی برای ایستادگی در مقابل والدین دیده می‌شود. گاهی اوقات نیز یکی از فرزندان به علت بیماری مورد توجه بیش از حد سایر اعضای خانواده قرار می‌گیرد یا طرد می‌شود (شکل ۴۸).



شکل ۴۸- مشکلات ارتباطی بین خواهران و برادران

در بعضی از خانواده‌ها، فرایند خاصی وجود دارد که یکی از فرزندان خانواده به شدت اهمیت می‌یابد به گونه‌ای که «عزیز» خانواده می‌شود و به نظرات او اهمیت بسیار داده می‌شود، در حالی که فرزندی دیگر از خانواده بی‌ارزش و «ذلیل» خانواده می‌شود. به مثال زیر توجه کنید:

مبینا دختر بزرگ خانواده است و به همین دلیل، همیشه مورد توجه خانواده قرار می‌گیرد. هنگامی که هوا سرد یا گرم است، مادر او را به مدرسه می‌رساند تا ناراحت نشود. هنگامی که تکالیف درسی او سخت است، مادر به جای او تکالیفش را انجام می‌دهد. او همیشه وابسته به مادر و توجهات اوست. اکنون نیز که از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده است، خانواده سعی می‌کند بهترین امکانات خود را در اختیارش بگذارد تا او ناراحت نشود. این در حالی است که به خواهر دیگر مبینا که از او کوچک‌تر است، هیچ وقت چنین توجهاتی نمی‌شود.

چنین الگوهای ارتباط خانوادگی نشان‌دهنده وجود مشکلی بسیار جدی در خانواده است که ضرورت درمان را پیش می‌کشد.



با تعدادی از والدین کودکان دبستانی و همچنین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم به طور جداگانه درباره مشکلات ارتباطی شایع میان خواهران و برادران گفت‌وگو کنید:

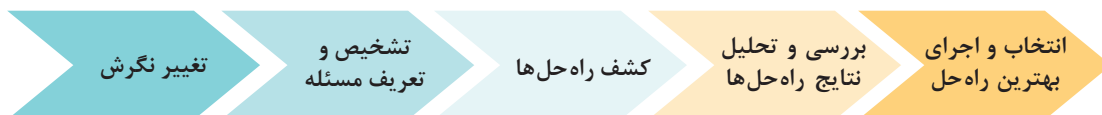
- ۱ نظر آنها را جمع‌بندی کنید.
- ۲ سه گروه از دانش‌آموزان دبستان، متوسطه اول و دوم را با یکدیگر مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان را مشخص کنید.

هدف توانمند سازی ۸: هنرجو بتواند روش های درمان مشکلات و آسیب های ارتباط در خانواده را به کار بندد.

درمان: با توجه به تأثیر شدید مشکلات ارتباطی بر خانواده، ضروری است از همان آغاز به درمان آنها پرداخت. مشاوره و روان درمانی برای رفع این مشکلات بسیار مناسب است. روان درمانی خانواده، روان درمانی بین فردی و آموزش مهارت های ارتباطی که به مشکلات ارتباطی افراد می پردازند، از مهم ترین راه های درمان مشکلات ارتباطی به شمار می آیند. از مؤثرترین روش های درمانی که زوجین می توانند بدون مراجعه به مراکز مشاوره خانواده، مهارت آن را یاد بگیرند و به کار بندند، مهارت حل مسئله و الگو قرار دادن سیره ائمه اطهار علیهم السلام در زندگی خانوادگی است.

مهارت حل مسئله

این روش نوعی تفکر منظم و منطقی برای حل مشکلات زندگی است. شما هنگامی که با مشکلی روبه رو می شوید چگونه آن مشکل را حل می کنید؟ آیا از آن فرار می کنید؟ آیا بدون فکر و مطالعه کاری انجام می دهید؟ مسئله یا مشکل، موضوع یا موقعیتی است که از مسائل روزانه زندگی، فراتر می رود و موجب نگرانی، استرس و عوارض دیگر می شود. برای مثال دانش آموزی هر روز، با اتومبیل پدر خود به مدرسه می رود. پدرش به دلیل یک سفر کاری به مدت یک ماه نمی تواند این کار را انجام دهد، این شرایط برای او استرس زا و یک مسئله جدید است و دانش آموز باید برای رفتن به مدرسه با استفاده از امکانات دیگر راه حل مناسب پیدا کند. مشکل امری نسبی است و به موقعیت ها و تفاوت های فردی بستگی دارد. ممکن است موضوعی برای فردی مشکل و برای فرد دیگر آسان باشد و یا شدت آن برای افراد متفاوت باشد. مثلاً امتحان برخی از دانش آموزان را به شدت مضطرب می کند، در حالی که برای بعضی از آنان، امری عادی به حساب می آید. ضرورت دارد افراد بر اساس موقعیت و توانایی ها مهارت حل مسئله را در زندگی خود یاد بگیرند تا بتوانند موقعیت و مسائل به وجود آمده را ارزیابی و راه حل مناسب را پیدا کنند. مهارت حل مسئله دارای پنج مرحله زیر است (نمودار ۵):



نمودار ۵- مراحل حل مسئله

- ۱ **نگرش خود را نسبت به مشکل تغییر دهید:** بعضی از مردم تصور می کنند افراد قوی با مشکل رو به رو نمی شوند یا فقط آدم های خطاکار دچار مشکل می شوند. بدانید که مشکل در زندگی طبیعی است و همه آدم ها در زندگی خود با مشکل رو به رو می شوند.
- ۲ **مشکل را تعریف کنید:** بعضی ها می گویند ما مشکل خانوادگی و یا تحصیلی داریم. این تعریف از مشکل اشتباه است، چون خیلی کلی است و به جای آن مشخص کنید مشکل شما دقیقاً چیست؛ مثلاً به جای آنکه بگویید مشکل خانوادگی، دقیقاً مشخص کنید چه نوع مشکل خانوادگی وجود دارد؟

۳ برای مشکل خود تا آنجا که می‌توانید راه حل پیدا کنید: راه‌حل‌های خوب و بد وجود دارند. ذهن خود را فقط به راه‌حل‌های خوب معطوف نکنید. چون اگر ذهن خود را باز بگذارید، راه‌حل‌های بیشتر و بهتری به ذهن شما می‌آید.

۴ پیامد و عاقبت هر یک از راه‌حل‌ها را بررسی کنید: از خود پرسید: اگر این کار را بکنم آن وقت چه می‌شود؟ این تفکر کمک می‌کند تا قبل از اینکه کاری بکنید، بتوانید نتیجه آن را پیش‌بینی کنید و در نتیجه دچار پشیمانی نمی‌شوید.

۵ یکی از راه‌حل‌های مناسب را انتخاب کنید: پس از انتخاب راه‌حل مناسب، برنامه اجرای آن را مشخص کنید و سپس آن را اجرا کنید. اگر بهترین راه‌حل دنیا را پیدا کنید ولی آن را اجرا نکنید، فایده‌ای ندارد.

مریم ادعا می‌کند که همه دروس را می‌خواند ولی نمرات او همچنان کم است. در گروه‌های کلاسی در مورد مشکل مریم گفت‌وگو کنید و به او کمک کنید تا با راه‌حل مناسب مشکل خود را حل کند. مراحل کار خود را به صورت گزارش در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۷۶



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید: اگر در زندگی خطوط فکری و اعتقادی زوجین هماهنگ نباشد، چه مشکلات و خطراتی زندگی مشترک آنها را تهدید می‌کند. با استفاده از مراحل حل مسئله به آنها کمک کنید مشکل خود را حل کنند.

فعالیت ۷۷



الگوها و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام در زندگی خانوادگی



شکل ۴۹- الگو قرار دادن سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام در زندگی خانوادگی

الگو یا آسوه به انسان‌های کامل و رشد یافته‌ای گفته می‌شود که لیاقت سرمشق بودن دیگران را دارند. انسان همیشه در جست‌وجوی الگوهای کامل و جامع است و همواره می‌خواهد یک فرد ایده‌آلی را سرمشق زندگی خود قرار دهد و از عمل و رفتار او پیروی کند. همچنین در پی شخصیت برجسته‌ای است که به او ارادت داشته و روش و سیره او را در زندگی خود به کار گیرد. « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ شما را به حق در (خصلت‌ها و روش) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آسوه و سرمشق نیکو و پسندیده‌ای است (شکل ۴۹).

در روش الگویی، اصل بر این است که مربی با عمل خود و با نشان دادن راه و رسم مورد قبول توسط دیگران از شاگرد بخواهد که او هم همان راه و رسم را پیروی کند و طبق عمل دیگران رفتار مورد نظر را از خود بروز دهد. اساس این روش استفاده از توان مشاهده افراد و ایجاد انگیزه و علاقه در فرد برای همانند شدن است. این همانندی در برگیرنده همه حرکات، افعال، و مواضع آدمی است. در بین کودکان و نوجوانان، معمول است که اگر امتیازاتی در فردی ببینند به او علاقه مند می شوند، در همه کارها و حتی رنگ و مدل لباس، ویژگی ظاهری و رفتاری از او تقلید می کنند. بنابراین وجود الگوها و شخصیت‌های برجسته، نقش بسیار مهمی در سازندگی انسان‌ها دارد. در الگوگیری، حضور یا عدم حضور افراد چندان مهم نیست؛ بلکه چه بسا کسانی که در گذشته‌ای دور زندگی می کردند، اما هنوز می توانند الگو واقع شوند. زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام برای ما الگو است، تمام ابعاد زندگی آنها برای ما روشن بیان شده است و می توان همچنان از آنها الگو گرفت و پیروی نمود.

فعالیت ۷۸



در گروه‌های کلاسی در مورد مفهوم شعر زیر گفت‌وگو کنید:

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا بلندت می کند بر زمینت می زند نادان دوست

فعالیت ۷۹



فهرستی از ویژگی‌های فرد یا افرادی که در زندگی شما الگو و سرمشق هستند تهیه کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۸۰



با مطالعه کتاب و جست‌وجو در منابع علمی-اسلامی ازدواج یکی از امامان معصوم علیهم‌السلام را بررسی کنید و آن را در کلاس با دیگر دوستانتان به اشتراک بگذارید.

زندگی خانوادگی حضرت علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام به عنوان الگو

در جهان اسلام هر جا سخن از صفا و وفای زن و بحث از همسری نمونه، مادری مهربان، بانویی پرتلاش، زنی مدافع حق است، از حضرت فاطمه علیها‌السلام سخن به میان می آید. در اهمیت الگو قرار دادن زندگی این بزرگواران همین بس که خداوند در قرآن کریم به پیامبر محبوبش حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «ای پیامبر به مردم بگو من از شما به خاطر رسالت، مزدی به جز دوستی و محبت اهل بیت علیهم‌السلام نمی خواهم»^۱ زندگی مشترک حضرت علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام می تواند الگوی خوبی برای همسران جوان در خانواده باشد تا به استحکام خانواده کمک نماید. مهم‌ترین جنبه‌های زندگی آنها که می تواند الگویی موفق برای همسران جوان باشد به شرح زیر است:

۱ ملاک ازدواج حضرت علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام: ملاک ازدواج حضرت علی علیه‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام خدا محوری

و بر اساس ساده‌زیستی بود، و دوام زندگیشان بر اساس اخلاق، اخلاق هم قدیمی و کهنه نمی شود و بشر هر چه پیش می رود به رعایت اصول اخلاقی بیشتر نیازمند است.

۲ همسرمداری حضرت زهرا (ع): پیامبر اکرم (ﷺ) فرموده‌اند: «جهاد زن همسرمداری نیکوی اوست». ^۱ علت اینکه همسرمداری نیکو برای زنان، مساوی و هم تراز با جهاد و از جان گذشتگی مرد دانسته شده است، عظمت و حساسیت موقعیت و نقش زن در خانواده و در برابر همسر است. کلید آرامش، انضباط، استحکام و صمیمیت خانواده به دست زنان است و به دنبال آن موفقیت و آسودگی خاطر مرد نیز به نوع رفتار و برخورد زن در درون خانه بستگی دارد.

۳ فرزندداری آنها: ایشان فرزندان را عطیة الهی و امانت از خدا برای خویش تلقی می‌کردند و سرمایه‌گذاری برای آنان و همت گماردن برای رشد و پرورش فرزندان را نوعی آزمایش الهی برای والدین به حساب می‌آوردند و باورشان این بود که فرزند وجودی ارزنده و در خور احترام است که شخص پدر و مادر به اداره و رسیدگی وی موظف‌اند.



شکل ۵۰- فرزندداری

حضرت علی (ع) نیز معتقد نبود که کار ادارهٔ منزل و رسیدگی به امور فرزندان تنها برعهدهٔ زن است و او را در این مورد، مسئولیتی ندارد بلکه او نیز خود را در امر تربیت فرزندان و امور منزل شریک می‌دانست (شکل ۵۰). در اهمیت نقش و جایگاه متعالی این خانوادهٔ نمونه در تربیت فرزندان، همین بس که امام حسن و امام حسین (ع) و حضرت زینب (ع)، تربیت‌یافتگان این مکتب بی‌نظیرند.

۴ حمایت از همسر: از نمونه‌های تأثیربرانگیز، حمایت حضرت فاطمه زهرا (ع) از همسر بزرگوارش در جریان است که حضرت علی (ع) را با اکراه و اجبار برای گرفتن بیعت به مسجدالنبی می‌بردند. حضرت فاطمه (ع)، بانوی دو عالم، برای دفاع از حضرت علی (ع) تا درب مسجد آمد و در تأکید بر یاری همسرش چنین فرمود: (به خدا سوگند، ای سلمان! از درب مسجد مدینه پا بیرون نمی‌گذارم، تا آنکه پسر عموی خود را با چشمان خودم سالم ببینم).

۵ ابراز محبت به همسر: زندگی حضرت زهرا (ع) سرشار از گفتار آمیخته به احترام و عطف به حضرت علی (ع) بود. این بانوی بزرگوار در خطابی محبت‌آمیز به همسرش می‌فرمود: «روح من فدای روح تو و جان من سپر بلای جان تو باد».^۲

از حضرت علی (ع) نقل کرده‌اند که می‌فرمود: «هرگاه به فاطمه می‌نگریستم، همهٔ ناراحتی‌ها و غم‌هایم برطرف می‌شد».^۳

۶ صبر و بردباری: درس گرفتن از زندگی پر بار حضرت فاطمه (ع)، راهکارهای ارزنده‌ای برای صبر در برابر سختی‌ها روبه‌روی همهٔ خانواده‌ها قرار می‌دهد. حضرت زهرا (ع) در سنین پایین با حضرت علی (ع) پیمان ازدواج بست و از میان خواستگاران، حضرت علی (ع) را با زهد و ساده‌زیستی‌اش برگزید. محورهای صبر

۱. جَهَادَ الْمَرْأَةِ حَسَنُ التَّبَعْلِ

۲. کوكب الدرې، ج ۱، ص ۱۹۶

۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴

شایستگی ۶: توسعه شناخت روابط... ■

و شکیبایی حضرت فاطمه علیها السلام در همسرداری و همراهی با حضرت علی علیه السلام را می‌توان در چهار مورد زیر برشمرد:

- **تحمل سرزنش‌ها:** حضرت فاطمه علیها السلام پس از انتخاب زندگی ساده حضرت علی علیه السلام بسیار سرزنش شد و در برابر همه سرزنش‌ها به نیکی صبر می‌فرمود.
- تحمل سختی‌های کار منزل و خدمت در خانه.
- تحمل مشکلات فراوان در زمان غیبت‌های طولانی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در طول جنگ‌های صدر اسلام.
- شریک شدن در غم حضرت علی علیه السلام و تحمل رنج‌های او و همراهی صبورانه با وی.^۱

در مورد ملاک‌های ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و برگزاری مراسم ازدواج و رفتار آنها به‌عنوان یک زوج، بروشوری تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۸۱



آیا تشریفات و تجملات مراسم عروسی در تحکیم ازدواج نقشی دارد؟ در این باره از منابع علمی - اسلامی جست‌وجو کنید و گزارشی تهیه و آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۸۲



درس‌هایی از زندگی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام

- چه بسیاری درس‌هایی که از زندگی این دو الگوی الهی می‌توان آموخت. آنها با عمل و رفتارشان به ما درس‌هایی آموختند که اهم آنها عبارت‌اند از:
- دین‌داری و تقوا در حیات مشترک؛
 - احساس تعهد و مسئولیت در قبال یکدیگر؛
 - تحکیم رابطه بر مبنای حقوق و اخلاق؛
 - فداکاری و ایثار و تعاون در قبال یکدیگر؛
 - حمایت از حق و دفاع از اندیشه و خطوط فکری هم؛
 - ساده‌زیستن؛
 - کم‌بهره گرفتن و زیاد بهره‌دادن؛
 - همفکری و هم‌گامی برای تحقق اهداف متعالی زندگی؛
 - کار و تلاش برای خدا و سرمایه‌گذاری در جهت رشد و تکامل یکدیگر؛
 - تعهد و مسئولیت در قبال فرزندان؛
 - متانت، وقار، قناعت و صرفه‌جویی؛
 - پایبندی به نظم در همه امور، رعایت ضوابط و قواعد زندگی؛
 - عبادت و بندگی خدا در همه ابعاد و شرایط زندگی.

۱. کتاب زنان، ص ۱۶۳ و ۱۶۴



با جست‌وجو در منابع علمی - اسلامی درباره ملاک‌ها و نحوه رفتار ائمه اطهار علیهم‌السلام با همسر و فرزندانشان روشوری تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت‌های پایانی

- ۱ همسر نورا سخت بیمار است و او باید هم به امور منزل بپردازد و هم برای رفع مشکلات اقتصادی اعضای خانواده سخت تلاش کند. او بسیار آسیب‌پذیر و نگران است:
 الف) نورا برای رفع استرس و نگرانی خود چه راه‌حلی می‌تواند برگزیند؟
 ب) به نظر شما آیا فداکاری نورا و تحمل این همه رنج در زندگی ضرورت دارد؟
 ج) چه راه‌حلی برای کم شدن استرس نورا پیشنهاد می‌کنید؟
- ۲ زهره به دلیل شرایط شغلی همسرش دور از خانواده و در شهری در جنوب کشور زندگی می‌کند و به سبب دوری از خانواده گاهی با همسرش مشاجره می‌کند و زندگی را برای خود و همسرش سخت می‌کند. شما با استفاده از روش حل مسئله او را در رفع این مشکل راهنمایی کنید.

شایستگی ۷

به کارگیری اصول تعلیم و تربیت فرزند



«قال رسول الله ﷺ: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ!»
رسول اکرم ﷺ فرمود: آن کس کودکی دارد، باید (در پرورش وی) کودکانه رفتار نماید.

زمان: ۶۴ ساعت (نظری ۴۱ ساعت + عملی ۲۳ ساعت)

۱. مَنْ لَا يَخْضِرُهُ الْفَقِيه، جلد ۳، صفحه ۴۸۳

واحد یادگیری ۱: به کارگیری اصول تعلیم و تربیت در فرزندپروری

استاندارد عملکرد

به کارگیری مفاهیم و اصول تعلیم و تربیت در فرزندپروری با استفاده از روش‌های مختلف براساس روان‌شناسی اسلامی و علمی و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ به کارگیری مفاهیم و اصول تعلیم و تربیت در فرزندپروری
- ۲ پرورش رشد اخلاقی فرزندان
- ۳ به کارگیری سبک‌های یادگیری
- ۴ پرورش حواس فرزندان
- ۵ توسعه شناخت نقش‌بازی و قصه‌گویی در تعلیم و تربیت فرزندان

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ مسئولیت‌پذیری
- ۲ یادگیری
- ۳ مهارت گوش کردن
- ۴ شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها
- ۵ آموزش و کمک به فراگیری دیگران

هدف توانمندسازی ۱: هنر جو بتواند اصول تعلیم و تربیت را توضیح دهد.

مفهوم تعلیم و تربیت

فعالیت ۱



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید:

۱ کودک با تربیت چه ویژگی‌هایی دارد؟

۲ محیط چه نقشی در جنبه‌های مختلف رشد کودک دارد؟

اصطلاح تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش^۱ در زبان فارسی معانی گوناگونی دارد و تاکنون صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند. دو واژهٔ تعلیم و تربیت به هم وابسته و لازم و ملزوم یکدیگرند، اما با یکدیگر تفاوت دارند: تعلیم و تربیت یعنی ایجاد فرصت برای شکوفایی استعدادهای آدمی و یکی از قدیمی‌ترین نیاز زندگی بشر است.

تربیت^۲: تربیت به معنای ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. به عبارت دیگر تربیت ناظر بر بروز رفتارهای مناسب در فرد است.

تعلیم: استعدادهای آدمیان نامحدود است و تمام استعدادهای نامحدود انسان هرگز محقق نمی‌شوند. تعلیم باید ناظر به بروز استعدادهای توانایی‌ها باشد، پس تعلیم به معنای انتقال اطلاعات و مهارت‌هاست.

■ میزان آموخته‌ها و مهارت‌های هر فرد را می‌توان با آزمون‌های نظری و عملی سنجید، اما میزان تربیت فرد را از طرز رفتار او می‌توان تشخیص داد.



شکل ۱- تربیت‌پذیری حیوانات

■ در معنای تربیت مفهوم افزایش و رشد وجود دارد

و در واقع تربیت باعث تغییر مثبت در فرد می‌شود.

■ دانستن، مقدمهٔ عمل کردن است و تربیت صحیح از

تعلیم آغاز می‌شود. آموزش با تعلیم مؤثر می‌تواند

به پرورش یا تربیت و تغییر رفتار منجر شود.

■ تعلیم و تربیت برای همهٔ موجودات امکان‌پذیر

نیست؛ زیرا به استعداد و قابلیت نیاز دارد. میزان

این استعداد در موجودات مختلف یکسان نیست.

(شکل ۱)

۱. education: این واژه در زبان انگلیسی یک کلمه است ولی در زبان فارسی در ترجمه، دو کلمه آورده می‌شود و هر یک از دو واژهٔ تعلیم و تربیت معنی مستقلی نیز دارند و این امر بر اختلاف نظر دربارهٔ معنی و مفهوم این واژه در زبان فارسی افزوده است.

۲. تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوستهٔ هویت و متربیبان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همهٔ ابعاد. (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، صفحهٔ ۱۱۱).



تربیت‌پذیری گیاهان، حیوانات و انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. پرورش حیوان چیزی بیش از آموزش انجام برخی حرکت‌های تکراری نیست که خودش هم نمی‌داند معنای آنها چیست و چرا آنها را انجام می‌دهد. از این‌رو به حیوانات آموزش دیده، دست‌آموز می‌گویند.

گیاه، با مراقبت باغبانی دلسوز، امکان رشد پیدا می‌کند این امکان در درون گیاه موجود است، اما چنانچه اوضاع مساعد نباشد، بروز نمی‌کند؛ باغبان مربی گیاهان است. اما آیا می‌تواند گیاه را به حرکت ارادی تشویق کند و یا به او مانند حیوان، حرکت‌های نمایشی بیاموزد؟ گیاهان به نسبت حیوانات قابلیت‌های محدودتری دارند و پرورش آنها تنها به مساعد کردن اوضاع برای رشد شاخ و برگ آنها و طولانی کردن عمرشان محدود می‌شود. اما انسان با حیوان و گیاه تفاوت دارد. زیرا او دارای قدرت تفکر است. از این‌رو هم استعداد تعلیم دارد و هم تربیت. تعلیم و تربیت انسان مرزی نمی‌شناسد و تا پایان عمر ادامه می‌یابد. انسان به دلیل داشتن استعداد ذاتی، قادر است خواندن و نوشتن بیاموزد و با مطالعه و تحصیل، تفکر خود را گسترش دهد. به‌علاوه او می‌تواند اراده‌اش را براساس آموخته‌ها تقویت کند و جهان اطراف خود را تغییر دهد.



تربیت فرزندان، فرایندی آگاهانه است و با خواست و آگاهی والدین صورت می‌گیرد؛ زیرا داشتن فرزندان سالم و شایسته، آرزوی هر خانواده است.

با جست‌وجو در منابع علمی در مورد مفاهیم تعلیم و تربیت و درباره تفاوت و ارتباط آنها تحقیق کنید و نتیجه را به‌صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.



مروری بر وضعیت تعلیم و تربیت قبل از انقلاب اسلامی

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی امکانات آموزشی و پرورشی برای مردم همه مناطق کشور به‌صورت عادلانه مهیا نبود و محتوای کتاب‌های درسی تناسبی منطقی و معقول با نیازهای جامعه و واقعیت‌های اجتماعی نداشت. موضوعات اساسی و محوری نظیر خودباوری، اصالت، هویت دینی و اسلامی و سایر موارد مرتبط با مهارت‌های زندگی و حقوق شهروندی در کتاب‌های درسی کمتر دیده می‌شد؛ همچنین مردم در بسیاری از مناطق نظیر روستاها و بعضی مناطق شهری از امکانات و فضاهای آموزشی برخوردار نبودند و همین امر زمینه‌ای از بین رفتن فرصت‌های تحصیلی برای دانش‌آموزان را فراهم می‌کرد. این موضوع مخصوصاً برای دانش‌آموزان دختر بسیار دردناک‌تر بود، چون زمینه ترک تحصیل آنها را فراهم و موجب بی‌سوادی یا کم‌سوادی آنان بود؛ در همین رابطه مشکل کمبود نیروی متخصص آموزشی باعث می‌شد تا از افراد کم‌تجربه برای تدریس در مدارس روستایی استفاده شود که باز هم مزید بر علت کم‌سوادی و بی‌سوادی می‌شد؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای به چگونگی آموزش در مناطق مختلف شهری و روستایی در ابعاد مختلف برنامه‌ریزی درسی، تألیف کتاب‌های

شایستگی ۷: به کارگیری اصول تعلیم و تربیت فرزند

درسی با محتوای غنی و به روز شده، تربیت معلم متخصص از طریق دانشگاه‌های ذیربط تربیت معلم، فرهنگیان و تربیت دبیر، تجهیز کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها و همچنین نوسازی، بازسازی و احداث مدارس جدید به عمل آمده است که نقش بسیار مؤثری در بهبود و کمیت و کیفیت آموزشی در مناطق مختلف کشور داشته و عامل معنی داری در پیشگیری از بی‌سوادی و ترک تحصیل دانش آموزان بوده است.



شکل ۲ - مروری بر وضعیت تعلیم و تربیت در کشور قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

اهمیت تعلیم و تربیت در خانواده

در گروه‌های کلاسی در مورد ضرورت تعلیم و تربیت از دوران کودکی گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۳



ارزش هر انسان را از میزان تأثیر تعلیم و تربیت بر رفتار و شخصیت او می‌سنجند. انسان تربیت شده، پایبند به اخلاق، همدل و همکار دیگران، هدفمند، با اعتقاد، راستگو و... است. تربیت فرزندان مهم‌ترین وظیفه خانواده است. خانواده در فرایند رفع نیازهای اعضای خود، آنها را نیز تربیت می‌کند. تربیت در خانواده فقط مربوط به فرزندان نیست، بلکه پیش از آن بر زن و مرد (همسران) نیز تأثیر می‌گذارد و باعث تحوّل و پختگی رفتار و عمل آنها می‌شود. تربیت همسران در خانواده با تربیت فرزندان تفاوت دارد. تربیت همسران در خانواده اقدامی آگاهانه نیست؛ یعنی کسی ازدواج نمی‌کند تا تربیت شود، بلکه باور هر زن و مردی آن است که همسر وی در خانواده خود تربیت شده است. اما فرزندان در خانواده به دنیا می‌آیند و تعلیم و تربیت را از همین خانه آغاز می‌کنند، به

همین دلیل تأثیر تربیتی خانه بر فرزندان بسیار بیشتر و حساس‌تر از همسران است.

به این ترتیب غفلت یا ناآگاهی خانواده به فرزندان و جامعه آسیب‌های جدی می‌رساند. طبعاً در کنار چنین انسانی که دچار بحران‌های روحی - روانی شده خانواده‌ای دیده می‌شود که از روابط درست خانوادگی و آرامش و خوشبختی بی‌بهره است و جامعه‌ای که گرفتار افراد ناسازگار، بزهکار و... شده است (شکل ۳)



شکل ۳ - تربیت کودک



گاه بی توجهی و کوتاهی خانواده یا آگاه نبودن خانواده از وظایف تربیتی خود، بر سرنوشت چند نسل تأثیر می‌گذارد و زمانی که فرزندان چنین خانواده‌ای، خود تشکیل خانواده می‌دهند، همان مشکلات را ناخواسته به محیط خانواده و فرزندان انتقال می‌دهند و فرزندان ایشان نیز به همین ترتیب، رفتار می‌کنند. مشکل فقط زمانی حل می‌شود که دست کم یکی از اعضای خانواده به اشکال پی‌ببرد و هوشیارانه تلاش کند تا آن اشکال در خانواده‌ای که تشکیل می‌دهد، تکرار نشود.

عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت



چند فعالیت روزانه خود مانند نوشتن، قیچی کردن، استفاده از رایانه، انتخاب رشته تحصیلی و... را در نظر بگیرید. به نظر شما چه عواملی باعث شده است که شما بتوانید این فعالیت‌ها را انجام دهید؟ در گروه‌های کلاسی در این مورد گفت‌وگو کنید. عوامل را دسته‌بندی کرده و در کلاس ارائه دهید.

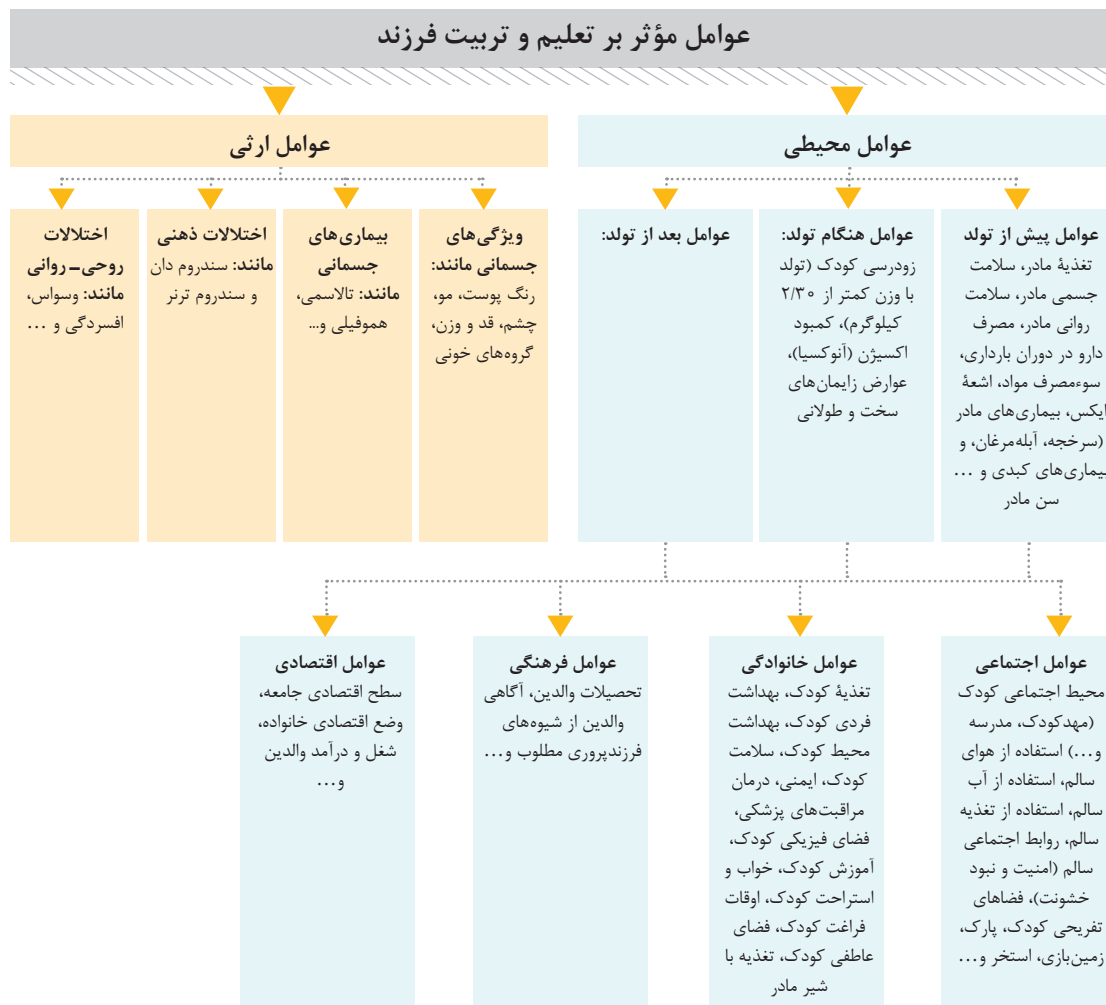
آدمی از لحظه انعقاد نطفه و تشکیل جنین تا موقع مرگ تحت تأثیر عوامل متعدد آشکار و پنهان بسیاری است که در رشد و تربیت او مؤثرند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، ناظر به خانواده فرد است. خانواده دارای دو نقش وراثتی و محیطی در رابطه با فرزندان و نسل خویش است.

۱ عوامل ارثی

عواملی هستند که باعث انتقال صفات از طریق ژن‌ها و کروموزم‌ها از والدین به کودک می‌شوند؛ مانند رنگ مو، رنگ چشم، رنگ پوست، قد و غیره.

۲ عوامل محیطی

عواملی هستند که از طریق محیط زندگی بر کودک تأثیر می‌گذارند و شامل عوامل پیش از تولد، هنگام تولد و بعد از تولد است، مانند تغذیه، بهداشت، محیط فیزیکی زندگی کودک، همسالان و همکلاسان، جامعه و... (نمودار ۱).



نمودار ۱- عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت^۱

حال به بررسی نقش هر یک از این عوامل در رفتار انسان‌ها پرداخته می‌شود. به طور کلی دو دسته از صفات زیر از طریق ارث انتقال می‌یابد.

صفات ظاهری: برخی صفاتی که انسان به لحاظ جسمی از پدر و مادر ارث می‌برد، صفات ظاهری مربوط به شکل و قیافه است، مانند رنگ پوست و صورت، رنگ مو و چشم، شکل و اندازه بینی، اندازه دهان، شکل لب‌ها، دندان‌ها، طول قامت، گروه خون و...؛ مثلاً اگر پدر و مادر هر دو بلندقد یا کوتاه‌قد باشند، فرزندان استعداد بلندقدی یا کوتاه‌قدی دارند، اگر یکی قد کوتاه و دیگری قد بلند باشد، در فرزندان آنها بیشتر استعداد کوتاه قد بودن وجود دارد.

صفات هوشی: در یکی از کامل‌ترین تعاریف، هوش را میزان درستی و توانمندی ادراک شخص از محیط تعریف کرده‌اند. در سال‌های اخیر نوع دیگری از هوش به نام هوش عاطفی (هوش هیجانی)^۲ مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است.

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب مراقبت از سلامت کودک، پایه دهم رشته تربیت کودک مراجعه کنید.

۲. Emotional Intelligence (EQ)

هوش هیجانی عبارت است از «آگاهی فرد نسبت به عواطف خود، مدیریت عواطف خود، برانگیختن عواطف خود، شناسایی عواطف دیگران و تنظیم روابط با دیگران». بنابراین هوش هیجانی توانایی شناخت و درک عواطف خود و دیگران، ابزار وجود و بیان درست آنها و کنترل و تنظیم آنهاست.

عوامل مؤثر بر رشد هوشی

دو عامل مهم ارثی و محیطی بر رشد هوشی تأثیر دارند.

عوامل ارثی: همان طور که گفته شد، منظور از عوامل ارثی، ویژگی‌هایی مانند ساختمان مغز، دستگاه عصبی و حواس و... است که از طریق ژن‌ها از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. وزن و اندازه مغز در هنگام تولد، میزان چین خوردگی‌های سطح مغز، میزان نرمی و انعطاف‌پذیری مغز و چگونگی رشد مغز، در این دسته از عوامل قرار می‌گیرند.

عوامل محیطی: روان‌شناسان به تأثیر عوامل محیطی در رشد مغز توجه خاصی دارند. منظور از محیط شامل محیط قبل از تولد (دوران بارداری مادر)، هنگام تولد و بعد از تولد است.

قبل از تولد: در محیط قبل از تولد عواملی مانند ضربه و آسیب‌های فیزیکی به جنین، کمبود تغذیه‌ای مادر، مصرف داروها، کشیدن سیگار، رادیولوژی و سونوگرافی و هیجان‌های مادر مانند ترس و اضطراب بر میزان هوش کودک تأثیرگذار است.

هنگام تولد: چگونگی تولد، اثر مهمی بر سلامت عمومی و عصبی کودک دارد. عواملی مانند نوع تولد (طبیعی، سزارین)، نرسیدن اکسیژن لازم به جنین، پاره شدن رگ‌های مغز، زایمان‌های زودرس و زایمان‌های دیررس بر میزان هوش کودک تأثیرات سوء دارد.

محیط پس از تولد: این محیط بیشترین تأثیر را در توان هوشی کودک دارد و شامل عوامل متعددی از جمله: تعلیم و تربیت خانواده، آب و هوا، تغذیه، وضع اقتصادی و اجتماعی، دین و فرهنگ جامعه، آداب و رسوم، مؤسسات آموزشی، رسانه‌های گروهی و... است. توجه داشته باشید که هر نوع استعدادی در محیط‌های مناسب‌تر، پیشرفت بیشتری به دست می‌آورد.

نکته



پژوهشگران دریافته‌اند میزان به ارث رسیدن بهره هوشی (IQ)^۱ بین ۷/۲ تا ۹/۲ است؛ به این معنی که ۷۲ تا ۹۲ درصد هوش ناشی از عامل وراثت است. شباهت بهره هوشی دوقلوهای همسان تربیت شده در خانواده‌های جداگانه در مقایسه با خواهر و برادرهایی که به فرزندخواندگی قبول شده‌اند نیز بسیار بیشتر است. البته؛ گفته می‌شود میزان وراثت‌پذیری بهره هوشی با افزایش سن بالا می‌رود، این میزان در مراحل اولیه رشد ۰/۲ است و اواخر دوره بزرگسالی به ۹/۲ می‌رسد. از این رو روان‌شناسان ادعا می‌کنند که تأثیرپذیری از ژن‌ها با افزایش سن تقویت می‌شود. عامل تقویت این تأثیرپذیری در گذر زمان به گوناگونی تعاملات انسانی با دنیای خارج نسبت داده شده است. چرا که به نظر می‌رسد هر جمعیتی به فراخور خصوصیات ژنتیکی خود به شرایط محیطی متفاوتی روی می‌آورد؛ بنابراین علی‌رغم وراثت‌پذیری بالای بهره هوشی، نمی‌توان از تأثیرات محیطی چشم‌پوشی کرد. بررسی‌های روان‌شناختی نشان داده است که هوش ذهنی و هیجانی در تضاد با یکدیگر قرار ندارند و کاربرد درست آنها به سلامت جسمی و روانی فرد کمک می‌کند.

۱. بهره هوشی یا هوش‌بهر مخفف (Intelligence Quotient) روشی برای سنجش هوش انسان است. در فارسی گاهی به اشتباه آن را ضریب هوشی می‌نامند.



جدول زیر را با توجه به عوامل مؤثر بر هوش کامل کنید.

عوامل محیطی	عوامل ارثی



با مطالعه در تاریخچه زندگی یکی از نوابغ، عوامل مؤثر بر هوش این افراد را بررسی کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

هوش های چندگانه



در مورد ضرب المثل «هرکسی را بهر کاری ساختند» گفت و گو کنید و در مورد منظور اصلی آن با سایر گروه های کلاسی گفت و گو کنید.



شکل ۴- هوش های چندگانه گاردنر

از بین نظریه های مختلف هوش، نظریه هوش چندگانه «هاوارد گاردنر»، حائز اهمیت است. به عقیده گاردنر همه انسان ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند. طبق نظریه او، برای به دست آوردن تمام قابلیت ها و استعداد های یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی پرداخت، بلکه انواع هوش های دیگر او مثل هوش کلامی، هوش منطقی - ریاضی، هوش تصویری - فضایی، هوش بدنی - حرکتی، هوش موسیقایی، هوش میان فردی، هوش درون فردی و هوش طبیعت گرانه نیز باید در نظر گرفته شود (شکل ۴).

در جدول ۱ ویژگی‌های انواع هوش و شغل‌های احتمالی گاردنر نشان داده شده است.

جدول ۱- انواع هوش از دیدگاه گاردنر^۱

انواع هوش از دیدگاه گاردنر	تخصص احتمالی	اجزای اصلی
منطقی - ریاضی	دانشمند - ریاضی‌دان	حساسیت نسبت به طرح‌های منطقی و عددی و توانایی درک این زنجیره‌ها
کلامی - زبانی	شاعر - روزنامه‌نگار	حساسیت نسبت به صداها - وزن‌ها و معانی کلمات و وظایف مختلف زبان
تصویری - فضایی	مجسمه‌ساز - دریانورد	توانایی درک عمیق دنیای تجسمی - فضایی، آفریدن تجربه‌های تجسمی
اندامی - جنبشی	ورزشکار	به کارگیری ماهرانه بدن، نگهداری ماهرانه اشیا
موسیقیایی	آهنگساز	فهمیدن شیوه‌های بیان موسیقیایی
میان فردی	درمانگر - فروشنده	توانایی پی‌بردن به خلق‌ها، سرشت‌ها، انگیزش‌ها و امیال دیگران
درون فردی	خود را کامل و دقیق می‌شناسد	هدایت رفتار خویش، آگاهی از توانمندی‌ها، ضعف‌ها، امیال و هوش خویش
طبیعت‌گرا	زیست‌شناس - طبیعی‌دان	توانایی تشخیص دادن و طبقه‌بندی اشیا و فرایندها در طبیعت

فعالیت ۸



در گروه‌های کلاسی موقعیت زیر را مطالعه کنید و موارد مربوط به آن را انجام دهید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

مریم امسال در کلاس نهم درس می‌خواند و قرار است انتخاب رشته کند. او به مجسمه‌سازی علاقه‌مند است و اصلاً به محاسبات علاقه‌مند نیست. او اغلب تنهایی خود را با ساخت مجسمه و... پر می‌کند. مادر مریم معتقد است که در آینده باید شغل مناسبی داشته باشد و به او می‌گوید باید حتماً مهندس شوی.

الف) مریم در کدام بُعد یا ابعاد هوش برتری دارد؟

ب) آیا اگر به رشته ریاضی برود، موفق می‌شود؟ چرا؟

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب دانش فنی تخصصی رشته تربیت کودک، پایه دوازدهم مراجعه کنید.

در گروه‌های کلاسی در مورد نقش وراثت در هوش افراد از منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

فعالیت ۹



در گروه‌های کلاسی در مورد انواع هوش و نقش تعلیم و تربیت بر شکل‌گیری آنها در منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را به صورت پوستر (نمودار) در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۰



محیط خانواده

شرایطی که پدر و مادر در محیط خانواده پدید می‌آورند، عامل مهم و مؤثری در تربیت فرزندان است. خانواده می‌تواند تأثیرات زیر را بر تعلیم و تربیت فرزندان داشته باشد.

۱ قوانین خانواده: پدر و مادری که در تربیت فرزندان از محدودیت‌های زیاد استفاده می‌کنند باید قبول کنند که روش صحیحی را به کار نمی‌برند. هدف از تربیت فرزندان باید آموزش، احترام گذاشتن متقابل به آنها و آماده کردن آنها برای پیروی از قوانین اجتماعی باشد و بهتر است روشی که در تعلیم و تربیت به کار می‌برند همه ابعاد سلامت فرزند را در نظر داشته باشند و بتوانند او را برای آینده روشن آماده کنند.

۲ فرهنگ والدین: شرایط فکری و فرهنگی والدین نیز در تربیت نسل مؤثر است. اگر پدر و مادر دارای فرهنگی ارزیابی شده و اسلامی باشند، فکر و اندیشه درست و آداب و رسوم و زبان و کلامشان روی کودک تأثیر مثبت دارند.

۳ مذهب و معنویت خانواده: وضع پدر و مادر در جنبه‌های ارشادی فرزندان و دادن آگاهی‌های لازم به آنان در عرصه حیات، نوع آموزش و رفتار توأم با احساس مسئولیت در قبال فرزندان تأثیرات شگرفی در تربیت آنان دارد.

۴ شرایط اقتصادی خانواده: شرایط اقتصادی والدین در وضع تربیتی فرزندان مؤثر است؛ به‌ویژه در خانواده‌ای که شرایط اقتصادی از نظر نوجوان مناسب نباشد، می‌تواند تاحدودی در رفتار و برآوردن نیازهای خانواده مشکلاتی را ایجاد کند که این مشکلات می‌تواند در رفتار نوجوان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بگذارد.

۵ شرایط اجتماعی خانواده: تعداد اعضای خانواده، روابط و آمدوشدها، کیفیت معاشرت، اعمال و رفتار یکدیگر، بُعد الگویی پدر و مادر، همگی در سرنوشت فرزندان اثر دارند و همچنین وضع سازگاری بین زن و شوهر، صلح و جنگ آنها در محیط خانه، میزان صبر و حوصله‌شان در دشواری‌ها و ناملایمات، گذشت‌ها و یا سخت‌گیری‌های بی‌حد و مرز، هر کدام به‌نحوی در فرزندان مؤثر است.

با خانواده و اطرافیان خود در مورد نقش محیط خانواده بر انتخاب رشته فرزندان گفت‌وگو کنید. گزارش آن را تهیه کرده و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۱



هدف توانمندسازی ۲: هنرجو بتواند اصول تعلیم و تربیت کودک را به کار بندد.

نقش والدین در تعلیم و تربیت فرزندان



شکل ۵- والدین و فرزندان

خانواده نقش مهمی در تعلیم و تربیت فرزندان دارد. اما تنها نهادی نیست که در این کار دخالت دارد. هرکس که در خانواده‌ای به دنیا می‌آید با بستگان، آشنایان، دوستان، مردم کوچه و خیابان و همسایه‌ها، بعدها مدرسه و محیط کار و... نیز تماس و ارتباط دارد. در میان تمام این عوامل، بر خانواده تأکید بیشتری می‌شود (شکل ۵).

وجود والدین مایهٔ دلگرمی و نشاط فرزندان در محیط خانواده است. مهم‌ترین چیزی که در محیط خانواده در زمینهٔ تربیت فرزند اهمیت دارد، شخصیت دادن به اوست که امروزه مورد تأکید علم روان‌شناسی کودک است. فرزند دارای نیازها و ویژگی‌هایی خاص است که خانواده باید آنها را شناسایی کند و متناسب با آن روش‌های تربیتی درستی را به کارگیرد. خانواده از ابتدا به تمام نیازهای فرزند پاسخ می‌دهد و هیچ مرجع دیگری، حتی اگر تلاش کند، نمی‌تواند مانند خانواده به این نیازها پاسخ گوید. مشکلات افرادی که در مراکز شبانه‌روزی تربیت می‌شوند، نشان‌دهندهٔ آن است که این مراکز هرگز نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای خانواده شوند، از طرفی به کار بردن روش‌های تربیتی برای کودک نیازمند آن است که پدر و مادر از هماهنگی کاملی باهم برخوردار باشند. بنابراین در مورد نقش و جایگاه خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- خانواده محیطی امن برای کودک فراهم می‌کند.
- خانواده از بدو تولد تا زمان مرگ، پیوندی عمیق با اعضای خود دارد که برخلاف دیگر روابط، حتی اگر فرد بخواهد، گسسته نمی‌شود.
- خانواده با محبت بی‌دریغ خود نسبت به هر یک از اعضای خود و در وضعیت‌های گوناگون منبع اعتماد آنها می‌شود.
- همهٔ افراد بیشترین زمان خود را در خانه و در کنار اعضای خانواده می‌گذرانند.
- نوع و عمق ارتباط خانواده با فرزندان بسیار متفاوت و ریشه‌دارتر از دیگر عواملی است که در آموزش و پرورش کودک سهیم‌اند.

تأثیر خانواده بر کودک نسبت به عوامل دیگر از جمله مدرسه بسیار عمیق تر است. همین وضع باعث می شود که نقش خانواده در تعلیم و تربیت کودکان بسیار برجسته تر شود و خانواده همواره محور اصلی توجه دانشمندان تعلیم و تربیت قرار گیرد.



دوستان و دیگر اعضای خانواده



شکل ۶- دوستان و اعضای خانواده

اعضای خانواده، شامل هرکسی است که در خانواده با فرزندان زندگی می کند ولی پدر و مادر آنها نیستند. این اعضاء شامل دو گروه اقوام نسبی و اقوام سببی هستند که در تعلیم و تربیت و رفتارهای فرزندان تأثیرات مثبت و یا منفی دارند (شکل ۶).

فعالیت ۱۲



در مورد دو موضوع زیر گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

- ۱ نقش دوست صمیمی بر رفتارهای شما
- ۲ نقش خواهر و برادر بر رفتارهای شما

الف) اقوام نسبی: این خویشاوندی از قدیمی ترین و اساسی ترین انواع خویشاوندی است. هم خونی و پدید آمدن از نیاکان مشترک از مشخصات این نوع خویشاوندی است. پیوند والدین با فرزندان خود و نیز پیوند میان برادران و خواهران از این نوع محسوب می شود.

ب) اقوام سببی: این نوع خویشاوندی، در اثر زناشویی به وجود می آید و خانواده براساس آن تشکیل می شود.

فعالیت ۱۳



در منابع علمی جست و جو کنید و در مورد اینکه اقوام نسبی و سببی چگونه در تعلیم و تربیت فرزندان نقش دارند، گزارشی در کلاس ارائه دهید.

۱. منظور از رفتار؛ هر حرکت، عمل یا اندیشه ای است که از موجود زنده سر می زند و در فعالیت های جاندار قابل مشاهده است که به وسیله جاندار دیگر یا با دستگاه های آزمایشگاهی قابل مشاهده و اندازه گیری باشد. رفتار شامل دو گونه پنهان مانند آرزوها یا خیالات و آشکار مانند خوش رو بودن یا اجتماعی بودن است.

سایر عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت

عوامل زیادی در تربیت ما مؤثرند و تأثیرات آنها جنبه‌های منفی و مثبت در ما به وجود می‌آورند. می‌توان این عوامل را به شرایط شخصی و شرایط جامعه تقسیم کرد:

الف) شرایط شخصی

شرایطی که به خود ما و وضعیت ما مربوط می‌شوند و از آن جمله می‌توان به شرایط جسمی و بدنی، ذهنی، عاطفی و روانی اشاره کرد.

■ **سلامت جسمی یا نقص بدن:** که گاهی جنبه مادرزادی و گاهی در اثر سوانح پیش می‌آید و در سنین بعد می‌تواند فرد را با مشکلاتی روبه‌رو کند. فرد با مقایسه خود و دیگران و گاهی مسخره شدن از سوی دوستان و همکلاسی‌ها، از اجتماع دور می‌شود و زمینه برای احساس حقارت در او فراهم می‌گردد و گاهی از وی فردی خشن، بدبین و انتقام‌جو، بار می‌آورد و خارج از هنجار جامعه، در او مشاهده می‌شود.

■ **شرایط ذهنی:** از شرایط شخصی مؤثر در تربیت می‌توان به هوش و استعدادهای آدمی اشاره کرد که به صورت مادرزادی در انسان و حیوان وجود دارد و در سایه تجربه‌ها و محرکات محیطی مناسب می‌توان بر دامنه آن افزود. برخی افراد در گروه باهوش قرار دارند و برخی در گروه کم‌توان ذهنی، مانند افرادی که می‌توانند آموزش‌پذیر باشند و خواندن و نوشتن را بیاموزند و یا برخی که نمی‌توانند حتی سخن گفتن را فراگیرند و طبیعی است که این موارد در تربیت و رفتار آدمی مؤثر باشد (در شیوه تعلیم و تربیت کودکان تیزهوش، کم‌توان ذهنی و جسمی به این موضوع پرداخته می‌شود).

■ **شرایط عاطفی:** شرایطی هستند که در تربیت و رفتار ما نقش مهم و اساسی دارد، مثل ترس‌های منطقی (افتادن از ارتفاع) یا ترس‌های غیرمنطقی (ترس از آب، تاریکی و...) خشم، عشق، محبت، تشویش، اضطراب و... همه از جمله این شرایط هستند.

■ **شرایط روانی:** این شرایط نیز در حالات و رفتارهای آدمی اثر دارند؛ مثل اراده، وجدان (وجدان قاضی در قضاوت) آزادی‌خواهی، میل به ستایش و...

ب) شرایط مربوط به جامعه

از عوامل مؤثر در تربیت و رفتار، شرایط مربوط به جامعه و امور اجتماعی است که فرد از تأثیرات آنها دور نیست. این شرایط می‌تواند عامل سلامت و یا بیماری فرد، سازنده خلق و خو و عامل تعهد او باشد. محیط اجتماعی عامل مهمی در تکوین خصوصیات روحی و اخلاقی انسان است. جامعه نقش مثبت و یا منفی در رفتار او دارد. زبان انسان، آداب و رسوم و روابط اجتماعی، دین و مذهب، از جمله چیزهایی هستند که محیط اجتماعی بر انسان تحمیل می‌کند.



شکل ۷- مدرسه و تعلیم و تربیت

مدرسه و به بیان کلی‌تر محیط تعلیم و تربیت مانند خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت است. نقش معلم و مربی در شکل‌گیری شخصیت انسانی و ساختار روحی و رفتاری او از نقش‌های کلیدی است. پیام‌آوران الهی برترین معلمان و مربیان بشرند که بهترین مدرسه تعلیم و تربیت را بنیان گذاشتند. پیامبر اکرم ﷺ هدف رسالت خود را تعلیم و تربیت می‌دانست. بنابراین محیط مدرسه از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت است که می‌تواند به‌گونه‌ای

شایسته استعداد‌های افراد را در جهات مختلف پرورش دهد و اشخاص عالم، عاقل، متفکر، عدالت‌جو فداکار و یا خلاف اینها به جامعه تحویل دهد (شکل ۷).



شکل ۸- هم‌سالان و تعلیم و تربیت

انسان با فطرت درونی خود در سراسر زندگی خویش میل به معاشرت و دوستی دارد و دوستان نه تنها باهم انس می‌گیرند و با مصاحبت و همنشینی موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌آورند؛ بلکه در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می‌کنند و هر یک دانسته یا ندانسته روی عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به حدی است که در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «انسان بر دین و آیین دوست و همنشین خود است.»^۱ (شکل ۸)

شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه: هر کدام از این شرایط با توجه به موضع جامعه تأثیرات متفاوتی در فرد دارد. استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود. اگر یک ملت از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان آن رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمی‌تواند ادعای استقلال کند. اگر نظام فرهنگی، همه مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند و با ارائه الگویی مناسب سازمان‌دهی را در تمام ابعاد توسعه ندهد، عواملی (داخلی و خارجی) به اقتضای شرایط، نقش پدیده‌های فرهنگی را بازی می‌کنند و هدایت عمومی جامعه را به سمت و سوی خود می‌کشاند و رفتارها و آداب و معاشرت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متأثر از آن خواهد بود.



با هنرجویان کلاس خود در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.
الف) تأثیر مدرسه بر شکوفایی استعداد‌های دانش‌آموزان
ب) تأثیر هم‌سالان بر رفتار دانش‌آموزان
ج) تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه بر انتخاب رشته دانش‌آموزان

شیوه‌های تعلیم و تربیت کودکان با نیازهای ویژه (کم‌توان ذهنی - تیزهوش - بهنجار)

بی‌شک داشتن فرزند کم‌توان ذهنی و جسمی برای تمام پدرها و مادرها ناگوار است. آنچه خستگی زحمات پدرها و مادرها را برای کودکانشان جبران و دشواری‌ها را برای آنها آسان می‌کند، آنست که شاهد رشد و شکوفایی کودکان خود باشند، اما در دنیای واقعیت‌ها به‌دلایل گوناگونی، کودکانی متولد می‌شوند که از مشکلاتی رنج می‌برند و همان‌طور که گفته شد، خانواده مهم‌ترین نهادی است که به کودکی که نیازهای ویژه دارد، کمک می‌کند. روان‌شناسان افراد را از نظر هوش ذهنی به سه دسته کلی گروه تیزهوش، گروه بهنجار و گروه کم‌توان ذهنی تقسیم می‌کنند.

۱. «المرء علی دین خلیله و قرینه» (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷)

گروه کودکان کم توان ذهنی

این کودکان از نظر هوشی در سطح پایین قرار دارند و از سازگاری مطلوب با محیط و اکتساب رفتار اجتماعی ناتوان هستند. این کودکان در سنین خردسالی با ضعف یادگیری در انجام اعمال ساده حسی - حرکتی، ناتوانی در اکتساب عادات تغذیه و رعایت نکردن بهداشت شخصی و سخن‌گویی از کودکان عادی بازشناخته می‌شوند. در دوره دبستان، آنها خواندن و نوشتن را نمی‌توانند به سادگی بیاموزند و اغلب از ضعف حافظه تا ناتوانی در یادگیری رنج می‌برند. این کودکان در دوران نوجوانی به علت عدم درک صحیح اصول اجتماعی و اخلاقی، اغلب به بزهکاری و انحرافات رفتاری، اعتیاد یا به سمت اعمال ناهنجار کشیده می‌شوند. در گذشته، تعلیم و تربیت این کودکان مورد غفلت قرار می‌گرفت و والدین، فرزند معلول خود را رها می‌کردند ولی در حال حاضر، مراکزی برای نگهداری از این نوع کودکان درست شده است و به خانواده‌ها در تعلیم و تربیت مشاوره‌های گوناگون ارائه می‌دهند (شکل ۹).



شکل ۹ - کودک کم توان ذهنی

کم توان ذهنی آموزش پذیر: بهره هوشی این گروه ۷۰-۵۵ است و نمی‌توانند از برنامه‌های آموزشی کلاس‌های معمولی بهره لازم را ببرند. آنها حداقلی از اطلاعات عمومی، خواندن، نوشتن، حساب کردن و مهارت‌های شغلی را یاد می‌گیرند. با مشاوره می‌توانند در اداره زندگی خود، به خودکفایی اقتصادی و اجتماعی برسند.

کم توان ذهنی تربیت پذیر: این گروه با داشتن بهره هوشی ۵۵-۴۰ بیشتر در مؤسسات و مراکز غیرآموزشی نگهداری می‌شوند. این کودکان به دلیل داشتن مشخصات بدنی از همان دوران نوزادی شناسایی می‌شوند و در کسب مهارت‌های کلامی و بدنی بسیار ضعیف‌اند. این گروه توان اداره زندگی مستقل ندارند و فاقد خودکفایی اقتصادی و اجتماعی لازم هستند.

کم توان ذهنی حمایت پذیر: این گروه به علت عقب‌ماندگی شدید ذهنی و بدنی قادر به یادگیری در امور مربوط به خود نیستند و نمی‌توانند با محیط انطباق و سازگاری داشته باشند. همچنین توان خودکفایی در امور اقتصادی و اجتماعی را ندارند. آنها به علت بهره هوشی پایین (زیر ۴۰) نیاز شدید به حمایت دارند و بدون کمک دیگران قادر به ادامه زندگی نیستند.

امروزه اغلب متخصصان بر این نکته توافق دارند که محیط و وراثت در همکاری و ارتباط متقابل، نقش مهمی در رشد هوش فرد دارند. بنابراین، با غنی‌سازی محیط کودکان و بهره‌گیری از توانمندی‌های ارثی آنها می‌توان استعدادهای هوشی این کودکان را شکوفا کرد و پرورش داد و موجب پیشرفت تحصیلی و موفقیت‌های فردی آنها شد.

نکته



ویژگی‌های گروه‌های مختلف کم توان ذهنی را با هم مقایسه کنید.

فعالیت ۱۵





اگر در اطرافیان خود یک نفر کم توان ذهنی می شناسید، ویژگی های رفتاری او را بررسی و فهرست کنید. فهرست خود را با ویژگی های گروه کم توان ذهنی مقایسه کرده و گروه او را مشخص کنید.

کودکان با معلولیت جسمی

معلولیت جسمی مانع بروز کارآمدی توانایی های جسمی و بدنی کودک است. معلولیت جسمی کودکان چالش های رشدی، پرورشی و تربیتی را رودرروی کودک، به ویژه والدینش قرار می دهد. معلولیت جسمی ممکن است ناشی از ارث و اکتساب یا سوانح (حوادث) باشد. معلولیت ها طیف وسیعی را در بر می گیرد و برحسب محدودیت در حرکات و توانایی های اندام های مختلف تقسیم بندی می شود. کودکان معلول جسمی - حرکتی معمولاً در قسمت هایی از بدن مانند دست و پا، چشم و... دارای نواقصی هستند که باعث ایجاد محدودیت های حرکتی در آنها می شود. کودک معلولی که دشواری حرکتی دارد قادر به انجام امور شخصی خود نیست و باید تا حد امکان به او آموزش داد که بتواند روی پای خودش بایستد و احساس وابستگی به دیگران نداشته باشد و نیز اعتماد به نفس کافی به دست آورد.



شکل ۱۰- معلول جسمی - حرکتی

چگونگی برخورد و تعامل با این چالش (معلولیت)، کلید اصلی موفقیت یا ناکامی کودک در ادامه مسیر زندگی است. در واقع، عملکرد مطلوب یا نامطلوب خانواده نقش اساسی در رشد بهنجار جسمی، عاطفی، اجتماعی و روانی کودک دارای معلولیت خواهد داشت. این قاعده درباره تمام کودکان پابرجاست، اما آنچه این معادله را برای کودک معلول و خانواده اش پیچیده تر می سازد، نیازهای ویژه این کودکان است (شکل ۱۰).

توصیه های زیر به پدر و مادرانی که دارای فرزندی با معلولیت جسمی یا ذهنی هستند، کمک می کند تا برخوردی درست با این موضوع داشته باشند و موجب آسیب به خود یا فرزندشان نشوند:

- زمانی که والدین علائمی از معلولیت (جسمی - ذهنی) در کودک مشاهده می کنند باید با پیگیری موضوع به آن اطمینان پیدا کنند؛
- والدین باید سعی کنند برای توانمندسازی نهایی کودک برنامه ریزی هدفمندی داشته باشند؛
- چنانچه کودک دچار معلولیت ذهنی یا جسمی باشد، والدین باید این موضوع را بپذیرند. گاه والدین نمی توانند این موضوع را بپذیرند و آن را در درون خویش انکار می کنند. در نتیجه واکنش های نادرستی نسبت به کودک خود نشان می دهند؛
- معمولاً پدرها و مادرها از کودک معلول (جسمی - ذهنی) خود با جدیت مراقبت می کنند و به ندرت اتفاق می افتد که پدر یا مادری فرزند معلول را رها کند، اما ممکن است والدین ندانند چگونه از کودک مراقبت کنند یا قلباً نتوانند او را بپذیرند و با او رابطه عاطفی برقرار کنند. از این رو نادانسته احساس منفی خود را به کودک نیز انتقال می دهند؛
- انتظارات والدین از کودک با معلولیت جسمی و ذهنی باید براساس میزان توانمندی او باشد و به کودک

این فرصت را بدهند تا جایی که می‌تواند مانند سایر افراد خوشحالی کند و با اطرافیانش رابطه‌ای دوستانه و محبت‌آمیز داشته باشد. داشتن انتظار منطقی از کودک باعث می‌شود که او در حد توانش تلاش کند و مهارت‌هایی را بیاموزد و رشد کند؛

- مراقبت بیش از حد از کودک معلول فرصت رشد را از او می‌گیرد؛
- بسیاری از والدین تصور می‌کنند که سعی در آموزش کودک کم‌توان ذهنی بی‌فایده است. این تصور کاملاً اشتباه است و نباید او را از فرصت آموزش در خانه یا مدرسه محروم کرد.

نکته



اصلی‌ترین پل ارتباطی میان خانواده و فرد معلول، آگاهی است. سطح و دامنه این آگاهی، تعیین‌کننده میزان مشارکت والدین در امر توانمندسازی آنهاست. از این‌رو آموزش خانواده‌ها پیرامون خصوصیات روان‌شناختی معلولان، می‌تواند در برقراری ارتباط مؤثر و سازگاری مناسب با مشکلات ایجاد شده مفید باشد.

گروه کودکان تیزهوش

این گروه، شامل کودکانی است که به تشخیص متخصصان روان‌شناسی، توانایی‌های برجسته‌ای دارند و قادرند امور خود را در سطح عالی انجام دهند. افراد باهوش و تیزهوش سرمایه‌های اصلی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. پدر و مادر اولین کسانی هستند که متوجه رشد حرکتی، کلامی و ذهنی فرزند خود می‌شوند. رشد زودرس حرکتی، کلامی و ذهنی از ویژگی‌های کودکان دارای هوش بالاست. این کودکان، مستقل‌تر از سایر بچه‌های هم‌سن خود هستند و کنجکاوی‌های بیشتری نسبت به محیط اطرافشان نشان می‌دهند. به‌همین دلیل برخلاف فرزندان کم‌توان، زمانی که والدین مطلع می‌شوند فرزندی تیزهوش دارند، خوشحالی همراه نگرانی در آنها ایجاد می‌شود. از یک‌سو از اینکه فرزندی توانمند دارند که می‌تواند آینده‌ای درخشان داشته باشد، خوشحال‌اند. اما از سوی دیگر از اینکه تیزهوشی ممکن است مشکلاتی برای کودک ایجاد کند و نتواند با دیگران سازگاری کند، یا اینکه دیگران او را درک نکنند، یا امکان رشد توانایی‌های او فراهم نشود، آنها را نگران می‌کند. البته این نگرانی‌ها بجاست، اما رفتار و هوشیاری والدین بخش مهمی از این نگرانی‌ها را رفع می‌کند.



شکل ۱۱- کودک تیزهوش

مغز انسان در اثر محرک‌های محیطی رشد می‌کند. بنابراین هر چقدر که پدر و مادر محیط غنی‌تری از نظر آموزش و پرورش برای فرزندشان به‌وجود بیاورند، کودک احتمال رشد هوشی بیشتری خواهد داشت. برای نمونه با او حرف بزنند، به سؤالات او پاسخ دهند، برایش کتاب بخوانند، او را به گردش ببرند و جانوران مختلف را به او نشان بدهند. برخی مسائل علمی را برای کودک توضیح دهند، برای کودک موسیقی آرام‌بخش و شاد پخش کنند و... . تمامی اینها در پرورش استعداد اولیه کودک نقش زیاد و مؤثری دارد (شکل ۱۱).

چگونگی برخورد با کودکان تیزهوش

- کودکان تیزهوش به دلیل اینکه بیش از بچه‌های عادی مسائل محیط اطرافشان را درک و احساس می‌کنند، حساس‌تر از کودکان دیگر هستند. به همین دلیل از نظر روانی فشار بیشتری به آنها وارد می‌شود. پدر و مادر با حضور نزدیک و زیاد در کنار آنها تحمل این وضع را برای این کودکان آسان‌تر می‌کنند و به آنها آرامش می‌دهند؛
- والدین باید توضیح روشن و مناسبی از تیزهوشی کودک به او بدهند تا او بداند که در بعضی زمینه‌ها و نه از هر جهت، توانمندتر از همسالان خودش است. اما باید به او تأکید کنند اینکه با دیگران تفاوت دارد، به او برتری نمی‌دهد؛
- در یک خانواده فرزند تیزهوش نباید محور توجه و رسیدگی قرار گیرد، بلکه این توجه باید میان تمام فرزندان خانواده تقسیم شود. در غیراین صورت فرزندان دیگر به خواهر یا برادر تیزهوش خود بدبین خواهند شد؛
- والدین، کودک تیزهوش را دائم وادار به کار و فعالیت درسی نکنند و یادشان باشد که او نیز کودک است و نیازهای کودکانه دارد، نباید با او مثل بزرگ‌ترها رفتار کنند؛
- کودکانی که هوش بالاتری دارند بهتر است در کنار کودکان عادی درس بخوانند، دیدگاه جداسازی کودکان مدت‌هاست که از نظر علمی و اخلاقی و انسانی مردود شناخته شده است.

با جست‌وجو در منابع علمی، فهرستی از افراد تیزهوش که برای ایران افتخارات علمی، تحقیقی و... کسب کرده‌اند را جمع‌آوری کنید. با مطالعه تاریخچه زندگی فردی و علمی و اجتماعی دو فرد از این گروه، ویژگی‌های آنها را بررسی کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۷

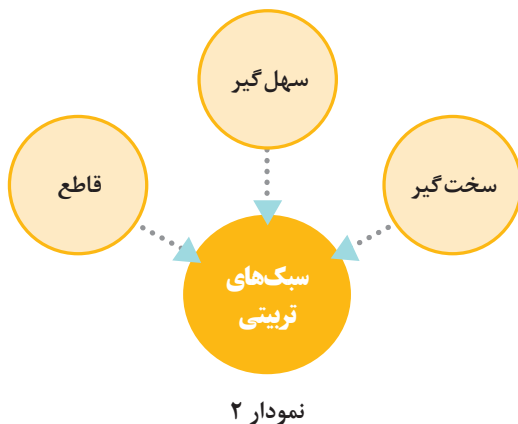


فرض کنید در همسایگی شما دو خانواده زندگی می‌کنند که هرکدام دارای فرزندان هستند. یکی از این خانواده‌ها دارای فرزند تیزهوش و دیگری فرزندی با معلولیت جسمی و فکری دارد. به مادران این دو خانواده چه توصیه‌های تربیتی خواهید داشت؟ آنها را فهرست کرده و در کلاس با هنرآموز خود تبادل نظر کنید.

فعالیت ۱۸



سبک‌های تربیتی والدین



روش‌های فرزندپروری با توجه به دوره تاریخی، نژاد، قومیت، طبقه اجتماعی و سایر خصوصیات اجتماعی متفاوت است. علاوه بر این، تحقیقات تأیید می‌کنند که تجربه شخصی والدین از نظر روان‌شناختی، به‌ویژه در پی تجربیات نامطلوب، می‌تواند به شدت بر حساسیت والدین و نتایج نحوه فرزندپروری آنها تأثیر بگذارد. سبک‌های فرزندپروری را می‌توان برحسب دو عامل محبت و کنترل پدر و مادر به سه دسته تقسیم کرد (نمودار ۲).



شکل ۱۲- سبک تربیتی سخت‌گیرانه

سبک‌های تربیتی سخت‌گیر

در خانواده‌های سخت‌گیر، بر قدرت والدین تأکید می‌شود و قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیری بر فرزندان حکم‌فرماست و والدین برای اجرای دستورهای خود نیازی به ارائه دلیل نمی‌بینند (شکل ۱۲).

آثار شیوه تربیت سخت‌گیرانه بر فرزندان

- به‌ظاهر مطیع والدین هستند، اما در واقع دچار هیجان و اضطراب‌اند؛
- معمولاً مطیع و فرمان‌بردار هستند ولی در بیشتر موارد رفتارشان همراه با پرخاشگری است؛
- این کودکان استقلال کافی ندارند و احساس ناامنی در آنها شدید است؛
- معمولاً در کارهای گروهی شرکت نمی‌کنند و از قبول مسئولیت خودداری می‌کنند؛
- در محیط خانواده‌های سخت‌گیر، ترس و وحشت بر اعضای خانواده غلبه دارد؛
- کمتر به خود متکی هستند و خلاقیت کمی دارند؛
- متعصب خواهند بود و تحمل اندیشه‌های مخالف را نخواهند داشت.



شکل ۱۳- سبک تربیتی سهل‌گیرانه

سبک تربیتی سهل‌گیر

برخلاف خانواده سخت‌گیر، هیچ‌گونه قوانینی در این خانواده‌ها وجود ندارد. در چنین خانواده‌هایی به فرزندان اجازه می‌دهند که به خواسته‌های خود آن‌گونه که می‌خواهند، دست یابند و آرزوهای خود را برآورده کنند. در اینجا تقریباً آزادی مطلق حکم‌فرماست و شعار طرفداران این دیدگاه این است که «کسی با کسی کاری نداشته باشد؛ بگذار فرزندان هر چه می‌خواهند، انجام دهند» (شکل ۱۳).

آثار شیوه تربیت سهل‌گیرانه بر فرزندان

- در نتیجه سهل‌گیری والدین و آزادی فرزندان، هرج و مرج بر روابط اعضای خانواده حاکم می‌شود؛
- فرزندان این خانواده بی‌بندوبار لابلایی، سهل‌انگار، خودخواه و بی‌هدف هستند؛
- گرچه کودکان خانواده‌های سهل‌گیر از استقلال فکری و عملی برخوردار هستند، ولی به سبب هرج و مرج، نوعی تزلزل روحی در آنها به چشم می‌خورد؛
- فرزندان به دلیل عادت کردن به آزادی نمی‌توانند خود را کنترل کنند و در نتیجه به ورشکستگی تربیتی و اخلاقی دچار می‌شوند؛
- تمایلات فرزند با خواسته‌های دیگر اعضای خانواده در تضاد است و سبب نزاع و درگیری بین آنها می‌شود؛
- این فرزندان به دلیل عدم استفاده نکردن از استعدادها، معمولاً بی‌اراده و یا کم‌اراده هستند.

سبک تربیتی قاطع و اطمینان بخش

خانواده قاطع و اطمینان بخش برخلاف دو خانواده قبلی، روش متعادل و میانه‌ای را در تربیت فرزندان به کار می‌گیرد. اساس آموزش و پرورش در خانواده‌های مقتدر را به ترتیب زیر می‌توان بیان کرد:



شکل ۱۴- سبک تربیتی قاطع

- تمام افراد خانواده محترم هستند؛
- اعضای خانواده، صلاحیت اظهارنظر درباره مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارند؛
- همه افراد خانواده حق دارند در تصمیم‌هایی که درباره آنان یا کارشان گرفته می‌شود، دخالت کنند و در عین حال مسئولیت دارند که در تصمیم‌گیری‌ها و انجام وظایف، عاقلانه، مطابق با مصالح خانواده و طبق قوانین پذیرفته شده عمل کنند؛
- روش عقلانی در تمامی جنبه‌ها و شئون زندگی این خانواده دیده می‌شود. اساس این نوع زندگی بر همکاری و همیاری است (شکل ۱۴).

آثار روش تربیتی قاطع و اطمینان بخش بر فرزندان

- روحیه استقلال و اعتماد به نفس را در فرزندان تقویت کرده و به رشد سالم شخصیت آنها کمک می‌کند؛
- فرزندان این خانواده‌ها دشمن ظلم و ظالم و مخالف ناروایی‌ها هستند و معمولاً به اصلاحات بزرگ اجتماعی توفیق می‌یابند؛
- آفرینندگی در آنها نیرومند است و از دنیا و عمر خود لذت بیشتری می‌برند؛
- به خاطر فضای خانواده، فرزندان می‌توانند با معلم و مسئولان مدرسه، هم‌کلاسی‌ها و دیگر افراد، ارتباط عاطفی و اجتماعی صحیحی برقرار سازند؛
- از رفتارهای ناشایست خودداری می‌کنند؛
- از نظر عاطفی نیز متعادل و بدون افراط و تفریط هستند؛
- نمرات درسی کودکان این خانواده‌ها و حتی بهره هوشی آنها در مقایسه با دیگر الگوهای تربیتی پیشرفت بهتری دارد.

در سایه ارتباط سالم است که می‌توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تأمین و ارضای آنها همت گماشت. هر یک از این شیوه‌ها آثاری بر رفتار فرزندان دارد که در این میان، آثار مخرب و منفی شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه بیشتر است. بر طبق تحقیقات انجام گرفته، بهترین سبک فرزندپروری، شیوه قاطع و اطمینان بخش (مقتدرانه) است که والدین در عین گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل‌کننده و مقتدر هستند. روش‌های تربیتی والدین با سطح سلامت روانی فرزندان ارتباط مستقیم و بدیهی دارد. در راستای سبک مناسب تربیتی می‌توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تأمین و ارضای نیازهای آنها همت گماشت.

بیشتر بدانید



در برخی از منابع علمی سبک‌های تربیتی را به چهار گروه مستبد، سهل‌گیر، طردکننده و مقتدر تقسیم می‌کنند.^۱



با توجه به سبک‌های تربیتی، جدول زیر را کامل کنید.

رفتار کودک	سبک تربیتی	دو ویژگی مربوط به سبک مربوط
این کودکان استقلال کافی ندارند و احساس نامنی در آنها شدید است.	۱- ۲-
از نظر عاطفی نیز متعادل و بدون افراط و تفریط هستند.	۱- ۲-
فرزندان این خانواده‌ها بی‌بندوبار لابلایی، سهل‌انگار، خودخواه و بی‌هدف هستند.	۱- ۲-



متن زیر را به دقت بخوانید، سپس موارد مطرح شده را با کمک هم گروه‌های خود پاسخ دهید. مریم خیلی زیبا نقاشی می‌کرد. روزی درحالی که نقاشی می‌کشید، آبرنگ او روی میز و سپس کف اتاق ریخت. مریم با دستمال سعی کرد آن را پاک کند، اما آبرنگ بیشتر روی میز و زمین پخش شد. در همین حال مادر مریم به اتاق آمد.

الف) اگر شما جای مادر مریم بودید، چه رفتاری انجام می‌دادید؟

ب) دلایل رفتار خود را ارائه دهید؟

ج) روش مناسب رفتار با مریم را بیان کنید.

نقش تشویق و تنبیه در تربیت فرزندان

الف) تشویق

تشویق به معنای به شوق درآوردن و کار کسی را ستودن و او را دلگرم ساختن است. نیاز به تشویق از تمایلات فطری هر انسانی است که تا پایان عمر در او باقی می‌ماند. تشویق کردن کودک هنگام انجام رفتار درست باعث می‌شود کودک انگیزه بیشتری در جهت انجام رفتارها و اعمال مثبت پیدا کند. تأثیر تربیتی تشویق به مراتب مهم‌تر از نقش تنبیه است. کودک و حتی فرد بزرگسال در سایه تشویق بهتر پیش می‌رود تا در سایه ملامت، توبیخ و کتک زدن. تشویق استعدادها و درونی را بیدار و شکوفا می‌سازد. محرک آدمی به سوی کار و اهدافش است و سبب افزایش اعتماد به نفس می‌شود. تشویق صحیح باعث تکرار

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی، رشته تربیت کودک، پایه ۱۲ مراجعه کنید.

شایستگی ۷: به کارگیری اصول تعلیم و تربیت فرزند

و تداوم عمل و شادابی انسان در فعالیت‌های صحیح است. لذا گاهی یک تشویق صحیح، خط و مسیر زندگی انسانی را به سمت کمال مطلوب عوض می‌کند.

تشویق می‌تواند به صورت‌های زیر باشد:

■ گاهی زبانی است که مربی یا والدین با دل‌جویی و بیان جملات محبت‌آمیز، رفتار و گفتار کودک را تشویق می‌کنند؛



شکل ۱۵- تشویق

■ گاهی به صورت جایزه دادن است که جایزه‌ها می‌تواند به صورت‌های مختلف به کودکان داده شود؛

■ گاهی به صورت دادن مقام و رتبه به فرد است؛ مثلاً در مدرسه او را مسئول کلاس قرار می‌دهند.

■ گاهی به صورت دست دادن و یا دستی بر سر و صورت او کشیدن است؛

■ گاهی به صورت خریدن یک هدیه مورد علاقه مثل اسباب‌بازی و توپ و یا خوراندن یک غذا، شیرینی و آجیل به کودک است؛

■ گاهی به صورت گفتن یک قصه، رفتن به گردش علمی، همبازی شدن با او، لبخند و تبسم، دادن زینت و زیور به دختران و... (شکل ۱۵).

فعالیت ۲۱



یک هفته از فعالیت‌های خود را در نظر بگیرید. جدول زیر را با توجه به نوع تشویق‌هایی که از خانواده یا مدرسه دریافت می‌کنید، کامل کرده و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

نوع تشویق	رفتار	تاریخ

اصول قابل توجه در روش تشویق

تشویق زمانی مؤثر واقع می‌شود که اصول زیر را در آن رعایت کنیم:

- ۱ هنگام تشویق، کودک باید بفهمد که چرا مورد تحسین قرار گرفته است؛
- ۲ تشویق باید هر چند وقت یک‌بار و در برابر کارهای برجسته کودک باشد، نه به صورت همیشگی و برای هر کاری؛
- ۳ تشویق نباید از حد اعتدال تجاوز کند، زیرا ممکن است کودک را به خودبینی و خودستایی گرفتار کند؛
- ۴ تشویق نباید شکل رشوه به خود بگیرد که در این صورت اثر مثبت و سازنده نخواهد داشت؛
- ۵ باید عمل یا اخلاق نیک کودک را تحسین کرد نه خود او را؛ او باید بفهمد که به خاطر کار خوبش تشویق شده است نه چیزی دیگر؛

- ۶ تشویق باید براساس شرایط باشد از جمله آن که به تناسب سن باشد. مثلاً تشویق برای کودک ۶ ساله با تشویق برای کودک ۱۲ ساله متفاوت است؛
- ۷ تشویق باید به تناسب حالات و نیازمندی‌ها باشد. مثلاً برای کودکی که خودنویس یا ساعتی آرزو دارد، باید همان را تهیه کرد؛
- ۸ تشویق باید به تناسب میزان کار و فعالیت و به تناسب استحقاق باشد؛
- ۹ تشویق ما باید در حد و مرزی باشد که بعداً اگر کار بهتری انجام داد، بتوانیم بر مقدار و میزان آن بیفزاییم؛
- ۱۰ تشویق باید به تناسب فهم و درک و ظرفیت افراد باشد؛
- ۱۱ تشویق به موقع و به هنگام صورت گیرد و از سوی کسی عرضه شود که مورد علاقه و احترام است. گاهی در حضور جمع باشد تا تأثیر بیشتری داشته باشد؛
- ۱۲ تشویق گاه به گاه باشد، نه همیشه و پی‌درپی که در آن صورت اثر آن از میان می‌رود؛
- ۱۳ تشویق برای کارهای عالی و ممتاز باشد و از تأیید درونی برخوردار باشد.

نکته



در تربیت همیشه تأکید می‌شود که تشویق الزاماً برای انجام دادن یک کار خاص یا برجسته نیست. توجه والدین و مربیان به کارهای مثبت هرچند کوچک و جزئی کودک، اساس تشویق و آغازگر آن است. وقتی کودک در انجام دادن کاری کمک می‌کند، سلام می‌دهد، آشغالی را در سطل زباله می‌اندازد و کارهایی انجام می‌دهد که عادی به نظر می‌رسند، بهترین و مؤثرترین موقعیت برای تشویق او فراهم است.

فعالیت ۲۲



در گروه‌های کلاسی در مورد تجربه‌های خود از دریافت تشویق از خانواده گفت‌وگو کنید و فهرستی از این شرایط را در کلاس ارائه دهید.

ب) تنبیه

فعالیت ۲۳



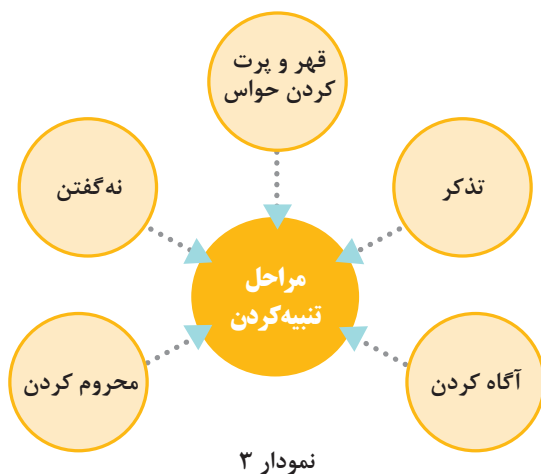
در گروه‌های کلاسی در مورد دلایل و پیامدهای آخرین باری که تنبیه شده‌اید، گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

تنبیه به معنای بیدار کردن و آگاه کردن کسی بر امری است. از این رو تنبیه به صورت کتک زدن، ملامت کردن و اعمال فشار نیست. بلکه این هدف (آگاه کردن شخص) ممکن است با نصیحت، ارشاد و موعظه نیز حاصل شود و او متوجه خطای خود بشود. پس تنبیه به خاطر هدایت است نه فرونشاندن خشم مربی.

نکته



بنابراین، تنبیه روشی است تا کودک نسبت به رفتار غلط خود هوشیار شود و آن را دیگر تکرار نکند. اگر کودک اشتباه خود را تکرار کرد، والدین باید مجازات را متناسب با خطا تعیین کنند.



مراحل تنبیه کردن

تنبیه مرحله‌ای دارد (نمودار ۳) که بدون طی آنها ممکن است بیدارکننده و آگاهی بخش نباشد، این مراحل عبارت‌اند از:



شکل ۱۶- تذکر و اخطار

الف) آگاه کردن: به این معنی که کودک بداند و دریابد چه کارهایی خوب یا بد است و نیز کدام عمل ناروا و موجب تنبیه و کدام عمل صواب و درخور تشویق و پاداش است.

ب) تذکر دادن: اگر فردی آگاهانه خطایی و گناهی مرتکب شد، سعی بر این است که از راه تذکر و یادآوری او را به خطایش آگاه کرده و از تکرار و تداوم آن عمل بازداشت. اگر تذکرات چند بار اتفاق افتادند و مؤثر واقع نشدند، می‌شود به او اخطار جدی داد (شکل ۱۶).

ج) قهر و پرت کردن حواس: قهر عبارت است از بریدن پیوند عاطفی از یک فرد، پرت کردن حواس و بی‌محلّی به کودکان در سنین پایین‌تر، مثلاً اوایل دوسالگی جوابگو خواهد بود. در این موارد بهتر است به کودک بی‌محلّی کنید و مکانی را که او در حال جیغ و داد است ترک کنید و به او بگویید زمانی که آرام شد با او حرف می‌زنید.

د) محروم کردن: در این مرحله کودک از یکی از وسایل مورد علاقه یا انجام بازی‌ای که دوست دارد برای یک مدت محدود محروم می‌شود.

و) نه گفتن یا ابراز نارضایتی: یک روش دیگر برای جلوگیری از انجام رفتار نامناسب کودک، «نه» گفتن به کودک است. خیلی مواقع گفتن «نه» به بچه‌ها سخت و دشوار است و متأسفانه برخی والدین توان شنیدن گریه‌های کودک خود را ندارند و با اولین صدای فریاد آنها از موضع خود کوتاه می‌آیند و خواسته فرزند را می‌پذیرند.



والدین به این امر توجه کنند که تنبیه و مجازات باید متناسب با رفتار نامناسب فرزندان باشد. گاهی والدین برای خطاهای بسیار کوچک مثل غذا نخوردن یا ریختن غذا، مجازات‌های سنگین تعیین می‌کنند، مانند زندانی کردن کودک در اتاق یا حمام به دلیل دعوا با خواهر یا برادر کوچک و گاه نیز برای خطای بزرگ، مثل دزدی کردن یا فرار از منزل، مجازات کوچک تعیین می‌کنند، مانند کم کردن پول توجیبی برای مدت کوتاهی



در گروه‌های کلاسی پیرامون موضوعات زیر گفت‌وگو کنید. سپس با جست‌وجو در منابع علمی در مورد تنبیه و تشویق، نتیجه را به صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.

- ۱ از روش‌های تنبیه که در درس به آنها اشاره شد، کدام را تجربه کرده‌اید؟
- ۲ کدام یک بیشترین تأثیر را در تغییر رفتار شما داشته است؟
- ۳ شما در آینده، کدام روش (تشویق - تنبیه) را در برخورد با کودکان خود به کار می‌برید؟
- ۴ چه پیشنهادهایی برای تغییر در رفتار نامناسب کودکان و گاهی بزرگترها دارید؟

فعالیت پایانی

- ۱ زهرا ۱۵ سال دارد. والدین او به دلیل عدم توجه‌اش به درس و تکالیف مدرسه، به او اجازه رفتن به منزل دوستش را نمی‌دهند؛ حتی تماس تلفنی نیز برای او منع شده است. به نظر شما این تنبیه برای زهرا مناسب است؟ اگر درست و یا نادرست است، دلایل خود را به صورت گزارش ارائه دهید.
- ۲ مینا ۶ سال دارد. وقتی با برادر کوچکش دعوا می‌کند، او را کتک می‌زند. به نظر شما والدین چگونه می‌توانند مینا را متوجه رفتار نادرستش بکنند؟
- ۳ علی دارای نقص در راه رفتن است. پدر و مادر در هر کاری به او کمک می‌کنند و نمی‌گذارند که احساس ضعف کند؛ حتی غذا در دهانش قرار می‌دهند و نمی‌گذارند لحظه‌ای با دوستانش تنها باشد. آیا روش حمایتی والدین علی صحیح است؟
- ۴ زهره هر وقت با عروسک خود بازی می‌کند، او را کتک می‌زند و به او می‌گوید تو را زندانی می‌کنم. به نظر شما زهره با این رفتار چه نکته‌ای را به والدین خود یادآوری می‌کند؟

واحد یادگیری ۲: پرورش رشد اخلاقی فرزندان

استاندارد عملکرد

پرورش رشد اخلاقی فرزندان از طریق به کارگیری روش‌های پرورش رشد اخلاقی کودک براساس منابع علمی و اسلامی و استانداردهای سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

۱ پرورش رشد اخلاقی کودک

شایستگی‌های غیر فنی مورد انتظار

۱ مسئولیت‌پذیری

۲ یادگیری

۳ شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها

هدف توانمندسازی ۳: هنرجو بتواند روند رشد اخلاقی در فرزندان را توضیح دهد.

رشد و نمو

فعالیت ۲۵



در گروه‌های کلاسی در مورد تصاویر زیر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.



شکل ۱۷- رشد در موجودات زنده

رشد و نمو به تغییرات پی‌درپی و سازگارانه‌ای گفته می‌شود که از زمان تشکیل نطفه تا مرگ اتفاق می‌افتد. این تغییرات در ابعاد گوناگون جسمانی، عاطفی، شناختی و اجتماعی به وجود می‌آید و دارای الگو و نظم خاصی است و آثار بلندمدتی در زندگی فرد دارد. سال‌های اولیه کودکی در رشد و تکامل کودکان نقش مؤثری دارد. رشد و تکامل کودکان محصول جنبه‌های مختلف رشد است که به ابعاد جسمی - حرکتی، عاطفی، اجتماعی، شناختی، زبانی، اخلاقی و خلاقیت طبقه‌بندی شده است. رشد و تکامل کودک در طی زمان یکپارچه و همه‌جانبه است. رفتار انسان سیستم درهم تنیده و واحدی است و تبادل دوطرفه‌ای میان شناخت، عواطف، حرکت و بُعد جسمانی او وجود دارد. رشد در یک زمینه، در زمینه‌های دیگر تأثیر می‌گذارد و خود نیز از آن تأثیر می‌پذیرد، مثلاً عملکرد شما در یک امتحان نوشتاری که به رشد شناختی مربوط است، تحت تأثیر احساسات شما قرار می‌گیرد که با رشد عاطفی ارتباط دارد.

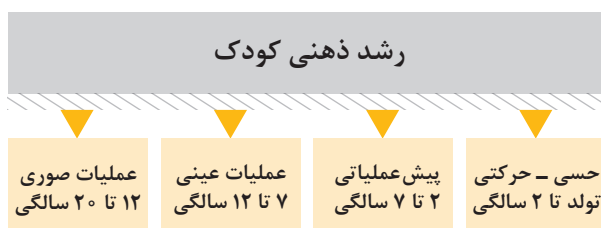


شکل ۱۸- ژان پیاژه

ژان پیاژه^۱ روان‌شناس سوئیسی بر این باور بود که در فرایند رشد، خود کودک شرکت‌کننده‌ای فعال است و دست روی دست نمی‌گذارد تا رشد بیولوژیک با محرک‌های خارجی، کار خودشان را بکنند. او کودکان را دانشمندانی کنجکاو می‌دانست که به تحقیق و آزمایش دربارهٔ اشیای درون محیط دست می‌زنند تا ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد (شکل ۱۸).

مراحل رشد کودک از نظر ژان پیاژه

پیاژه رشد را به مراحل زیر تقسیم‌بندی کرده است (نمودار ۴) و (شکل ۱۹).



نمودار ۴- مراحل رشد ذهنی کودک از نظر پیاژه



نظریهٔ مراحل رشد پیاژه

عملیات انتزاعی و یا صوری یازده سالگی به بعد	عملیات عینی هفت تا پانزده سالگی	مرحلهٔ پیش‌عملیاتی دو تا هفت سالگی	مرحلهٔ حسی - حرکتی تولد تا دو سالگی
---	------------------------------------	---------------------------------------	--

شکل ۱۹- مراحل رشد ذهنی از نظر پیاژه

۱ مرحلهٔ حسی - حرکتی (از بدو تولد تا ۲ سالگی)

کودک در این مرحله ویژگی‌های زیر را دارد:

■ بین خود و اشیای تفاوت قائل است؛

۱. روان‌شناس سوئیسی (۱۸۹۶ - ۱۹۸۰) به مطالعهٔ توانایی‌های کودکانی که به‌طور طبیعی رشد می‌کنند و تعاملات آنها با محیط، علاقه‌مند شد. علت این علاقه تا حد زیادی مشاهدهٔ رشد و رفتارهای فرزندان خودش بود.



شکل ۲۰- مرحله حسی - حرکتی

- خود را عامل عمل می‌داند و اعمال عمدی را آغاز می‌کند، مثلاً جغجغه‌ای را تکان می‌دهد تا سروصدا ایجاد کند؛
- به مفهوم پایداری اشیاء دست می‌یابد؛ مثلاً اگر اسباب‌بازی‌اش را از میدان دید او دور کنیم به جست‌وجوی آن می‌پردازد (شکل ۲۰).

۲ مرحله پیش عملیاتی (از ۲ سالگی تا ۷ سالگی)

- کودک در این مرحله ویژگی‌های زیر را دارد:
- از زبان استفاده می‌کند، تصاویر ذهنی از اشیاء و همچنین واژه‌ها را می‌تواند به یاد آورد؛
 - تفکر او جنبه خودمحوری دارد و به سختی می‌تواند از دید دیگران نگاه کند، مثلاً کتاب داستان را معکوس روبه خود می‌گیرد و از والد خود می‌خواهد تا برایش بخواند؛
 - در طبقه‌بندی اشیاء از یک ویژگی استفاده می‌کند، مثلاً اشیاء را برحسب رنگ و یا شکل ظاهری آنها طبقه‌بندی می‌کند (شکل ۲۱).



شکل ۲۱- مرحله پیش عملیاتی

۳ عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی)

- کودک در این مرحله ویژگی‌های زیر را دارد:
- در مورد اشیاء و حوادث تفکر منطقی دارد؛
 - به مفهوم نگهداری عدد (۷ سالگی) و وزن (۹ سالگی) دست می‌یابد؛
 - کودک استفاده از نمادها و سمبل‌ها را آغاز می‌کند؛
 - می‌تواند اشیاء را برطبق ویژگی‌های متعدد طبقه‌بندی کند (شکل ۲۲).



شکل ۲۲- مرحله عملیات عینی

۴ عملیات انتزاعی یا صوری (سن ۱۱ سالگی به بعد)



شکل ۲۳- عملیات صوری

- کودک در این مرحله ویژگی‌های زیر را دارد:
- در مورد مفاهیم انتزاعی می‌تواند به‌طور منطقی فکر کند؛
- مفهوم احتمالات را درمی‌یابد؛
- به مواردی چون تغییر و تفسیر، ضرب‌المثل، فرضیه‌سازی، استدلال کردن علاقه بسیاری دارد.
- با مسائل فرضی و آینده و نیز با مسائل مربوط به جهان‌بینی درگیر می‌شود (شکل ۲۳).

در جدول ۲ خلاصه ویژگی‌های مراحل رشد از دیدگاه پیاژه بیان شده است.

جدول ۲- مراحل رشد از نظر پیاژه

اطلاعات کلیدی	سن	مرحله
نوزادان شروع به فهم اطلاعاتی درباره جهان از طریق حواسشان (لمس کردن، مشاهده و گوش دادن) می‌کنند.	از بدو تولد تا ۳ سالگی	مرحله حسی - حرکتی
کودکان زبان و تفکر انتزاعی را به‌وجود می‌آورند. کودکان شروع به استفاده از بازی نمادین (بازی تظاهرکردن)، نقاشی کشیدن و صحبت درباره چیزهایی که در گذشته اتفاق افتاده است، می‌کنند.	از ۲ تا ۷ سالگی	مرحله پیش عملیاتی
کودکان قوانین منطقی درباره قد و ارتفاع و وزن و حجم و اندازه را یاد می‌گیرند. کودکان پایستگی و پایداری چیزی مثلاً آب یا خاک را به همان مقدار و اندازه‌ای که باقی می‌ماند، حتی هنگامی که ظاهرش تغییر می‌کند، یاد می‌گیرند.	۷ تا ۱۱ سالگی	عملیات عینی
کودکان قوانین منطقی را برای مفاهیم انتزاعی و حل مسئله یاد می‌گیرند.	سن ۱۱ سالگی به بعد	عملیات انتزاعی یا صوری

با جست‌وجو در منابع علمی و بررسی مقالات علمی، برای هر یک از مراحل رشد، یک مثال عینی مطرح کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۶



با جست‌وجو در منابع علمی و مطالبی که ذکر شد، خلاصه نظریات پیاژه در مورد رشد ذهنی را به‌صورت پوستر در کلاس نمایش دهید.

فعالیت ۲۷



مراحل رشد از دیدگاه اسلام

انسان از دیدگاه اسلام موجودی در حال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره‌های مشخصی عبور می‌کند. قرآن کریم در سوره غافر، آیه ۱۶۷ می‌فرماید: «اوست خدایی که شما را از خاک (ناچیز) بیافرید و سپس از قطره آب (نطفه) و آن‌گاه از خون بسته (علقه)؛ پس شما را به صورت طفلی از رحم مادر بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و سرانجام پیر و سالخورده شوید».

در این آیه شریفه به طور روشن دو دوره قبل و بعد از تولد بیان شده است که هر کدام مراحل مشخص و معینی دارد. دوره قبل از تولد از نظر رشد جسمی و عاطفی و روانی کودک بسیار حائز اهمیت است و به این دوران بسیار تأکید شده است.

الف) مراحل رشد قبل از تولد

خداوند در سوره مؤمنون آیه ۱۲ تا ۱۴ فرموده است:

«و یقیناً ما انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم، آن‌گاه او را نطفه گردانیده و در جایی استوار (رحم مادر) قرار دادیم. آن‌گاه نطفه را علقه (خون بسته شده) و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر

استخوان‌ها، گوشت پوشاندیم (و پیکری کامل کردیم). پس از آن (با دمیدن روح پاک) آن را خلقتی دیگر دادیم؛ آفرین بر (قدرت کامل) خدا که بهترین آفرینندگان است». بنابراین، مراحل رشد قبل از تولد به ترتیب عبارت‌اند از: نطفه، علقه، مضغه، استخوان و پوشانیدن گوشت بر آن و ایجاد آفرینشی دیگر (روح) (شکل ۲۴).



شکل ۲۴- مراحل رشد قبل از تولد

با جست‌وجو در قرآن کریم، آیاتی در مورد رشد قبل از تولد به صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۸



۱. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ لِيَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
۲. وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ (۱۲) جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴).

عوامل مؤثر در بهداشت جسمانی و روانی جنین

عوامل زیادی در بهداشت جسمانی و روانی جنین تأثیر دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ سن مادر (بهترین سن برای بارداری ۱۸ تا ۳۵ سالگی)
- ۲ تغذیهٔ مادر
- ۳ اعتیاد به مواد مخدر
- ۴ مصرف دارو
- ۵ قرار گرفتن مادر و جنین در معرض تشعشعات (اشعهٔ ایکس) که می‌تواند عامل عقب‌ماندگی ذهنی شود.
- ۶ حالات هیجانی و عاطفی مادر
- ۷ آلودگی هوا و گازهای گلخانه‌ای

با جست‌وجو در منابع علمی در مورد نقش مادر در رشد جنین قبل از تولد تحقیق کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۹



ب) مراحل رشد بعد از تولد در اسلام

در قرآن، دوران زندگی انسان بعد از تولد به سه دورهٔ مشخص کودکی، بلوغ و پیری تقسیم شده است. دوران مهم رشد و تولد انسان، در سال‌های کودکی و جوانی است. در احادیث فراوانی، دوران رشد را از بعد تولد تا بیست و یک سالگی تقسیم‌بندی شده و ویژگی‌هایی برای رشد و تربیت یادآوری شده است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «کودک در هفت سال اول سرور و آقا است، در هفت سال دوم روحیهٔ اطاعت و فرمانبرداری دارد و در هفت سال سوم وزیر و مشاور است»^۱ (شکل ۲۵).



شکل ۲۵- مراحل رشد بعد از تولد

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «فرزندت در هفت سال اول همانند ریحان و گل خوش‌بو است، در هفت سال دوم خدمتگزار و مطیع تو و در هفت سال سوم ممکن است موافق افکار شما و یا مخالف آن باشد»^۲

۱. وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۱۲۴

۲. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰ ص ۳۴۳

بنابراین، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود دوران رشد و تربیت بعد از تولد به سه مرحله هفت‌ساله تقسیم شده است که می‌توان آنها را به صورت زیر نام‌گذاری کرد:

۱ دوره سیادت و سروری: بازی کردن از ویژگی‌های بارز این دوره است و همچنین از کودک به ریحان (گل خوش‌بو) تعبیر شده که این تعبیر حاکی از اهمیت دادن به کودک است و در رشد و تربیت نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. کلمه سید به معنای آقا، بزرگ‌تر و سرور است که می‌تواند اشاره به این نکته باشد که کودک در هفت سال اول باید به اندازه کافی از نظر شخصیتی مورد احترام قرار گیرد و مرکز توجه اعضای خانواده باشد. در احادیث آمده است که کودک را در این هفت سال کاملاً آزاد بگذارید که بازی کند تا از نظر جسمی و روانی، رشد لازم را داشته باشد. بنابراین، هفت سال اول از نظر اسلام دوره‌ای است که کودک، محور تعیین‌کننده آن است و پدر و مادر باید تا حد امکان مطابق خواسته‌ها و نیازهای طبیعی کودک خود رفتار کنند.

۲ دوره اطاعت و فرمانبرداری: اطاعت و نصیحت‌پذیری و همچنین تعلیم و تأدیب از ویژگی‌های این دوره است. کودک در این دوره مطیع پدر و مادر می‌شود و خود را بیشتر در اختیار آنها قرار می‌دهد؛ درحالی که دوره قبل را با بازی و بازیگوشی سپری می‌کرد و محور خانه به‌شمار می‌رفت. او در این دوره با توجه به رشدی که پیدا می‌کند، مطیع و فرمانبردار می‌شود و روحیه اطاعت پیدا می‌کند. به همین دلیل، در این دوره بهترین فرصت هم برای تعلیم (آموزش) و هم برای تأدیب (تربیت مستقیم ارزش‌ها و پرهیز دادن از ضدارزش‌ها) فراهم می‌آید. والدین و مربیان در این دوره، بهترین فرصت را برای تعلیم و تربیت کودکان در اختیار دارند، زیرا کودک در این دوره نه حالت بازیگوشی دوره اول را دارد و نه مشکلات دوره سوم را که دوره بلوغ و نوجوانی است. بنابراین، در این دوره از دیدگاه اسلام پدر و مادر محور تعلیم و تربیت‌اند و کودک با خصوصیات روانی و تربیتی که داراست، برای تعلیم و تربیت‌پذیری مستقیم آمادگی کافی دارد.

۳ دوره مشورت و هم‌رأیی: در هفت سال سوم، وزیر بودن، هم‌رأیی و همراهی با پدر و مادر، یادگیری حلال و حرام و دشمنی یا دوستی با پدر و مادر از خصوصیات فرد در این سن ذکر شده است. لغت وزیر در دو معنا به کار می‌رود. یکی با توجه به ریشه آن «وزر» حمل‌کننده بار سنگین و معنای دوم مشاور و معاون و دستیار، هر دو معنا می‌تواند در این دوره مصداق داشته باشد؛ زیرا جوان در این دوره باید بار گران مشکلات دوران بلوغ و تکلیف و مسئولیت بی‌واسطه بسیاری از کارهای خود را بر دوش بکشد و برخلاف دوره قبل که فرمانبردار بود، به‌عنوان مشاور، معاون و دستیار، در تصمیم‌گیری‌ها با اولیای خود همکاری داشته باشد. اگر پدر و مادر خصوصیت فرزند خود را در این دوره بشناسند و مسئولیت و حق مشورت و تصمیم‌گیری به او بدهند، او هم با پدر و مادر خود کاملاً دوست و رفیق خواهد بود؛ اگر غیر از این با او رفتار کنند و بخواهند مانند دوره‌های قبل، همچنان بر او سلطه و حاکمیت داشته باشند و مسئولیت و حق تصمیم‌گیری لازم را به او ندهند، فرزندشان با آنها دشمن خواهد شد و محیط خانواده برای وی، آرام‌بخش و پرجاذبه نخواهد بود.

در گروه‌های کلاسی به ویژگی‌های رشدی کودکان و نوجوانان اطراف خود توجه کنید. برای هر سه دوره رشد بعد از تولد، فهرستی از ویژگی‌ها را تهیه کنید. سپس با آنچه آموخته‌اید مقایسه کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۰



هدف توانمندسازی ۴: هنرجو بتواند روش‌های رشد اخلاقی در فرزندان را بیاموزد و آنها را به کار بندد.

رشد اخلاقی کودکان

اخلاق به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن است که به معنای صورت درونی و باطنی انسان است. اخلاق دارای معانی اصطلاحی متفاوتی است که در میان مسلمانان عبارتست از: صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل انسان انجام دهد. اصول اخلاقی امری همیشگی است، یعنی امر خوب همیشه خوب است و امر بد همیشه بد است، البته ممکن است مصداق خوب و بد تغییر کند؛ مثلاً زخمی کردن بدن انسان امر بدی است ولی گاهی به جهت حفاظت از انسان، پزشک جراح بدن انسان را زخمی می‌کند تا مثلاً غده سرطانی را از بدن او خارج کند. از سوی دیگر باید توجه داشت آداب و رسوم و عادات اجتماعی با اخلاق متفاوت هستند، این آداب و رسوم و عادات ممکن است در جوامع مختلف متفاوت باشند.

در گروه‌های کلاسی در مورد مفهوم جمله زیر گفت‌وگو کنید:

«اخلاق، توانایی دیدن تفاوت بین درست و نادرست در افکار، اعمال و رفتار است.»

فعالیت ۳۱



رفتار اخلاقی مخصوص انسان است. تنها از انسان انتظار می‌رود رفتار درستی با خود و هم‌نوعانش داشته باشد و مسئولیت رفتار و گفتار خود را بشناسد. کودکان از آغاز تولد ارزش‌های اخلاقی را درک نمی‌کنند و رشد اخلاقی مانند رشد جسمی و فکری به تدریج اتفاق می‌افتد. به همین دلیل با افزایش سن، درک کودک از اینکه چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است تغییر می‌کند، کودک در خانواده و سپس در محیط بیرون از خانه (جمع دوستان و اطرافیان) می‌فهمد که دزدی و دروغ‌گویی و آزار دیگران کار درستی نیست، اما نمی‌داند چه رفتاری دزدی است؛ کدام گفته دروغ محسوب می‌شود و کدام رفتار، دیگران را می‌آزارد. او کم‌کم متوجه می‌شود میان قرض گرفتن، بی‌اجازه برداشتن و دزدی تفاوت است و کدام حرف، دروغ و کدام حرف، اشتباه است. او درک می‌کند اگر دوستش را کتک بزند (عمدی)، بیشتر سرزنش می‌شود تا اینکه ناخواسته دستش به صورت هم‌بازی‌اش بخورد و او گریه کند (غیرعمدی). انجام دادن کارهای خوب و انجام ندادن کارهای بد توسط کودکان سنین مختلف، دلایل متفاوتی دارد. کودکان در حدود شش‌سالگی والدینشان را مقدس و کامل می‌دانند و گفته‌های آنان را کاملاً باور دارند.

نکته



فرزندان والدین سخت‌گیر از اینکه از خواسته‌ها و دستورهای پدر و مادرشان سرپیچی کنند، از خود ترس بیشتری نشان می‌دهند. کودک به خودی خود مراحل رشد اخلاقی را طی نمی‌کند. رشد ذهنی کودک، وجود الگوها و سرمشق‌ها به‌ویژه در خانواده او را در این راه یاری می‌کند. خانواده می‌تواند فرصت رشد ذهنی کودک را فراهم کند و برای رفتار اخلاقی او الگو و سرمشق باشد.



یکی از بچه‌های مهدکودک، بدون اجازه دوستش، مداد رنگی او را برداشته است. می‌توانید روش مناسبی را برای بازگرداندن مداد رنگی و تذکر به این کودک بیان کنید. نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

مراحل رشد اخلاقی از نظر کلبرگ



شکل ۲۶- لارنس کلبرگ

لارنس کلبرگ^۱ یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی است که درباره رشد اخلاقی در انسان‌ها مطالعه کرده است. او معتقد است رشد اخلاق طی مراحلی که از قبل برنامه‌ریزی شده، پیش می‌رود؛ یعنی این یک قاعده همگانی یا جهان‌شمول است و با اتمام یک مرحله، مرحله بعد که آمیزه‌ای از تجربیات مرحله قبل و تجارب جدید است، ظاهر می‌شود. روش کلبرگ برای پیدا کردن اینکه هر فرد در چه سطح اخلاقی قرار دارد، این بود که داستان‌هایی را مطرح می‌کرد که در آنها چالش‌ها و محدودیت‌های اخلاقی وجود داشت^۲ (شکل ۲۶).

اخلاق از نظر او در سه سطح رشد می‌کند:

سطح اول - اخلاق پیش‌عرفی یا پیش‌قراردادی

کودکان از ۴ تا ۱۰ سالگی در این سطح قضاوت اخلاقی قرار دارند. کودکان در این سن، اخلاقی عمل می‌کنند تا از مجازات اجتناب کنند یا پاداش بگیرند. این سطح شامل دو مرحله است:

مرحله ۱- اجتناب از تنبیه: در این مرحله کودک برای اینکه مجازات نشود، از معیارهای اخلاقی دیگران (والدین) تبعیت می‌کند و مثلاً به انگیزه‌های فردی که در داستان عملی را مرتکب شده، توجه چندانی ندارد بلکه بیشتر به پیامد آن فکر می‌کند.

مرحله ۲- کسب پاداش: در این مرحله کودک از مقررات والدین اطاعت می‌کند تا مورد تشویق قرارگیرد یا پاداشی دریافت کند. کودکان عملی را اخلاقی می‌دانند که برایشان فایده داشته باشد. پس در این مرحله سودجویی، معیار قضاوت اخلاقی است.



در این سطح اخلاقی کودکان در مورد درست و نادرست فقط برحسب عواقب عمل قضاوت می‌کنند. مثلاً اگر بگوییم: «فردی که سهواً ۱۰ بشقاب را شکسته، کار بدتری انجام داده است یا کسی که عمداً یک بشقاب را شکسته؟ کودک پاسخ می‌دهد؛ کسی که ۱۰ بشقاب را شکسته کار بدتری انجام داده است» (شکل ۲۷).

شکل ۲۷- سطح اول: اخلاق پیش‌عرفی یا پیش‌قراردادی

۱. Lawrence Kohlberg

۲. او این داستان‌ها را معماهای اخلاقی می‌نامید و از افراد می‌خواست درباره محتوای داستان‌ها و آنچه قهرمانان داستان انجام داده‌اند، قضاوت کنند. سطح قضاوت اخلاقی به نوع استدلالی که فرد به کار می‌برد بستگی دارد نه به محتوای قضاوت او، پس یک جواب درست یا یک جواب نادرست وجود ندارد و به دلیلی که فرد برای جوابش می‌آورد، نمره داده می‌شود؛ یعنی فردی که می‌گوید قهرمان داستان نباید این کار را می‌کرد، ممکن است نمره‌ای بگیرد، معادل با کسی که می‌گوید قهرمان، کار درستی انجام داده است و این موضوع، به دلایلی بستگی دارد که در مورد قضاوتش ارائه می‌دهد. کلبرگ پس از تحلیل پاسخ به این معماها، سطوح قضاوت اخلاقی افراد را معین می‌کرد. از نظر او، افراد در سه سطح اخلاقی قرار می‌گیرند که هر یک از این سطوح، خود به دو مرحله تقسیم می‌شود.

سطح دوم - اخلاق عرفی یا قراردادی

کودکان از ۱۰ تا ۱۳ سالگی در این سطح قرار دارند. در این سطح کودک علاقه‌مند است با کارهای خود دیگران و به خصوص والدینش را خوشنود کند؛ یعنی تحسین آنها را برانگیزد. در این سطح او گرایش به اطاعت کامل از قوانین دارد، اما این بار اطاعت از قوانین فقط برای دوری از مجازات یا کسب پاداش نیست، بلکه آنچه که مهم‌تر است، محبوبیت و نهایتاً حفظ نظم جامعه است. این سطح نیز شامل دو مرحله است:

مرحله ۳- تحسین و تأیید از جانب والدین: در این مرحله، کاری که تأیید والدین و دیگران را به دنبال داشته باشد از نظر اخلاقی قابل دفاع و درست است. کودک سعی می‌کند به چشم خودش و دیگران خوب جلوه کند. در اینجا، برخلاف سطح قبلی، کودک علاوه بر پیامد، به نیت هم اهمیت می‌دهد.



مرحله ۴- حفظ نظم اجتماعی و وظیفه‌شناسی: در این مرحله، هر کاری که مطابق با قانون و مورد تصویب مراجع قدرت باشد، از لحاظ اخلاقی قابل قبول است. علاوه بر این، هر انسانی موظف است به تعهدات و وظایف خود، به شکلی که جامعه تعیین می‌کند، عمل کند (شکل ۲۸).

شکل ۲۸- سطح دوم: اخلاق متعارف یا قراردادی

سطح سوم - اخلاق پساعرفی یا مافوق قراردادی

افراد از ۱۳ سالگی به بعد به این سطح از اخلاق می‌رسند و وقتی به این سطح از اخلاق می‌رسند، در واقع به اخلاق واقعی دست پیدا کرده‌اند. در این سطح، فرد برای اولین بار متوجه می‌شود که ممکن است بین دو معیار اخلاقی که هر دو پذیرفته شده هستند، تضاد وجود داشته باشد. او ضمن قبول داشتن قوانین، ممکن است به نارسایی بعضی از موارد قانونی پی‌ببرد و بفهمد که افراد دیگر ممکن است عقاید و ارزش‌های متفاوتی داشته باشند که نادرست هم نباشد. این سطح نیز دو مرحله دارد:



مرحله ۵- اخلاق قراردادی: در این مرحله، فرد به قوانین و مقررات به‌عنوان نوعی قرارداد اجتماعی نگاه می‌کند و می‌فهمد که هدف از قوانین، تأمین خواسته‌های اکثریت جامعه و بالا بردن رفاه اجتماعی است، اما قوانین هم گاهی نقص دارند، پس اعتبار قانون ممکن است در مواردی زیر سؤال برود. در این شرایط ممکن است صحت همیشگی بعضی قوانین مورد تردید قرار گیرد (شکل ۲۹).

شکل ۲۹- اخلاق قراردادی

مرحله ۶- پایبندی به اصول و وجدان فردی: این مرحله، بالاترین

و عالی‌ترین مرحله رشد اخلاقی است. فرد براساس درونی کردن موازین اخلاقی، شخصاً اصولی را انتخاب می‌کند و در هر موقعیتی به آنها پایبند باقی می‌ماند. در این مرحله اگر قانون با اصول انتخاب شده، فرد مغایر باشد، وی از قانون پیروی نخواهد کرد. پس قضاوت اخلاقی در این سطح براساس اصول انتزاعی است؛ یعنی کاری درست است که فی‌نفسه در آن لحظه درست است، نه به این علت که جامعه آن را درست می‌داند. در کل فقط ۱۰ درصد افراد به مرحله شش که آرمانی‌ترین مرحله رشد اخلاقی است، می‌رسند و اغلب

بزرگسالان در مرحله ۳ یا ۴ از سلسله مراتب کلبیگ باقی می‌مانند^۱ (شکل ۳۰).



شکل ۳۰- سطح سوم: اخلاق پساعرفی یا مافوق قراردادی

کسی که در مرحله ششم اخلاقی کلبیگ قرار دارد، فقط برای پیشبرد موقعیت اجتماعی خود به دوستی با کسی وانمود نمی‌کند و وقتی به خواسته خود رسید، این دوستی را پایان نمی‌دهد. برای او هر انسانی به سهم خود مهم است و باید به احساسات او احترام گذاشت. برای او عدالت زمانی برقرار می‌شود که هرکس بی طرفانه خود را جای دیگران فرض کند و بدون هیچ قضاوتی کار درست را انجام دهد. رشد اخلاقی پله پله است؛ پس هرکسی برای رسیدن به مرحله ششم باید حتماً پنج مرحله قبل را پشت سر گذاشته باشد.

نکته



محمد بعد از هر کار زشتی که انجام می‌دهد، منتظر اتفاق بدی است. او در کدام مرحله رشد اخلاقی قرار دارد؟

فعالیت ۳۳



در مورد رشد اخلاقی مافوق قراردادی در منابع علمی جست‌وجو کنید و شخصیت‌های ایرانی را که به این مرحله رسیده‌اند، با ذکر ویژگی‌های آنها در کلاس معرفی کنید.

فعالیت ۳۴



در گروه‌های کلاسی، سطح رشد اخلاقی اعضای گروه را با توجه به مراحل رشد اخلاقی کلبیگ با ذکر دلایل مشخص کنید.

فعالیت ۳۵



با جست‌وجو در منابع اسلامی و علمی و با توجه به مراحل رشد اخلاقی کلبیگ، بروشوری با عنوان «نقش خانواده در تربیت اخلاقی کودکان و نوجوانان» تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۶



۱. قابل ذکر است در نظریه کلبیگ معانی اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و عادات اجتماعی در مواردی باهم مخلوط شده‌اند که در تحلیل‌های علمی و اساسی باید موردنظر قرار گیرد.

فعالیت‌های پایانی

- ۱ والدین محمدطاها با او مانند فردی بسیار باارزش رفتار می‌کنند و او را آزاد می‌گذارند تا در دوره پیش از دبستان در حدی معقول و منطقی آزاد باشد.
الف) والدین از چه روش تربیتی استفاده می‌کنند؟
ب) محمدطاها با توجه به مراحل رشد از دیدگاه اسلام در کدام دوره به سر می‌برد؟
- ۲ امین و مینا دوقلو هستند. آنها احترام زیادی برای قوانین منزل قائل هستند و هرگز از آن سرپیچی نمی‌کنند. طبق مراحل رشد اخلاقی پیاژه، آن دو در کدام مرحله به سر می‌برند؟
- ۳ والدین مسعود برای تصمیماتی که در خانواده گرفته می‌شود، نظرات او را نیز جویا می‌شوند.
الف) مسعود از دیدگاه اسلام در کدام مرحله از رشد اخلاقی قرار دارد؟
ب) این رفتار والدین به نظر شما چه تأثیری در موفقیت آینده او دارد؟

واحد یادگیری ۳: به کارگیری سبک‌های یادگیری

استاندارد عملکرد

توسعه شناخت زبان و سبک‌های یادگیری و به کارگیری آن در تعلیم و تربیت کودکان براساس دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت سبک‌های یادگیری
- ۲ توسعه شناخت زبان
- ۳ به کارگیری سبک‌های یادگیری

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری
- ۲ شرکت در فعالیت‌ها و اجتماعات
- ۳ مهارت گوش کردن
- ۴ آموزش و کمک به فراگیری دیگران

هدف توانمندسازی ۵: هنر جو بتواند سبک‌های یادگیری را توضیح دهد.

یادگیری در کودکان و نقش آن در تعلیم و تربیت

اگر شما قدرت یادگرفتن حروف الفبا، مهارت در راه رفتن، حرف زدن و مهارت‌های دیگر را نداشتید، زندگی شما چه تغییراتی می‌کرد؟ در گروه‌های کلاسی در مورد نقش یادگیری در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی زندگی خود گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۳۷



یادگیری: عبارت است از ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد که در نتیجه تجربه و تکرار رخ می‌دهد. بنابراین، یادگیری همراه با «تغییر» است به گونه‌ای که بعد از کسب یادگیری، فرد رفتارش به روش یا حالت جدیدی تغییر می‌یابد. انسان، در نتیجه تغییرات ناشی از یادگیری، قادر می‌شود مفاهیم، اندیشه‌ی درست، استدلال منطقی، فناوری‌های نوین آموزشی، آموزش الکترونیکی و سایر مهارت‌ها را در زمینه‌های علوم مختلف، فنون و هنرها، دقیق‌تر بیاموزد.

یادگیری با استفاده از سرمایه‌های طبیعی انسان، که آنها را قوای شناختی می‌نامند، به دست می‌آید. منظور از این قوای شناختی، حواس پنج‌گانه، زبان، اندیشه و خلاقیت انسان است. آموزش مهم‌ترین فرصت را برای رشد این قوا فراهم می‌آورد. کودک در خانه و سپس در مدرسه، با دقت، هوشیاری و راهنمایی اطرافیان، مراحل یادگیری و پرورش و توانایی‌ها را می‌گذراند و در نهایت موفق به انتخاب شغل مناسب می‌شود. کودک از زمانی که به دنیا می‌آید، تلاش برای یادگیری را آغاز می‌کند. کودک نیازهایی دارد که باید رفع شود. تلاش کودک برای اعلام این نیازها باعث می‌شود تا او خیلی زود به یادگیری بپردازد؛ مانند یادگیری علائم، اشاره‌ها و رفتارهایی برای ایجاد ارتباط و اعلام نیازها و خواسته‌ها به جهان بیرون. به تدریج با بالا رفتن سن کودک، تلاش و تمایل او برای برقراری ارتباط و انتقال پیام‌های خود افزایش می‌یابد. خود یادگیری، کودک را با جهان اطراف آشناتر می‌کند؛ در نتیجه ابتکار عمل بیشتری به دست می‌آورد. مهارت‌های زبانی، به کارگیری حواس و توانایی‌های ذهنی به کودک کمک می‌کند تا یادگیری خود را توسعه دهد. یادگیری کودکان به دلیل آنکه در مراحل اولیه تکامل ذهنی و به اصطلاح شناختی قرار دارند، متکی به مشاهده و تجربه‌هایی است که از طریق حواس به دست می‌آید. به همین دلیل بهترین روش یادگیری کودکان استفاده از راه‌های بسیار ساده به کمک نمونه‌هایی از مسائل و تجربه‌های روزمره خود آنهاست.

عوامل زیادی بر یادگیری فرد تأثیر دارند؛ از جمله این عوامل می‌توان به رشد طبیعی، هدف، انگیزه، تجربیات قبلی، تکرار و تمرین و آگاهی از نتیجه کار، تشویق، تنبیه، آرامش روانی، خسته نبودن، طول دوره یادگیری، وجود نور و گرمای مناسب، نبود عوامل مزاحم، فراهم بودن وسایل مورد نیاز و نوع موضوع یادگیری اشاره کرد.



در گروه کلاسی، روش‌های یادگیری خود را با روش‌های کودکانی که به مهدکودک می‌روند، مقایسه کنید. چه تفاوت‌هایی دارند؟ چرا؟ در مورد دلایل خود در کلاس گفت‌وگو کنید.



یادگیری مهارت‌های تخصصی رشته خود را در نظر بگیرید. گزارشی از عوامل مؤثر بر یادگیری این مهارت‌ها تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید. نتیجه بررسی خود را با نظرات سایر هنرجویان مقایسه کنید.

روش‌های یادگیری در کودکان

تا پیش از ورود به دبستان، بیشتر آنچه کودک می‌آموزد، از پنج راه زیر است (نمودار ۵):



نمودار ۵- روش‌های یادگیری در کودکان

تقلید از دیگران: تقلید، تکرار رفتار و گفتار کسانی است که کودک می‌بیند و مدل، الگو یا سرمشق فردی است که از او تقلید می‌شود. کسی که کودک از او تقلید می‌کند، معمولاً مورد علاقه، محبت و شناخت اوست. نوزادان حتی در یک ماهگی با مشاهده بعضی از رفتارها مانند خارج کردن زبان از دهان سعی می‌کنند تقلید کنند. آنها در شش ماه اول زندگی نیز برخی از صداها (مانند گریه دیگر کودکان) را تقلید می‌کنند و دست و دهان خود را به تقلید از دیگران حرکت می‌دهند. تقلید از الگو چه در دوره کودکی و چه در دوران نوجوانی و یا بزرگسالی کامل نیست. علاوه بر آن، اگرچه خانواده مهم‌ترین الگوی کودکان است، یادگیری تقلیدی به خانواده محدود نمی‌شود، بلکه در کوچه و خیابان نیز بدون قصد و هدفی معین، هر روز انجام می‌گیرد (شکل ۳۱).



شکل ۳۱- تقلید از دیگران



فهرستی از رفتارهایی را که از طریق تقلید یاد گرفته‌اید، تهیه کنید و سپس:
الف) رفتارهای مشترک تقلیدی را مشخص کنید و در کلاس ارائه دهید.
ب) در مورد دلایل تقلیدی بودن آنها گفت‌وگو کنید.

ایجاد عادت: نوع دیگری از یادگیری، یادگیری از طریق عادت کردن است. عادت کردن کودکان به خوابیدن و بیدارشدن در ساعت معین، عادت به خوابیدن در مکان خاصی یا استفاده از ملحفه خاص، نمونه‌های دیگری از رفتارهای عادت‌ی یا شرطی‌اند، گاهی رفتار شرطی شده مشکل‌ساز است. کودکی که به سبب تجربه تزریق واکسن یا آمپول، از دکتر یا پرستار و حتی افراد سفیدپوش می‌ترسد یا به سبب ترس از حیوانی که صدای ترسناکی دارد، از سروصدا هراسان می‌شود. در جریان عادت، رفتاری به‌منظور سازش با اوضاع یا رفع نیاز تکرار می‌شود. در یادگیری از طریق عادت، آگاهی و شناخت چندان دخالتی ندارد. به همین دلیل در دوران کودکی یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای یادگیری و نیز تربیت، ایجاد عادت است. والدین می‌توانند با استفاده از این روش، به ویژه با پاداش دادن به کودک، هنگامی که رفتار موردنظر از او سر زد، عادات مناسبی مانند نظم، مطالعه و خواب به‌موقع را در او ایجاد کنند. منظور از پاداش فقط پاداش مادی و مالی نیست، بلکه تأیید کلامی - زبانی و عاطفی، انواع مهم‌تری از تشویق‌اند که تأثیر بیشتری نیز دارند.

در گفت‌وگو با والدین و دوستان خود، فهرستی از عادات مثبت و منفی خود را در کلاس ارائه دهید و در مورد چگونگی ایجاد این عادات گزارشی تهیه کنید.

فعالیت ۴۱



هماندسازی با والدین: در این روش، کودک خصوصیات رفتاری و شخصیتی فرد دیگری را جزء وجود خودش می‌کند. هماندسازی امری خودبه‌خود است و نیازمند تعلیم یا پاداش مستقیم برای تقلید و یادگیری نیست. کودک برای هماندسازی باید انگیزه داشته باشد و میان خودش و الگو شباهت‌های زیادی را دریابد. والدین به‌دلیل نقش مهم و جایگاه‌شان در زندگی کودک، مهم‌ترین کسانی هستند که زمینه هماندسازی را به‌دلیل وابستگی و علاقه به آنها، فراهم می‌سازند کودک از پدر و مادر (هر دو) هماندسازی می‌کند. اما کودک با والد هم‌جنس خود (یعنی دختر با مادر و پسر با پدر) از آنجا که احساس شباهت بیشتری می‌کند، بیشتر هماندسازی می‌کند. این هماندسازی را در رفتار دختر بچه با عروسکش می‌توان مشاهده کرد.



شکل ۳۲- هماندسازی با والدین

هماندسازی آنقدر عمیق و ناخودآگاه است که بسیاری اوقات افراد بزرگسال رفتارهایی را که در دوران کودکی یا نوجوانی از والدینشان نمی‌پسندیدند، خودشان در دوران بزرگسالی تکرار می‌نمایند و فراموش می‌کنند که خود از این رفتارها می‌رنجیدند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که کودک تمام رفتارهای والدین، اعم از خوشایند یا ناخوشایند را هماندسازی می‌کند و در این باره هوشمند نیست و قدرت گزینش ندارد (شکل ۳۲).

شما با کدام یک از افراد مشهور جامعه از جمله هنرپیشه و ... هماندسازی کرده‌اید؟ سعی کرده‌اید مانند او لباس بپوشید، حرف بزنید و ... نظرات خود را با هم‌گروه‌های خود بررسی کنید و دلایل این هماندسازی را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۴۲





رفتارهای خود را با رفتارهای والدین مقایسه کنید. شباهت‌های رفتارتان را با رفتارهای آنها یادداشت کنید و فهرستی از رفتارهایی که با والدین همانندسازی کرده‌اید، تهیه کنید. هر رفتار را بررسی کنید و مشخص کنید هر رفتار را از طریق همانندسازی با کدام یک از والدین خود آموخته‌اید؟

تجربه‌های شخصی کودک: تجربه‌های عملی شخصی، یکی از راه‌های مهم یادگیری کودکان است و بسیاری از امور در جریان عمل آموخته می‌شود. کشف، تجربه، خلاقیت و هرآنچه کودکان آنها را به تعامل با دنیای اطرافشان مربوط کنند، باعث می‌شود چیزهای تازه‌ای یاد بگیرند. به این صورت، کودک خودش به شکلی کاملاً طبیعی، روند یادگیری را طی می‌کند. یادگیری تجربی از طریق فعالیت‌هایی مثل بازی در فضای باز، تقویت قدرت تحلیل، تقویت خلاقیت در کارهای هنری، موسیقی، کشف طبیعت و محیط اطراف کودک و ... برایش فراهم می‌شود. فقط کافی است به او اجازه دهید تا در فضایی تازه بازی و تجربه کند. از نکات مهم یادگیری تجربی برای کودکان این است که راهنمایی مختصری از طرف بزرگ‌ترها برایشان کافی است. با ورود کودک به دوره دبستان و آغاز آموزش رسمی، او به تدریج از طریق فعالیت‌هایی نظیر مطالعه، استدلال و اندیشیدن، شروع به یادگیری و خودآموزی می‌کند.



چند نمونه از یادگیری‌های عملی خود را که از راه مشاهده و تجربه به دست آورده‌اید، نام ببرید. چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ کدام یک آسان‌تر و کدام یک دشوارتر آموخته شده‌اند؟ گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

کشف کردن: در روش یادگیری آموزشی مبتنی بر نظریهٔ پیازه (یادگیری اکتشافی)، کودکان دانش را شخصاً کشف می‌کنند نه از راه توضیح و توصیف. این روش برای کودکان سن‌های پایین از بهترین روش‌های یادگیری است، زیرا امکان تجربهٔ دست اول را برای آنها فراهم می‌آورد. پیازه در مطالعات خود در پی آن بود که دریابد انسان‌ها چگونه از راه کنش متقابل بین تجربه‌ها و باورهای خود به شناخت دست پیدا می‌کنند؛ بدین معنا که جوهر دانش را نمی‌توان از کسی به دیگری انتقال داد، بلکه باید از روش جست‌وجو و اکتشاف بدان رسید.



یکی از تجربیات شخصی خود را انتخاب کنید و در کلاس در مورد آسیب‌های احتمالی آن گفت‌وگو کنید.

زبان آموزی کودکان و نقش آن در تعلیم و تربیت



در مورد دلایل استفاده از زبان به عنوان وسیلهٔ ارتباط بین انسان‌ها در کلاس گفت‌وگو کنید.

فراگیری تکلم یا فراگیری زبان در کودکان، پدیده‌ای طبیعی است و یک کودک سالم تا پایان سن چهارسالگی، زبان مادری یا هر زبان مورد استفاده در محیط اجتماعی خود را به خوبی از اطرافیان می‌آموزد. زبان آموزی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های یادگیری در آموزش کودکان خردسال است. هرچند در یادگیری‌های رسمی بیشتر به خواندن توجه می‌شود، اما سایر جنبه‌های زبان آموزی مثل گوش کردن و صحبت کردن نیز به همان نسبت اهمیت دارد و پایه‌های خواندن را پی‌ریزی می‌کند. درحالی‌که یادگیری خواندن و زبان نوشتاری، نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی و برخورداری از آموزش رسمی دارد. کودکان از لحاظ رشد زبان با یکدیگر تفاوت دارند؛ عده‌ای از آنها زود به حرف می‌آیند و گروهی دیرتر، اما در هر حال، آنها باید زبان را بیاموزند، برنامه مهارت‌های زبانی در سال‌های اول کودکی چند هدف را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از:

■ پیشرفت در مهارت‌های ارتباط کلامی

■ افزایش محتوای فکری به کمک زبان

■ افزایش قدرت تکلم در اثر گذاری و اثرپذیری

■ افزایش رضایت شخصی و تحسین زیبایی با زبان

بنابراین، تکامل ارتباطی کودکان عبارت است از:

مهارت‌های ارتباطی کودک که عمدتاً شامل شنیدن، درک و واکنش به صدا، صداسازی، درک مفاهیم گفتاری و بیان کلامی می‌شود؛ مانند بیان نام خود و بیان سه یا چهار کلمه‌ای، که کودک هر یک از این مهارت‌ها را باید در سن مناسب و طبیعی خود کسب کند (شکل ۳۳).



شکل ۳۳- زبان آموزی در کودکان

تعریف زبان

زبان یا زفان واژه‌ای فارسی است و چون وسیله و ابزار گفتار است، به مفهوم خود گفته شده، کلام، گفتار و سخن و نوشته شده به کار می‌رود. زبان ابزاری برای بیان خواسته‌ها، انتقال اندیشه‌ها، ایجاد پیوند و رابطه بین افراد انسانی و «فهمیدن و فهماندن» است و حرف‌ها، کلمه‌ها و جمله‌ها، عناصر سازنده آن است.

تکامل گفتار و زبان کودک با ادای اولین کلمه آغاز نمی‌شود، بلکه درست از ابتدای تولد آغاز می‌گردد. در واقع او در طی ماه‌های اول زندگی همواره در حال گوش کردن و یادگیری است و با سرعت کلمات را از طریق تکرار کردن، تکرار صدا و ارتباط بین کلمات یاد می‌گیرد و خیلی زودتر از آنکه بتواند کلمات را بیان کند، به آنها پاسخ می‌دهد. تکامل زبانی کودک، دامنه‌ای از مهارت‌ها و رفتارهایی است که باعث رسیدن به مهارت‌های ارتباطی می‌شود. تکامل کلامی بین سنین ۲ تا ۵ سالگی به سرعت رخ می‌دهد. تعداد کلمات از ۵۰ الی ۱۰۰ کلمه به ۲۰۰۰ کلمه افزایش می‌یابد. ساختمان جمله از جملات تلگرافی به جملات کامل پیشرفت می‌کند. به‌عنوان یک قاعده علمی بین ۲ تا ۵ سالگی تعداد کلمات مورد استفاده در یک جمله مساوی سن کودک است (۲ کلمه در هر جمله در ۲ سالگی و ...). وجه تمایز مهمی بین صحبت کردن، یعنی تولید صداهای معنی‌دار و تکلم یک فعالیت مغزی زمینه‌ای است، وجود دارد. تکلم شامل عملکرد بیانی است و لذا اهمیت تأخیر در تکلم ادراکی در پیش‌بینی وضعیت تکلمی کودک، بیش از تکلم بیانی است. یادگیری تکلم به‌طور چشم‌گیری به پیامدهایی که از محیط می‌رسد، بستگی دارد. اختلاف موقعیت اجتماعی بالا و پایین والدین با اختلاف تکاملی تکلمی قبل از مدرسه و توانایی در سنین بعدی مدرسه هم‌خوانی دارد. کودکان نمی‌توانند به راحتی صحبت بزرگسالان را تقلید

کنند در عوض می‌توانند قوانین پیچیده دستور زبان را از تکلم بزرگسالان برداشت کنند و تئوری‌های مجازی درونی برای خود به‌وجود آورند. تکلم یک شاخص خوب برای تکامل شناختی و هیجانی است. عقب‌ماندگی ذهنی ممکن است، در مراحل اولیه به تأخیر تکلم در حدود ۲ سالگی تظاهر یابد. تکامل گفتار و زبان قبل از مدرسه، اساس موفقیت‌های آتی در مدرسه را تشکیل می‌دهد. کودک ممکن است مهارت‌های کافی تکلمی را که پیش‌نیاز یادگیری نوشتاری است دارا نباشد یا اینکه بیشتر کودکان خواندن



شکل ۳۴- زبان آموزی

و نوشتن را در مدرسه ابتدایی یاد می‌گیرند ولی مهارت‌های مهم نوشتاری در سال‌های قبل از مدرسه پی‌ریزی می‌شود. با نشان دادن مکرر نوشته‌ها به کودک در سال‌های اولیه، وی نکاتی را دربارهٔ موارد استفاده از نوشتن (بیان یک قصه) و فرم نوشتن یاد می‌گیرد. برای آموزش زبان باید به هر چهار مورد گوش کردن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن که ساختار زبان هستند و هر یک به نوبهٔ خود در رشد مهارت‌های کلامی سهم دارند، توجه کرد (شکل ۳۴):

صحبت کردن: استفاده از لغات جدید در جهت روانی کلام؛

گوش کردن: توجه به مکالمات و مفاهیم و قدرت تشخیص بین صداها؛

آمادگی برای خواندن: تشخیص حروف و صدا، اعداد، نمادهای دیداری و دنبال کردن مراحل داستان‌ها و ...؛

آمادگی برای نوشتن: توسعهٔ مهارت‌های حرکتی و آشنایی با نوشتن.

مرتبی با تجربه‌ای که به اهمیت زبان آموزی واقف باشد با برنامه‌ریزی درست باید فضا و محیط مناسبی برای انجام فعالیت‌های زبان آموزی فراهم سازد. همانگونه که دو کودک از لحاظ شکل ظاهری شبیه هم نیستند، از لحاظ آموختن نیز روش‌های متفاوتی دارند. از این‌رو توجه به این امر در زبان آموزی کودکان بسیار اهمیت دارد. در برخورد با کودکان چنانچه به این تفاوت‌ها توجه نشود، در امر یادگیری زبان مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد (جدول ۳).

جدول ۳- تکامل گفتار و زبان براساس سن

کاربرد تکاملی	میانگین سنی به‌دست آوردن (ماه)	گفتار و زبان
آغاز اجتماعی شدن	۱/۵	لبخند زدن در پاسخ به چهره‌ها یا صدا
آزمایش با صدا	۶	غان و غون تک‌بخشی
پاسخ به تُن غیر کلامی	۷	مقاومت در برابر نه
ارتباطات غیر کلامی	۷	اطاعت از دستورهای تک‌مرحله‌ای با اشارهٔ بدن
زبان درک کلامی (مثل بده به من)	۱۰	اطاعت از دستورهای تک‌مرحله‌ای بدون اشارهٔ بدن

گفتن بابا یا ماما	۱۰	زبان بیانی
اشاره کردن به اشیا	۱۰	ارتباطات تعاملی
بیان نخستین کلمه واقعی	۱۲	آغاز نام گذاشتن بر چیزها
بیان ۳ تا ۴ کلمه، سخن گفتن بی معنی، پاسخ دادن به اسمش	۱۵	فراگیری اسم اشیا و افراد
بیان ۷۱ تا ۷۲ کلمه، بیان نام تصویرها و اشیا، شناختن نام چند بخش از بدن	۱۸	ادامه فراگیری اسم اشیا و افراد
بیان جمله‌های دو کلمه‌ای	۱۹	آغاز دستور زبان، دانستن ۱۲ کلمه
بیان جمله شامل (فاعل، فعل و مفعول)	۲۴	جملات را کامل تر بیان می‌کند.
اشاره به خودش با ضمیر من، دانستن اسم کامل خودش به خودش با ضمیر من اشاره می‌کند، اسم کامل خود را می‌داند.	۳۰	دریافت هویت خود
دانستن سن و جنس خود، شمردن صحیح سه شیء یا سه عدد	۳۶	اغلب سخنانش برای غریبه‌ها قابل فهم است.

با توجه به جدول بالا جدول زیر را کامل کنید.

فعالیت ۴۷



سن به ماه	ویژگی
.....	بیان نخستین کلمه واقعی
.....	اطاعت از دستورات تک مرحله‌ای با اشاره بدن
۳۰
.....	بیان جمله شامل (فاعل، فعل و مفعول)
۱۰
.....	دانستن سن و جنس خود، شمردن صحیح سه شیء یا سه عدد

هدف توانمندسازی ۶: هنرجو بتواند در تعلیم و تربیت، سبک‌های یادگیری را به کار بندد.

سبک‌های یادگیری زبان

فعالیت ۴۸



شکل ۳۵- سبک‌های یادگیری

به شکل روبه‌رو با دقت نگاه کنید و در مورد روش‌های یادگیری با هم گروه‌های خود گفت‌وگو کنید.

هر فرد برای یادگیری به سبک و روش متفاوتی رو می‌آورد و روشی را انتخاب می‌کند که مؤثرتر است. برخی افراد به این نتیجه می‌رسند که یک سبک یادگیری غالب دارند؛ و این در حالی است که برخی دیگر در شرایط مختلف باید به سبک‌های یادگیری متفاوتی متوسل شوند. براساس نظر برخی از اندیشمندان هفت سبک یادگیری کلیدی و مهم عبارت‌اند از:

۱ دیداری (تجسم فضایی): یعنی یادگیری از طریق تصاویر و درک پدیده‌های بصری (شکل ۳۶). این گروه با دیدن بهتر یاد می‌گیرند. آنها با شکل و رنگ روی کاغذ یاد می‌گیرند. مثلاً اگر بلوک‌های رنگی ساختمان‌سازی را روی هم بگذاریم و خانه بسازیم، آنها مفهوم خانه و رنگ‌ها را زودتر و بهتر درک می‌کنند و یا با دیدن می‌توانند به‌خاطر بسپارند و نقشه را یاد بگیرند. آنها حتی احساسشان را با نمایش‌های بصری در نقاشی نشان می‌دهند. اکثر کودکان پیش از دبستان در این گروه قرار می‌گیرند. آیا این سبک یادگیری شماست؟



شکل ۳۶- سبک دیداری

۲ شنیداری: یعنی یادگیری از طریق گوش فرادادن به صدا و موسیقی (شکل ۳۷). تعدادی از مردم دوست دارند از طریق شنیدن، که شامل صحبت کردن نیز می‌شود، یاد بگیرند. شنیداری‌ها برای به‌خاطر آوردن باید در مورد آن موضوع صحبت کنند و برای هجی کردن، آن کلمه را بلند ادا کرده و دوباره بیان کنند. آنها



شکل ۳۷- سبک شنیداری

نام‌ها را بیشتر از صورت‌ها به خاطر می‌آورند و چنانچه بخواهند شماره تلفنی را بگویند، اعداد را دو شماره، دو شماره، یا سه عدد سه عدد (۲۲-۳۲-۵۴-۶۹ یا ۸۸۸-۳۵۵) براساس ضرب آهنگ کلام به خاطر می‌سپارند و به یاد می‌آورند. اغلب گوش خود را لمس می‌کنند. آیا این سبک یادگیری شماست؟



شکل ۳۸- سبک کلامی یا شفاهی

۳ شفاهی یا کلامی: یعنی یادگیری از طریق سخن گفتن و نوشتن

(شکل ۳۸). این افراد شیفته خواندن و نوشتن هستند و از گوش دادن به موسیقی و ترانه، تلفظ کلمات دشوار و اشعار لذت می‌برند. آنها دامنه لغات وسیعی دارند، به پیدا کردن معنا و مفهوم واژگان علاقه نشان می‌دهند و می‌توانند به آسانی کلمات جدیدی را به دایره لغات خود اضافه کنند. یادگیرنده‌های شفاهی باید به تکنیک‌هایی روی آورند که هر دو مهارت تکلم کردن و نوشتن را

دربرمی‌گیرند. مرور کردن مطالب درسی با صدای بلند از جمله روش‌هایی است که به خاطر سپردن اطلاعات را برای چنین افرادی آسان می‌کند. تکنیک‌های لغت محوری از قبیل نمایشنامه‌نویسی و اخبارگونه خواندن مطالب، در زمره روش‌های موفق است که ذهن یادگیرنده‌های شفاهی را تقویت کرده و آنها را در به یاد آوردن مطالب یاری می‌کند. آیا این سبک یادگیری شماست؟

۴ جنبشی یا لمسی: یعنی یادگیری از طریق لمس کردن، تمرینات

عملی و تحرک داشتن (شکل ۳۹). این گروه اغلب از طریق لمس کردن می‌آموزند. آنها با اجرا و انجام یک فعالیت آن را می‌آموزند و برای یادگیری یک شماره تلفن یا آدرس حتماً باید آن را بنویسند تا به خاطر آورند. آنها برای درک موقعیت کسی، خودشان را به جای آن فرد می‌گذارند و آن را احساس می‌کنند (خود را جای دیگری گذاشتن) و بنابراین اغلب خودشان را گرفتار واکنش‌های هیجانی می‌کنند. آیا این سبک یادگیری شماست؟



شکل ۳۹- سبک لمسی یا جنبشی

۵ استدلالی یا ریاضی: یعنی یادگیری از طریق منطق و دلیل آوردن، قاعده و قانون تعریف کردن و استدلال

نمودن (شکل ۴۰). افرادی که استعداد فوق‌العاده‌ای در ریاضی دارند و مهارت‌های منحصر به فرد و قابل تحسینی در تجزیه و تحلیل وقایع و استدلال آوردن از خود نشان می‌دهند، در این دسته‌بندی جا می‌گیرند. آنها خیلی سریع به وجود الگوها پی می‌برند و توانایی شگرفی در ارتباط برقرار کردن میان اطلاعاتی دارند که از نقطه نظر سایرین کاملاً بی‌ربط به هم هستند. یادگیرنده‌های استدلال‌گرا به خاطر سپردن مطالب در وهله نخست اطلاعات را طبقه‌بندی می‌کنند و سازمان می‌دهند، سپس به کشف ارتباط میان آنها می‌پردازند. آیا این سبک یادگیری شماست؟



شکل ۴۰- سبک استدلالی یا ریاضی

۶ جمعی یا برون فردی: این افراد، یادگیری گروهی را ترجیح می‌دهند و از کارکردن با سایرین لذت می‌برند (شکل ۴۱). مهارت‌های شفاهی و نوشتاری این افراد عالی است. آنها بی‌هیچ مشکلی، با دیگران ارتباط برقرار کرده و صحبت می‌کنند و به راحتی دیدگاه و نقطه نظرات سایرین را درک می‌کنند. از بیان ایده‌های خود در جمع‌های یادگیری ندارند، به حل دسته‌جمعی مسائل اعتقاد دارند و در مجموع از کارکردن با دیگران لذت می‌برند. آنها به دنبال فرصت‌هایی برای مطالعه با سایر دوستانشان هستند. آیا این سبک یادگیری شماست؟



شکل ۴۱- سبک جمعی یا برون فردی

۷ انزواطلبی یا درون فردی: این گروه ترجیح می‌دهند خودشان به تنهایی و به دور از جمع، مطالب را مطالعه کنند و یاد بگیرند (شکل ۴۲). این افراد ترجیح می‌دهند در محیط‌های خلوت و به تنهایی کار خود را پیش ببرند. آنها برای حل مسئله و مطالعه کردن به دیگران متکی نیستند. یادگیرنده‌های انزواطلب، هر از گاهی روش‌ها و مراحل یادگیری خود را تجزیه و تحلیل می‌کنند تا از نقاط ضعف و قوت خود آگاه شوند. آنها تنهایی کار کردن را بیشتر دوست دارند، ممکن است ساعت‌ها زمان صرف حل کردن یک مسئله دشوار و پیچیده کنند، اما به این راحتی برای کمک گرفتن سر وقت دیگران نمی‌روند. با این حال سبک یادگیری انزواطلبانه می‌تواند روش بسیار مفید و مؤثری برای برخی از دانش‌آموزان باشد. آیا این سبک یادگیری شماست (شکل ۴۲)؟



شکل ۴۲- سبک انزواطلبی یا درون فردی

اگر می‌خواهید از وقت مطالعه خود بیشترین استفاده را ببرید، پیش از هر چیز باید سبک یادگیری منحصر به خود را کشف کنید.

نکته



با مطالعه سبک‌های یادگیری هر فرد با ذکر ویژگی‌های مربوط، سبک یادگیری خود را مشخص کنید و در مورد موفقیت یا موفق نبودن این سبک در کلاس گزارش دهید.

فعالیت ۴۹



در گروه‌های کلاسی با جست‌وجو در منابع علمی، در مورد روش‌های تقویت هر سبک یادگیری تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس به صورت پوستر یا ایفای نقش، نمایش دهید.

فعالیت ۵۰





امروزه بر کاربرد ارتباطی گفتار تأکید می‌شود. طبقه‌بندی کاربرد ارتباطی گفتار، طبق نظر مایکل هلیدی (زبان‌شناس) شامل موارد زیر است:

ردیف	کاربرد یا نقش	تفسیر
۱	ابزاری	کودک از زبان به عنوان ابزاری برای ارضای نیازهایش استفاده می‌کند (می‌خواهم).
۲	تنظیمی (کنترل‌کننده)	کودک در می‌یابد که دیگران سعی می‌کنند تا هنگام حرف زدن بر حرف‌های خویش کنترل داشته باشند. او می‌فهمد که هنگام حرف زدن می‌تواند صحبت دیگران را کنترل کند (این کار را بکن).
۳	ارتباطی (نقش بین فردی)	کودک در می‌یابد که می‌تواند از طریق حرف زدن با دیگران ارتباط برقرار کند (من و تو و با هم این کار را انجام می‌دهیم).
۴	شخصی	کودک نظرات، احساسات و نگرش‌های خاص خود را از طریق زبان ابراز می‌کند و هویت شخصی خود را تثبیت می‌نماید (من این را دوست ندارم).
۵	اکتشافی	بعد از آنکه میان خود و محیطش فرق قائل شد، زبان را برای کشف و درک محیطش به کار می‌گیرد (چرا به من می‌گویی؟).
۶	خیالی	کودک در می‌یابد که می‌تواند در زبان از تخیل استفاده کند، از واقعیت بگریزد و به جهان خودساخته پناه ببرد (بیا وانمود کنیم که به فضا رفتیم).
۷	گزارش یا اطلاع‌رسانی	کودک از طریق زبان می‌تواند اطلاعات جدید را مبادله کند (مطلبی هست که می‌خواهم به شما بگویم).

فعالیت‌هایی با کودکان جهت تقویت گفتار:

- ۱ کمک کنید تا کودک در مورد حوادث روزانه صحبت کند. برای مثال، در یک روز بارانی از او بپرسید برای بیرون رفتن نیاز به پوشیدن چه لباس‌ها و همراه داشتن چه وسایلی است؟ (براساس همان روز، شروع قصه باید با شما باشد. قصه را شروع کنید).
- ۲ با طرح سؤالاتی مثل امروز کجا رفتیم یا چه کسانی را دیدیم و غیره، ساختن قصه خوب را شروع کنید. شروع قصه باید با شما باشد. از طریق صحبت پیرامون عکس‌های خانوادگی، معرفی، نام بردن افراد (استفاده از آلبوم خانوادگی)، قصه را شروع کنید. در مورد حوادث مربوطه با آنها نیز گفت‌وگو کنید.

نقش والدین در زبان آموزی

وقتی پدر و مادر و اطرافیان با کودک حرف می‌زنند، در آغاز کودک معنی گفته‌های آنها را نمی‌فهمد، اما به تدریج زبان آنها را با اشیاء، وقایع و تجربه‌های خود از جهان خارج درک می‌کند و به این ترتیب کلمه‌ها برای

او معنی پیدا می‌کنند. مادر اولین معلم زبان طفل است. کودک با مادر گفت‌وگو را تمرین می‌کند. مهربانی مادر در ظهور اصوات اولیهٔ کودک مؤثر است. کودکان پرورشگاهی چون از محبت مادری محروم‌اند و کمتر اصوات محبت‌آمیز و محرک دریافت می‌کنند، دیرتر زبان باز می‌کنند. دوقلوها و سه‌قلوها دیرتر زبان باز می‌کنند، زیرا مادر فرصت کافی برای پرداختن به تک‌تک آنها را ندارد و بیشتر به رفع نیازهای آنها می‌پردازد.

توصیه‌های تربیتی

اگر کودکی تا هجده ماهگی (۱/۵ سالگی) زبان باز نکرد و در بیست و چهار ماهگی قادر نبود کلمه‌ای را ادا کند، باید چاره‌ای اندیشید و به متخصص مراجعه کرد. بهترین روش برای پیشرفت زبانی کودک، ایجاد محیط مناسب است؛ محیطی ساده، آرام و خالی از چند زبانی، یعنی محیطی که در آن فقط با یک زبان گفت‌وگو شود. برای رشد گویایی کودک به نکته‌های زیر توجه کنید:

- از جملات ساده، کوتاه و رسا استفاده کنید؛
- اشتباهات کودک را تصحیح و واژگان را برایش درست تلفظ کنید؛
- او را وادار نکنید تا کلمات و جملاتی را که هنوز قادر به بیان آن نیست، تکرار کند؛
- خزانهٔ لغات کودک را با فرستادن او به مهد و کودکستان تقویت کنید؛
- او را به شرکت در جمع سایر کودکان، گوش دادن به قصه‌گویی، رادیو، تلویزیون و گفت‌وگو با بزرگسالان و سایر فعالیت‌هایی که کودک را وادار به حرف‌زدن و پاسخ‌دادن می‌کند، تشویق کنید؛
- گوش و چشم او را با خواندن کتاب‌های قصه، روزنامه و سایر موضوعات عادت دهید و او را با کلمه‌های بیشتری آشنا کنید (شکل ۴۳).



شکل ۴۳- والدین و زبان‌آموزی فرزندان

کودکی سه چهار ساله را از اطرافیان یا همسایه‌ها در نظر بگیرید. سعی کنید موضوعات زیر را دربارهٔ کودکی که انتخاب کرده‌اید، بررسی و گزارش تهیه کنید:

- ۱ میزان دقت حواس کودک چقدر است؟
- ۲ تعداد کلماتی که می‌داند و آنها را به کار می‌برد (خزانهٔ لغات) چندتاست؟
- ۳ با توجه به شناختی که از خانوادهٔ آن کودک دارید، آنها چه نقشی در رشد توانایی‌های او داشته‌اند؟
- ۴ گزارشی در مورد نقش خانواده در زبان‌آموزی کودک، در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۵۱



واحد یادگیری ۴: پرورش حواس فرزندان

استاندارد عملکرد

پرورش حواس کودک براساس دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش (پیش از دبستان) و سازمان بهزیستی کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ پرورش حس بینایی کودک
- ۲ پرورش حس شنوایی کودک
- ۳ پرورش حس بویایی کودک
- ۴ پرورش حس چشایی کودک
- ۵ پرورش حس لامسه کودک

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری
- ۲ داشتن درک درست از سیستم سازمانی

هدف توانمندسازی ۷: هنرجو بتواند پرورش حواس در کودکان را توضیح دهد.

پرورش حواس در کودکان و نقش آن در تعلیم و تربیت

فردی را تصور کنید که از ابتدای تولد قادر به دیدن و شنیدن نیست. به نظر شما این ناتوانی‌ها در ارتباطش با محیط چه مشکلاتی به وجود می‌آورد؟ در این مورد باهم گروهی‌های خود گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۵۲



محیط اطراف ما از محرک‌های زیادی تشکیل شده است. این محرک‌ها دائماً در حال تغییرند. برای اینکه بتوانیم بهترین و سازگارانه‌ترین واکنش را از خود در مقابل محرک‌های محیط بیرونی و تغییرات آنها نشان دهیم، لازم است که بتوانیم محرک‌های محیط اطراف خود را درک و تغییرات آنها را ردیابی کنیم. حواس ما راه اصلی ارتباط و درک محیط اطراف ما هستند. پنج حس اصلی عبارت‌اند از حس بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه.

چشم اندام حس بینایی، گوش اندام حس شنوایی، بینی اندام حس بویایی، زبان اندام حس چشایی و پوست اندام حس لامسه است. به طور کلی هر کدام از اندام‌های حسی دارای گیرنده‌های حسی هستند و اطلاعات مربوط به محرک‌های مختلف توسط گیرنده‌های این حواس دریافت می‌شوند. گیرنده‌های حسی، سلول‌های عصبی ویژه‌ای هستند که انرژی محرک را دریافت می‌نمایند و آن را به پیام عصبی تبدیل می‌کنند (شکل ۴۴).



شکل ۴۴- حواس پنج‌گانه

اهمیت حواس

اطلاعاتی که دربارهٔ جهان خارج داریم از طریق حواس به ما می‌رسد. نظر به اینکه ما به وجود این حواس و استفاده از آنها عادت کرده‌ایم، معمولاً اهمیت آنها را فراموش می‌کنیم. حواس ابزارهایی برای شناخت، آگاهی و تفسیر، اطلاعات و خطرات بیرون و درون ما هستند و ما را از آنچه در اطرافمان می‌گذرد، آگاه می‌کنند.

بی‌شک پرورش حواس پنج‌گانه و استفاده از قدرت تکلم و زبان‌آموزی را باید از مهم‌ترین نیازهای آموزشی کودکان دانست. باید در پی رشد آنها بوده و از آنها مراقبت کرد تا از حوادث آسیب‌ناپذیر نبینند.

فعالیت ۵۳



اگر از بعضی از حواس محروم شوید، چه اتفاقی می‌افتد؟ شاید شما یا بعضی از هم‌کلاسی‌هایتان در استفاده کامل یا نسبی از قدرت حواس پنج‌گانه با مشکل روبه‌رو باشید یا ممکن است افرادی را در میان خانواده و آشنایانتان بشناسید که دچار چنین مشکلاتی باشند. در گروه‌های کلاسی در این مورد گفت‌وگو کنید و فهرستی از این مشکلات را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۵۴



به نوبت، چشم چند نفر از هم‌کلاسی‌هایتان را با چشم‌بند یا دستمال ببندید تا نتوانند جایی را ببینند و از آنها بخواهید تا در کلاس حرکت نمایند و وسایلی را به خواست شما جابه‌جا کنند:
الف) چه اتفاقی از نظر ارتباط با محیط و دریافت اطلاعات برای شما می‌افتد؟
■ در مورد تجربه‌های حسی خود در این آزمایش در کلاس صحبت کنید و مشکلات خود را ارائه دهید.
ب) به همین ترتیب بعضی از هنرجویان هنگام گفت‌وگو در کلاس، گوش، بینی و ... خود را بگیرند.
■ در این صورت، از آنها بپرسید چه روی می‌دهد؟

پرورش حواس در کودکان

توجه و پرداختن به رشد حواس پنج‌گانه در کنار سایر جنبه‌های تربیتی باید از دوره کودکی آغاز شود، به خصوص که برخی از کودکان ممکن است از زمان تولد در اندام‌های حسی خود نقص داشته باشند. چنانچه مشکل آنها به موقع شناسایی و درمان نشود، بخشی از توانایی شناخت خود را از دست خواهند داد. بنابراین، توجه به حواس پنج‌گانه در کودکان از دو جنبه دارای اهمیت است:

- ۱ شناسایی و کنترل مشکلات و نقص‌های احتمالی کودک و انجام خدمات درمانی؛
- ۲ رشد و تقویت قدرت حواس کودک برای آنکه او ابزارهای کامل‌تری برای شناخت جهان اطراف خود در اختیار داشته باشد.

اهداف و اصول پرورش حواس کودک

رشد و پرورش حواس کودکان فعالیتی آموزشی و تربیتی است. هدف از پرورش حواس در کودکان، تقویت حواس پنج‌گانه و آگاه کردن آنان از ارزش، اهمیت و روش مراقبت از آنهاست. تا جایی که امکان دارد برای پرورش یکی از حواس نباید از حواس دیگر استفاده کرد، چون یافته‌های حواس مختلف به یکدیگر کمک می‌کنند. هنگام کار با حس لامسه یا بویایی، چشم‌ها را ببندید، زیرا حس بینایی به حس لامسه و بویایی کمک می‌کند تا ماده خوراکی را تشخیص دهید. موضوع مهم دیگر آموزش نحوه مراقبت و حفظ اندام‌های مربوط به حواس است، مانند پاکیزه نگه‌داشتن چشم، بینی، مسواک زدن دندان‌ها، احتیاط در بو کردن مواد مشکوک و ناشناخته، نجشیدن طعم مواد غیرخوراکی و حتی خوراک ناشناخته، دست نزدن به مواد شیمیایی و داغ و ...

هدف توانمندسازی ۸: روش پرورش حواس کودکان را به کار بندد.

روش‌های پرورش حواس کودکان

مهم‌ترین اقدام برای به‌کارگیری درست حواس پنج‌گانه کودک، ایجاد فرصت کافی و محیط مناسب برای اوست. لمس کردن وسایل متفاوت، قرار دادن کودکان در معرض صداهای متفاوت و تشخیص آنها، مشاهده صحنه‌های مختلف و دقت در اجزای آنها، تشخیص تفاوت تصاویر و اشیای مختلف، تشخیص رنگ‌ها، تشخیص جنس مواد گوناگون، چشیدن و شناخت طعم‌های مختلف و تشخیص بوهای مختلف در پرورش حواس پنج‌گانه بسیار مؤثرند. در ادامه بازی‌ها و روش‌هایی برای پرورش حواس پنج‌گانه کودک ارائه می‌شود:

بازی و سنجش حس شنوایی کودکان

با سه کودک از نزدیکان که در سنین دوره پیش دبستانی هستند، دقت حس شنوایی را تمرین کنید. **مرحله اول:** به نوبت، چشم‌های کودکان را ببندید و وسایل مختلف را به صدا درآوردید و از آنها بپرسید هر یک چه صدایی می‌شنوند؟ شما می‌توانید از به صدا درآوردن اشیای مختلف، مانند کلید، زنگ، ظروف و ... استفاده کنید.

زیر و بم بودن، دوری و نزدیکی و کوتاه و بلند بودن صدا را نیز می‌توانید به همین روش تمرین کنید. **الف)** چه تفاوت‌هایی میان کودکان از نظر شنیدن در سنین مختلف مشاهده می‌کنید؟ **مرحله دوم:** با کودکان در حالت نشسته، حلقه‌ای تشکیل دهید و در قالب بازی مطالبی را به‌طور درگوشی به یکدیگر منتقل کنید. قدرت تشخیص صدای کلمات در کودکانی که بررسی می‌کنید، چقدر است؟ آیا تفاوتی را میان آنها احساس می‌کنید؟ **ب)** نتایج بررسی‌ها را در کلاس بازگو کنید.

ج) چه روش‌های دیگری را برای سنجش و تمرین حس شنوایی کودکان پیشنهاد می‌کنید؟

فعالیت ۵۵



فعالیت ۵۶



بازی استوانه صدا را با کودکان تمرین کنید. شش عدد قوطی استوانه‌ای شکل به ارتفاع تقریباً ده سانتی‌متر انتخاب کنید که درون آنها مقداری نخود یا عدس یا کاغذ مچاله شده کوچک و یا هر چیزی که درون قوطی ریخته شود و صدای زیر و بم ایجاد کند بیندازید. دقت کنید استوانه‌ها دو به دو یک صدای مشابه تولید کنند. حتماً ظاهر هر شش استوانه دقیقاً مثل هم باشد. یک استوانه را در دست بگیرید و هم‌زمان که استوانه را تکان می‌دهید از کودک بخواهید استوانه‌ای را که صدایش مانند استوانه در دست شما است، از بین استوانه‌هایی که جلوی شما گذاشته‌اید، پیدا کند.

بازی و سنجش حس بویایی کودکان

فعالیت ۵۷



با چند کودک از نزدیکان خود که در سنین مختلف دورهٔ پیش دبستانی هستند، دقت حس بویایی را تمرین کنید. مواد خوراکی مختلف را با بوهای متنوع، مانند پیاز، سیر، سیب، ادویه، عطر، گل و سرکه فراهم کنید. مواد باید برای کودکان آشنا باشد.

الف) به نوبت، چشمان کودکان را ببندید و از آنها بخواهید بوی هر ماده را مشخص کنند. این تشخیص باید شامل دو جنبه باشد:

■ آنچه بو کشیده‌اند، چیست؟

■ آیا می‌توانند بگویند چه نوع بویی دارد و کدام یک خوشایند و کدام یک ناخوشایند است و چرا؟

ب) به تفاوت‌های کودکان در میزان و سرعت تشخیص و انواع پاسخ‌هایشان دقت و نتایج را بررسی و یادداشت کنید.

فراموش نکنید کودکان کوچک‌تر از آن هستند که بتوانند پاسخ‌های روشنی به شما بدهند و شما خود باید ضمن همراهی با آنها با زبان کودکانه از طریق مشاهدهٔ دقیق، توانایی آنها را بسنجید و پاسخ سؤال‌ها را بیابید. ج) نتایج بررسی‌ها را در کلاس بازگو کنید.

د) چه روش‌های دیگری را برای سنجش و تمرین حس بویایی کودکان پیشنهاد می‌کنید.

بازی و سنجش حس چشایی کودکان

فعالیت ۵۸



با چند کودک از نزدیکان خود که در سنین مختلف دورهٔ پیش دبستانی هستند، دقت حس چشایی را تمرین کنید. مواد خوراکی مختلف را با طعم‌های متنوع مانند سیب، سرکه و گلاب فراهم کنید. مواد باید برای کودکان آشنا باشند.

الف) برای انجام این کار، علاوه بر بستن چشم‌ها، از هر کودک بخواهید تا هنگام مزه مزه کردن مواد، بینی خود را هم محکم بگیرد تا حس بویایی به کمک حس چشایی نیاید و فقط از حس چشایی استفاده شود. سپس دستش را از روی بینی بردارد و مزه را بیازماید.

ب) نتیجهٔ بررسی‌ها را یادداشت کنید و به کلاس بیاورید.

ج) چه روش‌های دیگری را برای سنجش و تمرین حس چشایی کودکان پیشنهاد می‌کنید؟

بازی و سنجش حس لامسه

فعالیت ۵۹



چشم کودکان را به نوبت یا هر یک را در اوقات جداگانه ببندید و دست و صورت آنها را به سطح اشیای مختلف تماس دهید.

الف) از کودکان بپرسید چیزی که به آن دست کشیدید یا آن را لمس کردید، چیست؟ آیا زیر است یا نرم، چقدر؟ آیا سرد است یا گرم، چقدر؟ آیا خشک است یا تر؟

ب) چه روش‌های دیگری برای سنجش حس لامسه پیشنهاد می‌کنید؟

ج) نتایج بررسی و تفاوت‌ها را یادداشت کنید و در کلاس ارائه دهید.



چند مقوا را به اندازه تقریباً کارت‌های عابرنانک تهیه کنید و روی یکی از آنها مقداری پنبه یا اسکاچ ظرفشویی (نو و استفاده نشده) یا روی یکی سمباده یا ... بچسبانید. دقت کنید کارت‌ها دوبره‌دو از نظر زبری و نرمی و سفتی و... مثل هم باشند و یک حس را برای کودک تداعی کنند.

بازی و سنجش حس بینایی



تلق‌های شفاف را به دو قست مساوی تا بزینید و با استفاده از ماژیک غیرروایت‌برد، روی یک تایی آن تصویری بکشید؛ مثلاً فیل بکشید، اما خرطوم فیل را در تایی دیگر تلق با ماژیک بکشید. الف) با کارت تکمیل بینایی، تلق را به کودک نشان دهید ولی قسمتی که خرطوم کشیده شده را نشان ندهید و از کودک بخواهید اسم حیوان را بگوید. ب) از کودک پرسید کدام قسمت این حیوان کشیده نشده است؟ اگر نتوانست پاسخ دهد، حتماً کودک را راهنمایی کنید تا به جواب برسد. ج) نتیجه را در کلاس ارائه دهید.



روی کاغذی تصویر یک حیوان بکشید و رو و اطراف حیوان را خطوطی مبهم و نامنظم رسم کنید؛ سپس از کودک پرسید چه تصویری را مشاهده می‌کند. اگر به جواب نرسید بدون آنکه مستقیماً جواب را به او بگویید، او را راهنمایی کنید تا به جواب درست برسد.

واحد یادگیری ۵: توسعه شناخت نقش قصه‌گویی و بازی در تعلیم و تربیت فرزندان

استاندارد عملکرد

توسعه شناخت جایگاه و نقش بازی، قصه‌گویی و اوقات فراغت در تعلیم و تربیت کودکان براساس منابع علمی و بین‌المللی با استفاده از شیوه‌های مختلف بازی و قصه‌گویی

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت نقش قصه‌گویی در تعلیم و تربیت کودکان
- ۲ پرورش کتاب‌خوانی
- ۳ توسعه شناخت نقش بازی در تعلیم و تربیت کودکان
- ۴ توسعه شناخت نقش اوقات فراغت در تعلیم و تربیت کودکان
- ۵ استفاده از بازی و اوقات فراغت در تعلیم و تربیت کودکان
- ۶ کاربرد توانایی‌های کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های روزانه

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ مهارت گوش کردن
- ۲ یادگیری مدیریت زمان
- ۳ شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها
- ۴ تفکر انتقادی

هدف توانمندسازی ۹: هنرجو بتواند نقش قصه در تعلیم و تربیت کودکان را توضیح دهد.

قصه و نقش آن در تعلیم و تربیت کودکان

فعالیت ۶۳



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید:

- ۱ در کودکی چه کسانی برای شما قصه می‌گفتند یا قصه می‌خواندند؟
- ۲ شنیدن یا خواندن قصه چه احساسی را در شما برمی‌انگیزد؟
- ۳ چرا خواندن قصه یا گفتن آن برای کودکان یا بزرگسالان جذابیت دارد؟

قصه جزء جدایی‌ناپذیر زندگی هر انسانی است. خواندن قصه، داستان و تماشای فیلم‌های داستانی و سینمایی، نشانه‌ی علاقه‌ی انسان به قصه و داستان در تمام دوره‌های زندگی است. این علاقه در میان کودکان و بزرگسالان مشترک است، اما اشتیاق به قصه در دوران کودکی بسیار بیشتر از دوره‌های دیگر است. این علاقه از خصوصیات مهم دوران کودکی است و از نیازهای کودکان ناشی می‌شود. قصه و داستان اگرچه در کنار هم و به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما با هم متفاوت‌اند.

قصه سخن یا نوشته‌ای است از روزگاران قدیم که در آن شخصیت‌های گوناگون خیالی یا واقعی ماجراهایی می‌آفرینند و برای آموزش، انتقال تجربه‌ها و تاریخ هر قوم از نسلی به نسل دیگر پدید آمده‌اند. زبان قصه شفاهی بوده و ماهیت گفتاری دارد. اما داستان به زبان ادبی نوشته می‌شود و نوشته‌ای است که نویسنده فکر اصلی خود را در آن به خواننده انتقال می‌دهد. داستان لزوماً به گذشته تعلق ندارد و ساخته و پرداخته‌ی ذهن خلاق فردی به نام نویسنده است. به هر حال از نظر تأثیر تربیتی این دو چندان تفاوتی با هم ندارند.

دلایل علاقه‌ی انسان به قصه

به دلایل زیر کودکان، نوجوانان و بزرگسالان به قصه علاقه دارند:

- ۱ خیال‌پردازی در قصه بسیار است و تمام غیرممکن‌ها در آن ممکن می‌شوند؛
- ۲ از صحنه‌های پر از احساسات و هیجان برخوردار است و در خود غم و شادی، خشونت و مهربانی و هیجان و آرامش دارد؛
- ۳ قصه تا آغاز نشده است، توجه مخاطب را جلب نمی‌کند، اما وقتی آغاز شد، حس کنجکاوی او را وامی‌دارد تا برای پی‌بردن به نتیجه، تا پایان آن را دنبال کند؛
- ۴ انسان، به دلیل اجزای مختلفی که در قصه هست، با فکر و احساسات و با همه وجودش با آن درگیر می‌شود؛
- ۵ قصه، انسان را از واقعیت فعلی‌اش خارج می‌کند و او را با دنیای جدیدی که گاهی بسیار خوشایند و مطبوع و گاهی ناخوشایند است، آشنا می‌کند؛
- ۶ انسان با قصه از روزمرگی خارج می‌شود و اوضاع یکنواخت زندگی‌اش را دست‌کم برای مدّت کوتاهی کنار می‌گذارد و شرایطی نو را احساس می‌کند و می‌آزماید.



بهترین داستانی را که در زمان کودکی برای شما تعریف می‌شد، در کلاس بیان کنید. در مورد دلایل علاقه خود به قصه در کلاس گفت‌وگو کنید.

قصه‌گویی و قصه‌خوانی برای کودکان



شکل ۴۵- قصه‌گویی و شنیدن قصه

تفاوت قصه‌گویی و قصه‌خوانی در این است که قصه‌گویی به شکل گفت‌وگو بیان می‌شود و به رشد کلامی کودک و نوجوان کمک می‌کند، اما قصه‌خوانی کودک را با شکل نوشتاری واژه‌ها آشنا می‌کند. این موضوع سبب تسهیل در خواندن کتاب‌های درسی می‌شود، زیرا از آنجایی که رشد کلامی کودکان از ابتدا با زبان محاوره بوده است و با شکل نوشتاری کلمه‌ها به خوبی آشنایی ندارند، این مسئله می‌تواند چالشی مهم در آفت تحصیلی آنها باشد. بنابراین، بلندخوانی؛ روشی پایه‌ای و ارزشمند در سوادآموزی محسوب می‌شود (شکل ۴۵).

هدف توانمندسازی ۱۰: گزارشی از نقش قصه‌گویی در تعلیم و تربیت فرزندان را ارائه دهد.

ویژگی‌های قصه‌گوی خوب

- آشنایی با محتوای قصه پیش از قصه‌گویی؛
- تناسب قصه با شرایط سنی و رشد کودک؛
- آزاد گذاشتن کودک در نحوه نشستن و گوش کردن؛
- وادار نکردن کودک به گوش کردن قصه (هنگامی که کودک بی‌حوصله است، برایش قصه نگویند)؛
- بیان نکردن پیام‌های غیرمستقیم قصه به‌طور مستقیم (با کمک داستان‌گویی کودک را نصیحت نکنید)؛
- سازگار کردن حالات چهره و بدن خود با حال و هوای قصه؛
- تغییر دادن صدا متناسب با حالات قصه و شخصیت‌های آن (قصه را مانند یک متن معمولی نخوانید)؛
- دادن فرصت مشاهده صفحات کتاب به کودک تا چنانچه مایل است ضمن شنیدن قصه از قصه‌گو، تصاویر کتاب را نیز ببیند؛
- تبدیل کردن قصه به نمایش (چنانچه می‌توانید قصه را به نمایش تبدیل کنید و از کودک نیز با نقش‌سپاری در آن، کمک بگیرید)؛
- قطع نکردن قصه‌گویی (در بین قصه، به دنبال کارهای مختلف نروید و قصه را قطع و وصل نکنید)؛



- خواندن عنوان و مشخصات کامل کتاب مانند ذکر نام نویسنده، نام ناشر، تصویرگر و... برای کودک هنگام قصه‌گویی؛
- علاقه‌مند بودن کودک به قصه‌گو (چنانچه کودک به شما علاقه‌مند باشد و قصه‌گویی شما جذاب باشد، او جذب داستان می‌شود).

در گروه‌های کلاسی، هر گروه یک کتاب قصه به کلاس بیاورد.
 ۱ دو نفر از اعضای هر گروه در نقش قصه‌گو کتابی را برای سایر هنرجویان بخواند.
 ۲ شنوندگان قصه، محاسن و معایب کار قصه‌گوها را بیان کنند.

نقش قصه در تعلیم و تربیت کودکان



شکل ۴۶- خواندن قصه

شما اغلب، بخش‌های داستانی کتاب‌های درسی را زودتر از دیگر قسمت‌ها می‌خوانید و در مجله‌ها نیز داستان‌ها جزء اولین بخش‌هایی است که خوانده می‌شوند؛ زیرا قصه و داستان مانند بازی کردن، سرگرمی مناسب و روش غیرمستقیمی برای آموزش کودکان است. قصه و بازی از نیازهای جدی دوره کودکی و هر دو از ابزارهای مهم و مؤثر تعلیم و تربیت هستند (شکل ۴۶).

روشن است که کودکان در پی تربیت خود نیستند. آنها قصه را دوست دارند، چون برایشان جذاب است و از شنیدن آن لذت می‌برند. اما قصه برای متخصصان علوم تربیتی دارای اهمیت است، زیرا به دلایل زیر، ابزاری بسیار مناسب برای تعلیم و تربیت است.

- ۱ قدرت تخیل کودک را فعال می‌کند؛
- ۲ روح نوجویی، کنجکاوی و استقلال‌طلبی کودک را ارضا می‌کند؛
- ۳ احساس شمع، آرامش و نشاط را که لازمه رشد است، ایجاد می‌کند؛
- ۴ ابزار آموزش مهارت‌های خواندن، نوشتن، گوش کردن، حساب کردن، حتی درست فکر کردن و گسترش دامنه مفاهیم علمی، اجتماعی و فنی مورد نیاز کودکان است؛
- ۵ بهترین ابزار برای آموزش مسائل مختلف به انسان و راه و رسم مواجهه با مسائل و دشواری‌های زندگی است؛
- ۶ زبانی غیرمستقیم است که برای زبان تربیت مناسب‌تر است.
- ۷ وسیله‌ای مناسب برای تأثیرگذاری است. زمانی که والدین چیزی را از کودکان می‌خواهند، قصه می‌تواند بهترین گزینه برای تأثیرگذاری بر کودک باشد. برای همین، به جای تحمیل کردن و فشار آوردن بر او، قصه‌خوانی و قصه‌گویی توصیه می‌شود؛

- ۸ کودکان را با گذشته، تاریخ و فرهنگ آشنا می‌کند؛
۹ فرصت خوبی برای اصلاح لغزش‌ها و اشکالات زبانی ایجاد می‌کند؛
۱۰ به سبب کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارد، می‌تواند بسیاری از مفاهیم را به کودکان منتقل کند؛
۱۱ با انتقال مفاهیم به روش غیرمستقیم، نه تنها باعث جذب بهتر و سریع‌تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می‌شود، بلکه فهم آنها را عینی‌تر و ساده‌تر می‌سازد؛
۱۲ مفاهیم ساده و علمی، طبیعی و حتی مفهوم واژگان را توسط قصه و گاه بدون نیاز به توضیح، می‌توان به کودکان منتقل کرد؛



شکل ۴۷- تأثیر قصه بر کودکان

- ۱۳ کودکان و نوجوانان ضمن شنیدن داستان و افسانه‌ها، با حقایق و تجارب زندگی از جمله شادی، غم و کامیابی و ناکامی، امیدواری و ناامیدی، عدالت و عادل، علم و عالم، دموکراسی و استبداد و... آشنا می‌شوند و خلاصه همه رنگ‌های زندگی را تجربه می‌کنند؛
۱۴ داستان و داستان‌گویی روحیه را تهذیب و عاطفه‌زیبادوستی کودکان را تغذیه می‌کند؛
۱۵ داستان‌نویس و قصه‌گو، ضمن بیان وقایع مهم اقوام، ملل و شخصیت‌های مهم تاریخ، الگوهایی را برای کودکان مجسم می‌سازد تا از گفتار و رفتارشان سرمشق بگیرند و پیروی کنند (شکل ۴۷).

نکته



- ۱ تأثیرات قصه و داستان، غیرمستقیم و نامرئی است. به‌طور غیرمستقیم راه را نشان می‌دهد و هدایت می‌کند، عبرت می‌دهد، موعظه می‌کند، تشویق می‌کند، می‌ترساند، امیدوار می‌کند. همه اینها به‌طور غیرمستقیم القا می‌شود و به همین جهت پایدار خواهد بود.
۲ قصه‌گویی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین روش‌های غیرمستقیم برای انتقال مفاهیم به دنیای مخاطبان، به‌ویژه کودکان، به‌شمار می‌آید. با ظهور تلویزیون و رایانه، بسیاری از ما استفاده از تخیل را متوقف کرده‌ایم؛ درحالی‌که قصه و قصه‌گویی به تخیل ما بال و پر می‌دهد.

فعالیت ۶۶



با کودکان و نوجوانان گفت‌وگو کنید و از آنها در مورد بهترین کتابی که خوانده‌اند سؤال کنید و ویژگی‌های کتاب را یادداشت کنید. فهرستی از کتاب‌های مناسب و ویژگی‌های آنها در کلاس گزارش دهید.

فعالیت ۶۷



فهرستی از قصه‌هایی را که در کودکی خوانده‌اید، تهیه کنید:
۱ بهترین قصه را مشخص کنید و دلایل آن را در کلاس گزارش کنید.
۲ قصه‌ای که خواندن آن شما را ناراحت کرده باشد، مشخص کنید و نکته مهم آن را در کلاس گزارش کنید.



به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید. فهرستی از کتاب‌هایی را که در دوران کودکی خوانده‌اید و یا برای شما خوانده شده است، تهیه کنید و با محتوای کتاب‌های امروزی مقایسه کنید. گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.



کودکان با خواندن قصه و داستان بین خود و قهرمان داستان یک نوع رابطه ایجاد می‌کنند و خود را به او نزدیک می‌نمایند؛ به گونه‌ای که از این رابطه احساس امنیت و آرامش می‌کنند. بنابراین، اقدامات و اعمال قهرمان قصه به عنوان نکته‌های مورد قبول آنان واقع می‌شود و این اعمال را شایسته به‌کارگیری در رفتار و حرکات خود تلقی می‌کنند و حتی به‌کارگیری این اعمال را نوعی ویژگی و افتخار برای خود می‌دانند. ذهن کودک کاملاً آماده برای پذیرش مطالب جدید است و از سوی دیگر همراهی با قهرمان قصه، باعث می‌شود که صفات و ارزش‌های وی با روح و جان کودکان آمیخته شود؛ به همین سبب است که وقتی قهرمان قصه، به‌خاطر خوبی و صداقت، مورد حسد واقع می‌شود، آنها از خود واکنش نشان می‌دهند و در این مورد سؤال‌هایی مکرر می‌کنند و سرانجام وقتی همین ویژگی؛ قهرمان داستان را نجات می‌دهد، عشق‌ورزی به این ارزش‌ها، همچون بذری در نهاد آنان افشاندن می‌شود و میل به گریز و پرهیز از کسانی که زشتی‌ها و بدی‌ها را منتشر می‌کنند، در وجود آنان بارور می‌شود. مریبان و والدین می‌توانند با ارائه داستان‌ها و قصه‌های زیبا درباره پیامبران و معصومین علیهم‌السلام و شخصیت‌های برجسته؛ از روش تربیتی قصه استفاده و ارزش‌های اخلاقی را در کودک نهادینه سازند.

معیارهای اساسی برای انتخاب کتاب



شکل ۴۸- انتخاب کتاب

کارشناسان ادبیات کودک دو معیار اساسی را برای انتخاب کتاب مطرح می‌کنند:

- مشخصات کتاب شامل ظاهر و محتوا
- تناسب کتاب با مراحل رشد و خصوصیات کودکان و نوجوانان (شکل ۴۸).

۱ مشخصات کتاب شامل ظاهر و محتوا

الف) ظاهر کتاب: باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ۱ **تصاویر:** تصاویر باید با موضوع کتاب هماهنگ، متناسب و گویا باشد و با سبک طبیعی نقاشی شود و از محیط زندگی کودکان الهام گرفته باشد.
- ۲ **نوع حروف و صفحه‌آرایی:** حروف ریز و صفحات پر از نوشته، کودکان را زود خسته می‌کند. کتاب کودک باید دارای صفحاتی کم حروف درشت و واضح باشد.
- ۳ **اندازه و حجم کتاب:** اندازه و حجم کتاب از نظر قابل حمل بودن و راحتی نگهداری آن در دست و ورق زدن صفحات آن مهم است.

۴ **مرغوبیت کاغذ و جلد:** مرغوب بودن جنس کاغذ و جلد کتاب طول عمر آن را افزایش می‌دهد و مانع کدر شدن آن پس از گذشت زمان می‌شود.

(ب) **محتوای کتاب:** در محتوای کتاب باید به نکات زیر توجه کرد:

۱ نویسنده در پی ارائه چه پیامی به مخاطب کتاب یعنی کودکان و نوجوانان است؟

۲ آیا به سطح درک مخاطبان توجه شده است؟

۳ آیا موضوع کتاب، جذاب و بیدارکننده قوه تخیل و کنجکاوی کودک هست؟

۴ آیا شخصیت‌ها و حوادث، طبیعی و برای کودک قابل فهم است؟

۵ آیا کلمات استفاده شده برای کودکان آشنا و قابل فهم است؟

۶ ناشر، نویسنده و تصویرگر کتاب چه کسانی هستند؟

به کتابخانه هنرستان بروید و دو کتاب انتخاب کنید. هر دو کتاب را از نظر مشخصات ظاهری و محتوا بررسی کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۶۹



۲ تناسب کتاب با مراحل رشد و خصوصیات کودکان و نوجوانان

معیار مهم دیگر در انتخاب کتاب، متناسب بودن آن با مراحل رشد کودک است. هر کتاب خوبی برای هر سنی مناسب نیست. روی جلد کتاب و در صفحه اول برخی از کتاب‌ها نوشته شده است: برای گروه سنی الف یا ب و... این گروه‌های سنی با تعریفی که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارائه شده، به شرح زیر است:

گروه سنی «الف»: شامل سال‌های قبل از دبستان است که از آن به دوره خردسالی یاد می‌شود. کودک در این دوره با تصاویر ارتباط بهتری برقرار می‌کند و در دوره دوم می‌توان از او انتظار درک روابط منطقی را در شکلی ساده داشت. در این دوره، خردسال قوه تخیل قوی دارد، اما توانایی درک حوادث پیچیده و روابط علی و معلولی را ندارد. رعایت ساده‌نویسی و جملات کوتاه، توجه به رنگ، اشکال و مفاهیم متضاد، تصویری و بدون متن، ترغیب به بازی‌های مشارکتی، تقویت حواس پنج‌گانه، برآورده کردن حس کنجکاوی، مهارت‌های ارتباطی بین اشیا و کلمات و لذت‌بخش بودن، از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب مناسب برای گروه سنی «الف» است.

گروه سنی «ب»: سال‌های آغاز دبستان (کلاس اول، دوم و سوم) را دربرمی‌گیرد؛ در این دوره کودکان توانایی درک روابط علی و معلولی و مسائل منطقی ساده را دارند، آنها زبان را یاد گرفته و خط را می‌شناسند و می‌توانند داستان‌های ساده را درک کنند. تقویت حرکات بدنی، داشتن قهرمان داستانی و هم‌ذات‌پنداری با قهرمان داستان، آموزش مستقیم و غیرمستقیم در نقش‌های متعدد، ترغیب به بازی‌های مهارتی، تقویت قوه تخیل و بازی‌های نمایشی و خیمه شب‌بازی، نکاتی هستند که باید در کتاب‌های این گروه سنی مورد توجه قرار بگیرند.

گروه سنی «ج»: دربرگیرنده سال‌های پایان دبستان (کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم) است؛ کودک در این دوره دارای تفکر انتزاعی می‌شود، توانایی درک بالایی دارد، به علت موضوع، توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد و آماده فعالیت‌های گروهی است. توجه به بازی‌های ساختنی و اکتشافی، حس رقابت‌جویی، ترویج و معرفی

بازی‌های گروهی، بیدار کردن ذوق کودک، آموزش رفتارهای اخلاق‌مدار یا تربیت اجتماعی و تعلیم مفاهیم با رعایت اصول و قوانین از ویژگی‌های کتاب‌های این دوره سنی است.

گروه سنی «د»: دوره اول متوسطه (کلاس‌های هفتم، هشتم و نهم) را شامل می‌شود؛ این دوره آغاز دوران نوجوانی است که با تغییرات جسمی، روحی و اجتماعی کودکان همراه است. در این دوران، آثاری که ویژگی‌های شخصیتی نوجوان از جمله کنجکاوی، پرسشگری و تجربه‌های جدید را منعکس می‌کنند، می‌تواند مناسب باشد. آموزش غیرمستقیم حقوق شهروندی، پرورش استعدادها، فردی و اجتماعی، معرفی صحیح جنس مکمل و انتخاب آثاری که از تقابل جنسی به دور باشد و هدایت کودک به سمت مشارکت‌های اجتماعی، از ویژگی‌های کتاب برای این گروه سنی است.



شکل ۴۹- تناسب کتاب با مراحل رشد

گروه سنی «ه»: دربرگیرنده دوره دوم متوسطه (کلاس‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) است؛ در این دوره، نوجوانان درگیر تنش‌های بسیاری برای پیدا کردن شخصیت خود هستند و در جریان این تنش‌ها، آثاری که الگوی مناسبی به آنها ارائه می‌دهد، می‌تواند مورد توجه باشد (شکل ۴۹).

فهرستی از ناشران، نویسندگان و شاعران کتاب‌های کودک و نوجوان تهیه کنید.

فعالیت ۷۰



فهرستی از کتاب‌های قصه یا داستانی را با توجه به گروه سنی تهیه کنید.

فعالیت ۷۱



در گروه‌های کلاسی، موارد زیر را با همکاری یکدیگر انجام دهید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

۱ قصه‌های قدیمی را از مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها یا والدین خود بپرسید و آنها را بنویسید و گردآوری کنید.

فعالیت ۷۲



۲ با انتخاب یک کتاب مناسب برای گروه سنی الف، شخصیت‌ها را به صورت عروسک انگشتی تهیه کنید و داستان را در کلاس برای سایر دوستانتان اجرا کنید.

هدف توانمندسازی ۱۱: هنرجو بتواند نقش بازی و اوقات فراغت کودکان در تعلیم و تربیت آنها را توضیح دهد.

بازی و کودک

در گروه‌های کلاسی، یک بازی مانند گرگم به هوا یا توپ‌بازی را مطرح کنید و در مورد هدف بازی و تأثیرات آن بر رشد همه جانبه کودک گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۷۳



شکل ۵۰- بازی کودکان



شکل ۵۱- بازی کودکان با هم

بازی، نقش حیاتی و مهمی در زندگی کودکان دارد و وسیله‌ای برای کسب مهارت‌های زندگی، رشد خلاقیت، بسط قدرت تخیل و ایجاد یک تصویر ذهنی مثبت از فرد است. بازی ارتباط فکر و عمل است. حق بازی برای کودکان باعث احساس رضایت و خشنودی آنان می‌شود. براساس عهدنامه حقوق کودک^۱؛ بازی و تفریح، حق کودک شمرده شده است؛ پس ضروری است که امکانات لازم را برای فعالیت‌های تفریحی آنان فراهم کرد (شکل ۵۰).

بیشتر بازی‌ها منجر به رشد جسمی - حرکتی، ذهنی، کلامی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی کودکان می‌شود. همچنین آموزش‌های تربیتی را می‌توان در خلال بازی‌ها به کودک آموخت و به راحتی کودک را در مسیر درست تربیت کرد. از خلال بازی‌های کودک نیز می‌توان به شرایط عاطفی کودک، احساسات و افکار او پی برد. بنابراین، بسیار لازم است که مربیان به اهمیت بازی در زندگی کودکان توجه داشته باشند و شرایط لازم را برای بازی‌های مناسب آنان فراهم سازند.

علاوه بر همه اینها جست‌وخیز و نشاط در بازی از نیروهای زیباکننده زندگی است. تماشای کودکان هنگام بازی و شیطنت برای والدین و مربیان و دیگران دیدنی و سرگرم‌کننده و لذت‌بخش است (شکل ۵۱).

۱. کنوانسیون حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۸۹ (۲۳) ماده ۳۱



فعالیت‌های زیر را انجام دهید:

- ۱ فهرستی از بازی‌ها برای کودکان و بزرگسالان ارائه دهید.
- ۲ تجربه خود از مشاهده بازی جانوران را ارائه کنید.
- ۳ فهرستی از بازی‌های مورد علاقه خود ارائه کنید.



چند نمونه بازی کودکانه طراحی کنید و در کلاس ارائه دهید.

ارزش بازی

تردیدی نیست که بازی فعالیت اساسی کودکان است و کودکان از طریق آن دنیای اطرافشان را می‌شناسند و آن را تجربه می‌کنند. کودکان در حین بازی می‌توانند به نتیجه رفتار خود پی ببرند و دیدگاه‌ها و احساساتشان را بیان کنند. کودکان در بازی فرصت می‌یابند از طریق خیال‌پردازی آرزوهایشان را به واقعیت نزدیک کنند، بر نگرانی‌ها و اضطراب خود فائق آیند و بالاخره کودکان در حین بازی می‌توانند به توانایی‌های جسمی خود پی ببرند و در تقویت و ایجاد مهارت‌های خود کوشش کنند. از این‌رو ارزش بازی در ابعاد گوناگون همچون ارزش جسمانی، عاطفی، شناختی و اخلاقی قابل توجه است.

ارزش جسمانی بازی: فعالیت‌های کودک از بدو تولد مانند دست و پا زدن، چنگ زدن و گرفتن، هر چند با اهداف مختلف صورت می‌گیرد، اما لذت‌بخش بودن این فعالیت‌های بازی‌گونه هدف برتر است. این لذت در کودک رضایت ایجاد می‌کند و انگیزه حرکت و یا فعالیت بعدی می‌شود (شکل ۵۲).



شکل ۵۲- ارزش جسمانی بازی



فهرستی از بازی‌های کودکانه برای پرورش ارزش جسمانی بازی در کلاس ارائه دهید.

ارزش اجتماعی بازی: کودکان از همان ابتدای تولد نسبت به محیط اطرافشان حساسیت نشان می‌دهند. در واقع محیط زندگی به مثابه اجتماع کوچکی است که کودک با قوانین گوناگون آشنا می‌شود و با افراد مختلف تماس پیدا می‌کند. بازی بیش از هر چیز یک تمرین اشتراکی است و کودک در طی این تمرین‌ها فرصت می‌یابد احساسات اجتماعی خود را ارضا کند. بازی‌هایی همچون دزد و پلیس و دکتربازی در مدرسه،

آمدگی کودکان را برای شناخت مشاغل اجتماعی بالا می‌برد و حدود اختیارات آنها را آشکار می‌سازد. بازی به



کودک فرصت می‌دهد که تنها به خود نیندیشد و به اطرافیان نیز توجه کند و آنها را به حساب بیاورد. کودک از طریق بازی به ارزش دیگران پی می‌برد و یاد می‌گیرد برای رسیدن به هدف چگونه نقشه بکشد و چگونه با تلاش، موانع و مشکلات را رفع کند (شکل ۵۳).

شکل ۵۳- ارزش اجتماعی بازی

فهرستی از بازی‌های کودکانه را برای پرورش و رشد اجتماعی کودکان، در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۷۷



ارزش عاطفی بازی: حتماً بارها و بارها دیده‌اید که کودکی زمان بازی با عروسک خود، آن را می‌نوازد و یا برعکس آن را می‌زند و به گوشه‌ای پرتاب می‌کند. کودکان در بیان احساسات خود بسیار صادق و صریح هستند و چه بسا قاطعانه به شما می‌گویند که دوستتان دارند و یا علاقه‌ای به شما ندارند. آنها در بازی نیز به آسانی احساسات و ایده‌های خود را بیان می‌کنند. در واقع بازی به کودک فرصت می‌دهد تا امیال و گرایش‌های خود را مطرح و بر آنها غلبه کند، به عبارت دیگر بین عواطف و خواسته‌های متضادش تعادل برقرار کند. پیازه این کار را بازی جبرانی می‌نامد (کودک از طریق بازی قادر می‌شود تا اعمال ناخوشایندی را از ذهن خود پاک کند یا به عبارت دیگر آن حالت ناخوشایند را فراموش کند (شکل ۵۴)).



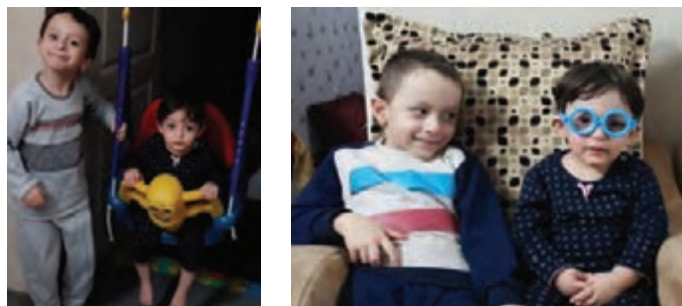
شکل ۵۴- ارزش عاطفی بازی

فهرستی از بازی‌های کودکانه را برای پرورش و هدایت عاطفی کودکان در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۷۸



ارزش اخلاقی بازی: در کلیه بازی‌های کودک می‌توان ردپای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را مشاهده کرد. کودک در طی بازی‌ها با بسیاری از مفاهیم از جمله خوب و بد، حق و ناحق، راست و غلط و مواردی از این قبیل آشنا می‌شود یا برخورد پیدا می‌کند. مفاهیم در زندگی واقعی معنای عمیق‌تری دارند. اما بازی‌ها در محدوده کوچک‌تر



شکل ۵۵- ارزش اخلاقی بازی

و ساده‌تر بارها و بارها می‌توانند حضور داشته باشند و در رفتار او تأثیر بگذارند. بازی‌ها مضامین اخلاقی گوناگون دارند. مثلاً بازی عموزنجیرباف و یا گرگم و گله می‌برم، ارزش مناسبات دوستانه به اتحاد و یگانگی و همکاری بین بازیکنان کمک می‌کند و کودک در حین بازی به معنای مفاهیمی چون دوستی، مشارکت و مهربانی پی می‌برد (شکل ۵۵).

فعالیت ۷۹



فهرستی از بازی‌های کودکانه را برای پرورش ارزش اخلاقی کودکان، در کلاس ارائه دهید.

ارزش شناختی بازی: اسباب بازی‌ها و هم بازی‌ها هر یک به نحوی توجه کودک را نسبت به محیط اطراف افزایش می‌دهند. در واقع درک کودک از محیط اطراف شامل ادراکات و اشیایی است که با آنها تجربه مستقیم دارد. کودک در ارتباط با محیط اطرافش ابتدا کارهایی را که به صورت تصادفی کشف شده‌اند تکرار می‌کند، سپس از طریق آزمایش و خطا و جست‌وجو، آن کار را ادامه می‌دهد تا به صورت برنامه هم‌هنگ عمل کند.

واکنش نسبت به اشیای جدید و ناشناخته از کودکی آغاز می‌شود؛ در واقع کودک در ارتباط با اشیای جدید چهار مرحله را طی می‌کند که هر یک به نوبه خود پایه و اساس شناخت او را فراهم می‌سازند. جست‌وجو، دست‌کاری، تمرین و تکرار سه حالت اول، بیشتر حالت تجربه آموزی دارد. بازی از زمانی شروع می‌شود که کودک برای کسب



شکل ۵۶- ارزش شناختی بازی

لذت آن فعالیت را اجرا می‌کند. درک و شناخت کودک از جهان، پر از تعارض و تناقض است و تا زمانی که کودک به تعادل نرسد، نمی‌تواند برداشت درستی از جهان پیرامونش داشته باشد. شناسایی او از جهان پیرامونش نیز در بازی‌ها متجلی می‌شود (شکل ۵۶).

فعالیت ۸۰



فهرستی از بازی‌های کودکانه را برای پرورش ارزش شناختی (ذهنی) کودکان در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۱۲: هنرجو بتواند از نقش بازی در تعلیم و تربیت کودکان گزارشی را ارائه دهد.

با توجه به آنچه در مورد بازی یاد گرفتید، آیا می‌توانید بازی‌ها را با توجه به ارزش‌های آن طبقه‌بندی کنید؟ در این مورد با هم‌گروه‌های خود گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۸۱



انواع بازی

بازی از جنبه‌های گوناگونی قابل تقسیم است که در زیر به برخی از انواع آن اشاره می‌شود.

- ۱ بازی جسمی:** از قدیمی‌ترین نوع بازی‌هاست، به ابزار مخصوص نیازمند نیست و به هر دو صورت فردی و گروهی انجام می‌شود.
- ۲ بازی نمایشی:** کودک در تقلید از بزرگ‌ترها از لباس و وسایل مخصوص آنها استفاده می‌کند، مانند پسری که کت پدر را بر تن می‌کند و یا دختر بچه‌ای که کفش پاشنه‌دار مادر را پوشیده و به زحمت راه می‌رود.
- ۳ بازی تقلیدی:** کودک به تقلید نقش‌هایی می‌پردازد که آنها را باور کرده است، معمولاً بهترین شخصیت‌ها برای شروع ایفای نقش کودک، والدین، برادران، خواهران و دوستان هستند.
- ۴ بازی نمادین:** کودک نیازها و آرزوهای خود را با استفاده از وسایل نمادین و از طریق بازی بیان می‌کند؛ برای مثال کودک بر تکه چوبی سوار می‌شود و این طرف و آن طرف می‌رود مانند اینکه سوار بر اسبی شده و آن را هدایت می‌کند.
- ۵ بازی آموزشی:** مهم‌ترین وسیله آموزش کودک، استفاده از وسایل مناسب است؛ مانند مکعب‌های چوبی که کودک با جور کردن و دسته‌بندی کردن آنها می‌تواند با مسائل اساسی اما ساده و آسان ریاضی آشنا شود.
- ۶ انواع بازی‌ها براساس تعداد نفرات:** مانند بازی‌های فردی و گروهی.
- ۷ انواع بازی براساس مراحل رشد کودک:** بازی‌ها را در سنین و دوره‌های مختلف رشد معرفی می‌کند.
- ۸ انواع بازی براساس استفاده از وسیله بازی:** مانند بازی با اسباب بازی و بدون آن.

اسباب بازی‌ها وسایلی هستند که در بازی همراه کودک‌اند و به او الهام می‌بخشند. این وسیله‌ها می‌تواند دارای ساختاری از قبل تعیین شده مثل عروسک، توپ و ماشین باشد یا وسیله را خود کودک بسازد؛ مانند وقتی که به وسیله یک قطعه چوب، تفنگ می‌سازد و یا با یک تکه پارچه عروسک درست می‌کند. کودک در طی بازی به بازیچه‌های خود روح می‌بخشد و آنها را جزئی از خود می‌داند و با احساسات آنها را در آغوش گرفته و یا آنها را می‌شکند.

کودکان به تدریج به‌ویژه از سال‌های مدرسه، به بازی با وسایل مختلف و اسباب بازی علاقه‌مندتر می‌شوند و خود را مالک آنها احساس می‌کنند و از بازی با آنها لذت می‌برند. تاریخچه اسباب‌بازی به درازای تاریخ بشر است. قدمت بعضی از اسباب‌بازی‌ها مثل جغجغه، مهره‌ها و وسایل خاله بازی، بادبادک، فرفره و بالاخره عروسک ریشه در تاریخ کهن دارد.

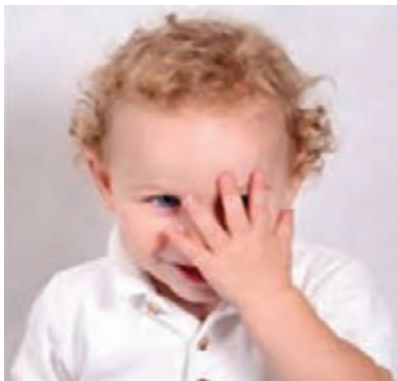
بیشتر بدانید





در گروه‌های کلاسی، بازی‌های زیر را انجام دهید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.
 الف) بازی‌های بدون اسباب‌بازی مانند سایه‌بازی، جمع کردن سنگ‌ها و برگ‌های مختلف، دانه‌های گیاهان و...
 بازی با اسباب‌بازی مانند انواع جورچین‌ها، عروسک‌ها و ...
 ب) هر گروه یک اسباب‌بازی طراحی کرده و آن را بسازید و به کلاس آورید.
 ج) هدف بازی با اسباب‌بازی و تأثیر آن بر کودک را در گزارش ارائه دهید.

انواع بازی در مراحل رشد کودک



شکل ۵۷- دالی بازی

۱ نوزاد در ابتدا با دست و پا زدن بازی می‌کند و کمی که بزرگ‌تر شد از بازی «دالی» لذت می‌برد. به‌طور کلی تا سه‌سالگی فعالیت جمعی در بازی به چشم نمی‌خورد (شکل ۵۷).



شکل ۵۸- خیال‌ورزی در بازی با گل و خاک

۲ در سه تا شش‌سالگی، قدرت خیال‌ورزی کودک افزایش می‌یابد و با علاقه زیاد به بازی با گل و خاک می‌پردازد (شکل ۵۸).



شکل ۵۹- فعالیت بدنی

۳ در شش تا هفت‌سالگی، کودک به فعالیت بدنی زیاد و پر جست‌وخیز می‌پردازد (شکل ۵۹).



شکل ۶۰- طرح و برنامه برای بازی

۴ در هشت‌سالگی مهارت‌های بازی کودک به حداکثر می‌رسد و او به فکر طرح و برنامه برای بازی می‌افتد. کودکان در این سن مایل به ساختن وسایل، انجام دادن کارهای دستی، نگهداری حیوانات، جمع‌آوری اشیای مختلف (کلکسیون) و حل کردن بازی‌های معمایی و حدس زدن هستند (شکل ۶۰).



شکل ۶۱- بازی مشارکتی

۵ کودکان از هشت تا دوازده‌سالگی مایل‌اند مشارکت گروهی داشته باشند و برای بازی‌های خود گروه تشکیل می‌دهند. زمان بازی‌ها نیز افزایش می‌یابد و رفتارهای تهاجمی و آسیب‌زننده از سوی کودکان دیده می‌شود. به تدریج از ده تا سیزده چهارده‌سالگی، کودکان و نوجوانان به فعالیت‌های شدید و ماجراهای پرهیجان علاقه‌مند می‌شوند و در کنار آن از بازی‌های آرام، مطالعه و تماشای برنامه‌ی دلخواه تلویزیونی نیز لذت می‌برند (شکل ۶۱).

توصیه‌های تربیتی به والدین برای بازی کودکان

برای بازی تأثیرگذارتر کودکان، توصیه‌های تربیتی زیر به والدین پیشنهاد می‌شود:

- ۱ بازی کودکان را جدی بگیرید و زمینه‌ی ادامه بازی کودکان را فراهم آورید.
- ۲ برای کودکان با توجه به سن و ویژگی‌های رشدشان اسباب‌بازی بخرید و در خرید اسباب‌بازی به ایمنی، سن، تنوع و کاربرد آن توجه کنید.
- ۳ مکان مشخصی را به بازی کودکان اختصاص دهید، جای خاصی را برای انبار کردن وسایل بازی در نظر بگیرید. از ابتدا به کودک بیاموزید که وسایل بازی خود را پس از بازی جمع کند و هر وسیله را در جای مخصوص خود قرار دهد. اسباب‌بازی‌ها را نیز در ظروف دردار بگذارید تا قطعات آن گم نشود.
- ۴ با کودکان بازی کنید و گاهی در حکم همبازی، وارد بازی شوید و گاهی به صورت طراح بازی زمینه را برای آنها فراهم سازید.
- ۵ به بازی کودکان چه زمانی که انفرادی بازی می‌کنند و یا با همبازی‌های خود مشغول بازی هستند، توجه کنید. به‌هنگام بازی در پارک‌ها، بزرگ‌ترها حتماً باید نظارت داشته باشند و فضای بازی نباید محل عبور و مرور ماشین و موتورسیکلت باشد.
- ۶ در انتخاب اسباب‌بازی‌های بزرگ مانند تاب و سُرُسره به سن کودکان توجه کنید. در طی بازی احترام به خود و دیگران و نیز رعایت قوانین را به کودکان گوشزد کنید.
- ۷ به بازی کودکان اهمیت دهید، زیرا در بازی‌هاست که زندگی آنها شکل واقعی به خود می‌گیرد.
- ۸ تلاش کنید تا بازی‌های کودکان متناسب با فرهنگ و ارزش‌های خانواده و جامعه باشد.

- ۹ در بازی کودکان دخالت نکنید، اما راهنما و کمک‌کننده خوبی برای آنها باشید. از طریق همبازی شدن با کودکان راه دوستی‌ها را باز کنید و راه پنهان کاری‌های دوره نوجوانی را ببندید.
- ۱۰ برای توقف بازی بچه‌ها امر و نهی نکنید. نوع و مدت بازی فرزندان خود را طوری تنظیم و کنترل کنید که از فشارهای هیجانی و روحی بیش از اندازه دور باشد (به‌ویژه بازی‌های رایانه‌ای).
- ۱۱ به مطالب و نحوه بیان کودکان هنگام بازی به خوبی توجه کنید، زیرا احساسات و مشکلات زندگی واقعی آنها در بازی نمایان می‌شود.
- ۱۲ برای انتخاب همبازی‌های خوب، فرزند خود را غیرمستقیم راهنمایی کنید، زیرا رفتارهای همبازی‌های خوب تأثیر بسیار مثبتی در آینده او خواهد داشت.
- ۱۳ اگر در حضور فرزندتان، با وسایل موجود در خانه، برای او اسباب‌بازی (اتومبیل، عروسک و...) بسازید، ارتباط عاطفی میان شما و کودکان تقویت خواهد شد.



شکل ۶۲- خرید اسباب‌بازی مناسب سن کودک

- ۱۴ هنگام خرید اسباب‌بازی توجه داشته باشید که اسباب‌بازی باید بتواند قدرت خلاقیت و سازندگی فرزندتان را رشد دهد. وسایل بازی جور کردنی مانند جورچین (پازل‌ها)، خمیربازی، اسباب‌بازی‌های مناسبی به‌شمار می‌روند. همچنین در موارد خاص متناسب با جنسیت کودک برای او اسباب‌بازی خریداری شود، مانند عروسک برای دختران (شکل ۶۲).
- ۱۵ کودکان باید به مجموعه‌ای از بازی‌های جسمی، اجتماعی، عاطفی و ذهنی بپردازند. هنگامی که فقط یکی از بازی‌ها مانند بازی‌های رایانه‌ای را انجام دهند، از رشد اجتماعی، جسمی و عاطفی محروم می‌شوند و احتمال بروز عصبانیت و پرخاشگری در آنها افزایش می‌یابد.

در گروه‌های کلاسی موارد زیر را انجام دهید:

- ۱ یک عروسک با نمد یا پارچه تهیه کنید.
- ۲ پازل چندتکه‌ای و یا پازل مکعبی بسازید.

فعالیت ۸۳



اوقات فراغت و نقش آن در تربیت کودکان

فراغت به زمان‌هایی گفته می‌شود که افراد کار ضروری برای انجام ندارند و معمولاً در این مواقع تمایل به انجام فعالیت‌های فرح‌بخش و نشاط‌آور بیشتر می‌شود. اوقات فراغت زمان‌هایی است که فرد آن را طبق تمایل شخصی خود و برای خود تنظیم می‌کند و برنامه آن در مورد هر کس متفاوت است و به سلیقه، نیازهای روحی، سن و توان مالی فرد بستگی دارد.

نیاز به فراغت، استراحت و تجدید قوا ویژگی فطری انسان و سایر موجودات زنده است. حیوانات اهلی لحظاتی را در روز به استراحت یا بازی و فعالیت‌های لذت‌بخش می‌پردازند. گوسفندان پس از چرا و نشخوار مدتی به نوای نی

شایستگی ۷: به کارگیری اصول تعلیم و تربیت فرزند



شکل ۶۳- گذراندن اوقات فراغت

چوپان گوش می‌سپارند. پرندگان لحظاتی آرام می‌گیرند و درختان در فصلی از سال استراحت می‌کنند. اما انسان برای بهره‌گیری مطلوب از اوقات فراغت به برنامه‌ریزی نیاز دارد (شکل ۶۳).

در اوقات فراغت، انسان با کمال میل و بدون هیچگونه اجبار، به فعالیت‌های داوطلبانه و متنوع می‌پردازد. از انجام آن لذت می‌برد و در نهایت به رضایت خاطر می‌رسد.

نکته



بهترین برنامه یا برنامه‌های گذران اوقات فراغت خود را به یاد آورید. چه تأثیری بر شما گذاشته است؟ آن را با دوستان خود به اشتراک بگذارید.

فعالیت ۸۴



توجه به اوقات فراغت سبب بهبود و شکوفایی جسم و روان کودک و خانواده می‌شود. بی‌توجهی به چگونگی گذران اوقات فراغت، با اینکه چیزی مانند گرسنگی نیست که کودک آن را احساس و اعلام کند، بر کودک تأثیر منفی می‌گذارد و به شکل رفتارهایی مانند ناسازگاری، خراب‌کاری، بهانه‌گیری و لجبازی نمایان می‌شود، اما خانواده، که معمولاً آنها را ریشه‌یابی نکرده است، چه بسا با برخوردهای غلط، مشکل کودک را نیز بیشتر می‌کند. آثار مثبت و مهم اوقات فراغت بر کودک عبارت‌اند از:

۱ رفع خستگی و تجدید قوا، به گونه‌ای که کودک برای انجام فعالیت‌های جدی و وظایف درسی‌اش آماده می‌شود؛

۲ تخلیه نیروها و انرژی اضافی کودک در جریان فعالیت‌ها در اوقات فراغت؛

۳ تخلیه فشارهای روانی کودک که می‌تواند به سلامت روانی او کمک کند؛

۴ شکوفایی خلاقیت کودکان در جریان فعالیت و تلاش برای مواجهه با مشکلات و یافتن راه‌های ابتکاری برای آنها؛

۵ ایجاد فرصت آموزش موضوعات مختلف به‌طور غیرمستقیم (شکل ۶۴).



شکل ۶۴- آموزش در برنامه‌های اوقات فراغت

والدین و اوقات فراغت کودکان



شکل ۶۵- انجام فعالیت‌های مختلف

توجه والدین به اهمیت و چگونگی گذران اوقات فراغت بسیار مهم و تعیین کننده است؛ زیرا برنامه زندگی کودک (تحصیل، فراغت و...) را عمدتاً والدین مشخص می کنند.

به همین دلیل، چنانچه والدین متوجه اهمیت یا اصول و روش‌های درست گذراندن اوقات فراغت نباشند، به جای آنکه کودکان از مزایای آن بهره‌مند شوند، دچار ناخرسندی و مشکلات متعدد خواهند شد (شکل ۶۵).

دلایلی که ممکن است والدین به این موضوع بی توجه باشند یا با روش درست به آن نپردازند، عبارت‌اند از:

۱ بی‌اطلاعی و ناآگاهی از ضرورت توجه به اوقات فراغت؛

۲ اهمیت ندادن و جدی نگرفتن موضوع؛

۳ بدون برنامه بودن والدین در زندگی روزمره که موجب ناتوانی آنها در برنامه‌ریزی برای فرزندان آنها می‌شود. در واقع مشکل این افراد ناتوانی در تصمیم‌گیری است. بی‌خبری والدین از نیازها و استعدادها و استعدادهای فرزند خود که مانع برنامه‌ریزی واقع‌بینانه می‌شود، یکی از مهم‌ترین مشکلات خانواده‌هاست. خانواده‌ها گاهی بچه‌ها را به حضور در کلاس‌های مختلف و متعدد ملزم می‌کنند و آنها را بدون شناخت وضع و نیازهای واقعی‌شان در فعالیت‌های گوناگون درگیر می‌نمایند.

از این‌رو، به والدین توصیه کنید، تلاش کنند و به کودکان نیز بیاموزند که همیشه اوقات کار، استراحت و فراغت را از هم جدا کنند.

یکی از مشکلات خانواده‌ها این است که نمی‌توانند اوقات کار را از اوقات استراحت جدا کنند و ساعاتی را فقط به استراحت یا پرداختن به سرگرمی دلخواه خود بگذرانند.

کودک‌انی را که در خانواده و اطرافتان هستند، در نظر بگیرید. گذران اوقات فراغت آنها را بررسی کنید و نتیجه بررسی خود را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۸۵



اصول برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت

رعایت اصول زیر برای داشتن برنامه‌ای مفید و مؤثر توصیه می‌شود:

۱ علاقه‌ها، اقتضای سنی و نیازهای کودکان را در نظر بگیرید.

۲ برنامه را با هم‌فکری و مشارکت کودکان تنظیم کنید.

۳ تنظیم برنامه فقط برای پرکردن وقت خالی نباشد، بلکه در برنامه‌ریزی هدف مشخصی را تعیین کنید.

۴ برنامه گذران اوقات فراغت را به کودکان تحمیل نکنید.

- ۵ برنامه‌ای تنظیم کنید که نیازمند زمان طولانی نباشد، زیرا کودکان تحمل برنامه سنگین و طولانی را ندارند و زود خسته می‌شوند.
- ۶ برنامه را به گونه‌ای تنظیم کنید که انعطاف داشته باشد و بتوان هنگام ضرورت آن را تغییر داد، وگرنه حالت تحمیلی به خود می‌گیرد و برنامه‌ای لذت‌بخش و خوشایند نخواهد بود.
- ۷ توجه داشته باشید که برنامه به‌طور مستقیم به رشد مهارت‌های درسی کودک نیز کمک کند و به‌ویژه مشکل جدایی از مدرسه و عادت‌های درسی و مطالعه را در فصل تابستان حل کند.
- ۸ برنامه‌ای تنظیم کنید که هنگام اجرا و همچنین در پایان برنامه، بتوان آن را ارزیابی کرد و تشخیص داد که برنامه‌ای مفید بوده است و یا خیر (شکل ۶۶).



شکل ۶۶- تقویت روحیه همکاری در برنامه‌های اوقات فراغت

- ۹ در تنظیم برنامه، هزینه‌ها را در نظر بگیرید و برنامه را متناسب با امکانات خانواده طراحی کنید. با کسب اطلاعات از مراکز دولتی تا حد امکان از مراکز و امکانات عمومی استفاده کنید.
- ۱۰ به تفاوت‌های میان دختران و پسران در تنظیم برنامه دقت کنید.
- ۱۱ بهتر است والدین ساعتی از اوقات فراغت خود را با فرزندان خود بگذرانند و برنامه‌ای مشترک داشته باشند.

محورهای پیشنهادی برای برنامه گذران اوقات فراغت کودکان در خانواده



شکل ۶۷- شرکت در برنامه‌های مذهبی

اگر خانواده‌ها با گذران اوقات فراغت فرزندان خود آگاهانه برخورد کنند، امکان تهیه و تنظیم برنامه‌ای مناسب برای آنان خواهند داشت. از برنامه‌های زیر می‌توان برای پُرکردن اوقات فراغت کودکان استفاده کرد:

حضور در مساجد و مکان‌های مذهبی، شرکت در برنامه‌های مذهبی و عبادی، نمازهای جمعه و جماعت، سخنرانی‌های مذهبی و... (شکل ۶۷).

- **پرداختن به ورزش:** ورزش فعالیت‌ی ضروری برای تأمین سلامت انسان و تحرکی سودمند در اوقات فراغت است. این برنامه از نرمش ده دقیقه‌ای در روز تا شرکت در کلاس‌های ورزشی را دربر می‌گیرد. برای برخی فعالیت‌های ورزشی، دختران به سالن و فضای بسته نیاز دارند. تردیدی نیست که خانواده‌ها مسئول مراقبت و حفاظت اعضای خود هستند.



شکل ۶۸- مطالعه کتاب

اما این تصور غلط است که تنها زمانی باید به دختران اجازه شرکت در فعالیت‌ها داد که امکانات آماده برای ورزش و فراغت آنها وجود داشته باشد. خانواده‌ها باید خودشان سعی کنند تا فرصت‌هایی را برای دختران فراهم کنند.

■ برنامه مطالعه، این برنامه شامل مطالعه کتاب، مجله و روزنامه‌های مناسب کودکان می‌شود. توجه داشته باشید مطالعه به تنهایی نمی‌تواند برنامه اوقات فراغت باشد، زیرا کودک پس از گذشت زمانی کوتاه خسته و سرخورده می‌شود (شکل ۶۸).



شکل ۶۹- رفتن به سالن‌های سینما و تئاتر

■ تماشای برنامه‌های مناسب کودکان در تلویزیون و دستگاه‌های نمایش فیلم (ویدیو، رایانه و...) والدین باید کاملاً مراقب باشند که کنترل برنامه در اختیارشان باشد و خودشان تعیین کنند که کودکان چه مدتی را به این برنامه اختصاص بدهند. این مدت به‌طور متوسط بیش از دو ساعت در روز نباشد، زیرا هرچه وقت کودکان و دیگر اعضای خانواده صرف تماشای تلویزیون شود، ارتباط کلامی (گفت‌وگویی) اعضای خانواده با یکدیگر نیز کمتر می‌شود.

■ فعالیت‌های هنری مانند کاردستی، نقاشی، خطاطی و...؛

■ رفتن به سالن‌های سینما و تئاتر همراه اعضای خانواده (شکل ۶۹)؛

■ ارتباط با اعضای فامیل، دید و بازدید اقوام و بازی با کودکان فامیل؛

■ بازدید از مکان‌های دیدنی مانند موزه‌ها و آثار باستانی، نمایشگاه‌ها، باغ وحش و...؛

■ حضور در طبیعت، مانند کوه‌نوردی، رفتن به پارک، جنگل، گردش در طبیعت و...؛

■ بازی و مصاحبت با دوستان با نظارت مستقیم والدین؛

■ مسافرت با اعضای خانواده حتی مسافرت‌های یک روزه و کوتاه‌مدت.

موارد زیر را انجام دهید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید:

هر هنرجو برنامه‌ای برای گذران اوقات فراغت خود و خانواده‌اش طراحی کند. در این برنامه توجه به اصول پیشنهادی ذکر شده ضرورت دارد.

۱ برنامه‌های تنظیم شده را در کلاس ارائه دهید.

۲ مفیدترین و عملی‌ترین پیشنهادها را با راهنمایی هنرآموز روی تخته کلاس ارائه دهید و آن را بررسی کنید.

۳ برای یکی از کودکان خانواده یا اطرافیان‌تان چگونگی اوقات فراغت را برنامه‌ریزی کنید و اجرای آن را برای یک هفته برعهده بگیرید.

۴ اشکال‌ها و موانع کار را در فرایند اجرا بررسی کنید.

۵ برنامه و نحوه اجرای آن را در کلاس ارائه دهید.



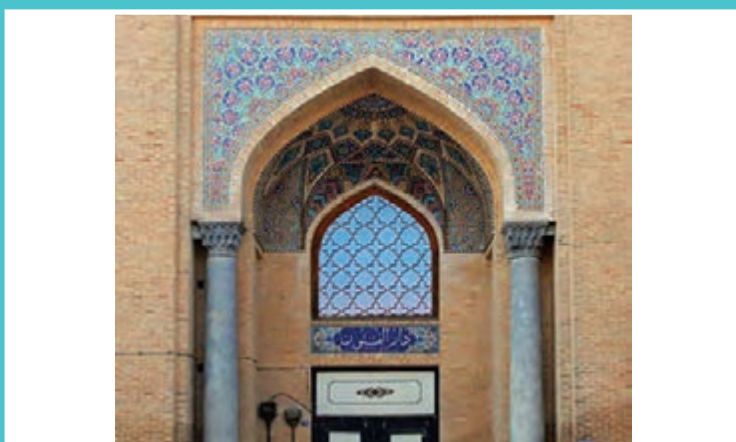
فعالیت‌های پایانی

- ۱ مبینا ۹ سال سن دارد و همیشه در تنهایی با خود بازی می‌کند. با توجه به این شرایط سنی، کدام دسته بازی برای او مناسب‌تر است؟
- ۲ والدین مبینا برای تعطیلات تابستان او را در کلاس‌های تقویتی ریاضی و علوم ثبت نام کرده‌اند. آیا با توجه به فصل تابستان این اقدام والدین می‌تواند برنامه مناسبی برای او باشد؟
- ۳ علی کلاس دهم است. والدین او قصد دارند از نمایشگاه کتاب برای او چند کتاب بخرند. به نظر شما از کدام گروه باید کتاب انتخاب کنند؟
- ۴ علی هرگاه با اسباب‌بازی‌های خود بازی می‌کند، پیچ و مهره‌های آن را باز می‌کند و سعی می‌کند آنها را مجدداً بازسازی کند؟ به نظر شما آیا این کار او هنگام بازی می‌تواند نشان‌دهنده موضوع خاصی از توانایی یا علایق او باشد؟



شایستگی ۸

آموزش نحوه همکاری خانواده با مدرسه و سایر مراکز آموزشی



دارالفنون از مدارس نوین ایران است که در سال ۱۳۲۰ شمسی به دستور امیرکبیر برای آموزش علوم جدید در تهران تأسیس شد. به راستی که دانش، مایه حیات دل‌ها، روشن‌کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان است.^۱ (امام علی علیه السلام)

زمان: ۱۹ ساعت (نظری ۱۲ ساعت + عملی ۷ ساعت)

واحد یادگیری ۱: برقراری ارتباط با مدیر، معلم و سایر کارکنان هنرستان

استاندارد عملکرد

توسعه ارتباط با مدیر، معلم و سایر کارکنان هنرستان از طریق شناخت وظایف و شرایط اولیا و کارکنان مراکز آموزشی و اجرای برنامه‌های آموزشی براساس دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت وظایف و شرایط کارکنان مراکز آموزشی
- ۲ آشنایی با روش‌های همکاری با هنرستان

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری قوانین هنرستان
- ۲ شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها
- ۳ مسئولیت‌پذیری
- ۴ همکاری و مشارکت

هدف توانمندسازی ۱: هنرجو بتواند ارتباط مفید و مؤثری با مدیر، معلم و سایر کارکنان مدرسه داشته باشد.

نیاز انسان به آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)



شکل ۱- کلاس درس

به تصویر روبه‌رو با دقت نگاه کنید و در مورد آن با هم‌گروه‌های خود گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۱



آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است. انسان از بدو تولد نیازمند آموزش است و تنها بخش کوچکی از مهارت‌ها مانند مکیدن شیر به‌طور غریزی در او وجود دارد. آموزش و پرورش از آغاز ظهور انسان بر روی کره زمین به دلیل توانایی و نیاز ذاتی او به یادگیری وجود داشته است. کودک با بزرگ شدن در خانواده و با تماشای رفتار بزرگترها می‌آموزد که چگونه باید زندگی کند و مهارت‌های لازم برای حفظ زندگی خودش را از اولین مرکز آموزشی یاد می‌گیرد. به تدریج که بزرگ می‌شود آموزش او از خانواده فراتر می‌رود و محیط بزرگ اجتماع، کلاس درس او می‌شود. افزایش علم و دانش می‌تواند به گستردگی و عمق دیدگاه او به خودش و دنیای اطرافش کمک کند. انسان نیازمند یادگیری و دانستن است. زیرا گرایش به دانایی و یافتن حقیقت در فطرت انسان به ودیعه گذاشته شده است و به همان اندازه که انسان زیبایی را دوست دارد به دانستن نیز علاقه‌مند است حس کنجکاوی نشانه همین گرایش در انسان است.

آموزش، فرصت‌های جدید یادگیری را برای انسان فراهم می‌آورد. مهدکودک، مدرسه و دانشگاه هر یک فرصت جدیدی را برای فرد فراهم می‌کند تا بیشتر بداند و توانایی‌های جدیدی را در خود ایجاد یا تقویت کند. انسان‌ها به دلیل آنکه علم، امری ذاتاً مقدس و ارزشمند است به آن روی می‌آورند و با کسب آن، جایگاه اجتماعی معتبرتری می‌یابند و نگاه عمومی به او تحسین‌آمیز می‌شود. روشن است که اندازه کمک و همیاری شما به دوستان، خانواده و جامعه، به اندازه توانایی‌ها و مهارت‌های شماست. بنابراین، هر قدر بیشتر بدانید و توانا تر باشید عضو مفیدتری برای جامعه خواهید بود. کسب دانش و مهارت بیشتر به افراد کمک می‌کند تا بهتر زندگی کنند، زیرا در زندگی شخصی با درک و شناخت بیشتر با مسائل برخورد می‌کنند، به برنامه‌ریزی می‌پردازد و در اجرای برنامه‌ها و نقش‌هایشان موفق‌تر عمل می‌کنند، به علاوه برای چنین فردی فرصت‌های اجتماعی، شغلی و اقتصادی بهتر فراهم می‌شود.



چند مورد از مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی که تاکنون آموخته‌اید، را در کلاس ارائه دهید.

- ۱.....
- ۲.....
- ۳.....
- ۴.....

انواع آموزش و پرورش



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید:

- ۱ تا امروز در کدام یک از مراکز علمی آموزشی تحصیل کرده‌اید؟
- ۲ پیرترین و تحصیل کرده‌ترین فردی که می‌شناسید چند سال پیش به مدرسه می‌رفت؟
- ۳ نام مدرسه‌ای را که او در آن تحصیل کرده است را در کلاس بگویید.
- ۴ در آینده در چه مراکز دیگری می‌توانید تحصیل کنید؟

آموزش و پرورش با تعلیم و تربیت به‌طور کلی به دو شکل صورت می‌گیرد:

۱ آموزش غیررسمی

اجرای این برنامه‌های آموزشی، مصوب و اجباری نیستند. بیشتر آموزشی که فرزندان از خانواده، همسالان و اجتماع دریافت می‌کنند، جزء این نوع آموزش‌ها هستند.

۲ آموزش رسمی

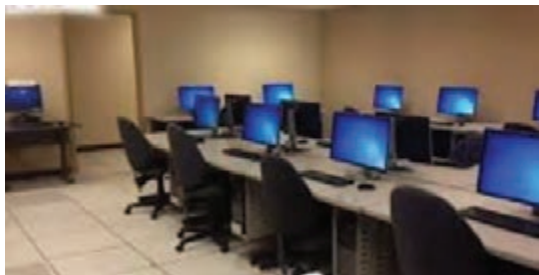
آموزش رسمی را وزارت آموزش و پرورش تصویب می‌کند و در مراکز آموزشی مانند دوره پیش‌دبستان و ابتدایی، دوره متوسطه اول و متوسطه دوم اجرا می‌شود (شکل ۲).



شکل ۲- آموزش رسمی

دانشگاه‌ها نیز بخشی از نظام آموزش و پرورش رسمی‌اند، اما برنامه‌های آنها را وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تصویب و تعیین می‌کند.





شکل ۳- نهادهای آموزش غیررسمی (آموزشگاه کامپیوتر)

آموزش غیررسمی: در پاسخ به این سؤال که، آیا تا به حال در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی خارج از مدرسه شرکت کرده‌اید؟ شما مراکز را نام خواهید برد که محیط، نوع آموزش و وسایل و امکانات آموزشی آنها با آموزش در مدرسه متفاوت است، از جمله این مراکز می‌توان به کلاس زبان، هنر یا موسیقی اشاره کرد که معمولاً دانش‌آموزان در اوقات فراغت و خارج از ساعات آموزشی مدرسه از این آموزش‌ها بهره می‌برند (شکل ۳).

واقعیت آن است که آموزش کودکان، نوجوانان و جوانان از خانواده آغاز می‌شود، اما برنامه آموزش در خانه را هیچ وزارتخانه‌ای تصویب نمی‌کند. هر خانواده بنا بر اعتقاد و تجربه‌های خود، کودکان را آموزش می‌دهد و تربیت می‌کند. آموزش و تأثیرگذاری بر کودک در خانواده از بدو تولد و حتی به یک معنا از دوره جنینی آغاز می‌شود. به علاوه کودک، گاهی به سبب اشتغال مادر و گاهی فقط به درخواست خانواده از همان دوره خردسالی به مهدکودک می‌رود. مهدکودک، مرکز نگهداری و آموزش کودکان خردسال است، در بعضی از مهدهای کودک، علاوه بر نگهداری با برنامه‌های متنوع مهارت‌هایی مانند کار با قیچی و کاغذ، کاردستی و نقاشی، اشعار کودکانه و نیز مطالبی درباره اجتماع و طبیعت (تحت عنوان «واحد کار» مانند انواع خوراکی‌ها، ایام ملی و مذهبی مانند نوروز و عید فطر، معرفی نهادها و سازمان‌ها مانند پست و...) می‌آموزند.

گاهی نیز در برنامه‌های تفریحی (تئاتر عروسکی، نمایشگاه‌ها، بازدید از موزه و...) شرکت می‌کنند و به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بینند. مهدهای کودک با وجود داشتن فعالیت‌های متنوع، نهادهای غیررسمی آموزشی‌اند، زیرا اولاً حضور در آنها برای تمام کودکان الزامی نیست و ثانیاً به دلیل اینکه برنامه آموزشی در آنجا اجباری و مصوب نیست، ضرورت ندارد برنامه همه مهدها نیز یکسان باشد.



شکل ۴- آموزش غیررسمی پیش از دبستان

امروزه، علاوه بر خانواده و مهدکودک، آموزشگاه‌ها و مراکز آموزشی آزاد و متنوع زیادی در جامعه به وجود آمده است که تمام آنها در مجموعه نهادهای غیررسمی آموزش و پرورش جای می‌گیرند، مانند کلاس‌های هنری، زبان خارجی، آموزش قرآن، رشد اعتمادبه‌نفس، موفقیت، کلاس‌های تقویتی درسی، آمادگی کنکور و... (شکل ۴).

آموزش رسمی: خانواده، اولین کانون اصلی تربیت و مادر مؤثرترین مربی کودک است و همواره نیز سهم اصلی را در تربیت فرزند خود دارد، اما مرحله‌ای فرا می‌رسد که آموزش و پرورش کودک در خانه کافی نیست و کودک به مدرسه به‌عنوان اولین نهاد آموزش رسمی وارد می‌شود تا آموزش او به‌صورت رسمی آغاز شود. «فرزند خانواده» یا «دانش‌آموز مدرسه» در واقع یک نفر است که از دو منبع مهم تربیتی و فرهنگی تغذیه می‌شود. دو نهاد خانه و مدرسه باید با هم همکاری کنند تا بتوانند کودک را از طریق آموزش صحیح در مسیر مناسب هدایت کنند. دانش‌آموزان زمانی می‌توانند مسیری مناسب و ثمربخش را طی کنند که قرار گرفتن

آنها در محیط خانه و مدرسه در جهت یک هدف و مقصد باشد، زیرا خانه و مدرسه مشابه و مکمل یکدیگرند و رابطه آن دو همچون جسم و جان درهم تنیده شده است. به همین دلیل هریک از این دو باید بتوانند به دو پرسش کلیدی زیر به درستی پاسخ دهند:

- 1 هریک چه کاری باید انجام دهند و در تعلیم و تربیت کودک چه نقشی دارند؟
- 2 برای موفقیت در کار خود چگونه باید با یکدیگر همکاری کنند تا بتوانند به اهداف تربیتی و فرهنگی خود دست یابند؟

با جست‌وجو در منابع علمی، در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های دو آموزش رسمی و غیررسمی از جنبه‌های مختلف تحقیق کنید و بروشوری در این زمینه در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۴



ضرورت وجود مدرسه و نظام آموزش رسمی

در گروه‌های کلاسی در مورد سؤال زیر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید. به چه دلایلی همه کشورهای آموزش‌های اساسی و پایه را از طریق آموزش رسمی و مدارس انجام می‌دهند؟

فعالیت ۵



خانواده فضای آموزشی و پرورشی بسیار مناسب و مؤثری برای فرزندان و همه اعضای جامعه است، اما نیازها و انتظارات جامعه امروز، صرفاً با آموزش و پرورش فرزندان در خانواده تأمین نمی‌شود. امروزه در همه جوامع از جوانان انتظار می‌رود که در خواندن، نوشتن و محاسبه کردن کاملاً توانا باشند، درست و عمیق فکر کنند، مسائل خود و اطرافشان را بررسی و حل کنند، شهروندانی وظیفه‌شناس باشند و تاریخ، حکومت و سنت‌های جامعه خود و حتی جوامع دیگر را بشناسند و افرادی سعادتمند شناخته شوند که دیدی آگاهانه نسبت به جهان داشته باشند. این دید آگاهانه، با تحصیل، سواد و آموزش در مدرسه پیوند خورده است. به همین دلیل حضور در مدرسه و



شکل ۵- آموزش رسمی در مدرسه

تحصیل کردن ضروری است. مدرسه، اجتماعی جدی و رسمی است که مطابق برنامه و ضوابطی مشخص به آموزش و پرورش فرزندان می‌پردازد و در مقابل خدماتی (آموزش و پرورش) که به کودکان ارائه می‌دهد، از آنها انتظارات جدی دارد. معلم مطابق برنامه‌ای از پیش تدوین‌شده، آموزش‌های لازم و متناسب با سن و مراحل رشد کودکان و نوجوانان را به آنها می‌دهد و از آنها انتظار یادگیری دارد. آموزش و پرورش در مدرسه آشکار و علنی است و با روش‌های مستقیم و غیرمستقیم اجرا می‌شود (شکل ۵).

هرچند اکثر آموزش‌های خانه به‌طور غیرمستقیم و در مدرسه به‌طور مستقیم و رسمی انجام می‌شود؛ اما امروزه، خانواده‌ها آموزش‌های مستقیم مانند شعر و قصه‌خوانی، آموزش آیات قرآن، آموزش اعداد و مفاهیم و نوشتن برخی از کلمات یا نام‌ها را آگاهانه و با دقت به کودکان یاد می‌دهند. ضمن اینکه مدرسه نیز خواسته

شایستگی ۸: آموزش نحوه همکاری خانواده با مدرسه و سایر مراکز آموزشی

یا ناخواسته، آموزش‌هایی را به صورت غیرمستقیم به کودکان می‌دهد. رفتار اولیای مدرسه و معلم در کلاس و رفتار هم کلاسی‌ها با یکدیگر از جمله آموزش‌های غیرمستقیم و غیررسمی در مدرسه است. این دو نوع آموزش همواره مکمل یکدیگرند، زیرا انسان هر لحظه در حال مشاهده، یادگیری و تأثیرپذیری است و این موضوع در دوران کودکی و نوجوانی بسیار بیشتر است.

بهترین ساعات زندگی فرزندان صرف آموختن و یادگیری در مدرسه می‌شود. مدرسه در رشد اجتماعی و شخصیتی شاگردان و فراگیران نقش بسزایی دارد. آنها با گذراندن ساعاتی در مدرسه و ساعاتی بیشتر در محیطی دیگر به نام خانه در کنار خانواده خود شروع به رشد می‌کنند و یاد می‌گیرند. با تقلید از معلم و دوستان خود را شبیه آنها می‌کنند و همانندسازی می‌کنند و با تقلید از حرکات و رفتارهای آنها به الگوسازی می‌پردازند. به تدریج دوستان خود را انتخاب می‌کنند و به انجام بازی با آنها می‌پردازند و به نقاط قوت و ضعف خود پی می‌برند و آنها را شناسایی می‌کنند. به همین دلیل این دو نوع آموزش رسمی و غیررسمی در کنار یکدیگر اتفاق می‌افتد (شکل ۶).



شکل ۶- والدین و مدرسه

در گروه‌های کلاسی در مورد سؤال زیر گفت‌وگو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید. اگر این دو نوع آموزش خانه و مدرسه با هم هماهنگ نباشند و هریک به طور مستقل و بدون توجه به دیگری به آموزش بپردازند، چه خواهد شد؟

فعالیت ۶



ضرورت همکاری خانواده با مدرسه و مراکز آموزشی

انسان موجودی یکپارچه است و نمی‌توان او را در آن واحد به دو گونه تربیت کرد. این کار او را دچار سرگردانی و اختلال در رشد و شخصیت خواهد کرد. برای تربیت فرزندان سالم، متعادل و توانا باید خانه و مدرسه به هم بپیوندند و برنامه‌های خود را طوری تنظیم کنند، که با وجود متفاوت بودن با یکدیگر هماهنگ و همسو



شکل ۷- همکاری خانه و مدرسه

باشند. رعایت نکردن این مهم باعث می‌شود هیچ‌یک موفقیت چندانی در خصوص تربیت فرد به دست نیاورند و تلاش‌های یکدیگر را خنثی کنند. مدرسه و خانه به همراهی یکدیگر نیازمند هستند. دانش‌آموزان زمانی موفق خواهند بود که خانواده‌ها، آموزش و پرورش و مدارس همراهی و همکاری کنند. والدین و خانواده‌ها نیز مایل به گسترش معلومات و مهارت‌های فرزندان خود در مدرسه‌اند، پس باید با مدرسه همکاری و همراهی کنند (شکل ۷).



انجمن اولیا و مربیان

شکل ۸- انجمن اولیا و مربیان

به دلیل اهمیت خانه و مدرسه، نهادی مهم در وزارت آموزش و پرورش برای ایجاد پیوند میان این دو کانون به وجود آمده است که «انجمن اولیا و مربیان» نام دارد. اساس کار این انجمن، یافتن راه‌های گسترش و بهبود این ارتباط است. یکی از مهم‌ترین اقدام‌های انجمن در این باره پژوهش و تهیه مطالب علمی، ارزشمند و خواندنی برای اولیا و مربیان است^۱ (شکل ۸). برای موفقیت در آموزش و پرورش کودکان، هماهنگی و همکاری دو نهاد خانه و مدرسه ضروری است.



در گروه‌های کلاسی با مدیر، معاون هنرستان و والدین خود در مورد فعالیت‌هایی که والدین می‌توانند مشارکت داشته باشند گفت‌وگو کنید. گزارش آن را در کلاس ارائه دهید. سپس پیشنهادهایی برای بهبود مشارکت والدین ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۲: هنرجو بتواند گزارشی از روش‌های برقراری ارتباط با مدیر، معلم و سایر کارکنان مدرسه ارائه دهد.

مشارکت والدین یکی از حوزه‌های پر اهمیت در آموزش و پرورش است و در سه بُعد مشارکت مبتنی بر خانه، مشارکت مبتنی بر مدرسه و اداره مدرسه تقسیم می‌شود. انجمن اولیا و مربیان هیئت منتخبی از پدران و مادران، دانش‌آموزان و مربیان مدرسه است که با هدف تلاش و همکاری در جهت پیشبرد اهداف آموزش و پرورش دانش‌آموزان و مشارکت والدین تشکیل می‌شود. بسیاری از مشکلات رفتاری دانش‌آموز، فقط از طریق ارتباط خانه و مدرسه برطرف می‌شود. همخوانی و هماهنگی خانه و مدرسه در تربیت دانش‌آموز بسیار مهم است. همچنین در ایجاد همسویی میان آنان در تربیت دانش‌آموز نقش مهمی دارد. از مزایای مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، نزدیکی نگرش‌ها و انتظارات و در نتیجه، ایجاد هماهنگی در شیوه‌های تربیتی خانه و مدرسه است که از آسیب‌های تربیتی ناشی از روش‌های چندگانه جلوگیری می‌کند.

مراحل روابط خانه و مدرسه

ارتباط خانه و مدرسه در سه مرحله شکل می‌گیرد:

- ۱ مرحله اول: مراجعه والدین به مدرسه و ثبت نام فرزندانشان
- ۲ مرحله دوم: آغاز برنامه آموزشی دانش آموزان و ارتباط با معلم
- ۳ مرحله سوم: ارتباط خانه و مدرسه

مرحله اول: مراجعه والدین به مدرسه و ثبت نام فرزندانشان

اولین برخوردهای اولیای مدرسه و والدین که در این مرحله اتفاق می‌افتد، تا حد زیادی تعیین کننده کیفیت رابطه والدین دانش آموزان و اولیای مدرسه است. چنانچه پدرها و مادرهایی که برای ثبت نام فرزندان خود به



شکل ۹- مراجعه والدین به مدرسه و ثبت نام فرزندانشان

مدرسه مراجعه می‌کنند، استقبال و رفتار محترمانه‌ای از مسئولان مدرسه مشاهده کنند، به برقراری ارتباط و همکاری بیشتر با آنها ترغیب می‌شوند. اما اگر با آنها برخوردی مناسب نشود، با احساسی ناخوشایند و قضاوتی منفی مدرسه را ترک خواهند کرد و چندان رغبتی به ادامه ارتباط نخواهند داشت و گاهی والدین قضاوت منفی خود را از مدرسه به فرزند خود منتقل می‌کنند. در نتیجه احساس یگانگی دانش آموز با مدرسه نیز آسیب می‌بیند و این باعث کاهش تأثیرپذیری دانش آموز از اولیای مدرسه می‌شود (شکل ۹).

با سه نفر از پدر و مادرهایی که فرزندانشان به مدرسه می‌روند، گفت‌وگو کنید و درباره اولین حضورشان در مدرسه و نحوه برخورد مسئولان مدرسه با آنها و تأثیرات این برخورد، گزارشی در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۸



با جست‌وجو در آیین‌نامه‌های آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در مورد نحوه ثبت نام دانش آموزان در مدرسه، پوستری تهیه کنید.

فعالیت ۹



مرحله دوم: آغاز برنامه آموزشی دانش آموزان و ارتباط با معلم

در این مرحله والدین نسبت به چند موضوع مانند روش تدریس معلم، میزان توجه معلم به دانش آموز، یادگیری‌ها و رفع اشکال‌های درسی، تبعیض معلم میان دانش آموزان، ناخشنودی و نارضایتی معلم از انتقادات احتمالی پدر و مادرها درباره روش تدریس، برخورد منفی او با فرزندشان و... نگران هستند. در این مرحله مدارس برای آشنایی والدین با معلم، پاسخ به سؤالات و رفع نگرانی آنها، جلساتی آموزشی با حضور معلم مربوطه و والدین دانش آموزان کلاس برگزار می‌کنند. این جلسات بسیار مفیدند و از اتلاف وقت معلم و توضیحات تکراری به والدین مختلف جلوگیری می‌کند.



با والدین خود، در مورد اولین جلسه آشنایی با معلمان دوره ابتدایی یا دوره هنرستان خودتان گفت‌وگو کنید. نتیجه گفت‌وگو را به صورت یک داستان در کلاس ارائه دهید.

مرحله سوم: ارتباط خانه و مدرسه^۱

در این مرحله والدین در جریان فعالیت‌ها، نحوه اداره مدرسه، مسائل و مشکلات آن قرار می‌گیرند و در انتخاب اعضای این انجمن مشارکت می‌کنند و علاوه بر اینها، با شرکت در جلسات از فعالیت‌ها و تلاش‌های انجمن آگاه می‌شوند^۲ (شکل ۱۰).



شکل ۱۰- مرحله سوم ارتباط خانه و مدرسه

نقش والدین در کنترل برنامه تحصیلی فرزندان

مهم‌ترین زمینه ارتباط والدین با اولیای مدرسه، مشارکت آنها در امر آموزش فرزندان در خانه و انجام تکالیف درسی است. در این باره مهم‌ترین کمک و همکاری والدین و خانواده با مدرسه، ایجاد عادات مثبت و مفید در فرزندان است. خانواده‌ای در این کار موفق است که دارای اصول و قواعد معین و ثابت رفتاری در زندگی خانوادگی باشد. این اصول عبارت‌اند از:

- در برنامه روزمره خانواده زمانی برای گفت‌وگو در ارتباط با برنامه‌های درسی و مدرسه با فرزند اختصاص یابد.
- در برنامه خانواده، درباره کتاب، مجله و روزنامه صحبت شود. خانواده‌ای که والدین هر روز زمان معینی را برای مطالعه فرزندان اختصاص می‌دهند و تنها به آنچه معلم از آنها خواسته است اکتفا نمی‌کنند، کودکان درمی‌یابند مطالعه از نظر خانواده آنها دارای ارزش و اهمیت است.
- دانش‌آموزانی در مدرسه موفق‌ترند که والدین‌شان برای زندگی آنها محدودده‌ای را مشخص کرده‌اند و آنها را به استفاده درست از وقت تشویق می‌کنند.
- خانواده باید کسب نتایج مثبت و موفقیت را بیشتر نتیجه تلاش فرزند بدانند تا نتیجه استعداد ذاتی او، این اعتقاد را نیز به فرزند انتقال دهد. این امر مهم‌ترین عامل موفقیت در یادگیری، تحصیل و آموزش است.
- والدین به جای آنکه تنها به نمرات فرزند خود توجه کنند، بهتر است به ایجاد عادات مفید یادگیری و درس خواندن در او نیز توجه داشته باشند.
- والدین به رفت‌وآمدهای فرزندان خود توجه داشته باشند، دوستان آنها را بشناسند و با معلم آنها در ارتباط باشند تا بتوانند به آموزش و پرورش فرزندان خود کمک کنند (شکل ۱۱).

۱. مشارکت اولیا در تشکیل انجمن اولیا و مربیان مدرسه

۲. انجمن اولیا و مربیان نهادی رسمی و نماینده سازمان اولیا و مربیان ایران در مدرسه است که دارای اختیارات و وظایف قانونی است و به‌ویژه امور مالی مدرسه باید با همکاری و نظارت انجمن و مدیریت مدرسه انجام شود.



شکل ۱۱- نقش خانواده در موفقیت فرزند

ارزیابی برنامه هفتگی فرزندان توسط والدین

والدین با تهیه برنامه هفتگی از فعالیت‌های فرزند خود در ساعات بیرون از مدرسه مشخص می‌کنند که کدام فعالیت‌ها را واقعاً برای فرزندشان مهم‌تر می‌شمرند. این برنامه عمدتاً شامل موارد زیر می‌شود:

- دانش‌آموز معمولاً چه وقت درس می‌خواند؟
- دانش‌آموز معمولاً چه کتاب‌هایی را مطالعه می‌کند؟
- چه وقت با دوستان بازی می‌کند یا وقت می‌گذراند؟
- برای کدام فعالیت‌ها وقت بیشتری اختصاص می‌یابد؟
- چه مشکلاتی در ارتباط با همسالان و افراد حاضر در هنرستان برای هنرجو رخ می‌دهد؟

با تهیه این الگو، والدین از برنامه واقعی فرزندشان آگاه می‌شوند و در صورت لزوم به تغییر این برنامه و اصلاح آن کمک خواهند کرد. والدین باید همیشه بدانند فرزندشان کجاست، چه می‌کند و با چه کسانی است. دیدن دوستان فرزند و دانستن نام و نشانی والدین آنها نیز ضروری است. ارتباط منظم با آموزگاران فرزندشان نیز به همان اندازه اهمیت دارد. چنانچه تکالیف منزل از نظر مقدار و چگونگی دارای مقرراتی معین باشد، کار والدین و معلمان را آسان‌تر می‌کند. تعیین این مقررات برعهده مدرسه است.

نکته



با والدین خود گفت‌وگو کنید و برنامه یک جلسه انجمن اولیا و مربیان را که در آن حضور داشته‌اند، تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

الف) برنامه خود را با برنامه‌های گروه کلاسی خود مقایسه کنید و نقاط قوت برنامه‌ها را مشخص کنید.
ب) با توجه به نقاط قوت تهیه شده، یک برنامه برای یک جلسه انجمن اولیا و مربیان هنرستان خود بنویسید.

فعالیت ۱۱





برای ایجاد عادات مثبت و مفید در کودکان با توجه به لزوم استفاده خانواده‌ها از اصول و قواعد معین و ثابت رفتاری، یک پوستر آموزشی برای خانواده‌ها تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت پایانی

- ۱ گزارشی از شیوه‌های ارتباط مربی با والدین را تهیه کنید.
- ۲ وقتی مهلا از مدرسه به خانه آمد، برگه دعوت انجمن اولیا و مربیان را به والدین داد. مادر با دیدن دعوتنامه گفت: حتماً به کمک مالی احتیاج دارند که برگه فرستادند. اما مهلا برای مادر در مورد وظایف انجمن اولیا و مربیان توضیح داد و مادر را برای شرکت در جلسه اولیا و مربیان قانع کرد. می‌توانید بعضی از مواردی که مهلا برای والدینش عنوان نمود را ذکر کنید؟

واحد یادگیری ۲: توسعه مشارکت اولیا با مدرسه

استاندارد عملکرد

توسعه همکاری اولیا با مدرسه از طریق افزایش شناخت شیوه‌های برقراری ارتباط و مشارکت اولیا با مدرسه براساس منابع علمی معتبر و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت روش‌های ارتباط و مشارکت اولیا با مدرسه
- ۲ برقراری ارتباط مؤثر با اولیا
- ۳ توسعه شناخت مشکلات ارتباطی و مشارکتی اولیا با مدرسه
- ۴ به‌کارگیری خانواده در توسعه و شناخت روش‌های آموزش در مدرسه

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها
- ۲ مسئولیت‌پذیری
- ۳ مدیریت زمان

هدف توانمندسازی ۳: هنرجو بتواند اهمیت مشارکت اولیا با مدرسه را توضیح دهد.

فعالیت ۱۳

در گروه‌های کلاسی در مورد راه‌های مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.



مشارکت داشتن یا نداشتن والدین، در طی دوران تحصیل در پیشرفت تحصیلی و تربیتی فرزندان بسیار مؤثر است. افراد نسبت به برنامه‌هایی که در تصمیم‌گیری آن مشارکت داشته‌اند، تعهد بیشتری نشان می‌دهند. احساس می‌کنند بخشی از فرایند آموزش و پرورش فرزندان هستند و موجب مشارکت بیشتر آنها می‌شود. مشارکت والدین در برنامه‌های آموزشی و پرورشی، مراکز آموزشی به دلایل زیر اهمیت دارد:

- فراهم شدن زمینه رشد همه‌جانبه فرزندان؛
- احساس رضایت‌مندی در والدین و فرزندان؛
- افزایش روابط مؤثر بین والدین، مربیان و فرزندان؛
- افزایش اعتماد، همدلی، هم‌اندیشی و صمیمیت میان والدین، مربیان و فرزندان؛
- افزایش آگاهی والدین و مربیان از اصول تعلیم و تربیت.

مراکز آموزشی که خانواده مشارکت بیشتری در آنها دارند، مراکز مشارکت محور هستند و ویژگی‌های زیر را دارند:

- ۱ با فراهم کردن فرصت برای ارائه نظرات کاربردی خانواده‌ها، توانمندی‌های آنها را تقویت می‌کنند؛
- ۲ آموزش و کارآموزی‌های لازم را برای کارکنان و خانواده فراهم می‌کنند؛
- ۳ در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌ها از نظرات والدین و مشارکت آنها استفاده می‌کنند؛
- ۴ زمانی که کیفیت برنامه‌ها ارزیابی می‌شود، دیدگاه‌های والدین و روابط آنها با معلمان و مربیان در نظر گرفته می‌شود؛
- ۵ با اجرای برنامه‌های مشارکتی، پیوندهای بین فرزندان و خانواده‌ها ارتقا می‌یابد.

فعالیت ۱۴

در مورد فعالیت‌های مراکز آموزشی مشارکت محور از منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را به صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.



موانع ارتباط معلم با والدین و مشارکت آنها در مدرسه

به نظر شما چه موانعی باعث بروز مشکلاتی در ارتباط خانه و مدرسه (والدین و معلم) می‌شود؟

فعالیت ۱۵



شایستگی ۸: آموزش نحوه همکاری خانواده با مدرسه و سایر مراکز آموزشی

- موانع ارتباط و مشارکت والدین در مدرسه ممکن است یک یا برخی از موارد زیر باشد:
- ۱ برخی از معلمان تازه کار به دلیل نداشتن تجربه کافی ممکن است سؤال یا انتقاد والدین را توهین به خود تلقی کنند و پذیرای نظرات والدین نباشند.
 - ۲ گاهی رفتار بعضی از والدین و داشتن انتظارات نامناسب مانع ارتباط سازنده بین آنها و معلم و فرزندشان می شود.
 - ۳ گاهی مواقع معلمان، والدین را مانند شاگردان نسبت به اصول و مبانی تعلیم و تربیت ناآگاه فرض می کنند.
 - ۴ گاهی مواقع معلم، در مقابل والدین حالت دفاعی به خود می گیرد، زیرا تصور می کند والدین قصد دارند او را به ناتوانی متهم کنند.
 - ۵ برخی از کارکنان مدرسه تصور می کنند چنانچه والدین کم درآمد باشند یا یکی از آنها فوت کرده باشد، به دلیل مشکلاتی که دارند قادر به راهنمایی و هدایت فرزند خود نخواهند بود. از این رو آنها را ناتوان تصور می کنند و مشارکتشان را جدی نمی گیرند.
 - ۶ مدرسه، معلمان را برای پذیرش دخالت والدین در امر تحصیل و آموزش فرزندان آماده نمی کند.
 - ۷ وضع شغلی والدین، حضور آنها را در مدرسه دشوار می کند.
 - ۸ تجربه های ناموفق والدین در ارتباط با معلمان و کارکنان مدرسه قبلی باعث می شود در تماس با معلمان و کارکنان مدرسه جدید فرزندشان، احساس منفی داشته باشند.
- به طور کلی والدین با وجود همه موانع بالا، به تحصیل و پیشرفت فرزندان خود علاقه مندند و به همکاری با مدرسه تمایل دارند. از آنجا که ارتباط دوسویه بین معلمان و والدین قطعاً به نفع دانش آموزان است، مدرسه می تواند با ارائه برنامه های مناسب، موانع ارتباط و همکاری مدرسه، معلم و والدین را از میان بردارد.

با جست و جو در منابع علمی و گفت و گو با افراد آگاه (معلم، مربی پرورشی، والدین و...) گزارشی در مورد موانع ارتباط معلم و والدین تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۶



در مورد عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی با جست و جو در منابع علمی و گفت و گو با مشاور تحصیلی تحقیق کنید و نتیجه را به صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۷



توصیه هایی به والدین درباره تربیت و آموزش فرزندان

مدرسه، مسئول اجرای برنامه های آموزشی و تربیتی دانش آموزان است و خانواده، در اجرای این برنامه ها از مدرسه حمایت می کند و به آن کمک می رساند. لذا والدین برای حمایت و پشتیبانی از مدرسه چند نکته را باید رعایت و اجرا کنند.

- ۱ ذهن فرزندان را نسبت به جایگاه مدرسه، و اولیای آن به ویژه مربیان و معلمان و نیز برنامه های آموزشی و پرورشی روشن کنند. فعالیت اولیا و برنامه های مدرسه را تأیید کنند تا فرزندان نیز با موضعی مثبت

پذیرای آموزش و پرورش در مدرسه باشند و چنانچه به برخی از برنامه‌های مدرسه انتقاد دارند آن را در جلسات مطرح سازند.

- ۲ از ضوابط و مقررات تحصیلی و تربیتی مدرسه آگاه باشند و در هر مورد فرزند خود را راهنمایی کنند.
- ۳ در نشست‌ها و جلسات انجمن اولیاء و مربیان مربوط به کلاس و مدرسه شرکت فعال داشته باشند، سؤال کنند و با تجربیات و مشکلات سایر خانواده‌ها و نیز معلمان آشنا شوند.
- ۴ مهم‌ترین بخش حضور دانش‌آموز نه در مدرسه، بلکه در خانه است. انجام تکالیف و مرور مطالب درسی و نظارت بر فرزندان و هدایت آنها اغلب در خانه صورت می‌گیرد؛ بنابراین لازم است خانواده‌ها در این موارد اهتمام جدی داشته باشند.
- ۵ از مقایسه کردن فرزندشان با دیگران جداً بپرهیزند.
- ۶ اگر دانش‌آموز در مهارت‌های تحصیلی مشکل دارد، به یک مشاور باتجربه مراجعه کنند. این مهارت‌ها عبارت‌اند از: روش صحیح مطالعه، یادداشت‌برداری، خلاصه‌نویسی، گوش دادن فعال و...
- ۷ هدردهنده اوقات فراغت فرزندشان را بشناسند و آنها را مهار کنند.
- ۸ روحیه پرسشگری را در فرزندشان تقویت کنند. آنان برای یادگیری باید سؤال کنند. آنها احتیاج به یافتن راه‌حل و پاسخ دارند، با حوصله با آنان سخن بگویند و به بحث و تبادل نظر با آنان بپردازند.
- ۹ مطالعه و یادگیری نیاز به محیط آرام دارد. بنابراین لازم است خانواده‌ها محیط آرامی را برای مطالعه فرزندشان فراهم سازند.
- ۱۰ به فرزندشان کمک کنند تا از مطالب درسی در زندگی روزمره استفاده نمایند.
- ۱۱ درس خواندن را به‌خاطر ارزش علم و دانش مهم بدانند، نه فقط به‌عنوان وسیله‌ای برای انتخاب شغل و کسب درآمد.

توصیه‌هایی به والدین درباره اشتغال فرزندان

اولین نکته‌ای که خانواده‌ها در برخورد با راهنمایی شغلی فرزندانشان باید به آن توجه کنند آن است که درآمد سرشار و داشتن عنوان (دکتر، مهندس و ...) معیار شغل مناسب، نیست بلکه شغل باید متناسب با علایق و استعدادها باشد. چه بسا شغل‌هایی که درآمد خوبی دارند ولی افراد در آن موقعیت رضایت شغلی ندارند و نمی‌توانند به آن کار ادامه دهند و از زندگی کاری خود لذت ببرند و در آن پیشرفت کنند. والدین به‌عنوان افرادی که وظیفه تربیت و بزرگ کردن فرزندان را برعهده دارند، نقش بسیار مهمی نیز در تصمیمات آنها دارند. خانواده‌های آگاه و فعال، می‌توانند نظر فرزندان خود را تغییر دهند و به سمت مناسب هدایت کنند، به‌همین دلیل آگاهی خانواده‌ها از استعدادها، مهارت‌ها، علایق و خواسته‌های فرزندانشان بسیار مهم است (شکل ۱۲).



شکل ۱۲- انتخاب رشته تحصیلی و اشتغال‌زایی

هدایت تحصیلی و اشتغال فرزندان

امروزه موضوع تحصیل علم و کسب مهارت و نقش آنها در اشتغال نسبت به گذشته پررنگ تر شده است و خانواده‌ها و فرزندان‌شان به آموزش‌های رسمی و کسب مهارت‌های گوناگون بیشتر توجه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر دانش‌آموز انتخاب رشته تحصیلی است. به همین دلیل داشتن آگاهی، برای یک انتخاب صحیح بسیار مهم است. انتخاب رشته تحصیلی در دوره متوسطه دوم و ادامه تحصیل در رشته مورد علاقه در دانشگاه‌ها



شکل ۱۳- هدایت تحصیلی و اشتغال فرزندان

از دغدغه‌های دانش‌آموزان و والدین است. بنابراین ضروری است که دانش‌آموزان به سمتی هدایت شوند که در آن به‌جای استخدام در مراکز دولتی و خصوصی، در مسیر رشته تحصیلی خود کسب درآمد نمایند. زیرا یادگیری و کسب مهارت‌های لازم در زمینه‌های شغلی (تولیدی - خدماتی - صنعتی - کشاورزی) و کارآفرینی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بتوانند دانش و مهارت‌های آموخته شده در مراکز آموزشی، به‌ویژه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را به دنیای کار و بازار انتقال داده و در جهت اشتغال‌زایی به‌کار بگیرند (شکل ۱۳).

نکته

برای راهنمایی و هدایت صحیح فرزندان، باید اطلاعات صحیح و جامعی در مورد توانایی‌ها، محدودیت‌ها، علایق، روحیات، ویژگی‌ها و شرایط رشته‌های تحصیلی، مشاغل و نیاز آینده بازار کار، کسب کنند.



بنابراین لازم است والدین برای کمک به انتخاب رشته تحصیلی و به دنبال آن انتخاب شغل مناسب فرزند خود، به موارد زیر توجه کنند:

۱ والدین در راهنمایی شغلی فرزندان خود واقع‌بین باشند و آرزوهایی را که خود نتوانستند به آن دست یابند، به فرزندشان تحمیل نکنند.

۲ فرزند خود را آگاه کنند که داشتن شغل و کسب درآمد هدف نهایی حیات انسان نیست، بلکه داشتن شغل فقط یکی از مقدمات آن است. انسان زندگی نمی‌کند تا کار کند، بلکه کار می‌کند تا زندگی با عزت و شرافتمندانه‌ای داشته باشد. زندگی خوب و شرافتمندانه آن است که انسان ارتباط رضایت‌بخشی با خداوند، خانواده، مردم و محیط زیست اطراف خود داشته باشد و به احساس رضایت و آرامش هرچه بیشتر نزدیک شود. بنابراین نباید به موضوع شغل بیش از ارزش آن اهمیت داد و همه‌چیز را فدای آن کرد.

۳ فرزند را متناسب با علاقه و استعدادش، نه براساس جایگاه اجتماعی و چشم‌و هم‌چشمی و یا خواسته‌های خود راهنمایی کنند.

۴ زمینه‌های فراهم آوردن اطلاعات را درباره مشاغل موجود در جامعه برای فرزند فراهم کنند.

۵ ارزش‌های اخلاقی خانواده و جامعه را به‌صورت منطقی در انتخاب شغل در نظر بگیرند و آنها را از معیارهای انتخاب شغل به حساب آورند.

۶ گاه فرزند به سبب روحیه رقابت با دوستان یا حس جاه‌طلبی یا بلندپروازی خود، بدون توجه به توانمندی‌ها و امکانات موجود، بر انتخاب رشته تحصیلی و شغل خاصی اصرار می‌ورزد؛ از این‌رو، والدین باید فرزندشان را به واقع‌بینی تشویق کنند و خود باعث ایجاد چنین توقعات یا احساساتی در او نشوند.

۷ خانواده‌ها باید از تعصبات نابجا پرهیز کنند و بدانند هر انسانی ممکن است در یک زمینه بسیار خوب و قوی باشد و یا در زمینه‌های دیگری ضعیف عمل کند. برای مثال: فردی که نمره ریاضی بالاتری دارد باهوش است در غیر این‌صورت او را ناتوان می‌شناسند و این باور غلط می‌تواند آینده افراد را به‌نابودی بکشاند. والدین با داشتن اطلاعاتی در مورد انواع هوش‌ها و توانایی‌های فردی می‌توانند به این نکته پی ببرند که فرزند آنها نیز مانند همه انسان‌ها دارای برخی ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص است و اگر آنها را کشف کند و در مسیر درست گام بردارد، زودتر به موفقیت می‌رسد.

به‌طور کلی والدین در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی فرزندان و موفقیت آنان نقش بسزایی دارند، به همین دلیل لازم است اطلاعات کافی از شخصیت، ویژگی‌ها و استعدادهای فرزندان خود و ویژگی‌ها و شرایط رشته‌های تحصیلی و مشاغل کسب کنند و بدون تحمیل دیدگاه خود و با تصمیم‌گیری، راهنمای دلسوزی برای انتخاب شغل فرزندان خود باشند.

فعالیت ۱۸



در گروه‌های کلاسی فهرستی از پیشنهادهایی که والدین از طریق آنها می‌توانند فرزند خود را برای انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده هدایت کنند، تنظیم کنید. سپس آن را به والدین خود بدهید و از آنها بخواهید فهرست شما را اصلاح و کامل کنند. گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۴: هنرجو بتواند از شیوه‌های مشارکت والدین با مدرسه و معلم گزارشی تهیه و ارائه دهد.

شیوه‌های مشارکت والدین با مدرسه و معلم

در گروه‌های کلاسی در مورد شیوه‌های جلب مشارکت والدین در هنرستان خود گفت‌وگو کنید و بهترین شیوه‌ها را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۹



والدین به شکل‌های مختلف می‌توانند در ارائه خدمت و کمک به مدارس مشارکت داشته باشند؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ ساختن وسایل کمک آموزشی: والدین می‌توانند وسایلی را در خانه تهیه کنند که در مدارس برای آموزش دانش‌آموزان کاربرد دارد؛ از جمله می‌توان به گردآوری دورریزها مانند خرده پارچه، روبان، کاموا، کلیدها و

شایستگی ۸: آموزش نحوه همکاری خانواده با مدرسه و سایر مراکز آموزشی

فعالیت‌هایی مانند دوخت پرده و لباس عروسک اشاره کرد.

۲ همکاری در ترویج میراث فرهنگی: در صورت تمایل، خانواده‌ها می‌توانند برای غنی‌سازی برنامه‌ها، زمینه‌هایی از میراث فرهنگی خویش را ارائه دهند. پختن غذاهای سنتی با دانش‌آموزان، قصه‌گویی برای کودکان و نشان دادن صنایع دستی آن منطقه نیز از فعالیت‌هایی است که والدین می‌توانند در آن مشارکت کنند.

۳ همکاری در معرفی مشاغل: برای معرفی مشاغل مورد نیاز جامعه، می‌توان از والدین دعوت کرد تا تجربه‌ها و دانش خود را برای دانش‌آموزان تعریف کنند.

۴ مشارکت در برنامه‌ریزی آموزشی: با تشکیل کمیته آموزشی در انجمن اولیا و مربیان و شرکت نمودن والدین علاقه‌مند در آن می‌توان در برخی برنامه‌های آموزشی از مطالب پیشنهادی والدین نیز استفاده کرد.

۵ اجرای برنامه و فعالیت‌های پرورشی و آموزشی: والدین ممکن است در کلاس نقش‌هایی مانند کمک در تربیین مدرسه یا کلاس در مناسبت‌ها یا درست کردن کاردستی یا غذاهای نذری، برگزاری مراسم و جشن‌ها، گردش‌های علمی - تفریحی و نظارت بر دانش‌آموزان در فضای درونی و بیرونی مرکز آموزشی ایفای نقش کنند. این وظایف برای کمک به تکمیل کارکردهای پرورشی و آموزشی مدرسه طراحی می‌شوند.

۶ همکاری در حفظ محیط زیست: در برنامه‌هایی که معلم برای آموزش و هدایت دانش‌آموزان با هدف حفظ و احترام به محیط‌زیست تدارک می‌بیند، والدین می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به‌عنوان حافظ محیط‌زیست مشارکت داشته باشند.

نکته



هدف واقعی که در همراهی والدین در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی و آموزشی دنبال می‌شود، برآوردن یک نیاز دوجانبه است. به‌عبارت دیگر، مدرسه و والدین هر دو بهترین آموزش‌ها را برای کودکان می‌خواهند و مدرسه ممکن است به بعضی از خدماتی که والدین می‌توانند ارائه کنند، به شدت نیاز داشته باشد.

فعالیت ۲۰



در گروه‌های کلاسی، در مورد یکی از شیوه‌های مشارکت والدین در برنامه‌های خارج از هنرستان خودتان مانند بازدید یا اردوی تفریحی که اجرا شده است، گزارشی را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۱



در گروه‌های کلاسی، در گفت‌وگو با والدین خود، خاطره آنها از مشارکت با مدرسه را در قالب یک داستان طراحی کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت‌های پایانی

۱ در گروه‌های کلاسی درباره رشته‌های تحصیلی شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش که در هنرستان‌های منطقه شما دایر می‌باشد، تحقیق کرده و در کلاس ارائه دهید.

۲ کدام یک از رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، مطابق با نیاز جامعه و اشتغال‌زایی است؟ چرا؟

واحد یادگیری ۳: همکاری خانواده با مدرسه و مراکز آموزشی

استاندارد عملکرد

توسعه ارتباط و مشارکت والدین با مراکز آموزش از طریق شناخت روش‌های برگزاری آموزش خانواده براساس منابع علمی و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ برقراری ارتباط مؤثر با خانواده
- ۲ توسعه مشارکت خانواده
- ۳ توسعه شناخت روش‌های آموزش خانواده

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری
- ۲ شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها
- ۳ رعایت اخلاق حرفه‌ای

هدف توانمندسازی ۵: هنرجو بتواند همکاری های خانواده با مدرسه را توضیح دهد.

در گروه های کلاسی در مورد تأثیر و اهمیت آموزش خانواده بر رشد همه جانبه دانش آموز گفت و گو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۲



آموزش والدین



شکل ۱۴- آموزش والدین

آموزش والدین یکی از روش های بسیار مؤثر در ایجاد مشارکت آنها با مسئولان مدرسه است. این برنامه ها نگرش والدین را نسبت به مدرسه بهبود می بخشد. چنانچه برنامه های آموزشی و پرورشی هر دو گروه والدین و فرزندان را دربرگیرد، مؤثرتر از برنامه هایی است که تنها والدین را در نظر دارد. مثلاً تلاش هایی که برای تشویق فعالیت کتابخوانی در کل خانواده انجام گیرد، به بهبود مهارت های روخوانی می انجامد و سبب ایجاد علاقه به کتاب و کتابخوانی می شود (شکل ۱۴).

مدرسه با رعایت نکته های زیر به موفقیت برنامه آموزش والدین بسیار کمک می کند:

- ۱ فهرستی از آنچه مدرسه براساس گروه سنی کودک از والدین انتظار دارد تهیه نماید و سپس آموزش والدین را در چارچوب این فهرست تنظیم کند.
 - ۲ روش های مناسب را برای انجام تکالیف دانش آموز در منزل در اختیار والدین بگذارد.
 - ۳ برای سازماندهی، جذب و هدایت والدین از خود آنها استفاده کند؛
 - ۴ والدین را با مراحل رشد و نیازهای کودکان آشنا سازد.
 - ۵ در رفع مشکلات کودکان به والدین کمک کند؛
 - ۶ جلسات گروهی کوچک تشکیل دهد و برای اداره آنها از والدین دوره دیده یا مطلع استفاده کند؛
- برگزاری چنین جلساتی هزینه ای ندارد، اما دلپستگی والدین را به مدرسه تقویت می کند و به آنها امکان تبادل تجربیات و کمک به همدیگر را فراهم می آورد.

نیازسنجی از خانواده برای برنامه‌ریزی آموزش خانواده

فعالیت ۲۳



در گروه‌های کلاسی در مورد تأثیر شناسایی نیازهای والدین در طراحی آموزش خانواده گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

جلسات آموزش خانواده در مدارس، مهم‌ترین زمینه همکاری و تلاش در جهت همسویی میان این مراکز و خانواده‌هاست.

آموزش والدین می‌تواند نقش مهمی در تسهیل دستیابی آنها به اطلاعات و مهارت‌هایی که نیاز دارند، ایفا کند. از سوی دیگر باید توجه داشت که نیاز مخاطبان و آموزش پذیران، اصلی‌ترین منبع و معیار برای تعیین محتوای آموزش است. برای جذب بهتر و بیشتر والدین به کلاس‌های آموزش خانواده، در ابتدا باید نیازهای آنها را شناخت و به آن توجه کرد. در میان نیازهای گوناگون والدین، نیازهای آموزشی جایگاه خاصی دارد که بدون توجه به آن امر آموزش خانواده، کم‌ثمر می‌ماند و به درستی محقق نخواهد شد. نکاتی برای تعیین برنامه‌ریزی آموزش خانواده وجود دارد که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره شده است:

- سطح تحصیلات والدین
- خواستن و نیاز والدین
- سن والدین
- اهداف آموزش والدین
- رشته‌های تحصیلی
- کاربردی بودن محتواها
- نوع خانواده

فعالیت ۲۴



در گروه‌های کلاسی در مورد دلایل استقبال نکردن والدین از برنامه‌های آموزش خانواده گفت‌وگو کنید و جدول زیر را کامل کنید.

دلایل استقبال نکردن والدین از برنامه آموزش خانواده

۴- ...	۱- کاربردی نبودن محتوا و برنامه‌های آموزشی
۵- ...	۲- ...
۶- ...	۳- ...

تأثیرات آموزش خانواده

مهم‌ترین تأثیرات برنامه آموزش خانواده بر والدین در شکل زیر نشان داده شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱

- ۱ گرم شدن کانون خانواده:** والدین با به کارگیری مطالب کلاس‌های آموزش خانواده، می‌توانند با اعضای خانواده خود ارتباط مناسب‌تری برقرار کنند و کانون خانواده را گرم‌تر کنند.
- ۲ ایجاد و افزایش اعتماد به نفس در خود و فرزندان:** والدین با شرکت در کلاس‌های آموزش خانواده، به آگاهی‌ها و اطلاعات خود در زمینه‌های علمی و روان‌شناختی می‌افزایند و در نتیجه می‌توانند علاوه بر افزایش اعتماد به نفس در خود، این خصیصه را در فرزندان نیز پرورش دهند.
- ۳ یادگیری روش‌های صحیح تربیت مطابق با اصول و معیارهای علمی:** والدین شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش خانواده با روش‌های صحیح تربیتی مبتنی بر اصول علمی آشنا می‌گردند، متوجه خطاهای تربیتی موجود می‌شوند و از آن پس، کودکان خود را آگاهانه تربیت می‌کنند.
- ۴ شناسایی استعدادها و بارور کردن آنها:** اولیای کودکان با شرکت در کلاس‌های آموزش خانواده با علائم و نشانه‌های استعداد خاص فرزندان خود آشنا می‌شوند و نیز روش‌های بارور شدن این استعدادها را می‌آموزند.
- ۵ پیشگیری از مشکلات والدین:** والدین شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش خانواده با یادگیری روش‌های صحیح و علمی رفتار با کودک و نوجوان و کاربرد و اجرای آنها می‌توانند از ایجاد مشکلات مختلف عاطفی و تحصیلی فرزندان، همچون ترس، اضطراب و غیره پیشگیری کنند.
- ۶ حل مشکلات رفتاری فرزندان:** والدینی که در کلاس‌های آموزش خانواده شرکت می‌کنند، روش صحیح روبه‌رو شدن با مشکلات عاطفی و رفتاری فرزندان را می‌آموزند و در صورت نیاز به متخصصان مشاوره معرفی می‌شوند.



با والدینی که دانش‌آموز دارند در مورد تأثیرات آموزش خانواده بر رشد و پرورش همه‌جانبه^۱ فرزندانشان گفت‌وگو کنید و موارد زیر را انجام دهید:

- ۱ نتیجه گفت‌وگو را به صورت گزارش در کلاس ارائه دهید.
- ۲ نتیجه را با موارد بالا (تأثیرات آموزش خانواده) مقایسه کنید.
- ۳ فهرستی از تأثیرات آموزش خانواده بر رشد همه دانش‌آموزان را در کلاس ارائه دهید.

محتوای آموزش خانواده

محتوای آموزش خانواده لازم است به گونه‌ای تدوین شود که موجب افزایش نگرش‌های مثبت والدین نسبت به دانش‌آموزان، مربیان و معلمان و مراکز آموزشی شود. علاوه بر آن، نه تنها باید دانش لازم را به والدین منتقل نماید، بلکه در نهایت باعث کسب مهارت‌های مربوط به تعلیم و تربیت فرزندان در والدین شود. برای دستیابی به این اهداف، موارد زیر (جدول ۱) پیشنهاد می‌گردد:

جدول ۱- محتوای آموزش خانواده

روش‌های انگیزشی مؤثر برای فعال کردن والدین	ضرورت و اهمیت آموزش خانواده
مدیریت روابط برادران و خواهران	شیوه‌های برقراری ارتباط مؤثر والدین با فرزندان
شیوه‌های فرزندپروری مثبت و اثربخش	شناخت ویژگی‌ها و ابعاد رشد فرزند و چگونگی پرورش آنها
فراهم‌سازی محیط حمایتی به منظور افزایش خلاقیت	روش‌های انگیزشی مؤثر برای فعال کردن فرزندان
آشنایی با فعالیت‌های اوقات فراغت فرزندان	آشنایی با نیازهای جامع کودک
شناخت و اصلاح مشکلات رفتاری کودکی و نوجوانی	شناخت و پذیرش تفاوت‌های فردی فرزندان
آشنایی فرزندان با آموزه‌های دینی و مذهبی	تربیت متناسب با جنسیت فرزند
سایر موضوعات پیشنهادی	تأثیر رفتار همسالان بر فرزندان

۱. رشد همه‌جانبه یعنی رشد همه ابعاد مختلف فرد مانند رشد جسمی - حرکتی، شناختی (ذهنی)، عاطفی، اجتماعی، زبانی و خلاقیت است.

هدف توانمندسازی ۶: هنرجو بتواند از روش های همکاری خانواده با مدرسه گزارشی ارائه دهد.

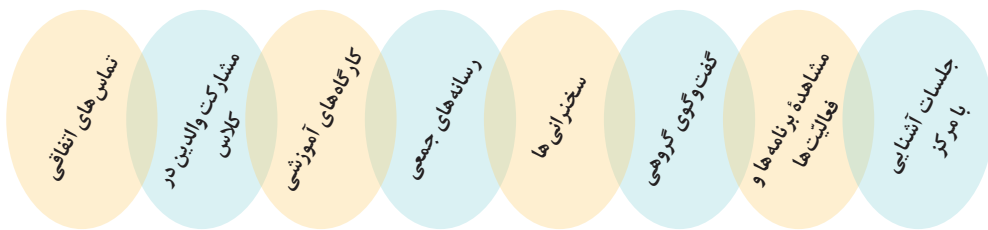
روش های همکاری خانواده با مدارس و سایر مراکز آموزشی

در گروه های کلاسی در مورد روش های برگزاری آموزش خانواده در هنرستان خود گفت و گو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۶



برنامه آموزش والدین شامل روش های متنوعی می شود که والدین از طریق آن، می توانند یاد بگیرند. بعضی از این فعالیت ها، برنامه ریزی شده هستند و بعضی به طور خودجوش رخ می دهند. در یک برنامه مؤثر ممکن است از روش های زیر استفاده شود (نمودار ۲).



نمودار ۲- روش های همکاری خانواده با مدارس

- ۱ **جلسات آشنایی با مرکز آموزشی:** این جلسات از اولین فرصت های یادگیری برای والدین است و فرصتی برای انتقال اطلاعات عمومی در مورد مرکز آموزشی و پاسخ به سؤالات والدین است.
- ۲ **مشاهده برنامه ها و فعالیت ها:** والدین می توانند نحوه عملکرد مرکز آموزشی و تعامل بین معلمان و دانش آموزان را از نزدیک مشاهده کنند. هر زمانی که والدین در کلاس حضور یابند، فرصتی برای مشاهده است. مشاهده فعالیت های دانش آموزان توسط والدین می تواند به تعامل مفید ارتباط آنها با فرزندانشان کمک کند.
- ۳ **گفت و گوی های گروهی:** این روش ابزار ارزشمندی برای آموزش والدین، به ویژه در زمانی است که توسط یکی از همکاران با تجربه هدایت شود. گروه ها می توانند بر یک موضوع خاص تمرکز کنند و یا علایق گروه، موضوع را تعیین کند و مشکلات خود را از طریق پرسش و پاسخ مطرح نمایند.
- ۴ **سخنرانی ها:** می توان از متخصصان رشته های مختلف برای صحبت در جلسات والدین دعوت کرد. سخنران باید علاقه مند و مطلع باشد.

۱. بهتر است حضور در کلاس همیشگی نباشد و گاهی با هماهنگی عوامل مدرسه و معلم صورت بگیرد.



مدیر یک هنرستان تصمیم دارد در ماه آذر یک جلسه آموزشی برای والدین برگزار کند. دو موضوع سخنرانی را با همفکری هنرآموزان و نیازسنجی از والدین تعیین می‌کند. با توجه به شناخت خود از هنرستان و مسائل موجود، دو موضوع پیشنهاد دهید:

الف) ...
ب) ...

- ۵ **رسانه‌های جمعی:** این رسانه‌ها وسیله‌ای برای مشارکت والدین هستند و به تقویت حس جمعی آنها کمک می‌کنند به راحتی می‌توانند اطلاعات و اخبار مرتبط با دانش‌آموزان را با یکدیگر مبادله کنند. این کار منجر به حس جمعی قوی‌تر می‌شود.
- ۶ **کارگاه‌های آموزشی:** والدین ممکن است در فعالیت‌هایی مشابه با فعالیت‌های فرزندانشان مشارکت کنند.
- ۷ **مشارکت والدین در کلاس:** بسیاری از والدین مهارت‌ها یا تخصص‌هایی مانند قصه‌گویی یا تهیه ابزار آموزشی یا ساخت کاردستی یا هنر خاصی دارند که برای مشارکت کوتاه‌مدت آنها در کلاس مفید خواهد بود و می‌توانند با این کار تغییر خوشایندی در کلاس ایجاد کنند.
- ۸ **تماس‌های اتفاقی:** این تماس‌ها معمولاً هنگام ورود دانش‌آموز به مدرسه و خروج او از مرکز یا با تماس‌های تلفنی والدین اتفاق می‌افتد. این تماس‌ها باید با هدف مبادله اطلاعات، جواب به سؤالات یا گفت‌وگو در مورد برنامه صورت گیرد.

هر نوع ارتباط والدین با معلمان اثر آموزشی دارد.



با توجه به روش‌های آموزش خانواده جدول زیر را کامل کنید:

روش‌های آموزش خانواده	اولویت‌بندی براساس نظر خود	نقطه قوت این روش	نقطه ضعف این روش
جلسات آشنایی			
گفت‌وگوهای گروهی			
مشاهده برنامه‌ها			
مشارکت در برنامه‌های کلاسی			
سخنرانی‌ها			
تماس‌های اتفاقی			
کارگاه‌های آموزشی			
رسانه‌های جمعی			

فعالیت ۲۹



با جست‌وجو در منابع علمی از روش‌های آموزش خانواده در مراکز آموزشی گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۰



با توجه به آنچه در زمینه آموزش خانواده یاد گرفته‌اید، بروشوری در مورد ضرورت و اهمیت آموزش خانواده برای والدین تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۱



برنامه‌ای برای همکاری خانه و مدرسه طراحی کنید:

گروه‌های پنج‌نفری تشکیل دهید.

هر عضو گروه، با والدین حداقل دو دانش‌آموز از اطرافیان و آشنایان در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کند:

۱ میزان ارتباط و همکاری آنها با معلم و مدرسه چقدر است؟

۲ چه همکاری‌های دیگری می‌توانند داشته باشند؟

۳ آیا مایل‌اند همکاری بیشتری با معلم و مدرسه داشته باشند؟

۴ چه موانع شخصی یا غیرشخصی برای افزایش این همکاری وجود دارد؟

۵ کدام یک از انواع روش‌های ارتباط و همکاری را می‌پسندند؟ چرا؟

۶ چه پیشنهادهایی برای گسترش ارتباط والدین با مدرسه و کلاس فرزندشان دارند؟

۷ آیا تا به حال به معلم و مسئولان مدرسه این پیشنهادهای را داده‌اند؟

برای انجام این فعالیت لازم است:

■ ابتدا سؤال را یادداشت کنید و پاسخ‌ها را به صورت فهرست درآورید.

■ پاسخ‌های مشابه را دسته‌بندی کنید و تعدادشان را در کنار پاسخ‌ها بنویسید.

■ می‌توانید این کار را با رسم یک جدول انجام دهید:

■ فراموش نکنید نوع شغل و تحصیلات پدرها و مادرها را نیز، در دو جدول مجزا فهرست کنید.

■ پس از تنظیم جدول‌ها نتایج بررسی خود را بنویسید و جمع‌بندی کنید.

با توجه به سؤالات و اطلاعات گردآوری شده، گزارش شما دو بخش می‌شود:

بخش اول: میزان و انواع همکاری‌های خانه و مدرسه را در کلاس نشان خواهد داد که به آن توصیف وضعیت موجود می‌گویند.

بخش دوم: شکل‌های جدید همکاری را با توجه به دیدگاه‌ها، پیشنهادهای و امکانات (وضعیت شغلی و تحصیلی والدین) عرضه می‌کند. ممکن است علاوه بر پیشنهادهای والدین، خود شما هم در فرایند کار ایده‌هایی بیابید؛ همین‌جا باید آنها را نیز مطرح کنید.

در پایان نیز می‌توانید احساس و نظر خودتان را درباره پژوهشی که انجام داده‌اید، مشکلاتی که در جریان کار برای شما پیش آمده است و میزان وقت و امکاناتی که صرف این کار کرده‌اید، بنویسید.

گزارشی از ارتباط و همکاری خانه و مدرسه و برنامه‌ریزی پیشنهادی برای افزایش همکاری تهیه کنید و فراموش نکنید در صفحه اول گزارش (صفحه عنوان)، بنویسید.

در پایین صفحه به ترتیب، ابتدا نام معلم، کلاس خودتان در سطر بعدی، نام تهیه‌کنندگان گزارش (خودتان)، در سطر بعدی تاریخ تهیه گزارش (ماه و سال) و در سطر پایانی نام مدرسه خودتان را بنویسید. در صفحه دوم نیز ضمن معرفی مدرسه‌ای که به آن مراجعه کرده‌اید، از مسئولان مدرسه و به ویژه مدیر، معلم و کسانی که با شما همکاری کرده‌اند، تشکر کنید و فراموش نکنید که یک نسخه از گزارش خود را به همان مدرسه ارائه کنید.

فعالیت پایانی

- ۱ فاطمه در پایه دهم برای ثبت نام رشته فنی و حرفه‌ای مشتاق است، اما خانواده از او می‌خواهند به رشته علوم تجربی برود. به نظر شما فاطمه چگونه می‌تواند خانواده را راضی کند در رشته مورد دلخواه ادامه تحصیل بدهد؟
- ۲ نازنین می‌خواهد در آینده مهارت گل‌آرایی و پرورش گل و گیاه را یاد بگیرد. به نظر شما در دوره متوسطه در کدام شاخه ثبت نام کند؟ اطلاعات لازم را برای او فهرست کنید.
- ۳ برای برگزاری برنامه‌های هفته مشاغل در هنرستان، والدین، چگونه می‌توانند مشارکت داشته باشند؟
- ۴ برای برنامه‌ریزی آموزش خانواده نیازسنجی کنید.
- ۵ گزارشی از شیوه‌های آموزش خانواده در هنرستان خود تهیه کنید.

شایستگی ۹

بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و آگاه نمودن سایر اعضای خانواده نسبت به حقوق خود



رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ
وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَعَلَى وُلْدِهِ فَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

(صحیح بخاری، ج ۳، باب نکاح)

همه شما نسبت به آنچه عهده‌دار شده‌اید مسئولید. زمامدار و امام مسئول ملت، مرد مسئول خانواده، زن مسئول امور منزل و فرزندان است. پس هر کس نسبت به انجام وظایف و حقوقی که به او واگذار شده، مسئول است.

واحد یادگیری ۱: شناخت مفاهیم حقوقی و رشته‌های آن

استاندارد عملکرد

شناخت مفاهیم و رشته‌های حقوقی و توسعه شناخت حقوق مدنی در خانواده و جامعه و در روابط بین فردی براساس منابع دینی - اسلامی و قوانین داخلی کشور و قوانین بین‌المللی

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت حقوق فردی و جمعی
- ۲ به‌کارگیری قوانین فردی و جمعی

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری قوانین عمومی و بین‌المللی
- ۲ شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها
- ۳ رعایت حقوق فردی و جمعی

هدف توانمندسازی ۱: هنرجو بتواند حقوق مدنی در خانواده را توضیح دهد.



شکل ۱

در گروه‌های کلاسی به شکل (۱) با دقت نگاه کنید و در مورد آن گفت‌وگو کنید.

فعالیت ۱



حقوق خانواده شاخه‌ای از حقوق مدنی است که به مقررات و قواعد شکل‌گیری، تداوم و انحلال خانواده می‌پردازد. خانواده نخستین واحد اجتماعی و یکی از اساسی‌ترین نهادهای جامعه، مرکب از زن و مرد است که ممکن است فرزندان هم داشته باشند. خانواده، روابط زناشویی خویشاوندی معینی است که مورد قبول جامعه است و حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر از ویژگی‌های آن شمرده می‌شوند. از جمله ویژگی‌های این بخش آن است که قواعدش با فرهنگ و تاریخ هر کشور ارتباط دارد. همچنین در قواعد حقوق خانواده، جنبه‌های نظم عمومی و اخلاق حسنه رعایت می‌شود.

مفاهیم اساسی در حقوق

تعریف حق

حق نوعی قدرت و توانایی است که قانون برای فرد محترم شمرده است، مانند حق مالکیت. با استفاده از این قدرت، افراد می‌توانند عملی را انجام دهند یا آن را ترک کنند. واژه حق به‌طور معمول به معنی حق فردی یا شخصی به‌کار می‌رود.

هر حقی سه رکن دارد:

۱ شخص یا اشخاصی که حق برای آنها و به نفع آنهاست، مانند

حق مالکیت برای مالک

۲ شخص یا اشخاصی که مقابل آن وظیفه دارند، مانند وظیفه

کارمند در مقابل حقوقی که دریافت می‌کند.

۳ مورد حق، یعنی آنچه به آن تعلق گرفته است (شکل ۲).



شکل ۲- حق فردی

موارد حق ممکن است به یکی از اشکال زیر باشد:

- «شیء» باشد، مانند حق مالک یک ماشین نسبت به آن ماشین؛
 - «منفعت» باشد، مانند کسی که خانه‌ای را اجاره کرده، نسبت به «منافع» آن خانه که در آن سکونت دارد؛
 - حق می‌تواند به «دین» تعلق گیرد، مانند حق طلبکار نسبت به طلبی که از دیگری دارد. او می‌تواند حق خود را مطالبه کند یا آن را به بدهکار ببخشد؛
 - در بعضی از موارد به «فرد» تعلق می‌گیرد، مانند حق پدر نسبت به فرزند.
- هر حقی دست کم باید یکی از سه اثر زیر را داشته باشد:
- الف) فردی که صاحب حق است می‌تواند از حق خود بگذرد، مانند طلبکاری که حق خود را به بدهکاری می‌بخشد.
- ب) فردی که صاحب حق است، می‌تواند حق خود را به دیگری منتقل کند، مانند صاحب خانه‌ای که حق سکونت در ملک خود را به مستأجر منتقل می‌کند.
- ج) حق این قابلیت را نیز دارد که بدون اراده صاحب حق به دیگری منتقل شود، مانند حق ارث، به گونه‌ای که هرگاه مالک خانه‌ای از دنیا برود، حق مالکیت او به کسانی که از او ارث می‌برند، منتقل می‌شود.

رابطه حق و تکلیف

هر فرد در طول زندگی اجتماعی خویش، نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کند. زمانی کودک، دانش‌آموز، دانشجو، همسر، مادر و... است و در هر یک از این موقعیت‌ها در مقابل افراد دیگر وظایفی به عهده دارد. منظور از تکلیف در مباحث حقوقی، دستور و فرمانی است که در حکم وظیفه برای فرد صادر می‌شود. وظایف فرد در اجتماع مجموعه رفتارها و نقشی است که در جامعه می‌پذیرد، اعمالی است که فرد باید براساس آن عمل کند. در قوانین و مقررات حقوقی، چنانچه فرد به وظایف خویش عمل کند، صاحب حق می‌شود. کارمندی که به وظایف خویش عمل می‌کند، مستحق دریافت حقوق می‌شود، اما اگر به وظایف خود عمل نکند، حقوقی طلب ندارد. بنابراین حق و تکلیف، با هم ارتباط تنگاتنگ و متقابل دارند.

فهرستی از حق‌هایی را که شما در خانواده دارید، تهیه کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲



تعریف حقوق

حقوق مجموعه مقرراتی است که در زمانی معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند و به وسیله دولت تضمین و حمایت می‌شود. قواعد حقوقی به روابط بین افراد یک اجتماع از آن نظر که عضوی از اعضای اجتماع‌اند، حکومت می‌کند. بنابراین، اگر انسانی تنها و دور از اجتماع فرض شود، از نظر حقوقی برای او حق و تکلیفی قابل تصور نیست (شکل ۳).



شکل ۳- حقوق

اوصاف قواعد حقوقی

هر قاعده حقوقی دارای اوصاف زیر است:

(الف) قواعد حقوقی الزام‌آور است: یعنی افراد اجتماع باید به آن قواعد پای‌بند باشند و به آنها عمل کنند.
(ب) قواعد حقوقی کلی و دائم است: به این معنی که تک‌تک افراد اجتماع، در هر مقامی که باشند، باید از

قانون پیروی نمایند و تا زمانی که قانون حاکم است، همگان باید به آن عمل کنند.

(ج) رعایت آن از طرف دولت تضمین شده است: اگر کسی به این قواعد بی‌اعتنا باشد و حق دیگری را پایمال کند، صاحب حق می‌تواند به مراجع قانونی شکایت کند. در این صورت قانون از صاحب حق حمایت و با طرف مقابل طبق قانون برخورد می‌کند (شکل ۴).



شکل ۴- قواعد حقوقی

هدف حقوق

حقوق دانان برای حقوق سه هدف مهم برمی‌شمارند:

(الف) برقراری نظم در جامعه: از مهم‌ترین مصالح اجتماع است و بدون آن افراد اجتماع هرگز به هدف‌های دیگر خود نخواهند رسید.

(ب) تأمین عدالت میان افراد اجتماع: لازمه برقراری عدالت در جامعه رعایت حقوق مساوی برای افراد آن اجتماع است.

(ج) پیشرفت تمدن و فرهنگ ملت‌ها: قواعد حقوقی با پیشرفت فرهنگ و باورهای جامعه متحول می‌شوند. پس قواعد حقوقی باید همواره با اوضاع اجتماع منطبق باشند.

نکته

انسان‌ها از هر قوم و نژادی که باشند، علاوه بر قواعد حقوقی، نسبت به قواعد دیگری نیز متعهد هستند. قواعدی که گاهی خود منشأ قواعد حقوقی قرار می‌گیرند.



فعالیت ۳

در گروه‌های کلاسی در مورد رابطه حقوق با سایر قواعد اجتماعی در منابع علمی تحقیق کنید و نتیجه را به صورت گزارش در کلاس ارائه دهید.



رشته‌های گوناگون حقوق

به نظر شما آیا حقوق فقط مربوط به حقوق فردی مانند حق فرزند نسبت به والدین یا حق مالکیت است؟ پاسخ خود را با دلیل در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۴



اجتماع دارای واحدهای کوچک و بزرگ است. خانواده کوچک‌ترین و جامعه جهانی بزرگ‌ترین واحدهای اجتماعی انسان‌اند. از سوی دیگر اجتماعات گوناگونی مانند مدرسه، کارخانه، شرکت، وزارتخانه و... وجود

دارند، که هر یک دارای قواعد و مقرراتی هستند. بنابراین حقوق نیز به رشته‌های متعدد تقسیم می‌شود:

۱ حقوق ملی یا داخلی

مجموعه مقرراتی است که روابط بین افراد یک کشور را با یکدیگر و با دولت خود تنظیم می‌کند که شامل دو شاخه عمومی و خصوصی است.

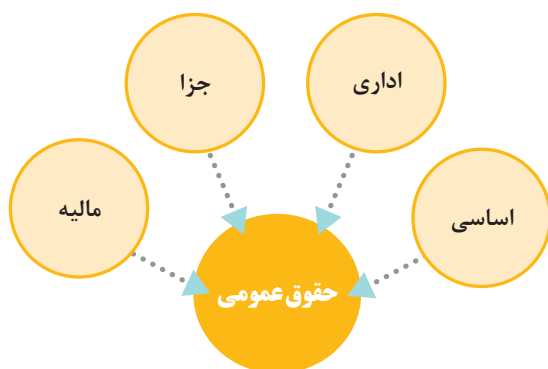
حقوق عمومی: قواعدی است که بر روابط دولت و مأموران آن با افراد جامعه حکومت می‌کند و موجب نظم در سازمان‌های دولتی می‌شود.

حقوق خصوصی: قواعدی است که بر روابط خصوصی افراد یک کشور حکومت می‌کند و هدف آن تأمین منافع اشخاص است (نمودار ۱).



نمودار ۱- انواع حقوق

شایستگی ۹: بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و ...



نمودار ۲- حقوق داخلی عمومی

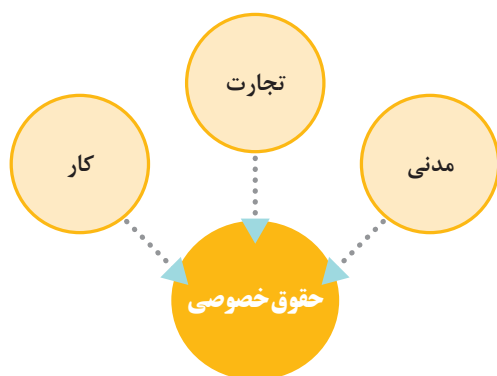
■ **شعبه‌های حقوق داخلی عمومی:** حقوق عمومی قواعدی است که در روابط دولت و مأموران آن با مردم اعمال می‌شود و همچنین قواعد مربوط به روابط نهادهای مختلف حکومت با هم و نیز قواعد مربوط به روابط دولت‌ها با هم که موجب نظم در سازمان‌های دولتی می‌شود. حقوق عمومی دارای شعبات زیر است (نمودار ۲).

- ۱ **حقوق اساسی:** مجموعه قواعد حقوقی است که بر پایه جهان بینی و شناختی از انسان و جامعه، مشروعیت می‌یابد و اهداف و وظایف حکومت را در برابر مردم تبیین می‌کند. منبع اصلی حقوق اساسی ما قانون اساسی جمهوری اسلامی است.
- ۲ **حقوق اداری:** مجموعه قواعد مربوط به اشخاص حقوقی، اداری و تشکیلات و وظایف دولتی و شهرداری‌ها و روابط این سازمان‌ها با هم و با مردم است.
- ۳ **حقوق مالیه:** قواعد مربوط به وضع مالیات‌ها و عوارضی است که مأموران دولت از افراد مطالبه می‌کنند. همچنین مقررات ناظر به بودجه عمومی و وظایف دیوان محاسبات است.
- ۴ **حقوق جزا:** مجموعه قواعدی است که از چگونگی مجازات اشخاص از طرف حکومت بحث می‌کند و می‌تواند جرایم ضدحکومتی (عمومی) یا خصوصی باشد.

نکته



البته در حقوق جزا تنها سخن از جرایم ضدحکومتی یا حقوق عمومی نیست و بسیاری از قواعد آن از حقوق خصوصی اشخاص در برابر هم حمایت می‌کند. به همین جهت برخی از صاحب‌نظران، حقوق جزا را ترکیبی از حقوق عمومی و خصوصی دانسته‌اند.



نمودار ۳- حقوق داخلی خصوصی

■ **شعبه‌های حقوق داخلی خصوصی:** مجموع قواعد حاکم بر روابط افراد نسبت به یکدیگر است و هدف آن تأمین منافع شخصی است. مانند تعهدات اشخاص نسبت به یکدیگر. حقوق خصوصی دارای شعباتی است که به سه مورد آن در صفحه بعد اشاره می‌شود (نمودار ۳).

۱ حقوق مدنی: مهم‌ترین و معروف‌ترین بخش حقوق خصوصی حقوق مدنی است. حقوق خانواده شاخه‌ای از حقوق مدنی است که به مقررات و قواعد شکل‌گیری، تداوم و انحلال خانواده می‌پردازد. حقوق مدنی روابط اشخاص را تنها از این لحاظ که عضو جامعه هستند، تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر حقوق مدنی شامل روابط مالی و خانوادگی افراد جامعه با یکدیگر است.

۲ حقوق تجارت: مجموع قواعدی است که بر روابط تجاری و اعمال تجاری حکومت می‌کند

۳ حقوق کار: حقوق کار بر همه روابط حقوقی ناشی از انجام کار برای دیگری حاکم است.

حقوق بین‌المللی: مجموعه قوانین و مقرراتی است که بر روابط بین کشورهای مختلف حاکم است که در دو شاخه عمومی و خصوصی قرار می‌گیرد.

۱ حقوق بین‌الملل عمومی: رشته‌ای از علم حقوق است که از روابط دولت‌ها با هم بحث می‌کند و گاه از آن به حقوق بشر هم تعبیر می‌شود.

۲ حقوق بین‌الملل خصوصی: این حقوق رابطه اشخاص را در زندگی بین‌المللی تنظیم می‌کند. مباحثی مانند اینکه تابعیت و حقوق اقلیت‌ها و روابط حقوقی اشخاص در زندگی بین‌الملل تابع چه قانونی است، در این بخش قرار می‌گیرد.

در مورد انواع حقوق در جامعه خود در منابع علمی و اسلامی جست‌وجو کنید و نتیجه را به صورت پوستر در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۵



هدف توانمندسازی ۲: هنرجو بتواند از حقوق مدنی در خانواده گزارش ارائه دهد.

مباحث حقوق مدنی

آیا تا به حال چیزی را به کسی فروخته‌اید و یا با دوست و یا خواهر و برادر خود معامله‌ای داشته‌اید؟ تجربه خود را در کلاس به اشتراک بگذارید.

فعالیت ۶



قوانین و مقررات مدنی به سه بخش کلی تقسیم می‌شود:

۱ اموال **۲ اشخاص** **۳ دلایل اثبات دعوا**

۱ اموال: در اصطلاح حقوقی، مال به چیزی گفته می‌شود که قابل خرید و فروش باشد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته باشد. به عبارت دیگر، آنچه افراد در مقابل آن پول یا چیز دیگری بپردازند، مال نامیده می‌شود.

شایستگی ۹: بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و ...

حق بهره‌برداری افراد از اموال: انسان برای زندگی به اموال گوناگون نیاز دارد. لباسی که بپوشد، غذایی که بخورد، خانه‌ای که در آن سکونت کند و...

بهره‌برداری افراد از اموال باید با مجوز قانونی باشد. از نظر قانون، فردی می‌تواند از مالی بهره‌برداری کند که یا مالک آن باشد یا از راه‌های دیگر مثل اجاره، رهن و... اجازه استفاده از آن را داشته باشد یعنی مالک آن مال به او اجازه استفاده را داده باشد. یکی از راه‌های بهره‌برداری از اموال خرید آنهاست. راه دیگر مالکیت ارث است. به این معنی که اموال فرد پس از فوت او به وارثان او می‌رسد و آنها مالک به حساب می‌آیند.

فعالیت ۷



محمد به دوستش می‌گوید برای خرید ماشین یک میلیون تومان به پرویز قرض داده‌ام. او برای گرفتن پول خود به چیزی نیاز دارد؟ در این مورد، در منابع حقوق اسلامی جست‌وجو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۸



در مورد قوانین ارث در حقوق اسلامی تحقیق کنید و نتیجه را به‌صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.

۲ اشخاص: بخش دوم قانون مدنی در خصوص اشخاص است. طبق قانون، هر فرد ایرانی از حقوق مدنی جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند حق بهره‌مندی یا حق اجرای حقوق مدنی را از دیگری یا از خود سلب کند. این حقوق با تولد انسان آغاز و با مرگ او تمام می‌شود. روابط بین افراد خانواده می‌تواند جنبه حقوقی نیز داشته باشد، مانند زمانی که خواهری از برادرش وسیله‌ای بخرد. در این موارد ارتباط این دو فرد از نظر خریدار و فروشنده وجهه قانونی می‌یابد (نه از جنبه یک خواهر و برادر).

فعالیت ۹



در گروه‌های کلاسی با جست‌وجو در منابع علمی در ارتباط با حقوق شهروندی گزارشی تهیه و در کلاس ارائه دهید.

قوانین شناسنامه (ثبت احوال)

این بخش از حقوق مدنی درباره ثبت اطلاعات مربوط به اشخاص است. طبق قوانین و مقررات مدنی هر فرد باید وقایعی چون ولادت هر طفل، ازدواج، طلاق و وفات را در دفاتر اسناد رسمی کشور به ثبت برساند. چنانچه این وقایع به‌طور رسمی ثبت نشوند، علاوه بر آنکه، فرد از نظر قانون مجرم شناخته می‌شود، خود نیز با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد. کسی که شناسنامه نداشته باشد در موارد بسیار دچار مشکل خواهد شد (مانند محروم شدن از داشتن حساب بانکی، مشاغل در بخش‌های دولتی، عدم دریافت مجوز کسب‌وکار و...). هر فرد باید اسناد رسمی مربوط به خود را کاملاً حفظ و نگهداری کند. اسنادی چون شناسنامه، کارت ملی، سند رسمی ازدواج، اسناد مالکیت و... را هرگز نباید در اختیار دیگری گذاشت، زیرا علاوه بر امکان مفقود شدن و از بین رفتن آنها، امکان سوءاستفاده از آنها نیز وجود دارد (شکل ۵).



شکل ۵- اسناد رسمی شخصی

در مورد مراحل گرفتن شناسنامه برای نوزادان جست‌وجو کنید و نتیجه را در کلاس به صورت بروشور ارائه دهید.

فعالیت ۱۰



۳ دلایل اثبات دعوا: برای اثبات دعوا راه‌های مختلفی وجود دارد:

سلمان: این خانه را برای مدت یک سال اجاره کرده‌ام.

جلال: یک میلیون تومان به پرویز قرض داده‌ام.

سهیل: این ماشین من است.

این افراد چگونه می‌توانند ادعای خود را ثابت کنند؟

یکی از راه‌های اثبات دعوی اسناد رسمی است. اگر سلمان اجاره‌نامه داشته باشد و جلال رسید کتبی یا

چک از پرویز داشته باشد یا سهیل سند ماشین داشته باشد، می‌توانند ادعای خود را به اثبات برسانند.

از راه‌های دیگر اثبات یک ادعا، اقرار است. اقرار به معنای خبر دادن از حقی برای دیگری و به ضرر خود

فرد است. مثل این که بدهکار خودش بگوید که من به فردی بدهی دارم یا کسی که چیزی را در اختیار

دارد، بگوید این شیء مال من نیست و مال دیگری است. به این وسیله حق برای دیگری اثبات می‌شود.

از راه‌های دیگر اثبات دعوی، شهادت است. شهادت به معنای خبر دادن فرد از وقوع امری است.

لازم است هر فرد کارهای خود را به‌گونه‌ای انجام دهد تا در موقع

لزوم بتواند ادعای خود را اثبات یا ادعای دیگری را نسبت به اموال

خود رد کند. اگر پولی به کسی قرض می‌دهید از او رسید بگیرید،

حتی اگر آن فرد به شما نزدیک باشد. اگر خانه یا خودرویی خریدید،

سند آن را قبلاً ملاحظه کنید، همچنین به سند مالکیت خود پس

از خرید توجه کنید. اگر شیء گران‌بهایی مثل فرش، طلا یا لوازم

دیگر خریداری می‌کنید، کاغذ خرید یا فاکتور بگیرید (شکل ۶).



شکل ۶- شماره ماده قانون مدنی^۱

۱. مطابق ماده (۱۲۷۵ قانون مدنی)، «هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی غلبه شخصی (کسی را گویند که ادعا بر علیه

او اقامه شده است) هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر به عهده اوست».

فعالیت ۱۱



با جست‌وجو در منابع علمی و گفت‌وگو با فرد آگاه مانند یک وکیل:
الف) سه نوع از سندهایی را که هر فرد باید داشته باشد و آن را حفظ کند، به صورت گزارش به هم‌کلاسی‌های خود معرفی کنید.
ب) تصویر این سندها را در کلاس نمایش دهید.
ج) از مشکلات فردی که برای اثبات مدعای خود سند نداشته باشد، گزارشی در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۱۲



سلمان می‌گوید این خانه را برای مدت یک‌سال اجاره کرده‌ام. چگونه می‌تواند ادعای خود را ثابت کند؟ نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

فعالیت‌های پایانی

- با پنج تن از دوستان و آشنایان خود مصاحبه و نقش مختلف آنها را در جامعه مشخص کنید. سپس از آنها بپرسید که به‌عنوان دختر خانواده یا یک دانش‌آموز یا... چه چیزهایی را حق خود می‌دانند و در مقابل چه وظایفی دارند. در پایان، مصاحبه‌ها را بررسی کنید و نظر خود را بنویسید.
- جدولی به صورت زیر ترسیم کنید و با مراجعه به کتاب قانون مدنی، هر یک از مباحث ذکر شده را در جای خود قرار دهید؛ شرکت، تابعیت، اسناد، قرض، وکالت، صلح، شرایط نکاح، وصایا، ارث، شرایط شهادت، مهر، نگهداری و تربیت اطفال و شرایط اقرار.

اموال	اشخاص	اثبات دعوا

واحد یادگیری ۲: به کارگیری قوانین و احکام ازدواج

استاندارد عملکرد

پرورش آگاهی از شروط و قوانین ازدواج با هدف استحکام بخشیدن به دوام خانواده از طریق منابع دینی - اسلامی و قوانین داخلی کشور

شایستگی های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت قوانین و احکام ازدواج
- ۲ پرورش آگاهی از آداب و شروط ازدواج
- ۳ به کارگیری قوانین و شرایط ازدواج
- ۴ پرورش آموزه های دینی در ازدواج

شایستگی های غیر فنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری
- ۲ مسئولیت پذیری

هدف توانمندسازی ۳: هنر جو بتواند قوانین و احکام ازدواج را توضیح دهد.

فعالیت ۱۳



در گروه‌های کلاسی در مورد مفهوم شکل ۷ گفت‌وگو کنید و برداشت خود را در کلاس ارائه دهید.



شکل ۷

مقدمات ازدواج

از نظر اسلام ازدواج و تشکیل خانواده امر مقدسی است که روح و جسم دو انسان را به یکدیگر پیوند می‌زند. نظم و دوام جامعه نیز بستگی به دوام و نظام خانواده دارد. در همین کانون گرم خانوادگی است که تکامل، رشد و سعادت زن و مرد و نسل آینده فراهم می‌شود. ازدواج با مقدمات ازدواج، شروط ازدواج، انواع ازدواج و... همراه است:

خواستگاری

خواستگاری از مقدمات ازدواج است. این سنت ریشه در تاریخ بشر دارد و از نظر قانونی نیز به آن توجه می‌شود. خواستگاری تقاضای ازدواج از زن است که سبب آشنایی دو خانواده و دو فرد می‌شود و می‌تواند فرصت خوبی برای شناخت دختر و پسر باشد. از کسی که ازدواج با او صحیح نیست، نمی‌توان درخواست ازدواج کرد؛ مانند زنی که دارای همسر است و...

خواستگاری هیچ تعهدی برای طرفین ایجاد نمی‌کند، یعنی هر دو نفر به راحتی می‌توانند از ادامه رفت و آمد یا اقدام‌های بعدی خودداری کنند. در جامعه ایران به دلیل وابستگی خانواده‌ها به یکدیگر و برای ایجاد تداوم و استحکام زندگی مشترک، علاوه بر میل و رضایت دختر و پسر، رضایت خانواده‌های ایشان هم از اهمیت زیادی برخوردار است (شکل ۸).



شکل ۸- خواستگاری

نامزدی

گاهی دو نفر که تصمیم به ازدواج با هم گرفته‌اند و شرایط یکدیگر را پذیرفته‌اند، به دلایلی پیمان نهایی را نمی‌بندند، اما برای اینکه زمینه ازدواج را آماده سازند و در آینده نیز به وقوع آن اطمینان داشته باشند، در برابر هم متعهد می‌شوند که فعلاً نامزد شوند تا در آینده با هم ازدواج کنند. البته این قرار با مشورت و صلاح‌دید دو خانواده صورت می‌گیرد. دو نوع نامزدی داریم:

- **مدل عرفی:** که همچنان زن و مرد نامحرم هستند ولی به تصور نامزد بودن با هم مرتبط می‌شوند؛
- **مدل زمان‌دار:** که در برخی خانواده‌ها دختر و پسر به صورت محدود و زمان‌دار محرم می‌شوند تا بیشتر با هم آشنا شوند و البته بعد از اتمام این دوره می‌توان این رابطه را ادامه نداد.

نکته

صرف مراسم نامزدی کسی را محرم نمی‌کند، پس بهتر است با شروط و محدودیت‌هایی با هم محرم شوند و اگر محرم نمی‌شوند بدانند صرفاً یک قول داده‌اند و تعهد شرعی و قانونی در میان نیست. در این صورت اگر دختر یا پسر یا خانواده‌های ایشان هدایایی به طرف مقابل داده باشند، می‌توانند آن را مطالبه کنند.



شروط ازدواج

عقد که پیمانی مقدس است، دارای شروطی است. بعضی از آنها برای درستی نکاح لازم‌اند که به آنها **شروط ایجابی** گفته می‌شود و بعضی از شروط نباید وجود داشته باشند تا عقد ازدواج درست باشد که به آن **شروط سلبی** یا **موانع نکاح** گفته می‌شود.

شروط ایجابی ازدواج: ازدواج شروطی دارد از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **الف) قصد و رضایت طرفین ازدواج به پیوند زناشویی:** به این معنی که زن و مرد باید قصد ایجاد زندگی مشترک داشته باشند و با رضایت باطنی با یکدیگر پیمان ببندند.



شکل ۹- سلامت عقل و رعایت سن

- **ب) سلامت عقل و رعایت سن ازدواج:** از نظر قانون، ازدواج قبل از سن بلوغ ممنوع است، مگر در موارد ویژه‌ای که قانون معین کرده باشد. برای ازدواج دختر باکره (دختری که قبلاً ازدواج نکرده باشد) رضایت و اذن پدر دختر لازم است، گرچه دختر به سن بلوغ رسیده باشد^۱ (شکل ۹).

نکته

برای تحقق پیمان زناشویی حتی با وجود این شرایط و نبودن موانعی که ذکر خواهد شد، باید صیغه عقد جاری و در دفتر اسناد رسمی ثبت شود. ثبت نکردن ازدواج جرم محسوب می‌شود.



۱. طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی ایران: «نکاح دختر باکره، اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری او فوت کرده باشد یا غایب باشد (دسترسی به او امکان پذیر نباشد)، دیوانه یا سفیه باشد؛ مانند کسی که مال خود را در کارهای بیهوده صرف کند و نتواند در موارد مالی عاقلانه عمل کند و یا اینکه خود تحت قیومیت و سرپرستی اشخاص دیگر باشد، در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و با حضور شهود نسبت به ثبت ازدواج اقدام کند».

شایستگی ۹: بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و ...

شروط سلبی ازدواج: ازدواج با بعضی از افراد ممنوع است. این افراد عبارت‌اند از:

- خویشاوندان نسبی: یعنی کسانی که با شخص نسبت خونی دارند. خواهر و برادر، خاله، دایی، عمو، عمه و... از این جمله هستند؛
- خویشاوندان سببی: یعنی کسانی که به سبب ازدواج دو نفر با یکدیگر، با آنها نسبت پیدا کرده‌اند. با بعضی از ایشان مانند زن پدر و مادر زن، هیچ‌گاه نمی‌توان ازدواج کرد.

نکته

با بعضی دیگر به‌طور موقت ازدواج ممنوع است، مانند خواهر زن. به این معنی که مرد نمی‌تواند تا زمانی که زنی همسر اوست با خواهر آن زن هم ازدواج کند. بنابراین ازدواج با دو خواهر به‌طور هم‌زمان ممنوع است.



- کسانی که از طریق رضاع یا شیرخوارگی به انسان محرم شده‌اند؛ مانند خواهر رضاعی (برای پسر) و برادر رضاعی (برای دختر)، البته این در صورتی است که تمام شرایط شیرخوارگی که در قانون ذکر شده است، وجود داشته باشد.
- با زن شوهردار
- زنی که در ایام عده^۱ به سر می‌برد؛
- در حال احرام (هنگام زیارت خانه خدا) ممنوع است؛
- زن مسلمان با مرد غیرمسلمان جایز نیست. ازدواج زن ایرانی با مرد مسلمان تبعه^۲ خارجی ممنوع نیست ولی به اجازه^۳ مخصوص از طرف دولت نیاز دارد.

فعالیت ۱۴



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

الف) پروانه به فردی علاقه‌مند شده و مایل است با او ازدواج کند، درحالی که خانواده او از این موضوع اطلاعی ندارند. چه سفارش‌هایی برای او دارید؟

ب) بین شهرام و مژگان صیغه^۴ شرعی عقد جاری شده است. آیا لازم است آنها برای ثبت این ازدواج به دفاتر رسمی ازدواج مراجعه کنند. چرا؟

ج) مادر پرستو، پسرخاله او را با تمام شرایط لازم برای محرمیت شیر داده است. آیا این دو نفر می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

د) عسل با مردی که تبعه^۵ گرجستان است قصد ازدواج دارد. به چه مواردی باید توجه کند؟

فعالیت ۱۵



با جست‌وجو در قانون مدنی در مورد ازدواج دختران در سن بلوغ تحقیق کنید. قوانین را با ذکر شماره جمع‌آوری کنید و به‌صورت بروشور در کلاس ارائه دهید.

۱. عده یا زمان انتظار شرعی زن پس از طلاق یا وفات شوهر برای ازدواج مجدد. عده طلاق برای زن باردار تا زمان وضع حمل است و برای زن غیرباردار سه طهر یعنی سه بار پاکیزگی بعد از عادت ماهانه. زن یائسه؛ عده طلاق ندارد. عده وفات برای همه زنان، چهار ماه و ده روز است.



در مورد شرایط ازدواج دختر ایرانی با مرد خارجی در منابع حقوق اسلامی جست‌وجو کنید. قوانین را یادداشت کنید و بروشوری در این زمینه در کلاس ارائه دهید.

انواع ازدواج



در گروه‌های کلاسی براساس تجربه خود در مورد انواع ازدواج گفت‌وگو کنید.



شکل ۱۰- سند ازدواج

با ثبت ازدواج بین زن و شوهر، آنها به عقد هم درمی‌آیند. ازدواج به دو نوع دائم و موقت تقسیم می‌شود که در بعضی آثار و احکام با یکدیگر تفاوت دارند. (شکل ۱۰)



شکل ۱۱- ازدواج دائم

ازدواج دائم: بیشترین ازدواجی که صورت می‌گیرد، عقد ازدواج دائم است. در این نوع نکاح، زن و مرد متعهد می‌شوند برای همیشه در کنار یکدیگر زندگی کنند و هدف از آن تشکیل خانواده و فرزندآوری است (شکل ۱۱).

ازدواج منقطع: گاهی به دلایلی مانند مشکلات مالی و... زن و مرد می‌خواهند تنها برای مدت معینی عقد نکاح بین آنها واقع شود. به این ازدواج، ازدواج منقطع یا موقت گفته می‌شود. در این صورت مدت نکاح و مهر را باید کاملاً مشخص کنند وگرنه عقد باطل است. در این عقد تشکیل خانواده در نظر نیست. ازدواج موقت

شایستگی ۹: بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و ...

به تمامی شرایط ازدواج دائم از قبیل: حرام نبودن ازدواج طرفین با یکدیگر، قصد طرفین، رضایت پدر دختر باکره و خواندن صیغه عقد و... نیاز دارد و همچنین ممنوعیت ازدواج همزمان زن با مرد دیگر و قانون عده و... با شرایط خاص خودش برقرار است.

تفاوت اصلی ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که ازدواج موقت از لحاظ حدود و قیود ساده‌تر است و طرفین تعهد کمتری به همدیگر دارند و عمده تعهدات، وابسته به اراده و قرارداد طرفین است. لذا در این عقد مرد از دادن نفقه (مخارج زندگی از جمله: خوراک، پوشاک و...) و اطاعت زن از شوهر در مسائل زناشویی معاف خواهند شد. همچنین به جای طلاق، مرد باید باقی مدت عقد را ببخشد و گرنه با رسیدن به آخرین مهلت تعیین شده در عقد، محرمیت بین زوجین تمام خواهد شد.

هدف توانمندسازی ۴: هنرجو بتواند گزارشی از قوانین و احکام ازدواج ارائه دهد.

حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر

حقوق خانواده قادر به نفوذ در خانواده است، ولی برای شکل‌گیری نظام خانواده کافی نیست. روابط خانوادگی را نمی‌توان صرفاً براساس قوانین و نظام حقوقی تنظیم کرد. بلکه این اخلاق و فرهنگ و مذهب و عادات و رسوم اجتماعی است که رفتار متقابلی برای زن و شوهر مقرر داشته است. مقررات حقوقی، رفتار متعارف را در قانون



شکل ۱۲- لزوم قوانین حقوقی برای حل اختلاف زوجین

عنوان کرده تا در صورت بروز اختلاف بین زن و شوهر به آنها یادآوری کند که در مقابل یکدیگر چه حقوق و تکالیفی دارند. مطابق قانون مدنی حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر شامل مواردی است که در نهایت منجر به حسن معاشرت، سکونت مشترک و همکاری در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزندان می‌شود.

ازدواج از جمله قراردادهایی است که دارای دو جنبه مالی و غیرمالی است. نفقه و مهریه از جمله امور مالی و همکاری زن و شوهر در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزندان از جمله امور غیرمالی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود (شکل ۱۲).

الف) حقوق غیرمالی

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، به تحکیم و استواری بنیان خانواده توجه ویژه شده است. در حقوق اسلامی هریک از زن و شوهر وظایف و نیز حقوقی بر عهده دارند، که به برخی از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

- رفتاری نیکو نسبت به یکدیگر داشته باشند؛
- در گرما بخشیدن به کانون خانواده و تربیت فرزندان یکدیگر را یاری کنند؛
- براساس مصالح خانواده عمل کنند، به طوری که حتی حرفه، صنعت و شغل آنها با مصالح خانوادگی طرفین منافات نداشته باشد؛

- زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکونت کند مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد؛ زیرا در روابط زوجین مسئولیت خانواده از وظایف شوهر است؛
- به نظر یکدیگر توجه کنند؛
- به وظایف زناشویی خود عمل کنند. در قانون، به انجام وظایف زن در برابر شوهر «تمکین خاص» گفته می‌شود. تمکین از وظایف زن و حقوق شوهر شمرده می‌شود.

فعالیت ۱۸



در خانواده‌های اطرافیان خود در مورد حقوق غیرمالی که بین همسران اجرا می‌شود، تحقیق کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

ب) حقوق مالی

در عقد ازدواج حقوق مالی تنها به زن اختصاص دارد، مگر آنکه مرد حق یا حقوق مالی به نفع خود در عقد ازدواج شرط کرده باشد. حقوق مالی زن شامل دو بخش مهر و نفقه می‌شود:

۱ مهر (صداق): مهر یا صداق مالی است که مرد هنگام عقد آن را به زن پیشکش می‌کند یا متعهد می‌شود در آینده به او بپردازد. هر چیزی که مال به حساب آید و بتوان آن را مالک شد، می‌تواند مهریه قرار گیرد. هر چند شرعاً و قانوناً برای مهریه حد خاصی مشخص نشده اما در روایات دینی تأکید و تشویق شده مهریه از سمت خانم کم و در حد توان مرد تعیین شود و از مهریه‌های نجومی که غیرقابل پرداخت است اجتناب شود. مقدار مهریه به رضایت طرفین بستگی دارد و مرسوم است که قبل از عقد درباره میزان و نوع مهریه توافق شود. گاهی نیز پس از عقد، طرفین مقدار آن را معین می‌کنند و به هر حال در سند ازدواج ثبت می‌شود. به این مهریه که در سند ازدواج ثبت می‌شود در اصطلاح **مهرالمُسمی** می‌گویند.



شکل ۱۳- صداق یا مهر

اگر قبل یا پس از عقد مقدار مهریه مشخص نشده باشد و از آن نامی برده نشود، عقد ازدواج دائم صحیح است، اما ازدواج منقطع یا موقت بدون ذکر مهریه باطل است. با انجام عقد نکاح زن مالک مهریه می‌شود و هر تصرفی در مهریه آن برای او جایز است. اگر مهریه وجه رایج (پول) باشد بر طبق قانون، در زمان پرداخت، با ارزش همان زمان محاسبه و پرداخت می‌شود، مگر اینکه زن و شوهر در حین اجرای عقد به نحو دیگری توافق و آن را ثبت کنند (شکل ۱۳).

فعالیت ۱۹



در مورد موضوعات زیر در منابع علمی و قانون مدنی جست‌وجو کنید و نتیجه را به صورت پوستر در کلاس ارائه دهید.

- ۱ قوانین تعیین مهریه
- ۲ انواع مهریه
- ۳ مشکلات تعیین مهریه زیاد و خارج از حد توانایی مرد

فعالیت ۲۰



فهرستی از انتظارات خود از همسر آینده‌تان را تهیه کنید و فهرست تهیه شده را مطالعه کنید و موارد زیر را پاسخ دهید:

- ۱ فهرست را اولویت‌بندی کنید.
- ۲ چه مواردی به نظر شما لازم نیست در فهرست باشد؟
- ۳ چه مواردی باید در فهرست شما در اولویت باشد؟
- ۴ گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۱



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوع زیر در منابع علمی و افراد متخصص جست‌وجو کنید و نتیجه را به صورت پوستر در کلاس ارائه دهید:
اگر شما قانونگذار بودید چه معیارهایی را به صورت قانونی برای تعیین مهر مشخص می‌کردید؟

۲ نفقه: نفقه عبارت است از کلیه هزینه‌های زندگی زن شامل مسکن، خوراک، پوشاک و لوازم منزل که به عهده شوهر است و به طور متعارف باید مناسب موقعیت زن باشد. هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز نفقه محسوب می‌شوند. اگر زن عادت به خدمتکار داشته باشد، یا به دلیل بیماری نیاز به خدمتکار داشته باشد، خدمتکار نیز نفقه به حساب می‌آید. همان‌گونه که گفته شد در ازدواج دائم بر عهده مرد است که نفقه زن را بپردازد و اگر به این وظیفه خود عمل نکند، زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و از طریق قانون حق خود را مطالبه کند. البته چنانچه زن بدون دلیل و مجوز شرعی از انجام وظایف زناشویی خودداری کند، مستحق نفقه نیست.

نکته



در ازدواج موقت، زن حق نفقه ندارد. مگر آنکه از آغاز شرط کند و شوهر این شرط را پذیرفته باشد.

فعالیت ۲۲



فرشته می‌گوید: همسرم باید هر چه می‌خواهم برایم فراهم کند، زیرا او باید نفقه مرا بپردازد. دلایل موافق و مخالف بودن آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۳



در گروه‌های کلاسی در قانون مدنی جست‌وجو کنید و قوانین مربوط به نفقه در شرایط مختلف ارتباط زن و مرد را به صورت بروشوری در کلاس ارائه دهید.

حقوق اختیاری

حقوقی که بیان شد لازمه عقد ازدواج است و با بستن پیمان زناشویی بر زن و مرد تعلق می‌گیرد، اما زن و شوهر می‌توانند نسبت به امور دیگری نیز با هم توافق کنند و آنها را ضمن عقد ازدواج شرط کنند. مثل اینکه زن شرط کند در محل خاصی اقامت داشته باشد یا اینکه مرد شرط کند که زن بعضی از لوازم منزل را تهیه کند، به این شروط «شروط ضمن عقد» گفته می‌شود. چنانچه در موردی زن و مرد توافق کنند، برای آنکه شروط ضمن عقد از نظر قانونی هم ضمانت اجرایی داشته باشد باید در متن عقدنامه نیز ذکر شود. البته بعضی از شرط‌ها، مانند شرطی که مخالف شرع مقدس اسلام باشد یا شرطی که انجام دادن آن برای طرف مقابل مقدور نباشد، باطل است.

در قباله‌های نکاح، یا همان سند ازدواج که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تنظیم شده است، مواردی به‌عنوان شروط ضمن عقد چاپ شده است. طرفین می‌توانند به تأیید هریک از این شروط، بعضی از آنها و یا همه آنها را بپذیرند و امضا کنند، چنانچه طرفین با امضای خود موافقت و رضایتشان را نسبت به آن شرط اعلام کنند، باید به آنها عمل کنند (شکل ۱۴).



شکل ۱۴- شروط ضمن عقد در عقدنامه

شروط ضمن عقد ثبت شده را در یک قباله ازدواج مطالعه کنید. به نظر شما کدام یک از شروط لازم است و شما بخواهید آن را به این مجموعه اضافه کنید. گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۴



با جست‌وجو در منابع علمی و قانون مدنی:

- ۱ در مورد شروط ضمن عقد، گزارشی در کلاس ارائه دهید.
- ۲ برای ازدواج خود شروط ضمن عقد تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۲۵



واحد یادگیری ۳: به کارگیری قوانین و احکام طلاق

استاندارد عملکرد

پرورش آگاهی از شروط و قوانین طلاق با هدف حفظ و رعایت حقوق اعضای خانواده از طریق منابع دینی - اسلامی و قوانین داخلی کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت قوانین و احکام طلاق
- ۲ پرورش آگاهی از آموزه‌های دینی در طلاق

شایستگی‌های غیر فنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری
- ۲ مسئولیت‌پذیری
- ۳ احترام به حقوق دیگران

هدف توانمندسازی ۵: هنرجو بتواند قوانین و احکام طلاق را توضیح دهد.

جدایی زن و شوهر

فعالیت ۲۶



در گروه‌های کلاسی به شکل زیر با دقت نگاه کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.



شکل ۱۵- شکست ازدواج

جدایی زن و شوهر از یکدیگر به سه صورت اتفاق می‌افتد:

- ۱ فوت یکی از زوجین؛
- ۲ فسخ عقد نکاح به وسیله زن یا شوهر؛
- ۳ طلاق.

فوت یکی از زوجین

زمانی که یکی از همسران، زن یا مرد، از دنیا برود خود به خود زن و شوهر از هم جدا می‌شوند.

حق فسخ نکاح

فسخ نکاح عبارت است از برهم زدن عقد نکاح براساس مجوز قانونی که یکی از دو طرف عقد در دست دارد. برای جلوگیری از ضرر طرفین، به علت عیوب و امراض جسمی یا روانی مانند جنون، طرفین حق فسخ نکاح را دارند. این امراض در قانون نام برده شده‌اند و تشخیص ابتلای به آن به عهده پزشک است. البته فرد در صورتی حق فسخ دارد که قبل از ازدواج از بیماری همسرش اطلاع نداشته باشد یا آنکه پس از ازدواج و اطلاع از بیماری به آن رضایت نداده باشد.

شرایط فسخ نکاح عبارت‌اند از:

- فسخ ازدواج نیازی به رضایت طرفین ندارد و کسی که حق فسخ داشته باشد می‌تواند آن را انجام دهد؛
- فسخ‌کننده باید عاقل، بالغ و رشید باشد، به همین دلیل فسخ ازدواج مجنون با ولی و قیم اوست؛
- فسخ ازدواج نیازی به تشریفات خاصی ندارد ولی در عمل برای آنکه ثابت شود فسخ‌کننده برحق بوده و تصمیم درست گرفته است، مراجعه به دادگاه لازم است.



زن و شوهری که مدعی فسخ ازدواج هستند باید فوراً اقدام کرده و در زمان لازم، در دادگاه اقامه دعوا کنند. دادگاه به این دعوا رسیدگی می‌کند و در صورت درست بودن ادعا فسخ ازدواج از تاریخ اعلام واقع می‌شود.

طلاق



شکل ۱۶- طلاق

در همه جوامع ازدواج امری مقدس است و بر استحکام و تقویت کانون خانواده تأکید می‌شود. در مواردی که مشکلات قابل حل باشند، باید با تمام توان و به‌کارگیری همه عوامل به حل آنها پرداخت. مشورت با افراد متخصص و دل‌سوز می‌تواند در موارد بسیاری راه‌گشا باشد. اما گاهی طلاق اجتناب‌ناپذیر است. طلاق یعنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر. در این موارد، شروط و مقررات ویژه‌ای برای این آخرین راه ذکر شده است که با وجود آنها، طلاق به‌طور صحیح واقع می‌شود و بدون آنها طلاق باطل است (شکل ۱۶).

تفاوت فسخ ازدواج و طلاق

فسخ ازدواج و طلاق از جهاتی با هم شباهت دارند و با اراده شخص انجام می‌شود و موجب انحلال ازدواج هستند، اما تفاوت‌هایی نیز با هم دارند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ طلاق تشریفات خاصی دارد (مثل صدور گواهی عدم سازش) و اجرای صیغه طلاق باید در حضور دو شاهد عادل انجام شود، ولی فسخ ازدواج نیاز به تشریفات خاصی ندارد و به اراده صاحب حق انجام می‌شود؛
- ۲ طلاق در صورتی درست است که زن دارای شرایط خاصی باشد؛ مثلاً طلاق زن در مدت عادت زنانگی و در حال نفاس^۱ درست نیست، در حالی که فسخ ازدواج در این دوران نیز ممکن است.
- ۳ در فسخ، ازدواج طرفین قطع می‌شود، در حالی که در برخی از اقسام طلاق، در دوران عده، رجوع از طلاق و از سرگرفتن زندگی زناشویی بدون آنکه نیاز به ازدواج مجدد باشد، امکان‌پذیر است.



احکام خاص، مهر، طلاق و فسخ در پاره‌ای موارد با هم تفاوت دارند؛ مثلاً فسخ نکاح قبل از رابطه زناشویی جز در یک مورد استثنایی سبب می‌شود هیچ مهریه‌ای به زن تعلق نگیرد^۲. ولی طلاق قبل از زناشویی سبب تعلق نصف (مهرالمسمی) به زن خواهد بود.

۱. منظور از نفاس وضعیت خون‌ریزی زن باردار بعد از تولد فرزندش است که ۱۰ روز اول را شامل می‌شود.

۲. ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی: هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی زوجین به جهتی فسخ شود، زن حق مهر ندارد، مگر در صورتی که موجب فسخ عتن (مشکلی که مرد به واسطه آن نتواند با زنش رابطه زناشویی داشته باشد) باشد که در این صورت فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است.



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید:

الف) کدام یک از موارد زیر در ایجاد فاصله بین همسران اثر بیشتری دارد؟

- آشنا نبودن با خصوصیات طرف مقابل
- توجه به سخنان منفی دیگران
- مقایسهٔ امکانات خود با دیگران
- اجازهٔ مداخله دادن بیجا به دیگران
- نداشتن حس مسئولیت در زندگی شخصی
- تغییر معیارهای انتخاب همسر پس از ازدواج و مواجه شدن با مشکلات

ب) آیا می‌توانید نکته‌های دیگری اضافه کنید؟



با جست‌وجو در قانون مدنی، قوانین مربوط به جدایی زن و شوهر از یکدیگر (فوت، فسخ نکاح، طلاق) را با ذکر شماره و مواد آن تهیه کنید و بروشور آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۶: هنرجو بتواند از قوانین و احکام طلاق گزارشی ارائه دهد.

حق طلاق

طبق قانون، طلاق به ارادهٔ شوهر واقع می‌شود، اما منظور این نیست که زن هرگز نتواند درخواست طلاق کند یا رأی دادگاه هیچ اثری بر وقوع طلاق نداشته باشد.

زن حق دارد که با شروط معین، اجبار مرد به طلاق را از دادگاه بخواهد یا اینکه ضمن عقد ازدواج شرط کند در وضعیتی معین از طرف مرد وکالت داشته باشد که طلاق را واقع سازد.

از سوی دیگر این سخن که مرد حق طلاق دارد به این معنی نیست که هر وقت و بدون دلیل بتواند این کار را انجام دهد. بلکه در این خصوص قانون دخالت می‌کند و طبق قانون هم مرد و هم زن مکلف هستند برای درخواست طلاق به دادگاه مراجعه کنند. تنها پس از امکان نداشتن سازش، رسیدگی دادگاه و احراز گواهی می‌توانند به دفترخانهٔ ثبت طلاق مراجعه کنند.



در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر در قانون مدنی جست‌وجو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

- نقش شروط ضمن عقد در درخواست طلاق از سوی زن؛
- دلایل و قوانینی که حق طلاق را به مرد داده است.

اقسام طلاق

طلاق بر دو قسم رجعی و بائن است.

طلاق رجعی: رجوع در لغت به معنی بازگشت و بازگرداندن چیزی به حال سابق است. بنابراین در این طلاق مرد حق دارد در مدت عدّه زن با او آشتی کند. در این صورت پیوند زناشویی مجدداً برقرار می‌شود، بدون آنکه نیاز به وقوع صیغه عقد ازدواج باشد. البته پس از آشتی و پیوند دوباره باید به دفاتر ثبت مراجعه کنند و این رجوع ثبت شود تا از نظر قانونی هم زن و شوهر محسوب شوند.

در طلاق رجعی در ایام عدّه زن، مرد ملزم به پرداخت نفقه اوست و در صورت فوت هر یک از زوجین در این ایام، دیگری از او ارث می‌برد. رجوع یعنی تنها به اراده شوهر واقع می‌شود برای اینکه شوهر بتواند از حق رجوع خود استفاده کند. برای رجوع مرد، زن در دوران عدّه باشد و در مورد زن یائسه که نباید عدّه نگه‌دارد، رجوع امکان‌پذیر نیست و اگر مرد بخواهد با آن زندگی کند باید مجدداً با او ازدواج کند.

طلاق بائن: در این طلاق مرد حق رجوع و ادامه زندگی زناشویی را ندارد، مگر آنکه عدّه سپری شود و با رضایت زن، بار دیگر او را به عقد خود درآورد. در بعضی موارد طلاق بائن، زن به میل خود مالی به مرد می‌بخشد که برحسب نوع طلاق بائن، ممکن است به مقدار مهر یا بیشتر یا کمتر از آن باشد. زن در ایام عدّه در طلاق بائن، حق دریافت نفقه ندارد، مگر آنکه باردار باشد (شکل ۱۷).



شکل ۱۷- طلاق و جدایی همسران از یکدیگر

شوهر سمیرا پس از طلاق به او رجوع کرده است و آنها به خوبی با هم زندگی می‌کنند، اما رجوع، ثبت نشده است.

- ثبت نشدن رجوع چه عواقبی برای آنها دارد؟
- آیا ثبت نشدن رجوع برای فرزند احتمالی ایشان در آینده هم ضرری دارد؟
- با جست‌وجو در قانون مدنی و منابع علمی، گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۰



فعالیت ۳۱



با جست‌وجو در منابع علمی و قانون مدنی در مورد انواع طلاق و شرایط همسران، بروشوری تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۲



در گروه‌های کلاسی، نمایشنامه‌ای دربارهٔ یک زندگی مشترک موفق، تهیه کنید. نقش زن و شوهر، فرزند یا فرزندان را در ایجاد موفقیت خانوادگی مشخص کنید و با مشارکت گروه، آن را برای دوستان خود در کلاس اجرا کنید.

فعالیت‌های پایانی

- ۱ زهره با نامزدش برای حق مسکن توافق می‌کند. آیا باید در دفترخانه رسمی ثبت شود؟
- ۲ مینا ۱۵ سال دارد و قصد ازدواج دارد. آیا شرایط مناسب ازدواج را دارد؟ آیا او نیاز به اجازهٔ پدر دارد؟
- ۳ مهین و حسن همسر دائمی هم بوده‌اند. متأسفانه ۵ ماه پیش بنا به رأی دادگاه از هم جدا شدند. آیا این دو می‌توانند زندگی مشترک خود را مجدداً شروع کنند؟

واحد یادگیری ۴: به کارگیری حقوق کودک در خانواده

استاندارد عملکرد

توسعه و شناخت حقوق کودک از طریق منابع دینی - اسلامی و قوانین داخلی کشور و حقوق بین‌المللی کودک

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه آگاهی به حقوق کودک
- ۲ به کارگیری حقوق کودک

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ یادگیری
- ۲ مسئولیت‌پذیری
- ۳ رعایت اخلاق انسانی

هدف توانمندسازی ۷: هنر جو بتواند حقوق کودک را در خانواده توضیح دهد.

حقوق کودک

به نظر شما یک زن و شوهر قبل از بچه دار شدن باید به چه نکاتی توجه کنند و چه آمادگی‌هایی در خود به وجود آورند؟ فهرستی از این آمادگی‌ها تهیه کنید.

فعالیت ۳۳



یکی از انگیزه‌های مهم تشکیل خانواده، داشتن فرزند است. اتحاد زن و شوهر و وابستگی خونی و اخلاقی فرزندان خانواده، موجب می‌شود که یکی از طبیعی‌ترین واحدهای اجتماعی به وجود آید. عشق و محبت به فرزند از طرف خداوند در نهاد پدر و مادر به ودیعه گذاشته شده است. اما قانون نیز وظیفه دارد از حقوق کودک حمایت کند. به دلایل زیر رعایت حقوق کودک ضرورت دارد:

- ۱ سلامتی کودکان تضمین می‌شود.
- ۲ کودکان به رشد همه‌جانبه دست می‌یابند.
- ۳ کودکان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه تلقی می‌شوند. بنابراین رعایت حقوق آنها زمینه‌ساز رشد جامعه است.
- ۴ کودکان را از آسیب‌های متعدد از قبیل سوءاستفاده‌های مختلف در امان نگه می‌دارد.

در گروه‌های کلاسی، در مورد حقوق کودک از نظر اسلام و قوانین کشورمان، از منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را به صورت پوستر در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۴



حقوق کودک در اسلام^۱

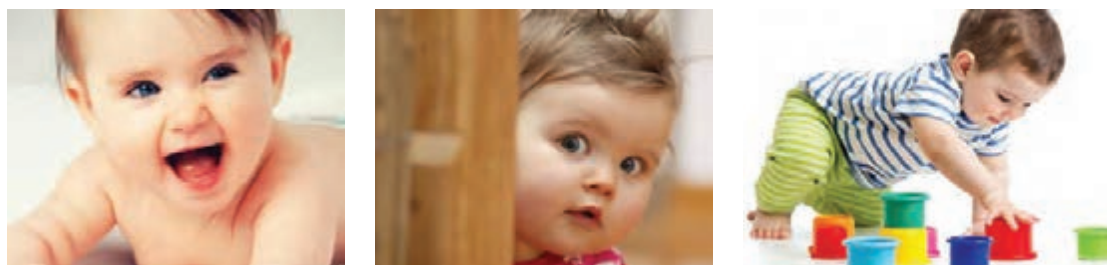
اسلام، بیش از مکتب‌های دیگر برای کودکان، حقوق و احترام قائل شده است، زیرا با رعایت این حقوق، آینده کشور با وجود انسان‌های شایسته، تضمین خواهد شد. در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان (دختر و پسر) حقوق و مزایای معینی دارند و همگان، از اعمال هرگونه خشونت و بی‌رحمی در حق آنان باز داشته شده‌اند. جالب اینکه این حمایت‌ها از حقوق کودکان، زمانی مطرح شده که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته است. اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آن، زمینه را برای رشد و پیشرفت آنان در همه جنبه‌ها فراهم آورده است. برخی از این حقوق در شکل روبه‌رو نشان داده شده است (شکل ۱۸).



شکل ۱۸- حقوق کودک در اسلام

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه حقوق کودک می‌توانید به کتاب مهارت‌های ارتباطی و مشارکتی رشته تربیت کودک پایه یازدهم مراجعه کنید.

حقوق کودک را می‌توان به دو بخش مالی و غیرمالی تقسیم کرد:
حقوق غیرمالی کودک: همان‌گونه که انجام هر کاری نیاز به فراهم آوردن مقدمات آن دارد، رشد و پرورش نسل آینده، که اهمیت ویژه‌ای برای امروز و فردای جامعه دارد نیز، به تهیه مقدمات خاص خود نیاز دارد. در قوانین اسلامی برای کودک حتی قبل از تولد حقوقی همچون حق حیات ذکر شده است. به همین دلیل سقط جنین جرم شناخته می‌شود، درحالی که در بسیاری از کشورها جرم محسوب نمی‌شود.
در آموزه‌های دینی به آمادگی جسمی، روحی و روانی پدران و مادران آینده توجهی ویژه شده است. امروزه علوم پزشکی، روان‌شناسی، تربیتی و... به این آمادگی تأکید دارند. اما بسیاری از این آموزه‌ها در قالب‌های حقوقی و قانونی نمی‌گنجد و باید در دانش‌های ویژه خود جست‌وجو شوند. هدف قانونگذار در تنظیم روابط پدر و مادر و فرزندان حمایت از کودک است. از دیدگاه قانونی نخستین حق هر کودک به رسمیت شناختن او در اجتماع و سپس نگهداری و تربیت اوست (شکل ۱۹).



شکل ۱۹- کودکان ما

حقوق مالی کودک: نگهداری کودک و تربیت او مخارجی دارد که براساس قانون، پدر وظیفه دارد آنها را بپردازد. این هزینه‌ها شامل همه ضروریات زندگی می‌شود. همان‌گونه که قبلاً ذکر شده به آن نفقه می‌گویند. امروزه با سواد شدن و تحصیل کردن نیز همچنین از ضروریاتی است که مخارج آن باید پرداخت شود. چنانچه پدر از این وظیفه سر باز زند، از طرف مراجع قانونی ملزم به انجام تکلیف خواهد شد. در هیچ صورت کسی حق ندارد کودک را به کار گیرد و این کار پیگرد قانونی دارد. البته در جوامعی همچون جامعه ما بیشتر پدران تمایل دارند به خواسته‌های بحق فرزندان پاسخ مثبت دهند. اما باید توجه داشت که الزام قانونی پدر به پرداخت نفقه فرزند به آن معنا نیست که او وظیفه دارد هرگونه خواست فرزند را برآورده سازد. بلکه پدر باید در حد توان مالی خود و به منظور رشد و تکامل فرزند، نیازهای ضروری او را مرتفع سازد.

بیمه زندگی: یکی از ضرورت‌هایی که زندگی کودکان ما را در آینده از نظر مالی و رفاهی تا حدودی تضمین می‌کند، استفاده از بیمه‌های عمر و زندگی به عنوان یک چتر حمایتی است. بیمه‌نامه، نوعی سرمایه‌گذاری است که با خرید آن علاوه بر بهره‌مندی از پوشش فوت به عنوان پوشش اصلی و نقص عضو و هزینه‌های پزشکی، از کارافتادگی و امراض خاص به عنوان پوشش‌های اضافی، می‌توان از مزایای دیگری چون وام (بدون نیاز به ضامن و پس از پرداخت دوسال حق بیمه)، سود تضمینی، مشارکت در منافع، معافیت از مالیات نیز استفاده کرد. این بیمه‌نامه انتخاب خوبی برای خانواده‌ها است تا با پرداخت مبالغی ناچیز، برای آینده فرزندان خود سرمایه و آرامش بخرند. همچنین سرمایه فوتی که در بیمه عمر به دینفعان بیمه‌نامه (کسانی که از بیمه‌نامه نفع می‌برند) پرداخت می‌شود، می‌تواند یک حمایت مالی برای خانواده‌ها باشد. از مزایای خوب بیمه‌نامه‌های زندگی می‌توان به انعطاف‌پذیری آنها اشاره کرد؛ در این بیمه‌نامه‌ها شما با توجه به شرایط مالی خود، نحوه پرداخت حق بیمه و دریافت سود (ماهانه، یک‌جا، سالیانه و...) را تعیین می‌کنید و ...



در گروه‌های کلاسی، هر گروه راجع به یکی از موارد حقوق کودک بروشوری تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

حضانت

حضانت در لغت به معنی حمایت، تربیت، مراقبت و زیر بال کسی را گرفتن است. در اصطلاح فقه اسلامی، حضانت عبارت از نگهداری و تربیت اطفال است. قانون مدنی طفل را مترادف صغیر استفاده کرده است و صغیر کسی است که به سن رشد نرسیده باشد. نگهداری از اطفال عبارت است از به کار بردن وسایل لازم برای رشد و نمو و بهداشت جسمی روحی مانند خوراک، پوشانیدن لباس و مرتب و تمیز نگاه داشتن طفل به



شکل ۲۰- حضانت کودکان

وسیله شست‌وشو و آنچه سن طفل اقتضای آن را دارد و در صورتی که طفل بیمار شود، بردن او نزد پزشک متخصص، دادن دارو و پرستاری لازم، تربیت فرزند خانواده با مراقبت و محبت به کودک و ایجاد زمینه مساعد برای رشد فکری و اخلاقی، او را برای قبول مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در آینده آماده می‌سازد. قانون مدنی مقرر داشته است، والدین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضای اقدام کنند و نباید از آن غافل شوند (شکل ۲۰).

حضانت هم تکلیف و هم حق پدر و مادر است. منظور از تکلیف این است که هیچ‌یک از پدر و مادر حق ندارند در مدتی که حضانت به عهده آنهاست از نگهداری کودک امتناع کنند. گرچه نمی‌توان همه آنچه را که کودک به آن نیاز دارد، نام برد، اما مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

نیازهای جسمی: این نیازها از طریق فراهم نمودن محیط زندگی سالم رفع می‌شوند. تأمین مناسب مسکن، خوراک و پوشاک بهداشتی، مراجعه به موقع پزشک و تزریق واکسن و... مواردی از این نیازهاست.

نیازهای روحی و روانی: ایجاد امنیت روانی، فراهم آوردن وسایل تفریح و شادی کودک، برقراری آرامش و عشق و صمیمیت در محیط خانواده و رفتارهای مناسب تربیتی از جمله موارد مهم این نیازهاست. مراقبت و نظارت پیگیر و تأمین سلامت روح و جسم کودک از وظایف پدر و مادر و حقوق کودک است. از این‌رو کودک نیز بدون اجازه سرپرست خود نباید از محل سکونت خود خارج شود. نظارت بر معاشرت‌های کودک علاوه بر نگهداری، جنبه تربیتی هم دارد.

مسئولیت حضانت کودک

حضانت حق و وظیفه پدر و مادر کودک است. تا زمانی که پدر و مادر در قید حیات هستند و شایستگی نگهداری فرزند خود را دارند، حضانت با آنان است. در صورت فوت یکی از آن دو، حضانت کودک با فردی است که زنده است. در مواردی که زن و شوهر از یکدیگر جدا شوند دیگر همکاری آنان برای حضانت طفل، به گونه‌ای که در زمان زوجیت وجود داشت، امکان ندارد. پس ناچار باید کودک را به یکی از آن دو سپرد. طبق قانون، مادر تا هفت سال بر پدر مقدم است و پس از آن اولویت با پدر خواهد بود. در هر صورت طفل از نظر قانونی حق



شکل ۲۱- حضانت کودک

شایستگی ۹: بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و ...

ملاقات دیگری (پدر یا مادر) را دارد و نمی‌توان کودک را از چنین حقی محروم ساخت. در تمام مواردی که ذکر شد کسی که حضانت طفل را بر عهده دارد باید شایستگی و صلاحیت لازم را داشته باشد. چنانچه بر اثر مواظبت نکردن یا داشتن انحطاط اخلاقی پدر یا مادر^۱، سلامت جسمی یا تربیت اخلاقی کودک در معرض خطر باشد، مراجع قانونی طبق مقررات، مداخله نموده و به مصلحت کودک عمل می‌کنند (شکل ۲۱).

ولایت بر کودک

ولایت در روابط خانوادگی، عبارت از اقتداری است که قانون‌گذار به منظور اداره امور مالی کودک و افراد ناتوان دیگری که در قانون تعیین شده‌اند، به پدر و جد پدری اعطا کرده است. افرادی که به سن بلوغ نرسیده‌اند و از نظر حقوقی به آنها صغیر گفته می‌شود، نمی‌توانند در اموال خود تصرفی کرده و اگر مالی دارند آن را بفروشند. به منظور حفظ منافع مادی افراد صغیر، ولی (سرپرست) ایشان با توجه به مصلحت صغیر، در اموال او تصرف می‌کند. همان‌گونه که ذکر شد، ولایت کودک به عهده پدر و جد پدری است، با این حال اگر آنها مصلحت صغیر را رعایت نکنند و مرتکب اقداماتی شوند که موجب ضرر صغیر شود. ولایت ایشان طبق قانون ساقط می‌شود.

تفاوت حضانت و ولایت

مادر طفل را زیر پر می‌گیرد و نگهداری می‌کند و وظایفی را که نسبت به او دارد انجام می‌دهد، اما ولایت پدر به این معنی است که اگر مال و ثروتی داشته باشد، حفظ آن با پدر است، ضمن اینکه نفقه‌اش نیز بر عهده پدر است. حضانت در حقیقت امر مشترکی است بین زن و مرد و حکم خاص دارد و غیر از ولایت است، چون در دین مقدس اسلام هزینه‌های زندگی بر عهده پدر است و از این جهت، ولایت بر کودک نیز به پدر تعلق گرفته است.

با توجه به مفهوم حضانت و ولایت، فهرستی از حقوق کودک را در این زمینه‌ها تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۳۶



هدف توانمندسازی ۸: هنر جو بتواند از روش‌های به‌کارگیری حقوق کودک در خانواده گزارشی را ارائه دهد.

روش‌های به‌کارگیری حقوق کودک

روش‌های به‌کارگیری حقوق کودک شامل موارد زیر است:

- ۱ ضروری است که والدین، مربیان و حتی کودکان را به زبان ساده با حقوق کودک در اسلام آشنا ساخت.
- ۲ پیامدهای رعایت حقوق کودک در جلسات متعدد مراکز آموزشی به بحث گذاشته شود.
- ۳ جشنواره‌هایی پیرامون حقوق کودک در زمینه‌های هنری، ادبی و مواردی مانند اینها در سطح کودکان و بزرگسالان برگزار گردد.
- ۴ کارگاه‌های آموزشی برای والدین، مربیان و کلیه دست‌اندرکاران مرکز آموزشی توسط اساتید برگزار گردد.
- ۵ داستان‌های مرتبط با حقوق کودکان برای آنها خوانده شود و درباره آنها گفت‌وگو کنند.

۱. از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی، اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر، قمار، اشتها به فساد اخلاق، سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود به مشاغل ضد اخلاقی، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف و ابتلا به بیماری‌های روانی (با تشخیص پزشکی قانونی) نام برده شده است.



در گروه‌های کلاسی، در مورد یکی از موارد حقوق کودک در اسلام، کارت‌های تصویری برای آموزش حقوق کودکان تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت‌های پایانی

- ۱ علی ۵ سال دارد. پدر و مادرش را در یک سانحه رانندگی از دست داده است. حضانت او با چه کسی می‌باشد؟
- ۲ محمد ۱۶ سال دارد و اداره اموال او بعد از فوت پدر و مادرش به عهده جد پدری او می‌باشد. او قصد فروش بخشی از اموال خود را دارد. آیا اجازه این کار به او داده می‌شود؟
- ۳ حقوق غیرمالی کودک شامل چه مواردی است؟
- ۴ علی ۷ سال دارد. پدر و مادرش از هم طلاق گرفته‌اند. حضانت علی با کدام یک از والدین است؟

واحد یادگیری ۵: به کارگیری قوانین ارث

استاندارد عملکرد

پرورش آگاهی از قوانین ارث در خانواده از طریق منابع دینی - اسلامی و قوانین داخل کشور

شایستگی‌های فنی مورد انتظار

- ۱ توسعه شناخت قوانین ارث
- ۲ به کارگیری قوانین ارث در خانواده
- ۲ پرورش احترام گذاشتن به حقوق دیگران

شایستگی‌های غیرفنی مورد انتظار

- ۱ مسئولیت‌پذیری
- ۲ یادگیری
- ۳ رعایت حقوق دیگران

هدف توانمندسازی ۹: هنرجو بتواند قوانین ارث در خانواده را توضیح دهد.

ارث یا ماترک

فعالیت ۳۸



انسان در دوران زندگی، برای تأمین نیازهای گوناگون خود دست به فعالیت می‌زند و لوازمی از قبیل مسکن، محلی برای کار، لوازم منزل، زمین، باغ و... برای خود تهیه می‌کند. این اموال، پس از مرگ فرد، به چه کسی یا چه کسانی می‌رسد؟ در گروه‌های کلاسی در این مورد و مفهوم ارث در خانواده گفت‌وگو کنید.

اموال به‌جا مانده از میت یا شخص متوفی در بعضی کشورها از اموال عمومی محسوب می‌شود و دولت در آن تصرف می‌کند. ولی در نظام قانون جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از احکام اسلام است این اموال یا ثروت به خویشاوندان وی تعلق می‌گیرد. به این صورت که با مرگ شخص کلیه ماترک او یعنی همه اموال به‌جا مانده از او شامل خانه، زمین، باغ، پول و... پس از کسر حقوق عمومی (مالیات بر ارث) و تسویه حساب کامل با بدهکاران و طلبکاران احتمالی و نیز اجرای وصیت احتمالی او، اموالش ($\frac{1}{3}$) طبق قانون بین بازماندگان آن مرحوم تقسیم می‌شود.

مواردی که از اموال به‌جا مانده از میت یا شخص متوفی خرج می‌شود به شرح زیر است:

الف) مخارج مربوط به کفن و دفن

ب) حقوق خصوصی افراد نسبت به مال متوفی: یعنی بدهی‌های متوفی در زمان حیات، خواه موعود پرداخت آنها رسیده باشد و خواه نرسیده باشد، از اموال برداشت می‌شود.

چنانچه متوفی، مهر همسرش را نپرداخته باشد، مهر نخستین بدهی او محسوب می‌شود و از اصل مال برداشته می‌شود. سپس بدهی‌های دیگر پرداخت می‌گردد، در این صورت سه حالت ممکن است:

■ مال به میزان دیون^۱ باشد (بدهی‌های متوفی)، با پرداخت دیون به اتمام برسد: در این صورت دیگر مالی برای به ارث رسیدن نیست؛

■ مال کمتر از دیون باشد: در این صورت به نسبت دیون میان بدهکاران تقسیم می‌شود؛

■ مال بیشتر از دیون باشد: در این صورت پس از پرداخت دیون مال باقی مانده به ارث می‌رسد.

ج) حقوق اجتماعی نسبت به مال میت: که مالیات بر ارث است و به دولت پرداخت می‌شود.

د) هزینه‌های مربوط به ثلث ($\frac{1}{3}$) اموال طبق وصیت: هر فردی حق دارد در زمان حیات خویش درخواست‌هایی برای پس از مرگ خود داشته باشد. به این درخواست‌ها وصیت گفته می‌شود. وصیت ممکن است درباره امور مادی یا معنوی باشد. فرد می‌تواند وصیت کند که از اموالش پس از مرگ، مقدار مشخصی به بینوایان بدهند، یا مال خاصی به شخصی معین داده شود. وصیت نسبت به ترکه باید اجرا شود و بازماندگان حق تخطی ندارند. البته وصیت زمانی دارای اعتبار قانونی است که به‌طور رسمی نوشته شده باشد و در دفترخانه ثبت شود (شکل ۲۲).

۱. وام یا قرضی که ادای آن مدت معین داشته باشد.



شکل ۲۲- وصیت‌نامه

از لحاظ دینی و اخلاقی تأکید زیادی در آیات و روایات^۱ در مورد ضرورت وصیت وجود دارد و کسانی که وصیت نکنند یا در وصیت مشکلات مالی اطرافیان و فرزندان را ملاحظه نکنند، به شدت مذمت^۲ شده‌اند. بنابراین سه حالت ممکن است پیش آید:

الف) وصیت به میزان ثلث (۱/۳) مال باشد: در این صورت باید به آن عمل شود.

ب) وصیت بیشتر از ثلث (۱/۳) مال باشد: در این صورت، چنانچه وارث یا وارثان رضایت داشته باشند، به آن عمل می‌کنند. اما اگر بعضی از وارثان راضی و بعضی ناراضی باشند، آنها که رضایت دارند، شخصاً هزینه‌های مربوط به وصایای مازاد بر ثلث را برعهده می‌گیرند.

ج) وصیت کمتر از ثلث (۱/۳) مال باشد: در این صورت، بقیه اموال پس از اجرای وصیت به بازماندگان به ارث می‌رسد.

در گروه‌های کلاسی، در مورد موضوعات زیر با توجه به قوانین ارث در کلاس گفت‌وگو کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید:

الف) پدر علی از دوستش یک میلیون تومان طلب دارد و چکی به همین مبلغ برای شش ماه آینده در دست اوست. دوست او به تازگی فوت کرده است. آیا پدر علی باید به وارثان مراجعه کند یا باید شش ماه صبر کند تا تاریخ سررسید چک برسد؟

ب) مادر بزرگ پریسا به تازگی فوت کرده است. آیا مادر پریسا می‌تواند بدون انجام مراحل قانونی و رضایت وارثان گردن‌بند مادرش را یادگاری بردارد؟

ج) پدر بزرگ پژمان که مرد خیری بوده است، وصیت کرده است همه اموالش را پس از مرگش به مستمندان بدهند. آیا می‌توان به این وصیت عمل کرد؟

د) مادر بزرگ هستی تازه از دنیا رفته است و وصیت‌نامه‌ای ندارد. آیا مادر هستی می‌تواند از اموال مادرش به بینوایان کمک کند؟

فعالیت ۳۹



۱. خداوند در آیه ۱۸۵ سوره بقره چنین می‌فرماید: (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ)؛ «بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی برجای گذارد برای پدر و مادر و خویشاوندان (خود) به‌طور پسندیده وصیت کند (این کار) حقی است بر پرهیزگاران.

۲. نکوهش - سرزنش

موجبات ارث

دو امر موجب می‌شود که فردی از دیگری ارث ببرد:

الف) نَسَب

خویشاوندانی هستند که به ترتیب از آنها نام برده می‌شود.

ب) سَبَب

فرد یا افرادی هستند که به سبب ازدواج به عنوان همسر از متوفی ارث می‌برند.

خویشاوندان نسبی: در قانون ارث خویشاوندان نسبی متوفی به سه دسته تقسیم می‌شوند. به هر دسته، طبقه گفته می‌شود که به ترتیب از متوفی ارث می‌برند. در این صورت تا زمانی که در طبقه اول کسی موجود باشد، فردی از طبقه دوم ارث نمی‌برد. همچنین زمانی افراد طبقه سوم ارث می‌برند که هیچ فردی از طبقه دوم موجود نباشد.

وارثان نسبی میت (کسانی که به سبب خویشاوندی، از میت ارث می‌برند) به سه طبقه تقسیم می‌شود (جدول ۱):

۱ طبقه اول پدر و مادر متوفی و فرزندان: اگر فرزند یا فرزندان متوفی زنده نباشند، فرزند یا فرزندان (نوه) با پدر و مادر متوفی در ارث سهیم می‌شوند. درباره فرزندان فرزندان (نوه)، آن کسی که به متوفی نزدیک تر است، مقدم می‌شود. بنابراین با وجود نوه، نتیجه ارث نمی‌برد.

۲ طبقه دوم اجداد متفاوت خواهر و برادر: در صورتی که متوفی خواهر و برادر زنده نداشته باشد، فرزندان ایشان به ترتیب نزدیکی به متوفی با اجداد متوفی در ارث شریک می‌شوند، یعنی در صورت فقدان خواهر و برادر، اگر خواهرزاده‌ای وجود داشته باشد، نوه خواهر یا نوه برادر متوفی ارث نمی‌برد.

۳ طبقه سوم عموها، عمه‌ها، خاله‌ها و دایی‌ها: در صورت فقدان آنها، فرزندانشان به ترتیب نزدیکی به متوفی ارث می‌برند.

جدول ۱- طبقات ارث

پدر و مادر و فرزندان درجه اول فرزندان فرزندان متوفی درجه دوم	طبقه اول
پدربزرگ و مادربزرگ (جد و جدّه) برادر و خواهر درجه اول اجداد، پدربزرگ، مادربزرگ و فرزندان خواهر و برادر درجه دوم	طبقه دوم
عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌های متوفی و فرزندان آنها درجه اول عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌های پدر و مادر متوفی و فرزندان آنها درجه دوم	طبقه سوم

اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند، هریک از زوجین هستند که هنگام فوت دیگری زنده باشند. همسر از همسر متوفای خود ارث می‌برد و با هر طبقه از طبقات سه‌گانه که نام برده شد و وارث به حساب می‌آیند، شریک است و سهم خود را می‌برد.

نکته





در گروه‌های کلاسی در مورد موضوعات زیر با جست‌وجو در منابع علمی و قانون مدنی درباره هر کدام از موضوعات زیر، گزارشی جداگانه تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید:

- ۱ پدر سپهر از دنیا رفته است. او دارای سه فرزند و یک خواهر و برادر بوده است. کدام یک وارث او به حساب می‌آیند؟
- ۲ مادر سپیده از دنیا رفته است. او دارای همسر و دو فرزند و مادر بوده است. کدام یک از او ارث می‌برند؟
- ۳ دوست حسین بر اثر حادثه‌ای فوت کرده است. او دارای پدر و مادر و یک خواهر بوده است. چه کسانی وارث او محسوب می‌شوند؟
- ۴ پدر زهرا فوت کرده، او دارای همسر و یک فرزند و دو خواهر و برادر بوده است. وارثان او چه کسانی‌اند؟
- ۵ پدر و مادر سهیل در تصادف کشته شده‌اند. سهیل تنها یک عمه و یک عمو دارد که با آنها زندگی می‌کند. وارث پدر سهیل کیست؟
- ۶ یک خانواده در دریا غرق شده‌اند. مادر این خانواده تنها یک مادر بزرگ و یک برادر داشته است. کدام یک وارث او به حساب می‌آیند؟
- ۷ در حادثه‌ای آقای صالحی و بعضی نزدیکان او از دنیا رفته‌اند. تنها عمه، پسرعمه و دایی آقای صالحی زنده مانده‌اند. کدام یک از شخص متوفی (آقای صالحی) ارث می‌برند؟

هدف توانمندسازی ۱۰: هنرجو بتواند از قوانین ارث در خانواده گزارشی را ارائه دهد.

سهم الارث



شکل ۲۳- سهم ارث

سهم ارث بعضی از وارثان؛ مانند مادر، زوج و زوجه، در قانون مشخص شده است به این سهم مشخص «فرض» گفته می‌شود. سهم بعضی از وارثان نیز در قانون مشخص نشده است. سهم ارث این افراد پس از پرداخت سهم صاحبان فرض، از باقی‌مانده مال به ترتیبی که می‌آید، پرداخت می‌شود. در اینجا سهم ارث طبقه اول و همسران به دلیل اهمیتی که دارد توضیح داده می‌شود (شکل ۲۳).

سهم ارث طبقه اول

چنان که ذکر شد، در طبقه اول پدر و مادر و فرزندان قرار دارند. در این صورت سه حالت متصور است: الف) متوفی، فرزند یا فرزند فرزند (نوه) نداشته باشد، در این حالت اگر وارث تنها پدر یا تنها مادر باشد، تمام ارث به او تعلق می‌گیرد.

ب) اگر پدر و مادر متوفی هر دو زنده باشند و متوفی خواهر و برادر نیز نداشته باشد، به مادر یک سوم و پدر دو سوم از مال ارث می‌رسد.

ج) متوفی پدر و مادر نداشته باشد و وارث او چند فرزند باشند، ماترک به طریق زیر تقسیم می‌شود:

- ۱ اگر فرزند منحصر به یکی باشد، خواه پسر خواه دختر، تمام ترکه به او می‌رسد.
- ۲ اگر فرزندان متعدد باشند ولی تمام پسر یا تمام دختر باشند، ترکه بین آنها به طور مساوی تقسیم می‌شوند.
- ۳ اگر فرزندان متعدد باشند ولی بعضی دختر و بعضی پسر باشند، پسر دو برابر دختر ارث می‌برند.
- ۴ اگر متوفی هم پدر و هم مادر و هم فرزند داشته باشد، در این صورت اگر فرزند تنها یک دختر باشد، پدر یک ششم، مادر یک ششم، دختر یک دوم از ترکه ارث می‌برد.
- ۵ چنانچه با وجود پدر یا مادر یا هر دوی آنها متوفی چند دختر هم داشته باشد، سهم دخترها دو سوم ترکه است که به نسبت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود و سهم هریک از پدر و مادر یک ششم ماترک است.
- ۶ در صورتی که با وجود پدر یا مادر متوفی یا هر دوی آنها فرزندان دختر و پسر هم وجود داشته باشد، سهم هریک از پدر و مادر یک ششم است و باقی مانده بین فرزندان تقسیم می‌شود، به طوری که به پسران دو برابر سهم دختران ارث می‌رسد.

بیشتر بدانید



یکی از دلایل زیاد بودن ارث مرد نسبت به زن آن است که نفقه زن بر عهده مرد است؛ یعنی مرد علاوه بر اینکه باید مخارج خود را تأمین کند، موظف است هزینه زندگی زن و فرزندان را هم تأمین نماید. از سوی دیگر، مرد دهنده مهریه و زن گیرنده آن است. در واقع می‌توان ادعا کرد که آنچه زن از ارث و مهریه نصیب می‌شود، پس انداز او قرار می‌گیرد، در حالی که سهم الارث مرد، صرف مخارج زندگی خود و همسر و فرزندان می‌شود. علاوه بر این، در شرع اسلام، تکالیفی بر عهده مرد گذاشته شد که مستلزم صرف مال است؛ مانند هزینه‌هایی که مرد باید در راه جهاد بپردازد و یا جایی که یکی از بستگان، به خطا مرتکب قتل یا جرمی شود، مرد به عنوان عاقله، در پرداخت دیه مقتول، مسئولیت دارد. در حالی که زن هیچ مسئولیتی در این زمینه‌ها ندارد. اگر چه به ظاهر، سهم مرد دو برابر سهم زن است، ولی در عمل بهره واقعی او از ثروت‌های جامعه به مراتب کمتر از زن است، علاوه بر اینها مرد در مقابل ارث زیادتری که می‌گیرد، مسئولیت‌های مالی سنگین تری نیز بر دوش دارد. در یک کلام می‌توان گفت: علت تفاوت ارث زن و مرد به دلیل ایجاد توازن و تعادل میان حقوق و تکالیف هر یک از آنان است.



با جست‌وجو در قوانین ارث در اسلام، در مورد موضوعات زیر با تهیه قوانین آنها، در مورد هر کدام گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

- ۱ سعید از دنیا رفته است. وارثان او فقط پدر و مادرش هستند. سهم هر یک چقدر است؟
- ۲ سیمین در تصادفی کشته شده و تنها بازمانده او یک دختر است. سهم او چقدر است؟
- ۳ پدر و مادر نسترن از دنیا رفته‌اند. اما پدر بزرگ و مادر بزرگ نسترن زنده‌اند. سهم هر یک از پدر بزرگ، مادر بزرگ و نسترن از ارث چه مقدار است؟

سهم ارث همسران



شکل ۲۴- سهم ارث همسران

با وجود دو شرط، همسر از همسر متوفای خود ارث می‌برد. یکی اینکه ازدواج آن دو با عقد دائم باشد. دیگر آنکه به حکم قانون از ارث ممنوع نشده باشد. همسر، با هر طبقه از طبقات خویشاوندان نسبی که ارث می‌برند، در ارث شریک است. سهم شوهر از زن متوفی، در صورتی که از او فرزند یا نوه‌ای به‌جا نمانده باشد، یک‌دوم ترکه است، در غیر این صورت، یک‌چهارم ترکه به شوهر ارث می‌رسد (شکل ۲۴).



فرض کنید سه نفر به نام‌های بیژن، شقایق و جمشید از دنیا رفته‌اند. برای هر یک از آنها (بیژن، شقایق و جمشید) وارثان فرضی در نظر بگیرید و سهم آنها را تعیین کنید.



قوانین مربوط به ارث در اسلام را در طبقات مختلف به‌صورت بروشوری در کلاس ارائه دهید.

فعالیت‌های پایانی

- ۱ وارثان بهروز، پدر و مادر و سه دختر او هستند. سهم هر یک از اموال چه مقدار است؟
- ۲ تنها وارث سیامک، یک پسر است. سهم او چقدر است؟
- ۳ همسر شیلا فوت کرده است. آنها فرزندی نداشته و پدر و مادر همسر او نیز در قید حیات نیستند، اما خواهر و خواهرزاده همسر او در قید حیات هستند. سهم الارث هر کدام از وارثان را مشخص کنید.

- ۱ احمدپورداریانی، محمود، محمد، عزیزی، (۱۳۹۲)، کتاب کارآفرینی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، (شاخه کاردانش) چاپ دهم.
- ۲ اصلانی، ابراهیم؛ مینو، طاهری و لیلا سلیقه‌دار، (۱۳۹۸)، پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی، رشته تربیت کودک، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوم.
- ۳ اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی خانواده، با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، روشنگران، چاپ دوم.
- ۴ افتخار، رحیم و زهره‌بخش، محمدعلی و سلطانی، داود و فرج‌زاده دهکردی، حسن و کوه‌پیما، عبدالرضا و نورشاهی، کبری، (۱۳۹۸)، دانش فنی پایه، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ چهارم.
- ۵ افشاری، زهرا، فریبا زمانی، شهین ایروانی، ربابه نوری و مریم ابن تراب، (۱۳۹۷-۱۳۹۴)، مدیریت خانواده جلد دوم، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول.
- ۶ آقاجانی، نصرالله، (۱۳۸۱)، مشارکت‌پذیری اعضای خانواده، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۶.
- ۷ ایران‌پور، سوسن، (۱۳۹۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، رابطه اعتیاد به اینترنت و سبک‌های هویتی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه، دانشگاه علوم و تحقیقات اهواز.
- ۸ بانکی‌پورفرد، امیرحسین و مصلحی، حامد و نقش زن، ملیحه و همکاران، (۱۳۹۸)، مدیریت خانواده و سبک زندگی ویژه دختران، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول.
- ۹ بنی عامریان، سمیه و زارعی، مهدی، (۱۳۷۸)، مادران شاغل و فرزندان چشم‌انتظار، روزنامه رسالت، شماره ۶۵۲۷.
- ۱۰ بیک خورمیزی، سکینه، (۱۳۹۴)، اسوه خانه‌داری، وبگاه زندگی رضوی.
- ۱۱ پارسانیا، حمید و همکاران، (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی ۲، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ سوم.
- ۱۲ پارسا، محمد، محمدرضا اصغری، (۱۳۹۸)، روان‌شناسی عمومی. دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دهم.
- ۱۳ پناهی، علی احمد، فروردین (۱۳۹۰)، نقش‌های جنسیتی زن و مرد در نظام خانواده، معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۰.
- ۱۴ ترابی‌نژاد، شکوه، (۱۳۹۶)، شیوه‌های مقابله با بحران، مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی، ص ۸۷.
- ۱۵ حجت‌الاسلام دکتر هادوی، اصغر، (۱۳۹۱)، سبک درست دخل و خرج، ماهنامه پاسدار اسلام، اول اسفند ماه، شماره ۳۷۵.
- ۱۶ حسینی، سیدداود، (۱۳۸۷)، روابط سالم در خانواده، تهران: مرکز پژوهشی‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ سوم.
- ۱۷ حقیقت، حمید و قائمی، محمدحسین، (۱۳۹۴)، اصول حسابداری، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. چاپ یازدهم.
- ۱۸ حیدری، احمد، (۱۳۸۴)، مرد زن و مدیریت خانواده، ماهنامه پیام زن، آبان ماه، شماره ۱۶۴.
- ۱۹ خیرالله، عزت‌الله، طغرایبی، محمدتقی و کفاشان، محمد، (۱۳۹۸-۱۳۹۶)، کتاب ارتباط مؤثر، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوم و چهارم.
- ۲۰ دکتر نوایی‌نژاد، شکوه، (۱۳۸۲)، نقش زنان فرهیخته در مدیریت بحران، مجله پیام زن، اسفند ماه، شماره ۱۴۴.

- ۲۱ دوانی، غلامحسین و امانی، علی، (۱۳۹۲)، حسابداری شرکت‌ها (مقدماتی)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ سیزدهم.
- ۲۲ رجیبی، مریم و شهبازی، طاهره، (۱۳۸۶)، مدیریت خانواده، تهران کتابخانه فرهنگ و تعاونی کارکنان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، چاپ سوم.
- ۲۳ رزاقی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، مدیریت خانواده و هزینه‌ها، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ پنجم.
- ۲۴ رضاییان، علی، ۱۳۸۵ ص: ۵۷.
- ۲۵ رعنائی‌فر، مائده و افشاری، زهرا و زمانی، فریبا، (۱۳۹۷)، مدیریت خانواده جلد (۱)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول.
- ۲۶ زارع، مرتضی، (۱۳۹۵)، بودجه‌ریزی به زبان ساده، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۴۲۴۶، شماره خبر: ۳۲۷۷۸۰.
- ۲۷ زارع، حسین و علی‌اکبری، مهناز و راصد، سعید، (۱۳۹۸)، روان‌شناسی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ سوم.
- ۲۸ ساعتچی، محمود (۱۳۷۷)، خانواده اولین آزمون رهبری مدیریت اثربخش، نشریه تدبیر، شماره ۸۱.
- ۲۹ ساروخانی، باقر، (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، چاپ هجدهم.
- ۳۰ سایت وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی.
- ۳۱ سوری، علیرضا، (۱۳۹۴)، اصول مبانی و رویکردهای مدیریت بحران با تأکید بر بحران‌های اجتماعی، فصلنامه مدیریت بحران، سال هفتم، تابستان، شماره ۲۴.
- ۳۲ سیف، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، اندازه‌گیری سنجش و ارزشیابی آموزشی، تهران: دوران، چاپ سی‌وسوم.
- ۳۳ شفیع‌زاده، علی، (۱۳۹۸)، حسابداری عمومی مقدماتی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ چهارم.
- ۳۴ شیرمحمدی، محمد مهدی و مصطفی چهاردولی، (۱۳۸۸)، کارآفرینی، تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، چاپ سوم.
- ۳۵ عزیزالهی، مهدی و سهیل مقدم، غلامرضا، (۱۳۹۵)، کارآفرینی، تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، چاپ سوم.
- ۳۶ عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه شماره ۲۰ - با تصرف و تلخیص.
- ۳۷ فتاحی، سیدمجتبی و روزبهان، محمود و ذاکری، ناصر و پیغامی، دکتر عادل، (۱۳۹۱)، اقتصاد، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوازدهم.
- ۳۸ فردوسی، سیما، فاطمه قسم‌زاده، با همکاری عاصفه اسدی‌فر، شهره تمنایی، مه‌لقا صفویان و معصومه صادق (۱۳۹۲). بهداشت روانی، رشته کودکانی نظام‌قدیم، شماره درس ۴۱۴۴ دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوازدهم.
- ۳۹ فیضی‌پور، علی‌اصغر و فیضی‌پور، محمدحسن، (۱۳۸۹)، مشورت در اندیشه سیاسی امام علی (ع)، فصلنامه کتاب نقد، سال سیزدهم، شماره ۵۷، ص ۲۲۹.
- ۴۰ قائمی امیری، علی، (۱۳۹۱)، خانواده در اسلام، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۴۱ قائمی امیری، علی، (۱۳۹۴)، تعلیم و تربیت اسلامی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ پانزدهم

- ۴۲ کریمی، محمود، محمد اسماعیل جلیلی، سروش رحیمیان، سیاوش ملکی‌فر، محسن مولایی نسب، فریده جعفری (۱۳۹۸)، کارگاه نوآوری و کارآفرینی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ سوم.
- ۴۳ کشوادی، طاهره (۱۳۸۶)، خلاصه کتاب امیدرایی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.
- ۴۴ گلستان هاشمی، سید مهدی (تابستان ۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر علم خلاقیت‌شناسی بر دانش و نوآوری، جهاد دانشگاهی: واحد صنعتی اصفهان، چاپ اول.
- ۴۵ گنجی، مهدی، (۱۳۹۲)، روان‌شناسی کودکان استثنایی براساس DSM-۵، تهران: ساوالان، چاپ اول.
- ۴۶ مجیب، فرشته و آزاده فضایی (۱۳۹۸)، پرورش مهارت‌های کلامی کودک، رشته تربیت کودک، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. چاپ سوم.
- ۴۷ مجیب، فرشته، سارا فرجاد، فاطمه قاسم‌زاده، اکرم دهقانی، شهربانو سرداری، سکینه راه‌پیما و معصومه صادق (۱۳۹۸). دانش فنی پایه، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ چهارم.
- ۴۸ مجیب، فرشته، نسرين امیدوار، شهرزاد رکنی (۱۳۹۴). فعالیت‌های آموزش پیش‌دبستانی، رشته کودک‌پاری، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوازدهم.
- ۴۹ محمدی، آریا، علیرضا و اکرم دهقانی و سکینه راه‌پیما و فاطمه لچینانی، (۱۳۹۸)، پرورش مهارت‌های ارتباطی و مشارکتی رشته تربیت، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ سوم.
- ۵۰ محمدی، رضا، (۱۳۸۸)، مدیریت خانواده در اسلام، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، نشریه اندیشه حوزه، شماره ۷۸-۷۷.
- ۵۱ مختاری، ستاره و زینب رحمتی (۱۳۹۸). مهارت‌های شناختی خلاق کودک، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوم.
- ۵۲ مدیریت مالی در شرکت‌های تعاونی، (۱۳۸۴)، وزارت تعاون، معاونت تحقیقات آموزش و ترویج، تهران: انتشار پایگاه، چاپ اول.
- ۵۳ مظفر، حسین، آیین‌نامه مدارس شماره ۶۵۲ از سایت شورای عالی آموزش و پرورش.
- <https://www.medu.ir>
- ۵۴ معظمی، شهلا، (۱۳۹۴)، حقوق خانواده در اسلام، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ شانزدهم.
- ۵۵ مفیدی، فرخنده، (۱۳۹۲)، اصول و مفاهیم آموزش و پرورش پیش از دبستان، رشته کودک‌پاری، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۵۶ نوری، اعظم (زمستان ۱۳۹۸ شماره ۷). عوامل تحکیم و استحکام خانواده دانش آموخته سطح جامعه الزهرا ۳، رشته معارف اسلامی، فصلنامه طهورا سال سوم.
- ۵۷ نوری، ربابه، (۱۳۹۴)، بهداشت روانی، رشته مدیریت برنامه‌ریزی امور خانواده، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش، تهران: دفتر چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ هشتم.
- ۵۸ نوری، میرزا حسین، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۰، ب ۳.

